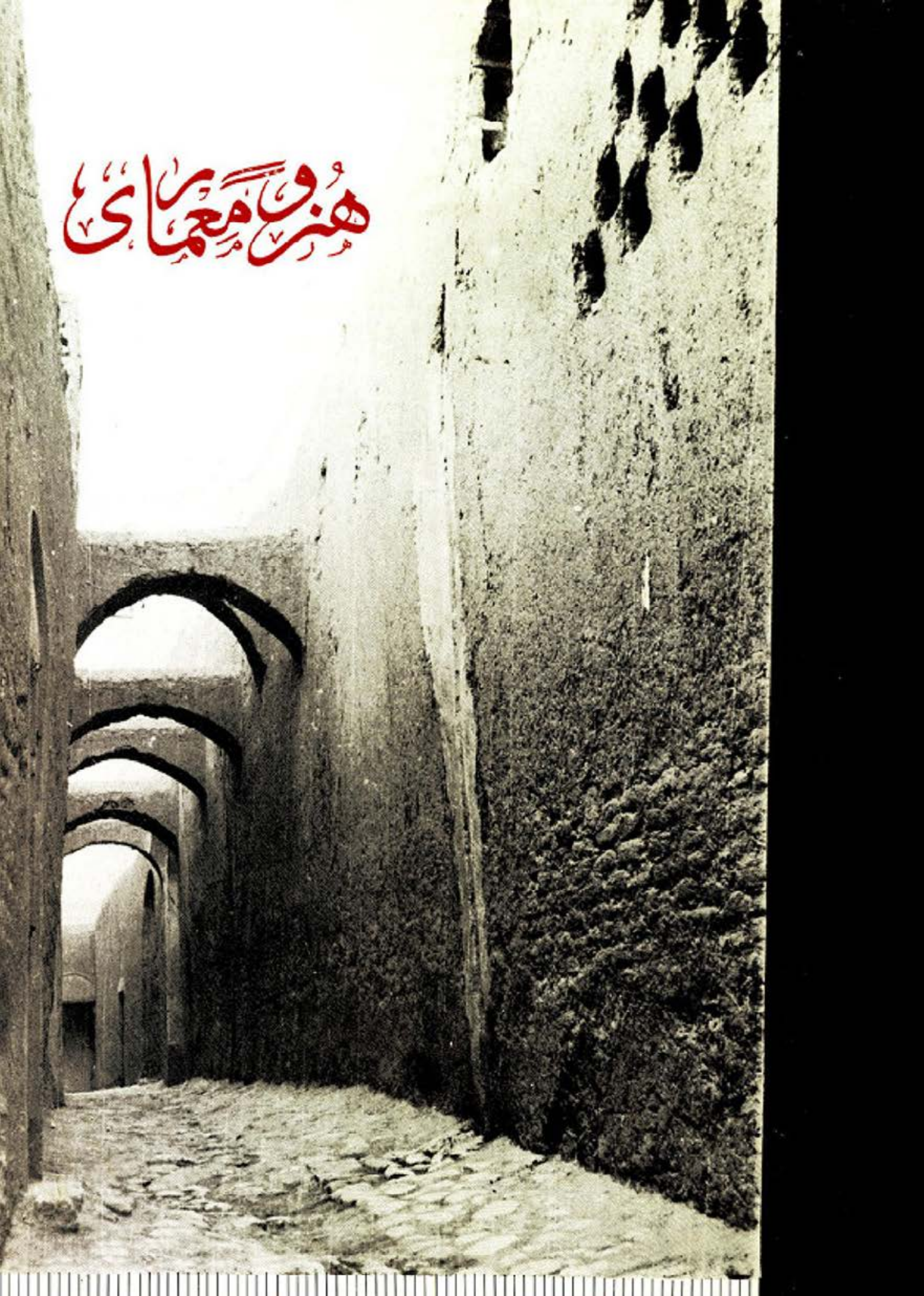


هنر و معماری
هر روز



هنرمعماری

از انتشارات انجمن آرشیستهای ایران

مدیر: عبدالحمید اشراق

همکاران این شماره

محمود ارجمندی	سرپرست بخش معماری
محمدهادی جوادی	متصدی امور اداری
لوئی دین	سرپرست بخش فرانسه
حسینقلی ملک نصر	متصدی امور فرانسه
حسین نجمی	متصدی روابط عمومی و تبلیغات
مسعود وکیل زاده	متصدی روابط بین المللی
خسرو آهوری	متصدی تنظیم صفحات

عکسها از: مصطفی سهرابی - سیامک رفیعی

آزاد زرین نژاد

تک شماره ۱۵۰ ریال برای دانشجویان ۱۰۰ ریال

اداره - خیابان ۲۱ آذر شماره ۹۲

تلفن ۴۰۷۲۱ - ۴۰۴۱۶

مقالات عقائد شخصی نویسندگان است.

شماره اول

فروردین - اردیبهشت - خرداد ۱۳۴۸

چاپ بطریق مسطح در چاپخانه سکه

تلفن ۳۱۳۹۳۴

... و درینا غار می‌نیم . ایام و سیرگاه

و بلكه خوشنما ، مقصد ، عتد و سبب از خاکی است که آرزو مند از شوق

جانی شد و دریم و درین کوش ، با سرنجه که فرستاده بر آید و در قندار

* سوک لغز که درین کوش را بدل داریم و خود شایسته لغز در کارها

و مومن خوریم و به سرنجه که می‌نیم *

* امید که درین سرنجه در جانب هر کس که خردن هر از ک برین صفت و

در سرنجه درین سرنجه سرنجه

بیشتر از روز و وقت و هر کس

در این شماره :

نویسنده

- ۱- سرآغاز
- ۲- انجمن بین‌المللی آرشیستکرها
- ۳- معماری در عصر حاضر
- ۴- سیری شگفت‌انگیز در معماری اسلامی
- ۵- آرشیگرام
- ۶- تاثیر تمدن اوقات فراغت در تکامل زیستی انسان
- ۷- نگاهی به انواع معماری‌های ابتدائی جیرفت
- ۸- يك معماری برای میلیاردها انسان
- ۹- معماری ایران در دوراهه سبك ملی و جدید
- ۱۰- شهرهای بزرگ و شهرسازی آینده
- ۱۱- طرح جامع اهواز
- ۱۲- نقاشی قدیم ایران
- ۱۳- فضا
- ۱۴- آرشیستکت و مهندس فنی
- ۱۵- روش جدید در معماری ایتالیا
- ۱۶- برنامه صنعتی ساختن ساختمانها
- ۱۷- گفتگوئی با آقای لرزاده
- ۱۸- دنیای پلاستیک
- ۱۹- مسجد کبود تبریز
- ۲۰- زیبایی و هنر
- ۲۱- از معماری تا شهرسازی
- ۲۲- گفتگوئی با مهندس علی‌زاده
- ۲۳- گفتگوئی با کامران دیبا
- ۲۴- مسابقه طرح تئاتر اصفهان
- ۲۵- کانون مهندسين فارس
- ۲۶- پروژه دیپلم مهندس علی ناصری
- ۲۷- پروژه بازار میوه و سبزی از مهندس علی نوائی
- ۲۸- پروژه دیپلم مهندس مسعود افرم‌نش تهرانی
- ۲۹- طرح نوسازی محله عودلاجان
- ۳۰- طرح دیگری برای نوسازی عودلاجان

م - الف

الیزابت بیزلی

پل سیوادون

آرپیار بطروسیان

مهندس وارطان

اهواز - علی ادیبی

طالار قن‌دیریز

وینزبان‌هام

آندره بلوک

ویکتوریو گریگوتی

دکتر سوگارف

مهندس مقدم

کنزو تانژ



UIA

اتحادیه بین‌المللی آرشیتکتها

تخولی شد که بدون شک باندازه تحول آرشیتکتور این عصر قابل توجه است.

در سال ۱۹۲۲ گروهی دیگر از آرشیتکتها در پاریس تشکیل مجمعی دیگر دادند بنام «میتنگ جهانی آرشیتکتها RIA» به ریاست آگوست پره Auguste Perret

و دبیری پیر وگو Pierre Vago در طول سالهای ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۹ RIA چهار ملاقات ترتیب داد. پس از یک طرف بین RIA و CPIA و از طرفی دیگر بین RIA و CIAM

همکاری پیمان آمد. باین ترتیب بود که در سالهای قبل از جنگ، سلطه طلبی در رقابت‌های جهانی معماری سرصفحه و سرمقاله مجلات بود. تا اینکه CPIA با داشتن نامه‌ای مبنی بر بوجود آمدن این وضع ناخوشایند به انجمن هریک از کشورها فرستاد. در سوم فوریه ۱۹۲۲ بنا بنظر نماینده انگلستان که در آنموقع سرآنتونی

اعضاء تأمین می‌کرد و اکثر شرکت کنندگان برای آن افتخارا کار می‌کردند.

هدف و کارکنگره‌های CPIA بالا بردن وضع حرفه‌ای معماران بود در همه جا و در زمینه وسیع‌تر بایستی گفت «تبادل جهانی‌بینش و تجربه».

در طول ۷۵ سال از سال ۱۸۶۴ تا سال ۱۹۳۹ چهارده کنگره جهانی ترتیب داده شد. پانزدهمین کنگره که برای واشنگتن در سپتامبر ۱۹۳۹ در نظر گرفته شده بود بخاطر بروز جنگ جهانی دوم حذف گردید.

در ۱۹۲۸ در سارازکاستل چند کیلو متری لوزان، جایی که VIA بیست سال بعد تأسیس یافت گروهی آرشیتکت اوان‌گرید طرح CIAM یا «کنگره» بین‌المللی معماری مدرن را ریختند. این جنبش قابل تمجید بود. اصولی که عرضه شد و همچنین نوشته شدن منشور آن باعث بوجود آمدن

بوسیله انجمن مرکزی آرشیتکت‌های فرانسه بوجود آمد. آنها درحقیقت در سال ۱۸۶۴ در پاریس تشکیل یک کمیته جهانی معماری را دادند که بعدها نام CPIA یا «کمیته دائمی بین‌المللی آرشیتکتها» را بخود گرفت.

در این سازمان کشور های مختلف هر کدام متناسب با شماره اعضاء انجمن های ملی خودشان نماینده فرستاده بودند. در هر کشوری نماینده ها برای کمیته بین‌المللی انتخاب می‌شدند. اداره مرکزی در پاریس در خانه بزرگی که انجمن مرکزی معماران فرانسه تقدیم کرده بود قرار داشت.

کارهایی که CPIA بعهده گرفته بود عبارت بود از: ترتیب دادن کنگره های جهانی معماری، بوجود آوردن آئین‌نامه، آگاهی دادن دولتها از تصمیمات و نظریات این کنگره ها و جلب کردن توجهات نسبت بخود. بودجه فعالیت های CPIA راحق عضوینهای

چندی پیش اتحادیه بین‌المللی آرشیتکتها VIA بیستمین سال تاسیسی خود را جشن گرفت. اکنون بجاست نظری اجمالی به سازمانهای جهانی معماری قبل از بوجود آمدن آن در سال ۱۹۲۸ بیافکنیم و سپس موقعیت فعلی خود را پس از گذشت بیست سال ارزیابی کنیم.

در این تشریفات فراموش نشدنی، با آگاهی از مأموریت خود در دل خالق و مسئولیت خود در مقابل انسان و اجتماع وظایف ناشی از آن، با بررسی کلی و جزئی در امکانات متنوع و مختلف حرفه‌ای، که وارد در انجام فعالیت هایمان است، مقتضی است که موقعیت خود را از دیدگاهی آن اندازه مسلط بیازمائیم که امیر-سیونی حقیقی بندهست آوریم و رخصت یابیم تا با طرح‌های وسیعی که برای فعالیت های آینده در نظر داریم آشناتر مواجه گردیم.

نخستین مجمع جهانی معماری

ادن بود تصمیم گرفته شد تا مسئولیت مطالعه و بررسی را بمعهده موسسه جهانی همکاریهای معنوی گمارند. این موسسه هم کمیسیون تشکیل داد که در آن CPIA و RIA نماینده معرفی شدند. این فعالیتها همانطور که می‌دانیم با بروز جنگ قطع شد لکن پسران دوباره ادامه یافت و اکنون تحت نوجهات یونسکو توافقی کامل حاصل آمده است.

در ظرف این سه سال مجمع با داشتن مشکلات فراوان ناشی از موقعیت های سیاسی کشور ها، بدون توجه بهر نوع تبلیغ سیاسی توانست پنج قرار ملاقات ترتیب دهد. سرتاسر تاریخ بیست ساله VIA همواره بیان کننده این مطلب بوده است که آرشیونتها همیشه خود را در مرکز مسائل اجتماعی قرار داده‌اند معذالک هیچگاه در ایده‌نولوژیهای حزبی اثر چه خصوصی هم باشد وارد نشده‌اند. کدام سازمان بین‌المللی می‌تواند در برتقال، مسکو، پاریس، لندن و هاوانا ملاقات داشته باشد بدون اینکه هدفش را گم کند و یا پای در راهپائی گذارد که دنیا در آن میان راهش را انتخاب می‌کند. مسلما کمتر سازمانی وجود خواهد داشت. در پرتو این خواست چیره VIA تاریخ صبورانه طرح ریزی شده خود را آغاز می‌نماید.

۱۹۴۵، درباریسی که هنوز جراحات جنگ را مرهم می‌نذاشت. اتوست‌پره. زیرک و بی‌سروصدا اطرافیش، خوردن استغن سن انگلیسی، باردال مونتیروپرتغالی، ژول‌گوبرت بلژیکی و مؤسس همگی بدستور پیرواگو. احسان‌هیجان و بحرك لکن استفهام. از کجاشروع کنم؟ تکلیف: کنفرانس سال‌بعدی در لندن.

۱۹۴۶. لندن، با ارزش و معتقد به جنبه علمی هرچیز، گرفتار فقر و بیوند نامه سیاسی. سی کشور اینجا هستند شرق يك لهستانی را نماینده کرده‌است هرنیوکی Hryniewiczki بیست سال دوست ما بوده هنوز یاد نگرفته‌ایم نامش را چگونه تلفظ کنیم همچنین نماینده چکسلواکی را. مذاکرات بی‌گیری که امروز دو شخصیت بزرگ اتوست‌پره و سربانریک ابرکرومبی

Sir Patrick Abercrombie بعمل آوردند بدون احتیاج بمداخله حکمفرما خواهد شد. در اطراف مانایندگان CIAM در شکستند. باید بما ملحق شوند یا بازگوشش کنندو به زاویه‌ای بچسبند که آنها را گرد هم آورد؟ نه آنها استقلال خود را که هنوز برای چند سال دیگر قدرت بازی کردن در دل رهبر را بانها می‌دهد حفظ می‌کنند.

در تمام این مباحثات و مناظرات يك فرد خستگی ناپذیر دل آشتی دهنده را بازی می‌کند. او ارنست بورکهارداست Ernst Burckhardt شهرت حرفه‌ای‌اش و نعمت آشتی دهندگی‌اش او را يك عضو پیوسته شورا کرده است. اوقرار است ده‌سال بعد بناگاه مانند دوستانی دیگر از میان ما ناپدید شود. هفته لندن بادو قرار ملاقات خانه می‌یابد.

بروکسل ۱۹۴۷ جهت مباحثه در قوانین آینده VIA لوزان ۱۹۴۸ برای تشکیل جلسه تاسیسیه و افتتاح اولین کنگره.

دربروکسل عاقبت شوروی نیز حاضر است و همچنین انجمن محترم CIAM قرار بعدی زانویه ۱۹۴۷ در پاریس بخاطر تشکیل کمیته موقتی VIA می‌باشد. تمام تجهیزات آماده است لکن ۷۵ سال‌ترادسیون CPIA بسادگی کنار گذاشتن نیست. تردید کوششهای سازنده را فلج می‌کند.

با وجود این آشفتنی ها، تمام امور در لوزان آماده گشته بود. آرشیونتهای سوییسی ترتیب کمیته تاسیسیه را داده و از جین تشومی Jean Tochumi فقید خواسته بودند که ریاست کمیته را عهده‌دار گردد همچنین ریاست نخستین کنگره را که به خاطر احتیاط با عنوان زیرتشکیل می‌شد:

پانزدهمین کنگره: بین‌المللی معماران. پنجمین ملاقات بین‌المللی معماری. سرپرستی ملاقات بمعهده اولیاء امور سوییسی بودیخصوص آنها که در کنتون Canson و ود Vaud ولوزان اقامت داشتند.

موضوع برنامه ملاقات «آرشیونگ با وظایف تازه‌ای مواجه است» سخت مورد توجه واقع شد و این فرصت و بهانه‌ای بود برای خبرنگاران جهت بدست آوردن مقالات متعدد.

این ملاقات علی‌رغم اینهمه جار و جنجال که پیا کرد برای کمیته موقتی UIA که مشکلات خود را بسختی برطرف می‌کرد زیاده موفقیت آمیز نبود. سیصد و پنجاه نفر شرکت کننده دعوت شده بودند که در شروع جلسه فقط یکصد و پنجاه نفر آمدند.

در افتتاح نخستین کنگره اجرایی که در يك فایق شناور روی دریاچه جلسه داشت جمعیت زیادی حاضر شده بودند و کوشش می‌شد تا از ورود افراد دعوت نشده جلوگیری بعمل آید. عده زیادی بی‌صبرانه انتظار می‌کشیدند تا سخنان نمایندگان دولتهای سوییسی و ود و همچنین ریاست جدید UIA سر پاتریک ابرکرومی را بشنوند. در سالن کنفرانس ترجمه های پی در پی کار را در گرفتن خبرهای مهم برای منشی ها و خبرنگاران آسان کرده بود لکن در این میان افراد غیر صبور را بسیار خشمگین می‌کرد.

برای پیروزی، قدرت ویلیام دانکل William Dunkel آدامی آرنولد هوشل Arnold Hoechel و تندی و شدت عمل مارسل لادز Maecel Lods لازم می‌بود. با همه اینها ناموقمی که افراد کنگره مجمع را ترک کرده بودند تصمیمات پذیرفته تلقی نشد. چه اهمیت دارد اکنون موفقیت حاصل است یکبار و برای همیشه اکنون که بیست سال از آن تاریخ می‌گذرد UIA می‌تواند با پیوند دادن ۷۵ کشور و متحد نمودن ۱۶ آرشیونگت برخورد بیابد. می‌تواند بگذشته پرپرکش با هیجان بتگرد و بطرف آینده‌اش با اعتماد پیش برود.

با بیست سال تجربه اکنون می‌تواند با جرات و افتخار پیشرفتی حقیقی را ادعا کند. ایده های مشخص مردانی که با صداقت‌گرد هم آمدند تا اتحادیه‌ای تشکیل دهند امروز بشکل قانون نوشته شده و بمرحله اجرا در آمده‌است بخوبی می‌توانیم ببینیم که این بیست سال چگونه آن افکار نخستین

را فرم داده است. با در نظر گرفتن انواع گرفتاریهای ملیتی رشد غیر منتظره اتحادیه محتملا حتی برای زیرکترین اعضاء اصلی نیز بسختی قابل پیش بینی بود. در زمینه حرفه‌ای واقعا بی‌نظیر است توافق کلی میان آرشیونگتها در يك پیکر بین‌المللی که هر نوع حد و مرزی را کاملا از میان برده اکنون به حرفه معماری این فرصت را می‌دهد که در مقیاس جهانی در بسیاری از فعالیتها مقامی بر معنی احراز کند این ما را به دیپانسیون دیگری می‌آورد يك دنیای وسیع کاملا متفاوت با آن که در بیست سال پیش وجود داشت.

فرهنگ معماران، تاسیسی موسسات حرفه‌ای با ارزش و سلاحیت دار، توسعه تکنیک که بتوان در اجرای بسیاری از قسمت های مختلف ساختمان تقلیل زمان داد و بوجود آوردن استانداردها آنها کمکهای استاز UIA

«ما در این بیست سال چند بله اولیه و اصلی را بالا رفته‌ایم لکن ثابت نمی‌توانیم ماند و این خود مسائل متعددی را برپایمان مطرح می‌کند. آن موفقیت که در رشد اتحادیه داشتیم شخصیتش را عوض کرده است. مثلا مسئله وسعت، خود اتمسفر ملاقاتهای ما را تغییر شکل داده‌است. این تغییری است که در ملاقاتهای اخیر برای بسیاری از اعضاء کاملا مشهود بوده است. بعلاوه اتحادیه اکنون کاملا بین‌المللی شده و دیگر تنها کشور های اروپائی نیستند که در آن شرکت می‌کنند. از هر کشوری در هر سطحی نماینده وجود دارد. تمام اینها مستلزم این است که نظری دوباره بآن معطوف داریم. ارزیابی اینکه کجا هستیم و کجا می‌رویم و مهمتر از همه محک سنجش ما برای حقیقت چیست ونقطه مقابل صلاحیتی که در عمل بآن امید داریم کدام است».

هرکدام از این روزها شاهد رشد قدرتی است که زاده تکنیک، ماشین و افزوده کشتن وظایف نسل های آینده است. مرتب و متعادل کردن آنها تعیین حدود و حیطه کیفیت آنها وظیفه آرشیونگتور خواهد بود».

«این برماست که براین مسئله بیاندهسیم تا ماهیت واقعی فردا حقیقی و زنده باشد».

معماری در عصر حاضر

زمانیکه در برابر يك بناى تاريخى كه ميراث فرهنگى گذشتگان است قرار ميگيريم دل از كف داده به به كنان لب به تحسين مي‌گشاييم !

اين تشويق و تكريم ها چيست يكنوع تصديق كوركورانه است يا احترام به آبا و اجداد يا يادآوري خاطره‌اي از گذشته باشكوه ؟ شايد هم گردزمان با ايجاد يك هماهنگي متناسب آنانرا چنين زيبا جلوه گر ساخته يا در تمام اين بناها خاصيت مشتركى است كه موجب هماهنگي بين آنان گرديده است ؟ بچستجو برآيم تا بدانيم اين عامل مشترك چيست . تسلسل زندگى در دوره هاى مختلف و حركت كند جوامع ، قرار گرفتن فرد تحت تاثير جمع و جمع خود مابين احساسات اجتماع ، بدينگونه بود كه مجموعه‌اي هماهنگ و در رابطه با زندگى مردم بوجود آمد و طى قرن‌ها تكامل يافت. با شروع فصل نو در زندگى و پيدايش فلسفه هاى جديد اين وضع دگرگون شد .

از اوائل قرن نوزدهم و پيدايش مكاتب مختلف فلسفى و فعاليت اوتوپيست ها ظاهرا قرن سر - گشتى انسان آغاز شد . اوتوپيست ها ميخواستند زندگى را در چهار چوب اوتوپى ها وايده‌آلهاي خود محدود كنند . ولى اين تلاش هاى خيالبافانه به ناکامى و شكست انجاميد .

يكنوع نيهليزم حاد دامنكبر جامعه شد . تا چاينكه نويسنده‌اي مانند داستايفسكى در داستان روياي يك انسان مسخره زندگى را به سراپاي رويما مانند شبیه کرده و مي‌گويد بهمان گونه كه ما در رويما وجود اطرافيان و جامعه خود را لمس ميكنيم ، و با بيدار شدن كلييه وجود هاى خلق شده در رويما مانند سراپاى معو ميگردد ، شايد زندگى ما نيز رويمايى طولانى باشد كه پس از بيدارى تمام مظاهر مادي اطراف ما بهمان گونه كه در رويما نابود ميگردد معو شود . در اين بين تفاوت عمده است بين انسان امروز كه با فرهنگى بيشتري ميخواهد سازنده زندگى جديدى براى خود باشد تا انسان گذشته‌ايكه زندگى ميكرد تا زنده باشد و كمتر خود را در مقابل اين سؤال قرار ميداد كه چرا زنده است ؟

و نتيجه جوابهاى مختلف بابت سؤال است كه هرروز موجى از جنبش هاى نوبچشم ميخورد ، بدین ترتيب هراينچه بالذات در رابطه بود با پديده شك و ترديد نگرسته شد و زندگى براساس روابط جديدى قرار گرفت .

بنیان هاى هنرى از ريشه دگرگون شد . اگر در گذشته هنر در خدمت ايمان مذهبي و با اجتماعى قرارداد داشت در اين قرن اصولاً بحث هنر براى هنر يا هنر براى اجتماع در گرفت . روابط قديمى و كهنه‌اي كه برپايه آنها هنر تحت تاثير طبيعت قرار ميگرفت امروزه دگرگون گشته است . وظيفه تقليد صرف از طبيعت حتى از دوربين عكاسى هم سلب شده است . هنرمند با طبيعت بمبارزه برخاسته و آن را دركار خود دگرگون مسازد بقول آندره ژيد «طبيعت براى هنرمند مانند هواست براى كبوتر كه در حين پرواز با هوا مبارزه كرده و در عين حال بالهاي او را تكيه‌گاهى جزء هوانيست» هنرمند امروز در عين حاليكه طبيعت را دگرگون كرده و با آن مبارزه مينمايد ، منبع الهامى جز طبيعت

ندارد و تنها منبع الهام مشترك بين هنرمند ديروز و امروز همان طبيعت است . با توجه به اينكه برداشتهاي اين دو نسل از طبيعت دو برداشت متضاد است ، يكى در توافق و ديگرى در مبارزه با آن .

وبدين نحو معيار هاى سنجش عوض شد . «هنرمند در اين قرن شاعدى بيطرف نيست بلكه خودداورى است آزاد از هرگونه قيدوبند.» «اين تعويض و بدور ريختن معيار هاى گذشته خود نقطه ختامى بنظر نمى آيد . بلكه چون مرحله‌اي است از يك دگرگوني معنوي بنحوي كه نهنها ميتواند فرهنگ را در جريان تاريخ مفلوب كند بلكه خود را نيز در نفس هستى خویش به چنين عاقبتى دچار سازد.»

در چنين شرايطى پديده هاى جديدى كه در زندگى خودنمايى ميكنند هيچ رابطه ذهنى با مردم ندارد . مبارزات شديد براى قبول و يارد اين پديده ها در ميگيرد تا آنجا كه چارلى چاپلين در فيلم عصر ماشين اين پديده ها را بياد استهزا ميگيرد و راه چاره را در بدور ريختن آنها ميداند و بدین نحو مشكلات صنايع ماشينى و دستى بوجود آمد . اثر اين مبارزه در طرز فكر مردم و رابطه آنها با يكديگر دو طرز فكر بوجود مي‌آورد مبنى بر رد و يا قبول ماشين .

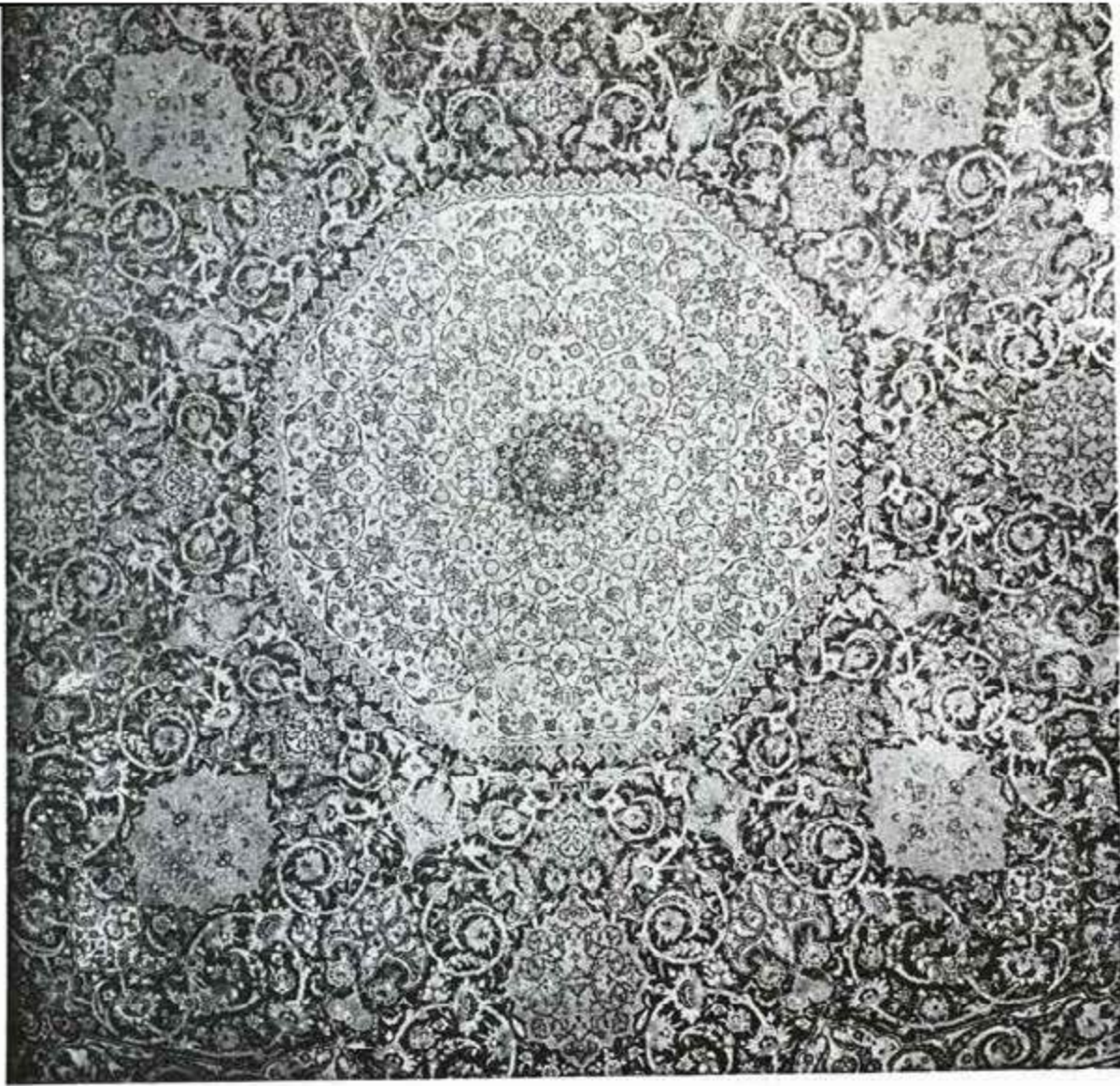
امروزه نظريه كسانى كه مي‌گفتند «صنايع ماشينى اجتماع را بطرف بربريت غير مستقيم مي كشاند و اين عوامل زمينه هاى معنوي را خورد ميكنند و در نتيجه تصادم بين انسانها بوجود مي آيد» بهيچ وجه قابل قبول نيست (نظريات موريى دراسكين) .

عليرغم اين تعبيرها ، پديده هاى جديد در اثر موقعيت اقتصادى خاص اين قرن و نوجوئى نسل جوان خود را بزندگى تحميل كرد . احمقانه است اگر امروز به مبارزه با اين تحولات برخيزيم و كوشش كنيم كه آنانرا از زندگى خود طرد كنيم امروزه ما مجبوريم از پديده‌هاى جديد استفاده كنيم در غير اين صورت هر كوششى مسلماً به شكست خواهد گرنايد .

معنى هنر در اين نيست كه در لاله گذشته فرو رويم وجهانى را كه در آن زندگى ميكنيم ندیده بگيريم . براى رسيدن به پيروزى تنها خدمتكار زيبائى بودن كافى نيست چون هنوز بحث است كه زيبائى در چيست .

«در چنين شرايطى هنرمند بايد سردهسته مخالفان شمرده شود . در اين شرايط هنرمند بانزوا و اخراج تهديد ميشود برعكس بي‌هنران بيكديگر صله عطا مي‌كنند با آنكه هنرا به ننگ مي‌آيائند عطفاى حقيقي وضع موجود شناخته نشده است . توضيحان شتابزده هم در اين راه كمكي نمى‌دهند چرا كه حتى از روشن كردن علت هاى دست دوم نيز ناوانند . در صورت فضاوت هم ممكن است نزديكى بلا ديدها را مفشوش كند .

مسلماً در پرتو مراحل ديرتر آمده خواهيم توانست دوران خودمان را با كليتش بشناسيم .» با در نظر گرفتن چنين شرايطى معماری نمى‌تواند خود را از جامعه و طبيعت دور پنداشته و راهى جدا از آنها طي كند .



سیری شگفت‌انگیز در معماری اسلامی

آنستکه معماری عظیمی را که بنظر عاری از اصول است آنرا امری بدیهی و مسلم بدانیم.

همانند آنکه در ساختمان انگلیسی که ممکن است بصورت کوتیک یا طرح دوره رنسانس یا معاصر باشد آنچه بدیهی و مسلم است که در مقابل نظر قرار گیرد و برای ناظر موقعی قابل رؤیت میشود که در ترکیب و صورت ساختمان ملحوظ شود اما در ایران چنین امری ضرور نیست چنانکه اگر گاهی از حیاط برخی از مساجد بزرگ به بالانظری ببیندازیم منظره‌ای را خواهیم دید که خود دنیای جداگانه‌ای که بر فراز نماهای کاشی‌کاری ایجاد شده است و علاوه بر این ما انتظار تغییرات حاد در مقیاس و ابعاد را نداریم

در این یادداشتها طرح‌هایی از ساختمان های فی‌المنل شهر اصفهان (طرح‌هایی که در شهرهای دیگر یکسانند) تهیه شده است که نه فقط عظمت آن خیره‌کننده است بلکه این طرحها برخی از تفاوت‌های اساسی بین معماران اسلامی، معماران اروپایی همان عصر و معماران عصر حاضر ما را توجیه می‌کند.

آرامش و سکوت حاصل از سنت قرون این اعتقاد را بوجود آورده است که بعضی از قوانین و اصول کاملاً پذیرفته شده‌اند و حتی تغییرات حاصل از نهضت مدرن هم نتوانسته است بر آن قوانین دگرگونی پدید آورد.

آنچه که بسیار هيجان‌انگيز بنظر می‌رسد

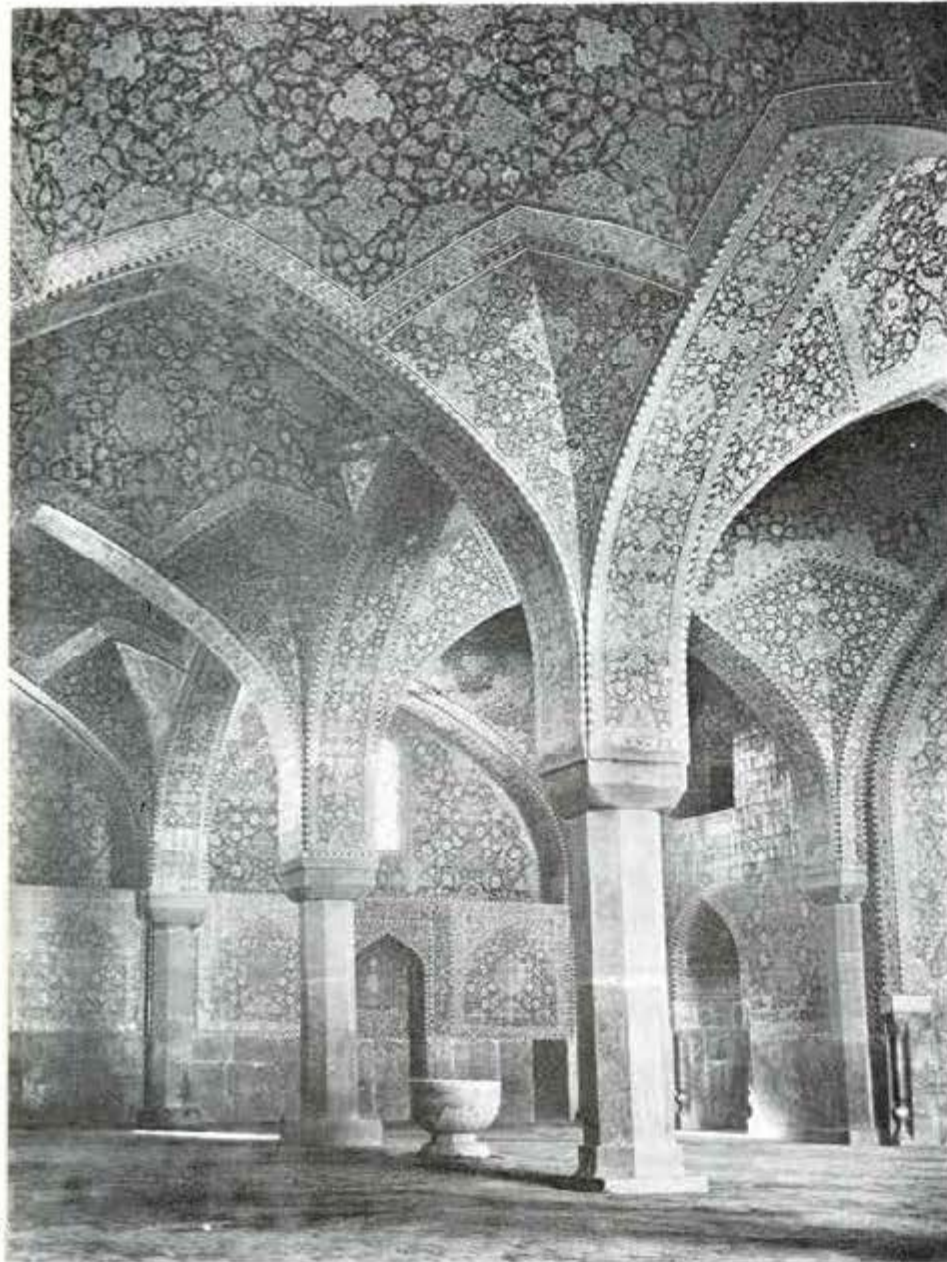
شگفتی هنر سقال سازی در معماری ایرانی و اسلامی یادآور آنستکه گرچه کار فراوانی در تزیین و سالمه نبشته متمرکز شده است با اینهمه به نسبت اهمیت درباره اسلوب ساختمانی کمتر نوشته‌اند (باستانی اثر مشهور آرتور پوپ).

در این مقاله ادعای تحقیق و تتبع به چشم نمی‌خورد بلکه تنها یادداشت‌هایی از برخی مشغله‌ها برجسته است که در معماری ساختمانهای اسلامی بنظر می‌رسد و این مختصات در تیب‌های متنوع و در دوره‌هایی مشترک است که بویژه برای اروپائیان امروزه عجب می‌نماید و این تأثرات شبهه‌هیجان‌آفرینی خواهد بود که برای مسافران قرن هفدهم بوجود می‌آید.

این حیرت و بهت نه فقط برای سادگی ظاهر و فقدان تزیینات دیوار های بزرگ آجری که بر فراز منتهی الیه گذرگاه طاقدار کاشی کاری افراشته شده اند حاصل میشود (دیوار ها ممکن است ناتمام باشند)

بلکه از جهت بی توجهی شایانی است که نسبت بآنچه که در سطح پائین قرار گرفته میدول گردیده وقتی کسی اطراف این ساختمان مجلل طواف می کند مکرر حس نظر کاری بداخل جناحین پشت طاق

مسجد شاه اصفهان



بالای صحنه القسا می شود و در آنجا بجای دیدار از تبرك ها (شمع) ست و بی بنیاد با معماری مواجه میشود که اگر شکوه و عظمت پیش صحنه را نداشته باشد با این وصف باندازه همان پیش صحنه هیجان انگیز است.

میسازند چنین منظره ای از پشت بام ها تا حدی نا آشنا بنظر می آیند ولی باید منتظر بود چون حیرت و بهت حقیقی در شرف وقوع است.

در داخل شبستان شکوهمانگیر و مناسب مسجد از سادگی و درخشش نور آبی رنگ حاصل از راهرو های گنبدی که فقط شکستگی آن در کناره ایوانهای بزرگ است که در چهار گوشه محل واقعه احساس عمیقی حاصل میشود.

اما تکان دیگر که کاملاً متباین است از پشت مدخل سردر بزرگ عقبی بین مناره

ولی این تغییرات ممکن است بر حسب اتفاق بین دو ساختمان مجاور رخ دهد (گاهی بر حسب مد روز الحاقاتی بچشم می خورد ولی معمولاً این تغییر ناگهانی در یک ساختمان کمتر مورد قبول واقع میشود) و بدانشجویان رشته معماری در قبال این امر احتیاط لازم داده شده است ولی در ساختمان هایی که بدستور شاه عباس ایجاد شده اند یک تغییر بدون تامل و تفکر عاملی خواهد بود که حساسیت مقاومت ناپذیری را بر حسب موقعیت برمی انگیزاند انحراف و بیراهگی طرح خود کاربرد دیگری برای توفیق در ایجاد دوام خواهد بود در یک معبد بسبک کلاسیک یا یک کلیسای قرون وسطی، مدخل اصلی معمولاً محوری و کانونی محراب قرار می گیرند.

در بعضی از بزرگترین بنا های مذهبی در ایران تغییرات سریع و ناگهانی درست و جهت یا مداخلهای چرخشی غیر منتظره (این مداخلها معمولاً رو نقله (مکه) هستند و مدخل ویژه مسجد بشمار می آید) بدون هماهنگی پذیرفته شده اند و در ضمن سهم زیادی در تأثیرات نمایی دارند و آنچه در وهله اول تدبیر و طرح شکفت انگیزی تصور میشد بصورت نتیجه روش درخشانی از طرح نمایش سودمندی درآمده است.

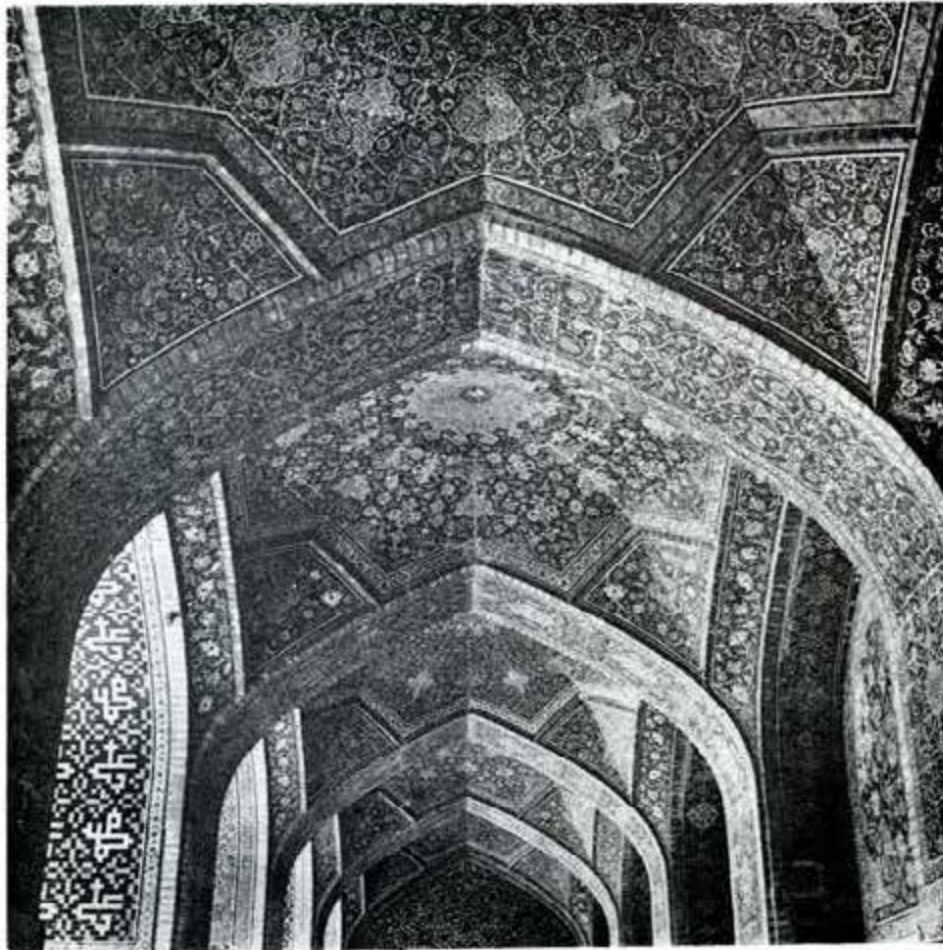
روش طراحی یا طریقه که نگرستن به بنائی را روا می دارد تا مشاهده الحاقی تند و سریع معماری آذین شده بسیار دلنبرایی را فراهم سازد و در حالیکه این امر هیچگونه وابستگی و توافق با اصول زیبایی ندارد و بصورت اثری برجسته بدون آرایش دارای محور ساختمانی عملی تشریح می گردد.

ناظر هنگام تماشای یک ساختمان از نزدیک از ارزیابی ساختمان دیگری متحیر می ماند بنابراین چنین می نماید که برای تماشای کامل یک ساختمان بایستی فاصله نسبتاً دور یا زاویه خاصی را انتخاب نمود. مسجد شاه که بدستور شاه عباس بنا شده است در انتهای میدان (بزرگترین میدان اصفهان) قرار دارد و این مسجد دارای این قبل فواصل رویت میباشد.

منظره مسجد از تالار عالی قابو از این تالار پیمایشهایی را که اجرا میشود تماشا می گرداند.

این دیدگاه را برای یک فرد خارجی نمایانگر شکفت انگیز ترین منظره مربوط بفن معماری بشمار می رود. زیرا نمایی معماری آنچه از بناها کاشی کاری شده شکل عجیب و بدیع بنظر می آید هنر تزیین و ریزه کاری بزرگترین گنبد کاشی کاری شده که خود در زمینه صورتهائی از طاقها و گنبد هائی که از خسته های ساده درست شده است قرار می گیرد و در پشت بناهای اصلی سادگی خشن این بناهای آجری تضاد خود را نمایان

است که غفلتاً بما وارد میشود. وضع و صورت نا آگاهانه این اثر ایجاد چنان تأثیری می نماید که کار قرن بیستم در مقایسه با آن کاملاً بی روح است. محل داخلی کناره شبستان نیز حیرت و شکفتی های زایدالوصفی را ایجاد می کند.



مسجد شاه اصفهان

چنین نگرانی برای اروپائیان در بدو امر بدون آنکه از ارزش عظمت بنا بکاهد برای آنها سرور آمیز ولدت بخش خواهد بود . پس از يك يا دو هفته این تضاد شدید حساسیت خود را از دست میدهد و انسان ناخودآگاه موافقت خود را با علاقه غیر محسوس ابراز میدارد و چنانکه معلوم شده است آب و هوای اقلیمی در پذیرش چنین امری نقش حساسی را بازی می کند .

در پشته قلات ، ایران که استثنائاً در تمام سال روشنائی شدید و درخشندگی زیاد است چشمها (بحرچشمان مشتاق تماشاگران) در چنین مکانی در پهنه یکدست آسمان خیره کننده سرگردان نمی شود و همچنین در مقابل ساختمانهای مرتفع محله های فشرده که در آن بر آسمان سر برداشته اند بقرار نمی شود و این امر بویژه درباره دیدارهایی از خشتها که منعکس کننده نور کم رنگی است نیز محسوس است نگاه کردن بدیوارهای تحتانی بخموس اگر این دیوار ها دارای رنگ جاذب همانند کاشی های آبی باشد و حتی اگر این دیوار در سایه های عمیق طاقنها شکسته به نظر آیند در هر حال نظر دوختن به آنها بسیار سهل و راحت است چشمها برای دیدن و آگاه کردن سلوح تحتانی بزیور کشیده میشوند و زمانی چشمها بیلا کشیده میشوند که کاشی کاریهای روبروی ایوانها و همچنین کاشی کاریهای روی مناره ها و گنبد های اصیل مورد تماشا قرار گیرد و چنان بنظر میرسد که گوئی کاشی کاریها جاده برای عبور چشمها تعبیه کرده اند تا آثار اعجاب انگیز را به پیمایند .

مسجد ها از لحاظ طرح و نقشه هم حالت نمایشی غیر منتظره ای پدید می آورد و این حالت نوعی بهت نیست بلکه ناشی از راه حل هائی است که برای مشکلات مربوط به گردش دوران یافته اند و از طرف دیگر تراکم بازار ها و کوچه های حقیر که از گل فرش شده اند و بلافاصله بعد از مدخل ظاهر میشوند که خود تضاد تأثیر انگیزی ارائه میدهند .

در سردر بزرگ مسجد شاه که با دقت خاصی ناظر به پائین میدان است هیچ اثری از تغییر ناکهانی محور ها که بلافاصله در پشت سحنه قرار می گیرند به چشم نمی خورد . تقارن آرامش بخش سردر بوضع بسیار مناسبی جلوه گری می کند و مسیر مدخل گذرگاه آن از میان درگاهی کوتاه که از زیر طاقی های مرتفع است عبور می کند و ناگهان متوقف می شود . (طرح راملا حظه فرماید)

شرح طرح میدان شاه اصفهان

۱- مسجد شاه ۲- مسجد شیخ لطف الله ۳- عالی قاپو ۴- میدان (درازا ۵۰۰ متر)

لازم است و اگر کسی تحت تأثیر قرار گیرد و اگر جمعیت مجبور بحرکت آرام که در آن هنگام افراد راه خود را پیدا می کنند و گرنه حس جهت یابی را از دست داده و راهش را گم می کند .

ولی در این مسجد تأثیر درخشان میدان و حیاط آفتابی قمت عقب پیوستگی مداومی با سایه مدخل دارند (روبروی شمال) بدین گونه فرد خارجی بداخل کشیده میشود و همانند پروانه ای که بسوی نور کشیده میشود به ناچار در آن سمت می بیجد بجای يك لحظه تردید فریفته و طلسم میشود .

یعنی در اثر ژرفای درختان حیاط و ایوان محل مقدس فریفته میشوند .

حس اعجاب کاملاً متفاوتی در مسجد زیبای شیخ ادافا اله که در قمت شرق میدان قرار گرفته است در انسان برانگیخته میشود دوباره چشم کنجکاو از زمانیکه گنبد معلق بیرون از مرکز مدخل سر در را می بیند و چیز غیر منتظره ای را که در حال تکوین است تمیز می دهد و این برای او شبیه چیزی است که در عکس هائی که از سطح بالا برداشته باشند مشاهده میشود .

دوباره محور شمال جنوبی میدان و موضع

۵- بازار و محراب که بر روی دیوار قبله قرار گرفته که بطرف مکه جهت یابی شده است (جنوب - غربی)

کانونها بر محوری که بازویه ۴۵ درجه چرخشی دهلیز قرار گرفته بوسیله تختگاهی که از طاق راس می گذرد مسدود می شود و بلافاصله در زمینه مقدم کاسه سنگی پرشکوهی قرار گرفته ، که برای جلب توجه و توجیه علام گردش است .

شخصی که وارد مسجد میشود به نسبت راهرو های باریکی (دیوار ها کشیده نشده بلکه دارای ستونهای حامل طاقهاست) باید بسمت راست یا چپ به بیجد . حالا عبادت کنندگان رو بقبله دیوار محراب و همچنین رو بمکه قرار گرفته اند .

این ارتباطی جغرافیائی با شهر مقدس است (در جنوب غربی و محور شمال جنوبی) میدان که معمار آنرا بمورثی در آورده که بیگانگان را قبل از اینکه وارد حیاط بزرگ شوند بوضعی خاص مهوت و ترس آمیخته باحترامی در آنها پدید می آورد .

این اثر مقاومت ناپذیر آنی است ولی بوجه بی نظیری شکوهمند است در شمال اروپا جائیکه اختلاف بین سایه و روشنائی زیاد نیست در روشنائی ملایم حس جهت یابی

ها چنان بهم می پیوندند و در حالیکه بصورت راهروی طاقدار درآمده اند که بلافاصله ایجاد آنچنان احساسی بوجود می آید که مقیاس معمولی ما مقایسه تالار تحتانی کوچک بنظر میرسد.

شاید هلالی ترین اندازه از چشم انداز فلات (پشته) این چنین تغییر ناگهانی را برای ایرانیها باقی گذاشته است که بآن عادت کنند.

دیدار میل ها خالی از کوهها و عبور از آن و ورود بقریه دیوار کشیده از طریق مدخلی در ورودی خود یک منظره عمومی

و مشترک است. بلافاصله مقیاس از وسعت عام سطح خاص و محدود و فردی جهش پیدا می کند. در انگلستان ما بمقیاسات دست بشری یعنی مزارع نمونه ای عادت کرده ایم که با مقیاسات قریه ای که از مجموع خانه های کوچک میباشد خیلی کم تفاوت دارد. شاید این دگرگونی های ناگهانی مربوط به تنوع فلات (پشته) باشد که چهارچوب فکری را ایجاد کرده است که در آن تعبیرات مقیاسات طبیعتا قابل قبول می شود. نوشته البرایت بیزلی

مکه بایستی تحلیل نشود خورد مدخل در زاویه داخلی معبر عربش قرار گرفته است و در حالیکه راه دیگری برای جهت گیری وجود ندارد و با وجودیکه هیچگونه علامتی برای مدخل اطاق گنبد وجود ندارد و معماری با پیچ راست گوشه در جائیکه چیزی قابل رویت نیست وجود دارد بمحض رسیدن بگوشه آمیدی برای دیدار مدخل سوسو میزند ولی مدخلی وجود ندارد. در منتهی الیه مکان در محکم بسته ای قرار دارد و با جزئی تغییر در نور امکان وجود مدخلی در دیوار به یقین مبدل میشود متفذ نا آشکاری بدیوار برشی میدهد که ضخامت اصلی آن در حدود ۸ پا و ۲ اینچ میباشد.

تقلتا بجائی میرسد که در آن بالا شاید زیباترین گنبد در تمام معماری های اسلام معلق و شناور است محراب مقابل در داخل دیوار چندپائی از مدخل دری که بطرف میدان باز میشود فاصله دارد و خارج آن محلی است که طواف زائرین از آنجا آغاز می گردد.

بالاخره در آنجا شبهه تعبیرات مقیاس ها نمایان است.

این امر ممکن است در ضخامت دیوار، در عظمت ضخامت داخلی دیوار حادث شود که آنرا پذیرا میسازد.

سنت راهروی کوتاه مقیاسی است که نه فقط در خانه های شخصی اجرا می گردد بلکه در ساختمانهای کاخهای شاه هم ملحوظ شده است.

فی المثل کلاه فرنگی چهل ستون یعنی ستونهای مشهور تالار که بدون انحراف حامل سقف است در حدود ۴۸ پا در بالای اجر فرش قرار گرفته اند.

این مقیاس بیش از اندازه درخت تریزی است.

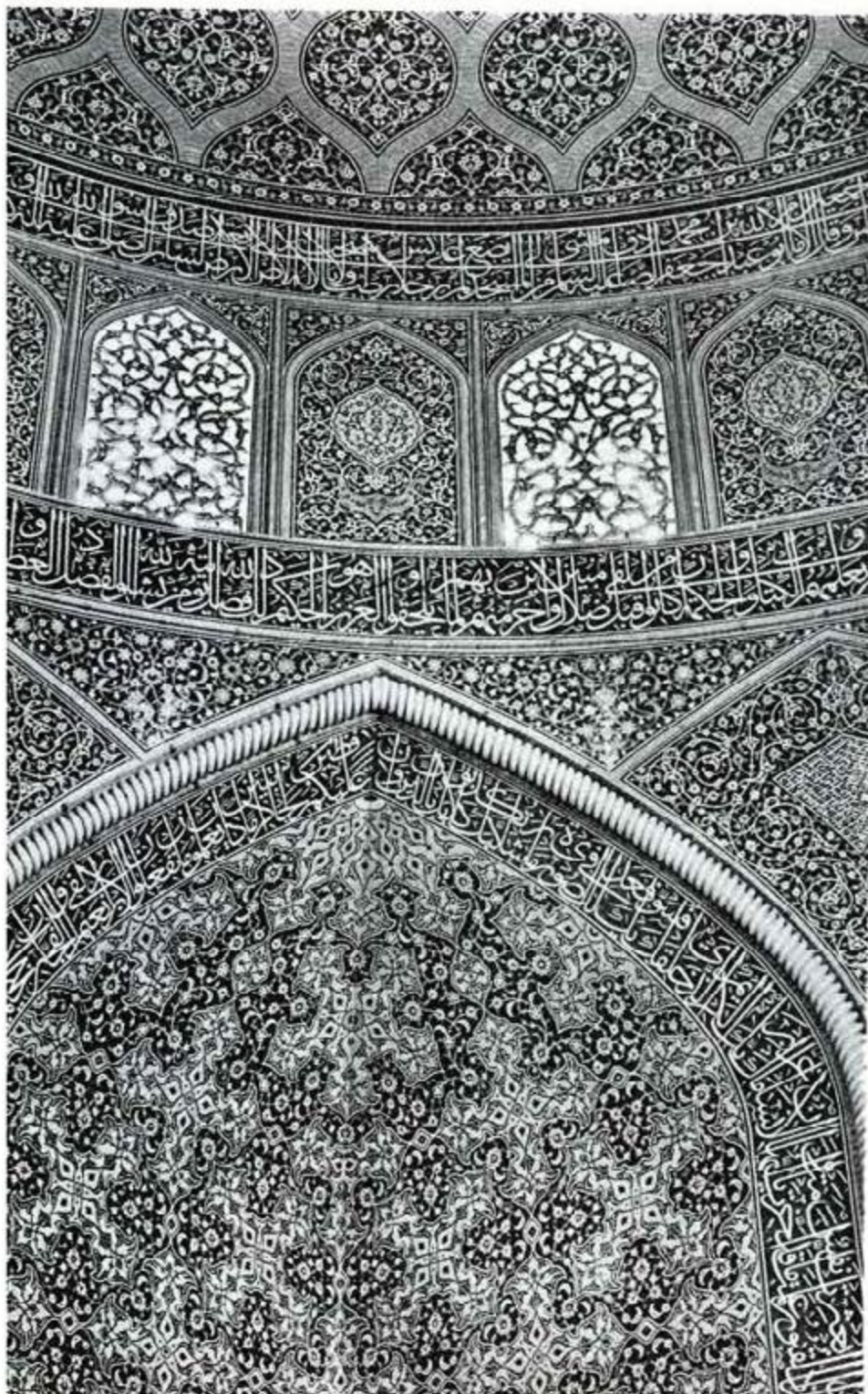
در مجاورت سالن مجتعبین درهائی است که فقط ۶ پا و ۷ اینچ عرض و ۶ پا و ۹ اینچ ارتفاع دارد و درها بسالن باز می شوند که بمقیاس ۳۹×۳۶×۷۲ پا میباشد.

حجره های کناری بسیار فرح انگیزند و راهروی طاقدار در اطراف دیوارها کشیده شده اند که در سطح راست در فوقانی به مقیاسی قرار می گیرند که چیزی بیشتر از یک خانه شخصی ندارند در حالیکه سقف گنبدی بالای آن احساس فضا و هوای لازم را در اقلیمی داغ فراهم میسازد.

دگرگونی ناگهانی مقیاس و اندازه در دیگر کلاه فرنگی های شاهی امفهان بیچشم می خورد فی المثل در عالی قابو محلیکه اطاق های کرسی بلند آن بشکل اعجاب انگیزی کوچک بنظر میرسند.

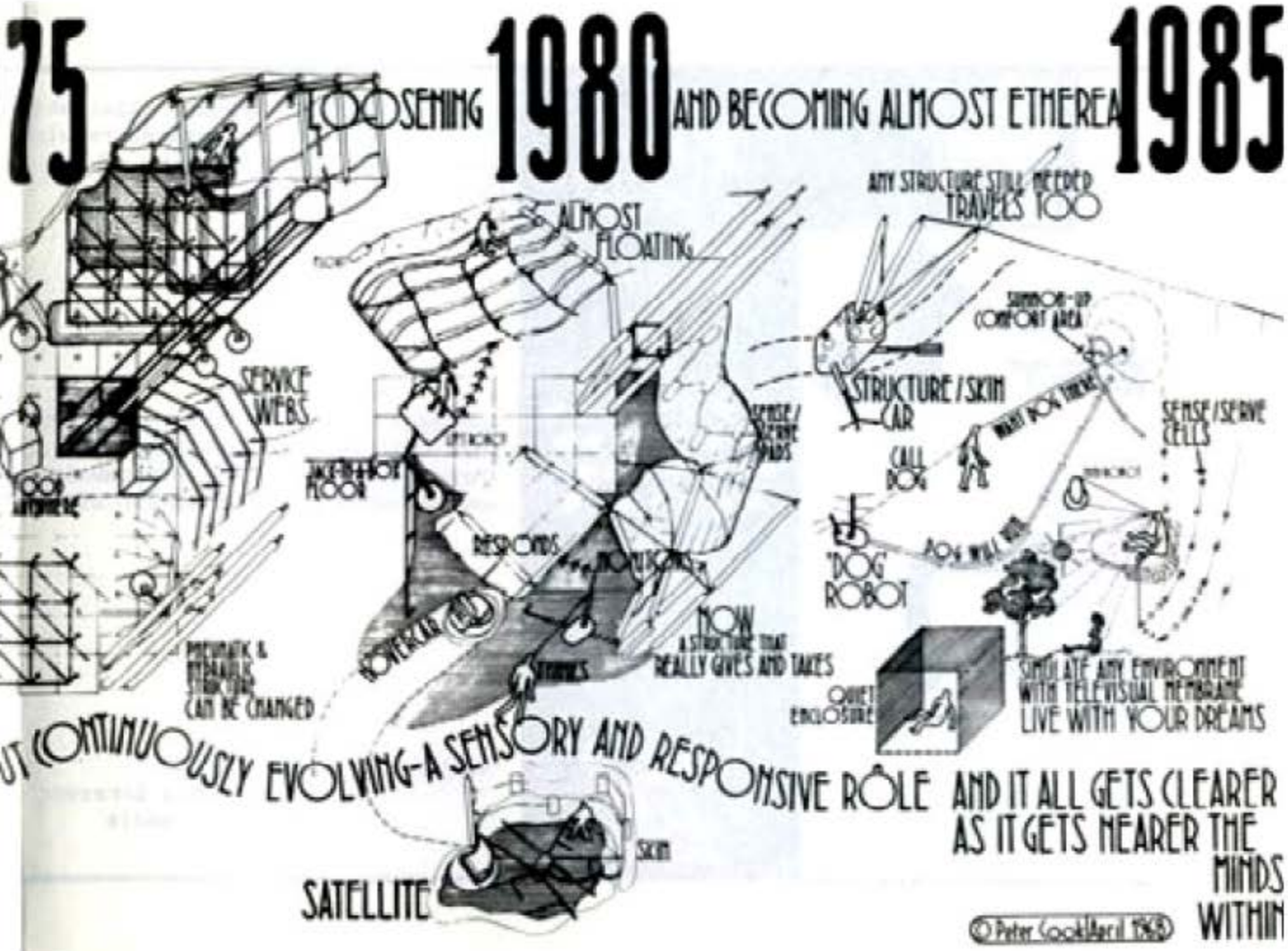
دوباره تمایل ایرانی به آلاچق و طاقچه

مسجد شیخ لطف اله (اصفهان)



ARCHIGRAM

آرشیگرام



© Peter Cook April 1980

سایر لوازم صنعتی روز مره طوری تعبیه شود که بتواند به مرحله‌ای از معماری جدید برسد.

قابلیت تغییر

در زندگی روزمره، ناخودآگاه وسایل مصرف را از بین می‌بریم پس از تهیه و بدست آوردن قوطی‌های غذا، لباس‌های کاغذی، انواع قلم‌های خودکار، و چیزهای دیگر، بلافاصله آنها را دور می‌اندازیم. حتی لوازمی که مهم‌ترند (مانند اتومبیل و گاراژ) و در طرح‌شان کهنگی و پوسیدگی هم دیده نمی‌شود، به همین سرنوشت دچار بوده پیوسته تغییر می‌یابند و نسل نازده‌ای جانشین آنها می‌شود. امروزه تجهیزات کاغذی بناها، بصورت مد روز درآمده و در شهرهای مختلف بکار می‌رود. برای نمونه، در بیمارستان‌های کشور انگلستان، از

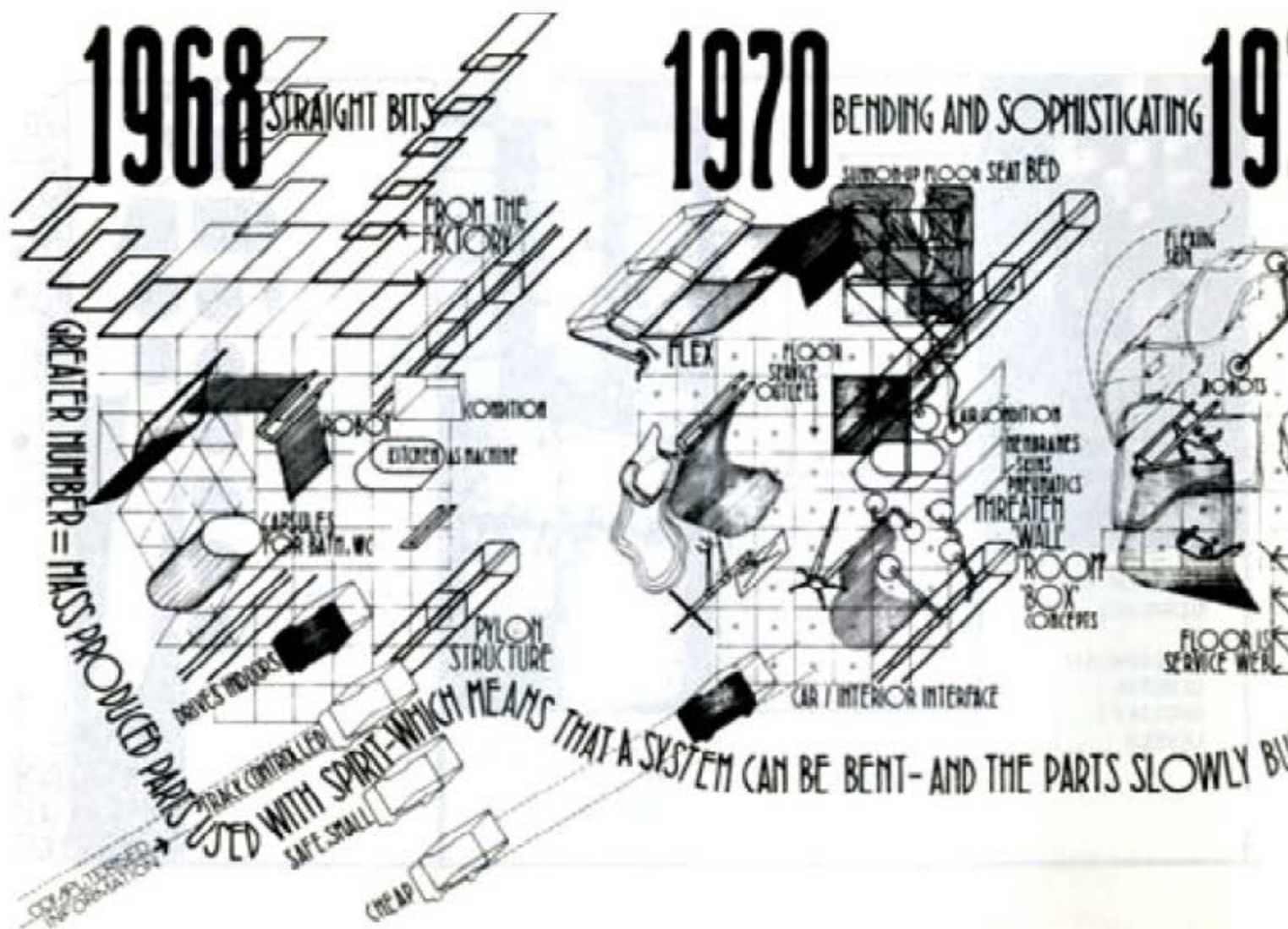
و دلایل پراکنده آن از نقطه نظر مادی، از جمله مطالبی بود که مرتب روی آن بحث میشد. باین ترتیب در شهر سازی، موقعیت‌ها نمی‌توانند بدون در نظر گرفتن این مسائل انتخاب شوند. شکل، فضا، محوطه، و فشار ناروانی که از محیط بسته ما سرچشمه می‌گیرد، در هماهنگی شهر وقفه‌ای بوجود می‌آورد. معماری مدرن تمام این عوامل را بهم مربوط میکند. اگر گرفتاریهای ناشی از این مسائل نادیده گرفته شود تصور کلی از مفهوم «معماری مدرن» خیلی بی‌ربط به نظر خواهد رسید. آرشیگرام پیشنهاد می‌کند که ساختمان باید از قد فرمول‌های از پیش تصور شده، انضباط مربوط به آنها و همچنین از بند هنرایده‌نولوژی‌ها آزاد باشد. ساختمان‌ها پشت‌سرهم در امتداد سرپوشیده‌ها قرار گیرد و بلای هوایی و خیابان‌هایی آنها را بهم مربوط سازد. طرز تولید ساختمان و وضع عبور و مرور درست همانند روش تولید ماشین و

شش معمار جوان در دفتری کار می‌کردند. آنها در عین حال که افکار و طرح‌های خود را مستقل پیش می‌بردند، در بسیاری از مسائل همکاری و همفکری داشتند. این امر باعث شد که مجله «آرشیگرام» را بوجود بیاورند. شماره اول آن طیفیان و خروشی بود در برابر نابسامانی نوع معماری که شهر لندن را دربرداشت در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۶۱ کار شاگردان مدارس معماری تنها کاری بود که میشد به آنها توجه کرد.

معماری قابل تغییر، وابستگی به سنت‌های ساکن و مسخره، فضای فلزی «ساخته شده با مواد و عناصر فلزی»، گرفتاریها و فشارهای عمومی، روانشناسی «وان‌دیر» و روانشناسی معماری («سوپرمن»، معماری اقماری در رابطه با کرات دیگر

چهاردهم

هنر و معماری



هائی خلق کنیم که همگام با پیشرفت علم و صنعت و تغییر فرهنگ بشریت باشد. معلوم نیست بچه دلیل هنوز هم یک نوع وابستگی با اشیاء کهنه (مانند لوازم آشپزخانه) وجود دارد. در صورتی که طی دوازده سال آینده، این اشیاء از لحاظ رابطه با استاندارد های روز، نامناسب میشوند و در بیست سال آینده وجودشان تحمل ناپذیر خواهد بودو حال آنکه اتومبیل کهنه چهار سال پیش، نهوع اور نیست. فکر بوجود آوردن محیط قابل مصرف هنوز هم به جهانی وابسته به یک نوع آنارشیسم و هرج و مرج طلبی تلقی میشود. مثلاً میگویند بجای اینکه به فکر تعمیر یا استفاده از وست مینسترایب باشیم، آنرا با بولدوزر خراب میکنیم. اما ما «وست مینسترایب» را با بولدوزر خراب نخواهیم کرد. باین مطلب باید اضافه کرد که در احداث ساختمانهای غیردالمی به فشارهای اقتصادی نیز توجه میشود. معماران اولین گروه اجتماع هستند که رابطه بین جنبش

پایه زندگی بروی مواد مصرفی قرار خواهد گرفت. اینکه مردم فلسفه «خوش آمدگونی» را بصورت پدیده سالم و مثبتی پذیرفته اند، بخاطر درجا زدن اجتماع نیست بلکه به علت پیشرفت تولید است که بالاخره باعث انحطاط اصول اجتماع خواهد شد. خانه های دسته جمعی ما عبارتست از جعبه هائی که درهم و پرهی روی زمین چیده شده اند، بامقیاس کوچک تولید برای مصرف آنها همین اجزاء محیط ما را تشکیل میدهند.

شاید اکنون لازم باشد این اشیاء که بعنوان فضاها و مکانهای زندگی و کاری مشهورند، تحت عنوان «اشیاء مصرفی» یا «فلسفه تولید برای مصرف» مطالعه شوند و بتوان آنها را انتخاب کرد و خرید. بهر حال با داشتن چنین ایده ای باید آنها را بصورت «قابل مصرف و «کارخانه ای» مطابق خواست روز درآورده و آن را بعنوان پایه ای برای «طرح های مصرفی» بوجود آورد. ما باید محیط

ملافه های کاغذی استفاده میشود و شهرداری لندن در حال ساختن خانه های محدود و استاندارد چادری است. باین ترتیب در «بوم شناسی» هر طبقه ای از اجتماع ما با هر سطحی از کالاماجابجائی خاصی همراه با تغییر مداوم، پدید آمده است. باین دلیل در انواع خانه ها نیز، تغییراتی بوجود آمده است. در گذشته مردم خود را به پوشیدن یک دست لباس، بانوع مشخصی از آن، مقید میکردند و خانه و لوازم آن را بقدری بادوام فراهم میساختند که بتواند برای فرزندان شان هم مفید و مورد استفاده قرار گیرد. اما اکنون این طرز فکر بکلی منسوخ شده است و مردم بیشتر طرفدار این فکرند که مثلاً لباس خود را حتی المقدور سال بسال عوض کنند. در چنین حالی نباید تعجب کنیم که چرا فلسفه «خوش آمدگونی» بجای فلسفه «استنی» در زندگی مردم پذیرفته شده است. این طرز فکر در اجتماع ما روبه ازدیاد است و احتمالاً در آینده

ها و پیشرفت های فنی و ساختمانی را برقرار میسازند . در نتیجه آدم قرن بیستم باید متکر «قابلیت تغییر به مقیاس وسیع» باشد زیرا بیشتر ساختمانهای موجود ، با قابلیت صرف تکنیکی شان، جوابگوی حقایق و پیشرفت های اجتماع نیستند و وجودشان از پشت نقاب ساختمانهای پایداری به صورت مونومان هایی درآمده که حتما باید از بین برود .

جدول بقاء نسبی المانهای مختلف ساختمان

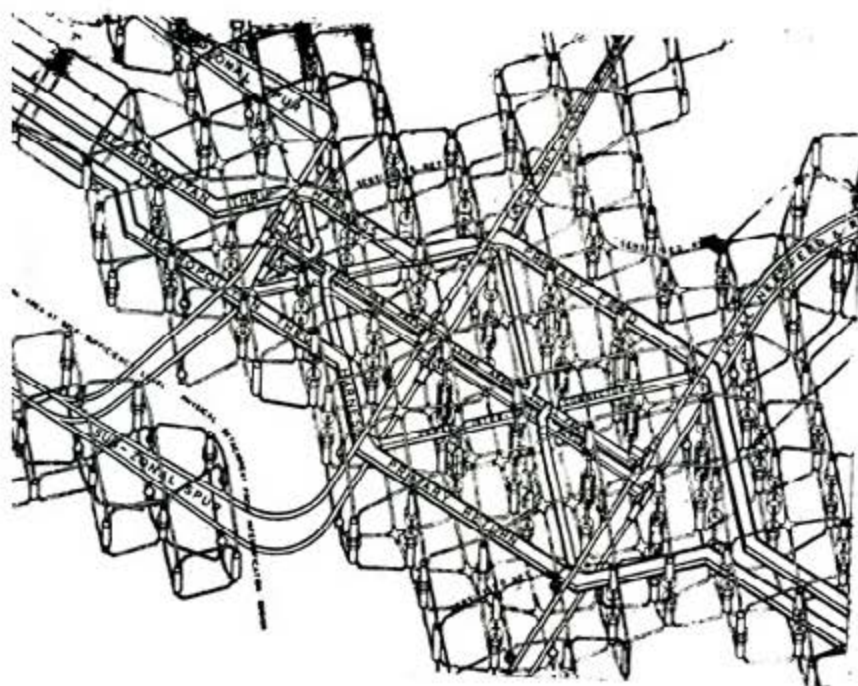
ط	جایگزین میشود	حمام با آشپزخانه ، طبقه اتاق زندگی
۶ »	«	اتاق زندگی
۸ »	«	محل خواب
۵ »	«	محل بخشهای زندگی
۸ »	«	قسمت های سریع الاحتیاج مانند بازار
۲ »	«	مغازه های محلی
۸ »	«	مغازه های بزرگتر و فروشگاهها
۱ »	«	محل های کار و ادارات
۸ »	«	ادارات خودکار و الکترونیکی
۱ »	«	جاده های ماشینرو و غیره
۱ »	«	ساختمان اصل مجموعه

آرشیگرام

طرح يك شهر الكترونيك

۱۹۶۴ سال Campater City

طراح Crom Pton



گروه آرشیگرام. کار عرضه شده به بینال پاریس

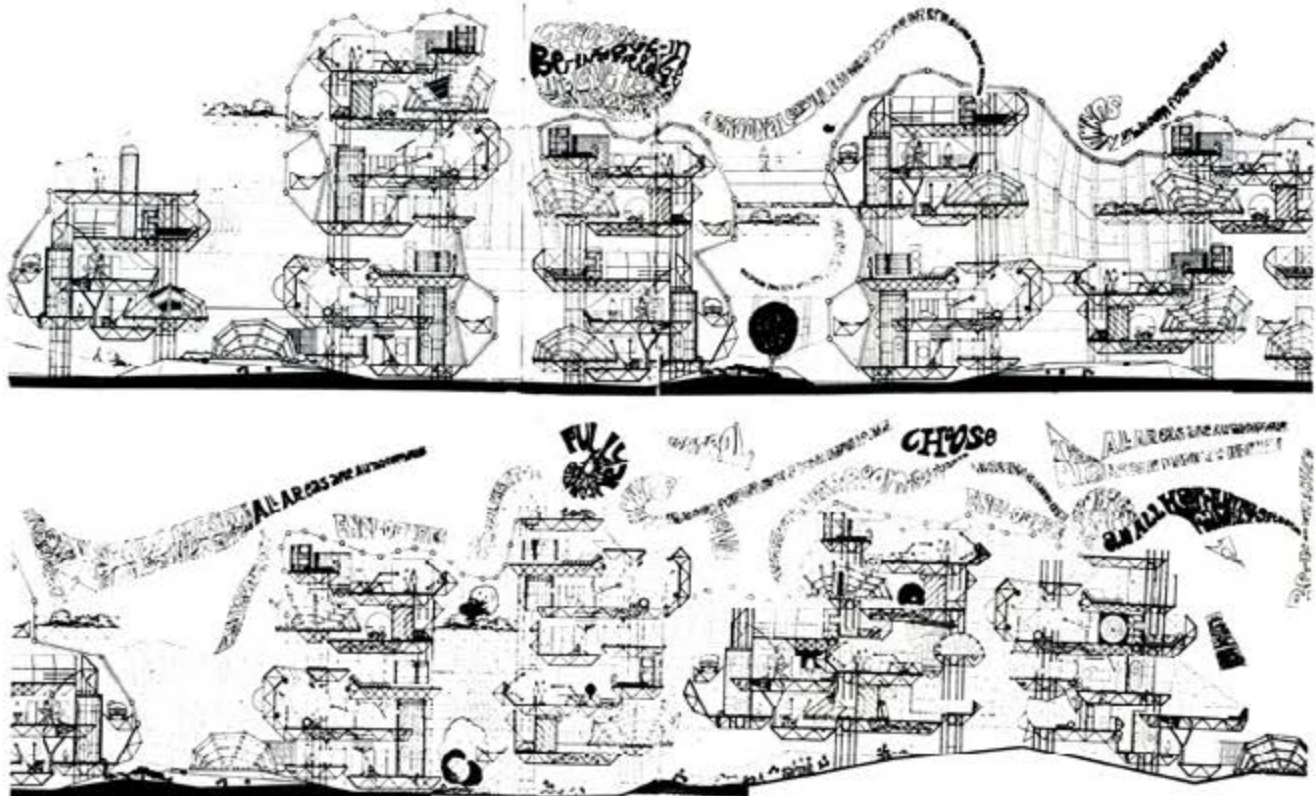
است برای گسترش دادن به مقیاس قدم نه اینکه وسیله‌ای باشد که جزء و بیرو خانه بحساب آید: و یا شمایل به اسبابها و وسائلی که باعث تحمیل پدیده های غنی‌شان در مقابل خواستهای روانی بشر برای رسیدن به موضوع های نزدیکتر و دوستانه‌تر میشوند .

مسئله ایست که از وسائلی که میتواند جنبه نگهداری محیط را داشته باشد بهره برداری کرده و به هرگونه حساسیت و حرکت منقابی امکان دهد دهیم درعین اینکه نباید مقهور آنها شویم . وجود فلزات در حال حاضر در این طرح مبتنی بر پیشرفتی آهسته از نظر مقیاس و اندازه دوام منحنی بوده و به موارد زیر منتهی میشود : مسیر ساختمانی *Siractural Path* آنها از طریق تکامل روش های ساختمان با ستون شناخته شده است (نه بطریق فرضی و تجربی) سقفها و دیوار ها و سرویس های عمومی به هرمهای سه گوشه‌ای با ابعاد یک دوم متر تجزیه شده (هر کدام شامل یک در سرویس که در مرکزشان قرار دارد میباشند) اجزاء خودکار - میل و سایر لوازم ضروری در هر قسمت از خانه ها در دسترس میباشند . مازمات خانه - محلهای جریان هوا و محلی برای تفریح بچه های طبقات مختلف در کناره دریا و همچنین یکسری اتومبیل های خودکار در مجموعه در نظر گرفته شده است . مسیر گردش که برای وسائیل سبک در نظر گرفته شده و در این نقشه‌ها نشان داده نشده‌اند. موثرترین مرحله در مورد ثبات روز افزون معادله وسیله‌ای « اختیار انتخاب » میباشد .

این پروژه که به بی‌نیال ارائه شده است مرحله ایست از توسعه ایده هایی که در پروژه های قبلی مطرح شده بودند و این کوشش است برای مطالعه و جستجو در زمینه روشها (سیستم‌ها) سازمان ها (ارگانیسمون ها) و تکنیک هایی که بما امکان ایجاد آزادی و یک زندگی خوب به مفهوم کلی آن را برای افراد میدهد . نقشه‌ها و ماکت نشان دهنده تک‌خانه های فامیلی مشابه (تیپیک) است . این ترتیب خانه سازی برای محلهای پرجمعیت میباشد. (در محلهای کم جمعیت نیز میتوان همین روش را ولی با ترکیبی دیگر بکار برد) . این طرح بصورت نوده‌ای از اجزاء بوجود آمده که در موارد لازم هر گوشه آنها میتوان تغییر داد ولی در لحظه‌ای از زمان طرح در ددون خود کامل است . این مرحله از طرح برای از حالا تا ۱۰ سال بعد طرح شده است ولی همین طرح با مقیاس و اجزای ترکیب کننده کوچکتر میتواند برای از حالا تا یک سال بعد نیز بکار برود .

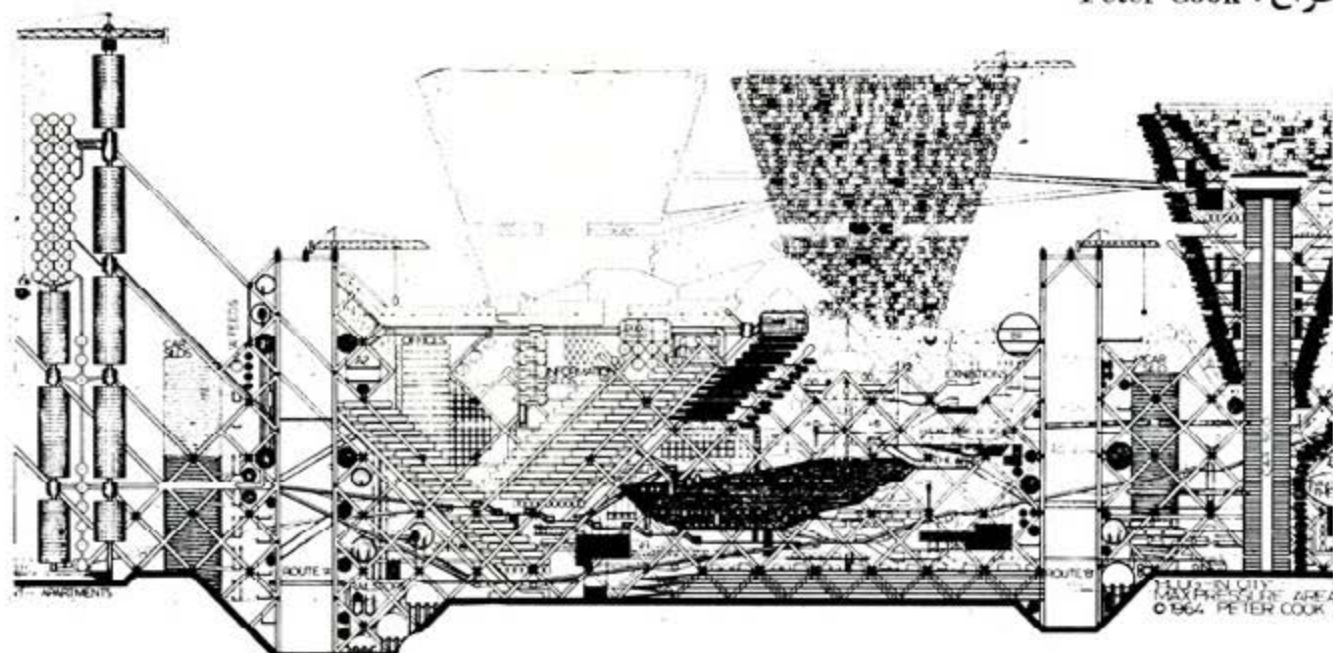
این جستجو مبین آشکاری ابهام بین آزادی صرف در انتخاب و کنترل بر همه چیز میباشد . بخصوص وقتی هم‌بستگی بین حوادث و معیار هائی است که سنتی بایکدیگر مقایسه نشده‌اند (بعنوان مثال - ساعت بساعت روشها در رابطه با ابعاد کای و ضمائم آنها در تغییرند : اتومبیل وسیله‌ای

اختیار وزندگی انتخابی



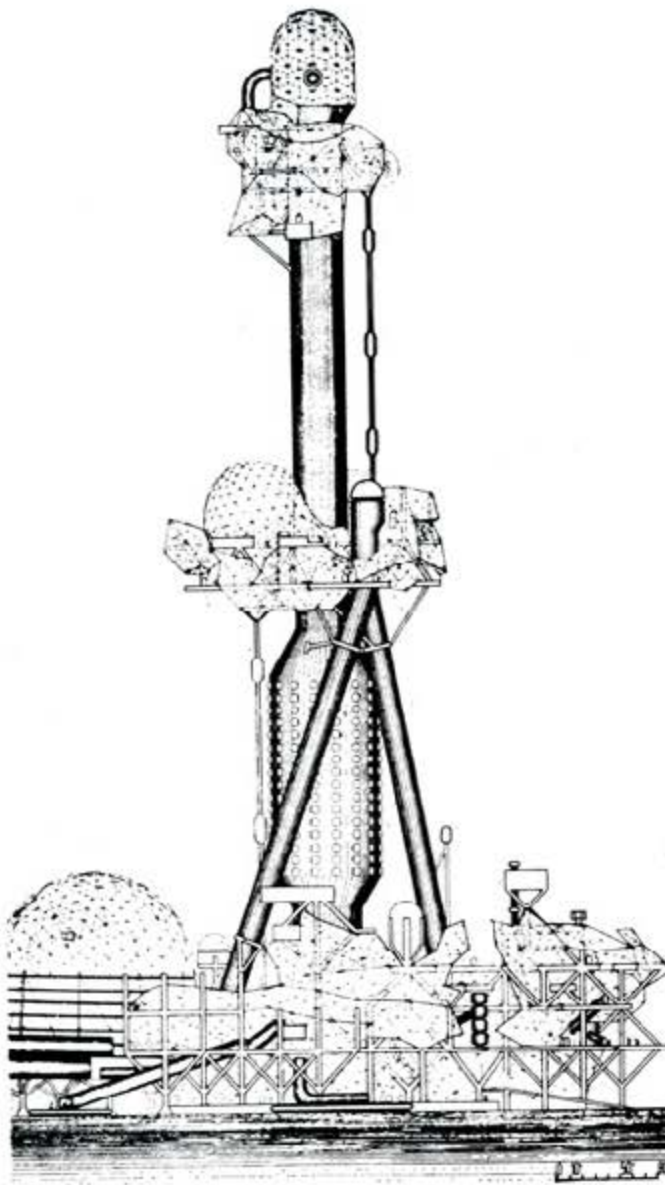
Plug-in City

طراح : Peter Cook

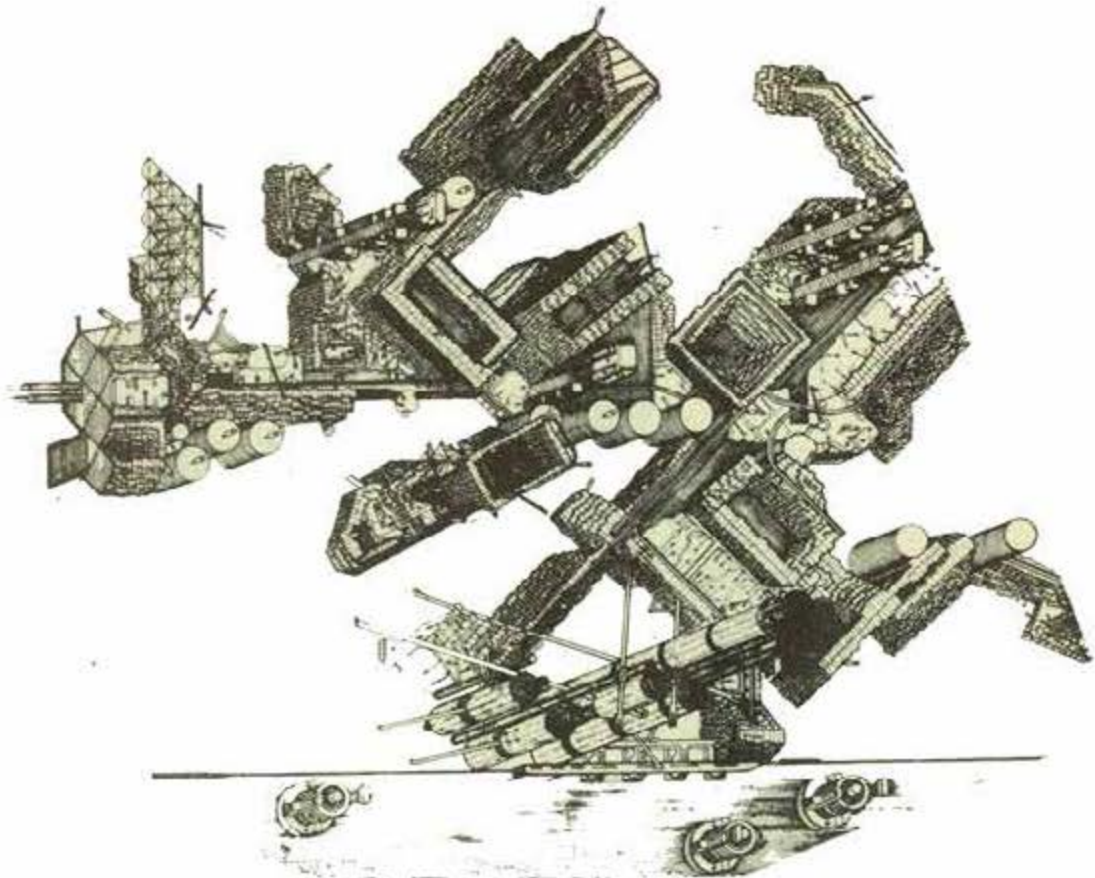


مقطعی از شلوغ‌ترین ناحیه از طرح Plug-in City طراح Cook سال ۱۹۶۴

روش Plug in city عبارت از يك سري ساختمان به مقیاس وسیع آن است که میتواند راهها و سایر قسمت های لازم برای هر نوع زندگی در رابطه با زمین بوجود آورد. این شبکه های ساختمانی میتوانند روی زمین یا بالاتر از آن قرار گیرند. در داخل آن شبکه های مختلفی که تمام احتیاجات يك شهر را جابگو باشد در نظر گرفته شده است. این طرح زمین دارا بودن روش ساختمانی، طوری تنظیم شده که در آینده میتواند براحتی جای خود را به طرح های پیشروتر بدهد. يك خط هوایی که حامل نقاله های تلسکوپیک است و در بالاترین نقطه ساختمانها نصب شده، بخش های شهر را بیکدیگر می پیوندد. قسمت های هریکس که عموماً به ماشین های الکترونیکی مجهزند، نیازمندیهای روزانه مردم را بخوبی تامین میکنند. قطعات مربوط به حمل و نقل، تغذیه کننده، خط ها، جاده ها و تونل های تغذیه ای برای رساندن بارو سرویس، همگی قابل تغییرند زیرا خود شهر قابل تغییر است. تمام شهر در حکم يك ساختمان است و کار در داخل شهر، تاحد ممکن مانند کار در يك ساختمان، پی ریزی شده است. در حال حاضر این طرح را میتوان بطور مهابس Tanyemthy وارد شهر های بزرگ کرد و احتمالاً جای آنها را خواهد گرفت اما تا چهل



نما - نقشه مجموعه و عکسی از ماکت يك برج نمایش همراه با هتل، پارکینگ و مرکز تفریحی در مونتريال سال ۱۹۶۴ طراح: Cook که برای شرکت ساختمانی Taylor Woodrow تحت رهبری Teo Clossy طرح شده است.

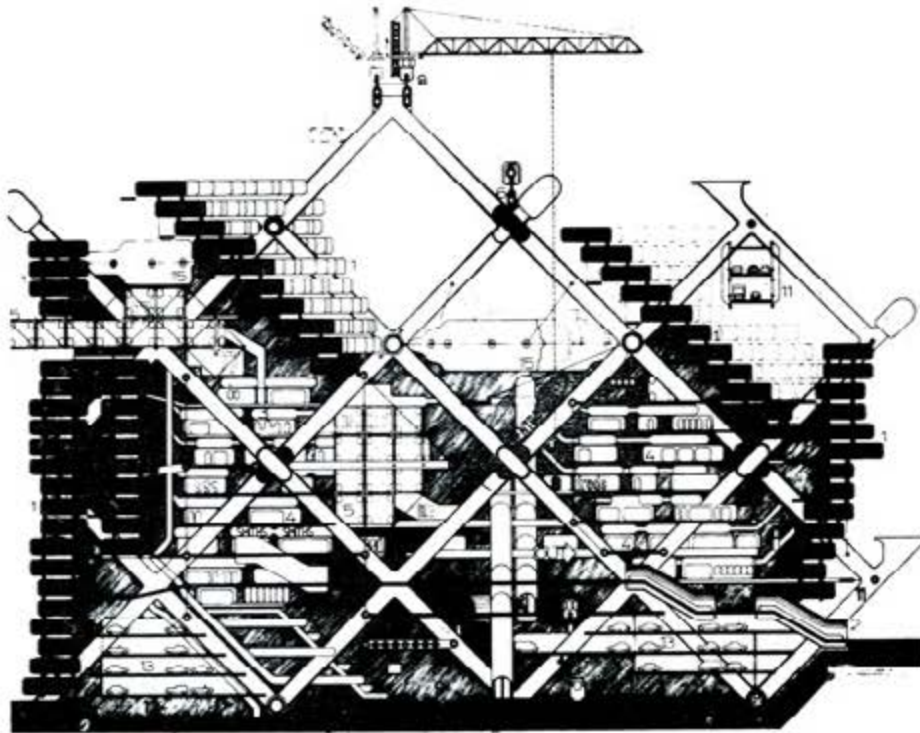


منظره‌ای از :
Plug in city
از ارتفاع

محلی است. یک چهارم آن لوله‌های قرار نامینی را تشکیل میدهد و یک چهارم دیگر مجموعاً برای حمل بار و سرویس، اختصاص دارد. در این شبکه، طبقات ساختمان در هر نقطه‌ای که لازم باشد بوجود می‌آیند و از یک آسانسور متمم استفاده میکنند. آسانسور متمم عبارتست از کابل‌های کششی، دستک و یا دستگاهی که یک درمیان به اسکلت اصلی سه بعدی، آویزان میباشد. تمام اجزاء متمم خانه‌ها، مغازه‌ها، ادارات، راه‌ها، پله‌های برقی و غیره، از نظر ساختمانی، بوسیله روش سه بعدی (فطری) حمل میشوند. یک نوع روحانیت و فلسفه خاص در این نوع اسکلت وجود دارد. که بر پایه بقا، همیشگی قدرت سرعت و نیاز آینده جوامع انسانی، استوار است. اجزاء بلند و ثابت در نزدیکی اساس Base با در داخل سازمان قرار دارد و اجزاء کوتاه ثابت در نزدیکی قله و یا بیرون سازمان. بنابراین راه‌آهن‌های سنگین و پر بار در زیر مجموعه جای دارند و بالن‌های پرواز و غیره در بالای آن. اجزاء سنگین در زیر هستند، جاده‌ها و تکیه‌های سریع در نزدیکی قله. پارکینگ‌های ناحیه‌ای نیز در زیر قرار دارند. به مقطع نیمه بالای مجموعه، از بالا به پایین نگاه کنید. این قسمت شامل فضا‌های اجتماعی شلوغ و محل‌های تفریح است به همین دلیل است که میدان‌ها در این قسمت قرار گرفته‌اند همچنین آسانسورهای اصلی نیز در این قسمت ظاهر میشوند.

آبارتمان‌ها یک خط هوایی سریع‌السیر Hover Way قرار دارد. راه‌های فضایی با دو خط پر در رئوس ساختمان نشان داده شده. در پائین طرح، سمت چپ، قسمتی از شهر را که در دست ساختمان است مشاهده میکنیم. همچنین در بعضی از رئوس ساختمان‌ها، طریقه کار گذاشتن بالن‌هایی که در مواقع ضروری برای تجمع فضایی بکار میرود، دیده میشود. سنگین‌بارترین فضا‌های شهر با تعدادی راه بازرسی و سرویس‌پیشود. این Arcleavages در اسکلت اصلی عملاً برای تجمع کامل جزئیات‌ها از بالا تا پائین میباشد. راه‌های هوایی در امتداد مسیر اصلی تکثیر میشوند. جاده نقدیه کننده و جاده سرویس اصلی در دو طرف این مسیر بفاصله سیصد پا قرار دارند. پیاده‌روها به شکل گردشگاهانی است که مانند پل‌هایی از طبقه راه‌ها به طبقه راه‌های دیگر کشیده شده و فاصله آنها از یکدیگر به نسبت سرعت عبور و مرور در هر یک، تنظیم شده است و پل‌های برقی که برای اتصال طبقات بکار رفته‌اند، شکل طبقات معمولی را بخود میگیرند. سنگین‌بارترین قسمت‌ها در طرح، نمایش دهنده پایه‌های مربوط بآینده طرح است و اینکه چرا باید بطور کامل بطرح Plug in City دست زد. یک شبکه سه بعدی از لوله‌هایی به قطر ۹ پا ساخته شده است که نقطه تقاطع آنها، در ارتفاع ۱۴۴ پایی بایک گره اتصال ۸ طرفی است. در یک چهارم این لوله‌ها، حرکت سریع زندگی جریان دارد. یک چهارم آن مربوط به حرکت آرامتر

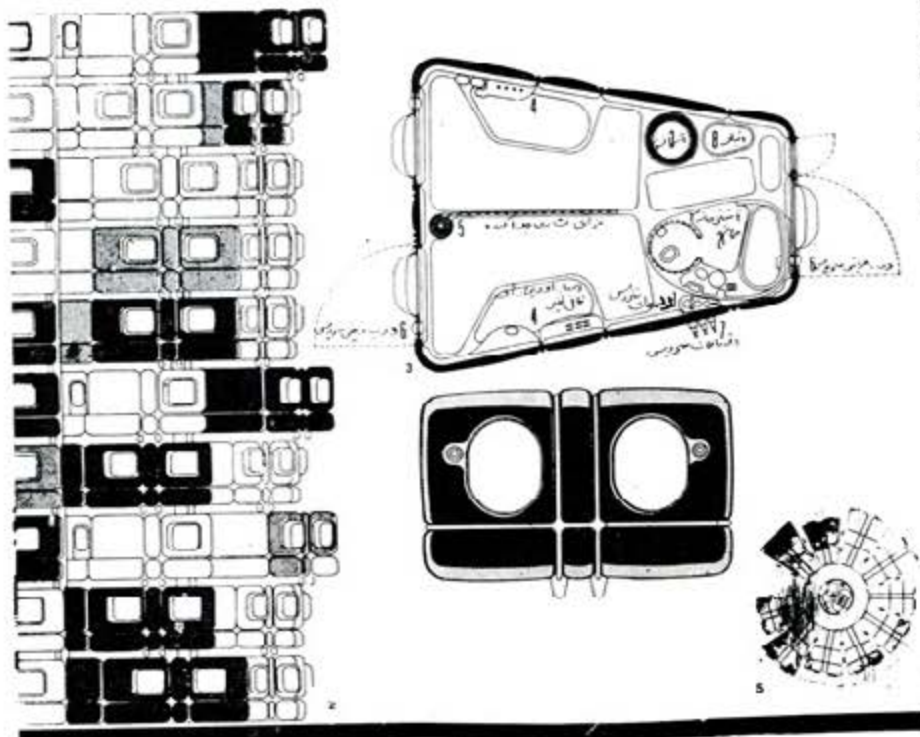
سال دیگر که روش‌های ساختمانی برانر پیشرفت تکنولوژی دگرگون خواهد شد، این طرح نیز جای خود را به طرح‌های پیشروتر خواهد داد. «بوسیله راه‌های فضایی یا هر سیستم دیگر که جایگزین آن بشود». باین ترتیب Plug in City شباه زیادی به یک ارگانیزم زنده دارد که در محیط‌ها رشد میکند. بجز راه معلق فضایی که در بالاترین نقطه ساختمان‌ها تعبیه شده، راه‌های کم‌اهمیت‌تری در طبقات پائین‌تر، بین ساختمان‌ها وجود دارد که در آن وسیله‌های نقلیه و جراثقال‌های تلسکوپی حرکت میکنند. نقل و انتقال و رفت و آمد بین ساختمان‌ها بوسیله همین جراثقال‌ها انجام میگردد. منظره هوایی مجموعه شماتی از یک قسمت کوچک Plug in city است و نشان میدهد که این طرح چگونه از اصل بایک روش مشخص دنبال شده و چگونه قسمتهای مجاور، با برآوردگی‌ها و فلاپ‌های خود بیکدیگر مربوط میشوند. بافت‌های میله‌ای که بخش‌های مختلف را بیکدیگر مربوط کرده بکیارچگی آنها را فراهم میسازند، بطور کلی ارتفاع زیادی از سطح زمین دارند ولی در انتهای پیش آمدگی‌ها، فقط میتوانند قسمتی از ۱۴۰ پا ارتفاع مجموعه را بخود بگیرند. آبارتمان‌های مسکونی در قسمت راسته قرار دارند که در آن ترافیک بیشتری برای حرکت جمعیت در نظر گرفته شده است. در هریک از این برج‌ها مجموعه کامل وسایل زندگی و ادارات مربوطه، فراهم و دایر میباشد. این برج‌ها از راه تونل‌ها با مراکز عمومی متحرک ارتباط دارد. در قسمت راست



قسمتی از نمای Plug-in-city شامل لوله‌های آسانسور و قسمت‌های مسکونی و خرید و انبارها و پارکینگ همچنین قسمتهای اجتماعی و تکریرل های حمل و نقل

- ۱- بخش مسکونی
- ۲- لوله‌های آسانسور
- ۳- آسانسورهای مفازده و سیاهوا
- ۴- مفازدها
- ۵- سوپر مارکت‌ها
- ۶- تکریرل‌های سریع
- ۷- محل تکریرل‌های سریع
- ۸- ریل جرانفال
- ۹- راه آهن سنگین (با ظرفیت زیاد)
- ۱۰- مرکز ارتباطات
- ۱۱- راه سریع
- ۱۲- محل جاده‌تغذیه کننده (شاهراه اصلی)
- ۱۳- پارکینگ
- ۱۴- انبار کالا
- ۱۵- سالن کنترل

برج مدوری که بوجود آورنده بخشهای مسکونی در طرح Plug-in City می باشند سال طراح Chalk این بخشها می توانند با بوجود آمدن طرحهای بهتر جای خود را بآنها دهند . اما چون اسبابهای داخلی نیز قابل توسعه و تمديد می باشند اسبابها و دیوارهای داخلی بفرمی قابل تغییر در نظر گرفته شده (طول محور افقی و قائم قابل کوتاه و بلند شدن است) که میتوان براحتی در داخل خانه تغییراتی داد آشپزخانه ها و حمامها بصورت کپسولهای قابل بادکردن می باشند .



- ۱- کانال سرو کننده
- ۲- آشپزخانه و حمام
- ۳- آسانسور بادی
- ۴- گیره و وسایل منصوب بردیوار
- ۵- فنر تقسیم‌بار
- ۶- در بزرگ سرویس
- ۷- خدمات ارتباطی
- ۸- انبار

تأثیر تمدن اوقات فراغت در تکامل زیستی انسان

معمولا اوقات فراغت را اینطور تعریف می‌نمایند که انتخابی است آزاد از فعالیت‌ها، اختیاری است آزاد از وقت در مقابل اشتغال جبری یا اجبار مخصوصا اجبار اجتماعی.

انسان دارای یک سلسله رفتار است، بعضی از این رفتارها ناشی از خود ساختار جسمانی ما است که در حالت طبیعی پانوپ کم و بیش تکرار می‌شود از این قبیلند، خواب، بیداری و رفتار غذایی و بعضی از فعالیت‌های حرکتی.

رفتارهای دیگری نیز هستند که از مدها پیش بشر با آنها مانوس شده است، و در طی نسلها برای بشر بصورت عادی درآمده‌اند از این قبیلند فعالیت‌های اجتماعی از قبیل بیان، عادات و بازیها. بالاخره رفتارهایی هم هستند که به علت نازمی و همچنین به سبب اینکه باید پاسخگوی توقعات زیادی باشند مستلزم فعالیت عصبی شدیدی برای سازگاری دقیق هستند و از این قبیلند فعالیت‌هایی که دنیای فنی معاصر خواستار آنست و سلسله مراتب اعمال بدنی تقریبا از همان هنگام ظهور کنشها از بدو طفولیت شکل پیدا میکنند.

روانشناسی تکوینی به بررسی این مسئله پرداخته و در طول تقریبا ۵۰ سال اسناد زیادی را جمع آوری کرده است که رفتار کودک را در سالهای اول هفته به هفته ماه به ماه بطور دقیق تعیین میکند. تکامل این رفتارهای فرد انسان طوریکه که ما را بیاد تکامل نوع انسان می‌اندازد بنحویکه می‌توان در تکامل رفتار فرد تکامل نوع را بخوبی مشاهده کرد.

در پایین ترین سطح به فعالیت‌هایی برخورد میکنیم که برای تمام افراد و در هر محیط و هر زمان مشترک هستند مانند رفتار غذایی، تناب و حرکات و استراحت و سپس بیداری، تجسس فضایی و دخل و تصرف در اشیاء.

بازیها در عین حال یک عامل دوام و یک عامل تطبیق هستند که گذشته نوع بشر را که در آن چمگلی کودکان جهان مشابه یکدیگر هستند با زمان حال آنها که شخصی کننده تفاوت‌های فردی است بهم مربوط میکنند. اندیشه منطقی جانشین اندیشه جادویی میشود و امر ذهنی و امر عینی بجای اینکه باهم مخلوط شوند در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. فرد با گسترش چهارچوب فضایی و زمانی فعالیت‌ها خود استقلال قابل توجه به دست می‌آورد و در ضمن روابط انسانی خود را هم پیش از پیش زیاد میکند چنین تکاملی بسوی خود مختاری در دنیای وسیعتر و پیچیده‌تر و بویژه برتر حرکت مستلزم بکار بردن کارهای جدیدی است که انسان می‌باید مرتبا بوجود آورده و تغییر دهد.

این کارهای تازه و ظریف و پیچیده که هنوز عادی نشده‌اند انرژی هیجانی زیادی را مصرف میکنند و از اینرو خستگی عصبی بوجود می‌آورد. نوع کار بدنی نمی‌تواند مدت زیادی بدون خسارت دوام بیاورد بنا بر این می‌باید پشت سر آن دوره‌ای از تمدد وجود داشته باشد. خصوصیت این نوع تمدد عبارتست از برگشت به فعالیت‌های عادی‌تر و با استراحت.

تشنج‌های عروقی و حمله قلبی

در دوره طولانی کشاورزی که ما شاهد زوال آن هستیم انسان به حال روستای خود پایبند بوده و از هنگامیکه ماشین را بین خود و طبیعت قرار داد همیشه مشتاقانه در جستجوی بازگشت به طبیعت

است و امروزه بهمن‌های سواحل و پلاژها اکتفاء نموده و در فکر تصرف فضا و دریا‌ها است.

غریزه مهاجرت که سابقا توسط حملات و جت‌های صلیبی و زیارت‌ها و بعضی اکتشافات ارضاء میشد در زمان ما فقط از دعه کمی ارضاء میشود امروزه آژانس‌های جهانگردی هر روز بیشتر سازمان می‌یابند و مسافرهایی ترتیب میدهند که امکان (بازگشت به اصل) را موجب میشوند. آمریکاییها به اروپا و اروپاییان به شرق مسافرت میکنند و انتظار میرود که این تعادل هر روز شدیدتر شود.

تمدن اوقات فراغت دوره‌ای نخواهد بود که در آن «کار» جای خود را به بیکاری دهد.

در حال حاضر مانعی که بر سر راه تعادل زیستی انسان وجود دارد اغلب بر اثر ناتوانی انسان است که چگونه تعادلات متضادی را که طبیعتی به او تحمیل میکند تغییر دهد و یا آنها را باهم سازگار کند.

طب پسیکوسوماتیک مثالهای زیادی از تنافس بیماری را از این قبیل به ما نشان میدهد. مثلا یک کارفرما بواسطه نقش اجتماعی مجبور به تقبل کارهای پر مسئولیتی است در صورتیکه عشق شخصی او و در طرف رفتارهای بیگانه و اطاعت سوق میدهد و لذا نمیتواند طرز رفتار خود را تطبیق دهد و با این حالات انفعالی پایداری میکند تا دچار تشنج عروقی و گاهی اوقات دچار حملات قلبی میشود و لکن می‌توان امیدوار بود که نسلهای آینده خواهند توانست خود را از این حوادث حفظ کنند.

در حال حاضر یک نوع طرز تفکر جدیدی در جوامع بشری در حال تکوین است تمدن و زنان همانقدر که هم خود را به پرورش فکر معطوف میدارند به تمرینات جسمی و پرورش آن هم می‌پردازند.

ایام فراغت، عامل حیاتی

کار که از هنگام اولین دوره صنعتی پیش از پیش گسترش پیدا کرد و رفت (صنای هر شخص را اشغال نمود وقت برای فراغت مخصوصا برای خواب، بختی بدست می‌آمد. پیشرفت تکنیک ضمن افزودن کارانی ماشین متدرجا زمان کار را کاهش داده و در ضمن کار را اجباری‌تر میکند و از آن هنگام فراغت در نقطه مقابل کار قرار می‌گیرد. چه انوعی از ایام فراغت که می‌تواند به تعادل زیستی انسان کمک کنند باید توسعه یابند؟

— هر آن چیزی که به ارضاء تمایلات درونی انسان کمک نماید.
— هر آن چیزی که گسترش و شکفتن جسمانی انسان را ناممکن میکند.

— هر آن چیزی که سبب تعادل سریع بین تشدد و تمدد عضلانی است.

برای رسیدن باین هدف بویژه فعالیت‌های ورزشی و هنری و فرهنگی ضروریست و این بخاطر تلف نمودن ایام فراغت نیست که باید این فعالیت‌ها را سازمان داد بلکه اگر بخواهیم که این فعالیت‌ها وظیفه حیاتی خود را انجام دهند می‌بایست که حاوی بعضی مشخصات باشند عبارت دیگر آنها می‌باید جریان فعالیت‌های تنفسی را نمایند و باید همان اندازه که شغل موجب تشدد میشود فعالیت‌های ایام فراغت باید به تمدد کمک نمایند و در تمام حالات باید محیط اطبیعی بوجود آورد که یکی از شرایط آن سازمان دادن به تفره‌های فرهنگی است که موجب بسط دوستی بین افراد انسانی است.

از: آرپیمار پطروسیان

نگاهی به معماریهای ابتدائی در

در ضمن مطالعات که نگارنده در باره فوائد
وامکانات اجرایی و نحوه انجام معماری موقتی
و قابل تعویض و دورریختن انجام میداد ،
طبعاً بانواع معماریهای ابتدائی موقتی و نیمه
موقتی مانند ساختمانهای گلی و سنگی بدون
سقف گله‌دارها ، ساختمانهای حصیری و
کاغذی روستاها و جوامع فقیر ، سیاحان و
والاچتهای عشایری و مانند آن که در ایران
وجود دارد نیز توجه گردید و برای مطالعات
نمونه‌ای زرفانگر این نوع معماری ، خانه
های سنگی منطقه جبال بارز ، خانه‌های
دشت جیرفت و جاده‌های عشایر ساردوئیه
انتخاب گردید . انتخاب منطقه جیرفت برای
مطالعات بعثت شرایط مخصوص بقیه مطالعات
بوده است ولی جمع این سه نوع ساختمان
موقتی فوق نیز در يك منطقه كمك زیادی
در تسهیل كار مطالعات نموده باعث شد بتوان
در يك برنامه مطالعاتی هر سه را بررسی نمود.

خانه های جبال بارز

در منطقه کوهستانی جبال بارز تقریباً
تمام ساختمانها سنگی می‌باشند البته مقصود
اینست که دیوارها از سنگ ساخته میشوند و
سقف ساختمانها از تبر چوبی و گل و یا گند
طاق ضربی خشت گل ساخته میشوند که بطور
کلی سقفهای گلی بیشتر مربوط به ساختمان
های دائمی و سقفهای چوبی مربوط به ساختمان
های نیمه موقتند باین معنی که دیوارهای
سنگی این ساختمانها بصورت همیشگی (یا
لااقل برای مدتهای بسیار مدیدی) ساخته
میشوند و سقفهای چوبی آنها را هر سال یا
گاهی هر فصل به مقتضای نوع کار آنها ،
برمی‌دارند و از نو می‌سازند و یا تغییراتی
بآن میدهند و بهمین علت هم اغلب مقدار
زیادی دیوارهای موازی یکدیگر بدون سقف
در داخل یا در کنار آبادیهای کوچک دیده
می‌شوند که به چوچه نباید آنها را بجای
خرابه یا ساختمانهای متروک گرفت بلکه
بطور موقت خارج از استفاده هستند . این
ساختمانها یا بصورت اطاقهای می‌نهند یا
بصورت اطاقهایی که در يك ردیف کنار هم
چسبیده‌اند و بنظر میرسد که هر يك از اطاقها
يك خانه مستقل باشد تعداد ساختمانهای ۲
طاقی بیش از انواع دیگر است . با آنکه
سقف این خانه‌ها از چوب و یا حصیر و کاهگل
است شکل ظاهری آنها مانند طاق شیب‌دار
است باین معنی که بالای دیوار جلویی و
عقب خانه بصورت قوسی از دایره است و
دیوار عقبی غالباً قدری کوتاهتر از جلویی
است و چون بیشتر خانه‌ها روبه‌دور یا حداقل
سرازیری ساخته میشوند اغلب در مرتفعترین
نقطه خاك که نسبتاً کوتاهترین نقطه دیوار
است و ارتفاع دیوار از خارج به حدود يك
متر میرسد ، روی این دو دیوار تبر های
چوبی سقف بموازات دیوار های جانبی خانه
ریخته میشود .



وضع شتاب یک کرده چله در کنار سبزان جیفت



۱- میدان سبزان

۲- خیابان

۳- جوی آب

۴- دیوار کوه و کوه

۵- کتوبه کوه که ارتفاع آن ۱۰۰۰ متر است

۶- کتوبه کوه که ارتفاع آن ۱۰۰۰ متر است

۷- سیاه چادر

۸- دشت

۹- تلاء خاک

۱- حاره

۲- جوی آب

۳- سیاه چادر

۴- کتوبه معبوری

۵- کتوبه ملعب، احتمالاً کپری

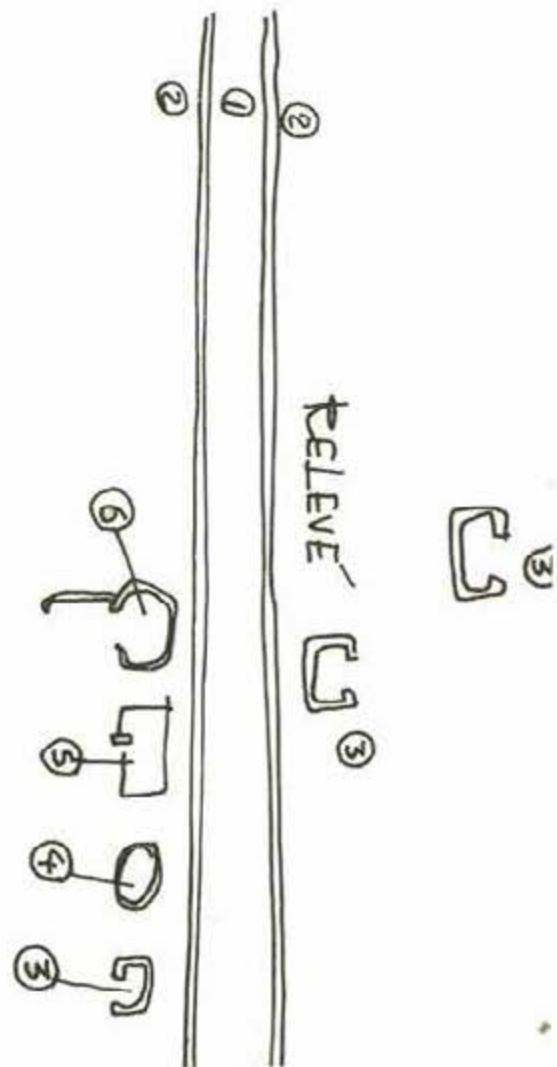
۶- کتوبه با درودی و محوطه سرباز

جیفت

در نوعی دیگری از ساختمانها فقط دیوارهای جانبی وجود دارد یعنی تعدادی دیوار موازی با هم با فواصل برابر ساخته شده که روی آنها در مواقع استفاده مقداری تیر چوبی بصورت آزاد و نامنظم میگذارند و قدری هم برکشی یا خمیر میگذارند. بعضی از خمیرها و علفها از دو طرف آورزانند که کار دیوارهای جلویی و عقبی را انجام میدهند. از این ساختمانها برای انبار کردن علف و مانند آن و همچنین برای ساختن مصنوعات دستی و بطور کلی آماده کردن فرآورده های خانگی استفاده میکنند.

آبادیها

روستاها غالباً در دو طرف جاده ها ساخته شده اند و طرز قرار گرفتن خانه ها بستگی به فواصل آنها با جاده دارد باین معنی که ساختمان های نزدیکتر به جاده بصورت خانه های موازی و در یک خط قرار دارند و خانه های دورتر بصورت نیم دایره یا قوس هایی از دایره هستند که مانند دو پراتسز جاده را در بر گرفته اند. ورودی خانه ها همیشه بطرف شب قرار دارد و در اغلب روستاها جهت آفتاب و باد تاحدودی رعایت شده است ولی همیشه جهت جاده مهمترین عامل طرز قرار گرفتن روستاها است. در این روستاها غالباً بمقدار بسیار کمی سرویسهای عمومی ابتدائی مانند قهوه خانه یا یک مغازه در هر آبادی دیده میشود.

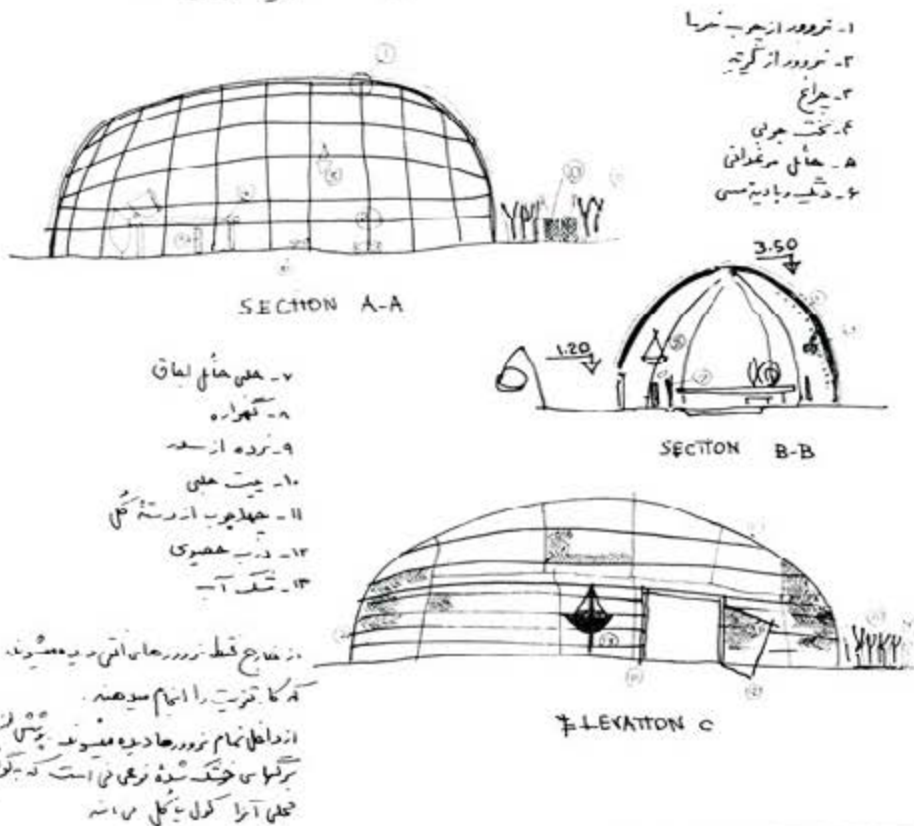


یک کرده «در کنار جاده»

در کنار ده ملک امام جیفت

جلگه سبز واران

کتوک در بزم آباد جیرفت



ساختمان معمولی در جیرفت «کتوک» است که از نی و چوب خرما بافته می شود ولی گاهی هم ساختمانهای گلی شبیه به ساختمانهای سنگی جبال بارز بچشم می خورد در بعضی موارد روی کتوکها را گل می مالند. در سبز واران و روستاهای بزرگ بیشتر خانه ها گلینند. با اینحال عده زیادی از مردم در کتوکها زندگی میکنند (بخصوص در تابستان).

اتهامی شهر و بخصوص در تابستان) عمر طبیعی یک کتوک ۴ یا ۵ سال است ولی معمولاً بیش از ۱ سال در آن زندگی نمیکنند زیرا اولاً خیلی کثیف و غیر قابل استفاده میشود و ثانیاً به علت خشکی احتمال آتش سوزی خیلی زیاد میشود. پس از یکسال زندگی کتوک جدیدی در نزدیکی کتوک قبلی میسازند و کتوک قبلی را بعنوان طویله چهارپایان بکار میبرند (گوسفندان را در هوای آزاد میخوانند). در سال سوم کتوک را خراب کرده از چوب و نی آن برای سوخت استفاده میکنند و همیشه کتوکها را از نی تازه میسازند.

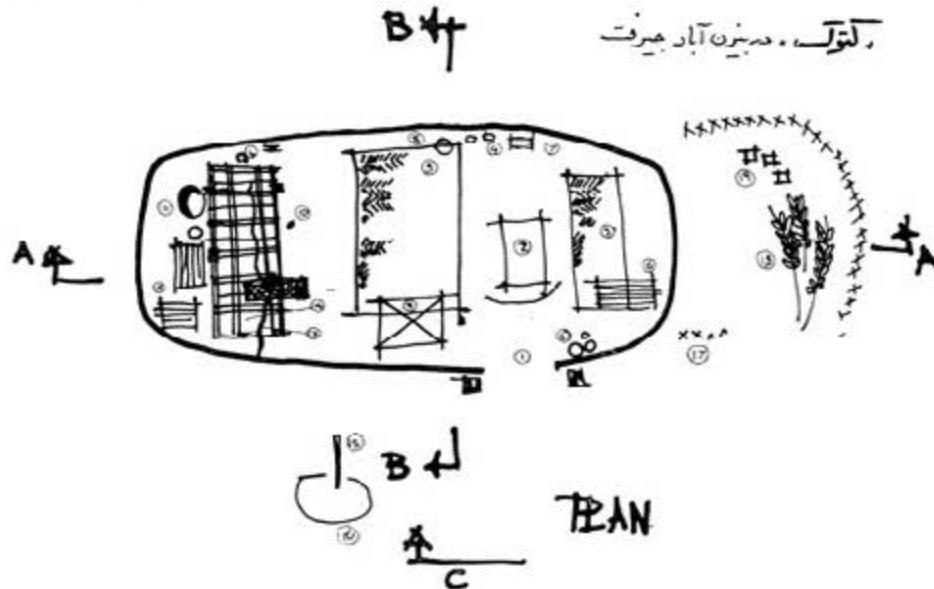
کتوک خانه ای است با پلان بضی و مقطع نیم بضی دارای دو دسته نیروورافقی و قائم، البته سطوح نیروورهای افقی نسبت به افق واقعی شیب دارد و این شیب بتدریج از بالا به پائین کم میشود و سه نیروور پائینی کاملاً افقی است چنانچه نیروورها از ترکیه خرماست و روی آن پوششی از دسته های نی که بگوشی محلی کل نامیده میشود قرار دارد و تعدادی مهار افقی از ترکیه خرما بروی کله ها میگذارند و به نیروورهای افقی بسته میشود.

در کتوک خیلی کوتاه یعنی حدود یک متر و نیم است و گاهی دور آن سایبانی است. سه طرف در چهار جویی از سه دسته نی بمنظور تقویت قرار دارد و پرده ای از حصیر از بالای آن آویزان است و یا یکی از دو طرف (معمولاً دست چپ) بسته شده است. در تابستان کل دو اتهامی کتوک را بر میدارند و بجای آن خارشتی میگذارند که مانع وزش باد نشود و برای خنک کردن روی آن آب میپاشند.

داخل کتوک از یک فضا تشکیل شده است و هیچ تقسیم بندی فرعی وجود ندارد و تمام زندگی ساکنین در همین یک فضا است. در یک گوشه این فضا لباسها و صندوقهای اشیائی که مورد استفاده روزمره نیستند انبار شده است محل نگهداری مرغها نیز در همین قسمت است.

در جلوی ورودی گودی کوچکی است که در آن آتش برای پختن غذا یا آماده کردن چای پیا می کنند. دو طرف این اجاق بادو قطعه حصیر فرش شده است که ظروف مورد استفاده همیشگی و همچنین ریختن آب ها روی این حصیرها چیده شده اند مثلاً آب

کتوک در بزم آباد جیرفت



- 1- ورودی
- 2- تنور (تبریا ۱۰ cm گرمی)
- 3- حاشیای تنور
- 4- کله در یک مسی
- 5- فرش حصیری
- 6- ریختن آب
- 7- گهراره
- 8- چراغ
- 9- بقیه و بند
- 10- تخت چوبی (در عدد در نظر)
- 11- اساس چوبی رسالی
- 12- کلام رعد فرش حصیری
- 13- تخته های مانع برای جلوی مرغانی
- 14- مرغانی
- 15- چوب برای سقف
- 16- سقف آ -
- 17- نرده از شاخه های دراز رساله
- 18- برگ خرما را می انباشته

در خارج کتوک به چوبی آویزان است در خار یا شاخه هایی از سدر بعنوان انبار وجود پشت کتوک ممکن است محوطه محصور از داشته باشد.

آبادی

آبادیها معمولاً عبارتند از مجموعه نامرتبی از خانه‌ها که در کنار یکی از درختزارهای کثیرالغای غنی یا مزارع کوچک دیم اهالی وجود دارد محل این آبادیها به‌جوجه ثابت نیست و به‌لعل مختلفی ممکن است به فواصل چند صد متری و حتی چند کیلو متری تغییر یابد. این آبادی‌ها دارای هیچ نوع بافتی مشخص نیستند خانه‌ها فاقد حیاط‌اند و بصورت کلیه‌های منفردی در بیابان کنار یکدیگر قرار دارند و هیچ نوع محاط مخصوصی برای محل یا جهت قرار داشتن آنها وجود ندارد (محل هر کدام از ساختمان‌ها).

تنورهای پختن نان بین چند خانه مشترک است و حتماً در خارج کتوک دره‌های آزاد قرار دارد این تنورها از سفال ساخته

جیرفت

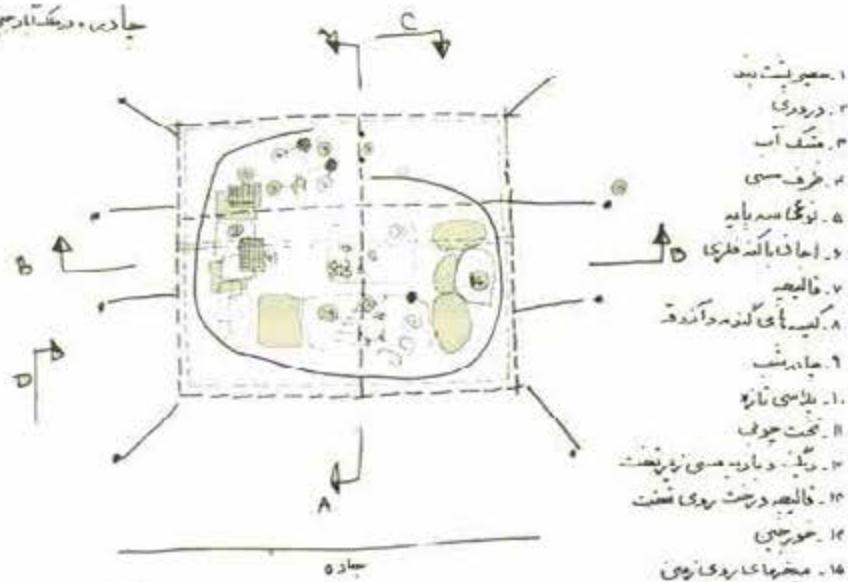
شده داخل زمین کار گذاشته میشوند و دارای هواکش‌اند و عمق آنها تا یک متر هم ممکن است برسد. این نوع آبادیها بطور کلی فاقد هر نوع ساختمان اجتماعی یا سرویسهای عمومی مانند مغازه و غیره میباشند تاسیسات بهداشتی مانند حمام و حتی مشرّاح هم بکلی وجود ندارد فقط گاهی بعضی از آبادیها را که در کنار یکی از مدارس سیاهان دانش یا درمانگاهی بوجود آمده است میتوان دارای خدمات مذکور بشمار آورد.

ساردوئیه

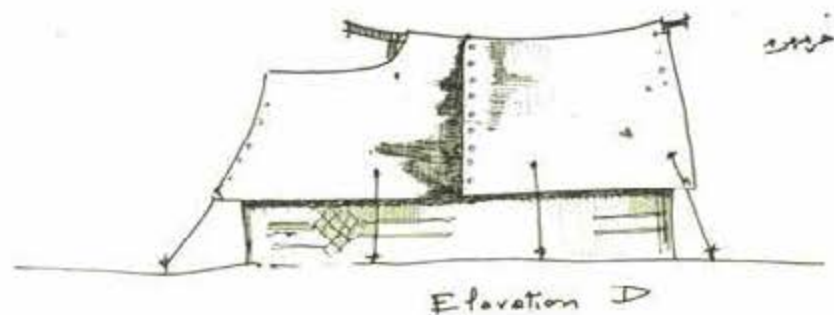
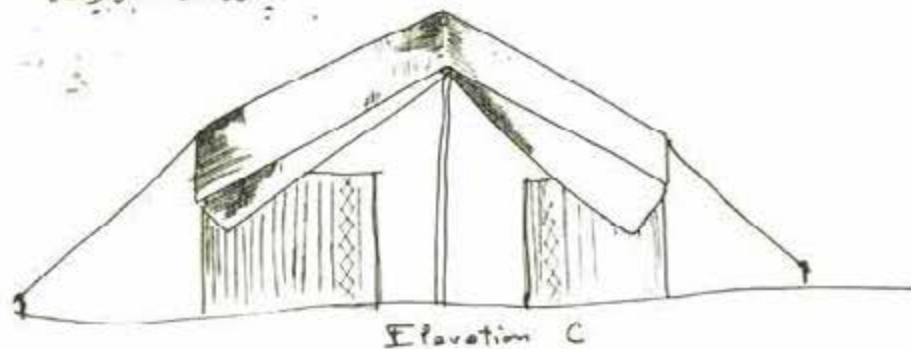
ایل ساردوئیه ساکن کوهستانهای ساردوئیه و دشت جیرفت. محل ییلاقی این ایل در بخشهای ساردوئیه، دهستان اسفندقه و باب خبرویه است. محل تابستانی این عشایر ثابت است و هر کدام در دهستان مربوط خود اتراق میکنند برای بدست آوردن حق چرا، هر کدام بطور متناوب در دهستان خود مالکند، گویانکه مقدار این مالکیت بسیار کم و حتی گاهی حدود یک چهارم حبه یا کمتر است (هر ۷۲ حبه ۱ دانگ است). این عشایر در محل اتراق زمستانی مشخص نیستند و بسته به وضع مراتع مخصوص هر سال یک یا چند محل کوچ میکنند و غالباً در هیچ محل حق چرای شناخته شده‌ای ندارند - گویانکه بعضیها در یک یا چند نقطه مالک چاه آبند ولی هیچ الزامی ندارد که حتماً به سرچاه خود بروند. این ایل چه در ییلاق و چه در قشلاق در زیر چادر زندگی میکنند. با آنکه چادرهای عشایری را نمیتوان معماری بمعنای اخص دانست ولی مطالعه در مورد آنها برای شناخت انواع معماری‌های ابتدائی کاملاً ضروری است. ایل ساردوئیه ساکن دشت جیرفت و کوهستانهای ساردوئیه هستند و در اینجا نظری به واحدهای مسکونی آنها میشود.

چادر مربع خانوار است و در واقع هم واحد مسکونی است و هم واحد اقتصادی زیرا تمام کارهای دامداران بجز چرانیدن گوسفندها در داخل یا اطراف چادر انجام میشود. افرادی که در یک چادر زندگی میکنند اغلب عبارتند از خانوارهای اولیه یعنی زن، شوهر و چند فرزند گاهی نیز بندگان یکی از آنها با خودشان زندگی میکنند. هر خانوار برای آنکه مستقل باشد باید تشکیل شده باشد از (حداقل) یک زن، یک مرد و یک بچه بالاتر از سمدال. اقتصاد خانوار عشایری دارای چهار قطب است که بترتیب عبارتند از خانه، آغل، مرتع و بازار. کار مرتع و چرانیدن گوسفندان همیشه با بچه‌ها است و خانوارهایی که بچه نداشته باشند مجبور به استخدام چوپان خواهند بود. کار خانه عبارتست از پختن نان و غذا رسیدگی بامور مرعها ساختن مصنوعات دستی و آماده کردن فرآورده‌های شرومانند آن که تمام اینکارها جزء وظائف زنان است. بار

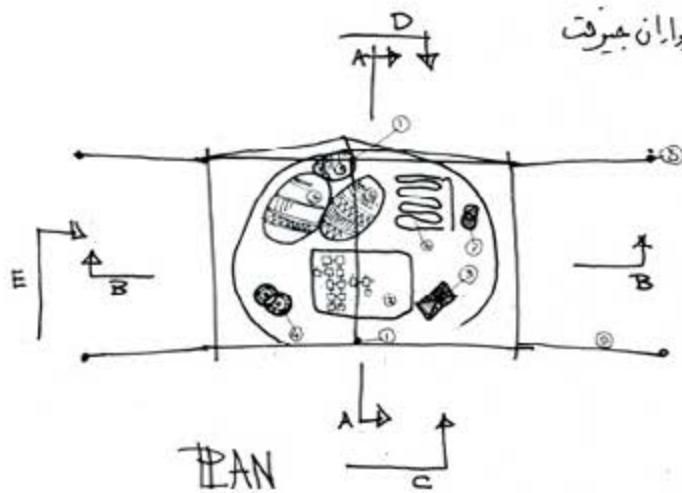
چادر، درمکتد جیرفت



چادر، درمکتد آبار جیرفت



چادر در سبزه‌زاران جیرفت



- ۱- چوب‌های نام
- ۲- تالیم
- ۳- چرخ‌خوری
- ۴- ظروف مربوط به چای
- ۵- تفریحاتی نسبتاً بزرگ
- ۶- زعفران
- ۷- چوب دربار
- ۸- منتهای چادر
- ۹- مطاب

* شده‌های مردم هنگام دربار مورد استفاده بودند
در چای تفریحاتی آنها در عقب چادر تالیم است
مقب آب در طایف چادر است

ردن حیوانات - برپا ساختن و برچیدن
آدرها و نظارت بر کوچ جزء وظایف مرد
انهاست. کارهای آغل عبارتند از دوشیدن
شهاو چیدن پشم گوسفندان رسیدگی به
ضع سلامت دامها و مانند آن که در آن زن
مردخانه مشترکاً فعالیت میکنند. در حال
اضر ساختمانی برای آغل وجود ندارد
گوسفندان را در هوای آزاد کنار چادرها
بخوابانند ولی برای دوشیدن نرده‌هایی از
وب و خار و سدر میسازند و گوسفندان را
میان آنها عبور میدهند. تمام کارهای
زار یعنی خرید و فروش و اصولاً تمام
رابط اقتصادی و قضائی و بطور کلی روابط
ارجی خانه با مرد خانه است و بطور کلی
در رئیس و نماینده خانوار بشمار می‌آید
و اینکه از نظر اداره امور داخلی خانواده
تجارت زن و مرد یکی است.

مساله پدر سالاری بمعنای اخص خود
ده نمیشود و مردان جوان بمجرد ازدواج
چادر پدر خود جدا شده کنار چادر او
ای خود خانه برپا میکنند ولی تا مدتی
ریب برابر با ۴ یا ۵ سال از نظر اقتصادی
بع پدرند. پس از آن برای خود استقلال
سب میکنند و اغلب دیده شده است که از
رو پدری جدا شده در اردوی دیگری
آدر میزنند. با این حال احترام پدر و اصولاً
تنگیهای خانوادگی بسیار قوی است و به
سین دلیل اغلب ازدواجها با در نظر گرفتن
قبیله والدین شوهر یا زن و از طرف آنها
تیب داده میشود و بطور مثال یکی از
بجترین راه‌های آشتی دادن خانواده‌هایی
قتلی بین آنها اتفاق افتاده است ترتیب
دواج بین آنها است (خون‌بست).

اعضای چادر همگی در یک محوطه با هم
دگی میکنند و همه در همان محوطه
بخوابند حتی میهمانان احتمالی در همان
تل میخوابند. در داخل چادر همیشه یک
یز وجود دارد (برعکس روستائیان این
جه که اغلب تنور در خارج از اطاق است)
تنور اغلب فوق العاده ابتدائی است یعنی
بین را حدود ۱۰ سانتی متر گود میکنند
در اطراف آن سه عدد سنگ میچینند و سپس
تابه وارونه روی آن میگذارند و زیر آن
ش درست کرده نان میپزند یا چائی و
با آماده میکنند.

مشکهای آب را روی سنگهایی قرار
دهند که در کنار چادر چیده‌اند. لوازم
دگی و مواد غذایی در داخل خورجینها و
سه‌های گونی و مشکها در داخل چادر
آردارند. ترتیب قراردادن اشیاء داخل چادر
حسب ایالات مختلف متفاوت است. در
زدوئیه دو نوع ترتیب داخلی مشخص
شم میخورند در یک نوع که اغلب در مورد
درهای کوچک دیده میشود تمام بارها در
خط در قسمت عقب چادر چیده شده‌اند

چادر در سبزه‌زاران جیرفت



Elevation D



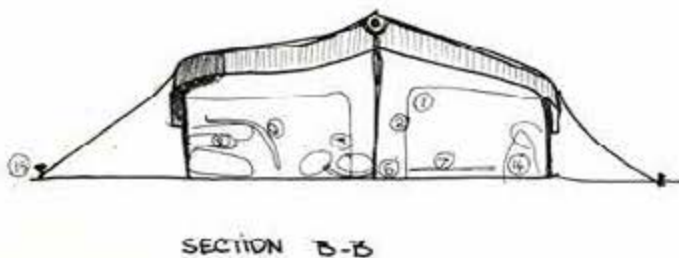
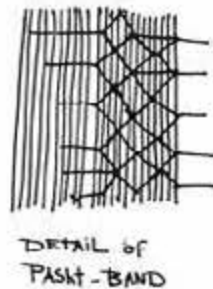
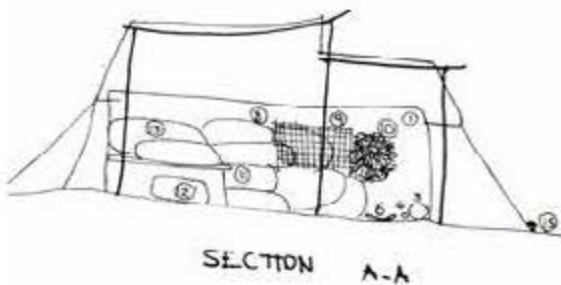
Elevation E



چادر «درمک آباد چیرفت»

چند نفر از اعضای اردو چادر های خود را باردوی دیگر منتقل کند . بطور کلی در جاهاییکه چراگاهها غنی تر باشند اردوها بزرگتر اند . فاصله اردوها از یکدیگر معمولاً ۳ تا ۴ کیلومتر است . هر اردو تشکیل شده است از یک یا چند واحد دامپروری که اعضای آن بنحوی با یکدیگر شریکند و با حداقل منافع مشترکی دارند و مجبور بشتریک مساعی در موارد خاصی میباشند .

روابط اجتماعی و اقتصادی اعضای اردو بنحوی در سیمای اردو منعکس است باین معنی که همیشه چادر هسته مرکزی یک گروه در وسط قرار دارد و چادر های ماهوارهای در دوطرف آن قرار دارند . و همچنین کسانیکه دارای روابط دوستانه ای باشند چادر های خود را کنار یکدیگر میزنند و آنهاییکه با هم در حال تراغند خانه های خود را در دو انتهای اردو برپا میسازند . ایلات سازدوئیه در محل قتلاقی خود (جیرفت) چنانچه در نزدیکی جاده ای اردوی خود را بپاکنند در دوردیف (دوطرف جاده) پشت بجاده چادر میزنند در غیر اینصورت در کنار سراسیمبی تنندی در یک ردیف چادر میزنند و مدخل چادر را بطرف سراسیمبی قرار میدهند . بهر حال آفتاب و باد در تعیین جهت چادر ها و جهت کلی اردو زیاده موثر بنظر نمیرسند .



وقسمت جلوی چادر برای زندگی کردن یا خوابیدن خالی گذاشته شده است که فرش یا حصیری در آن پهن شده است .

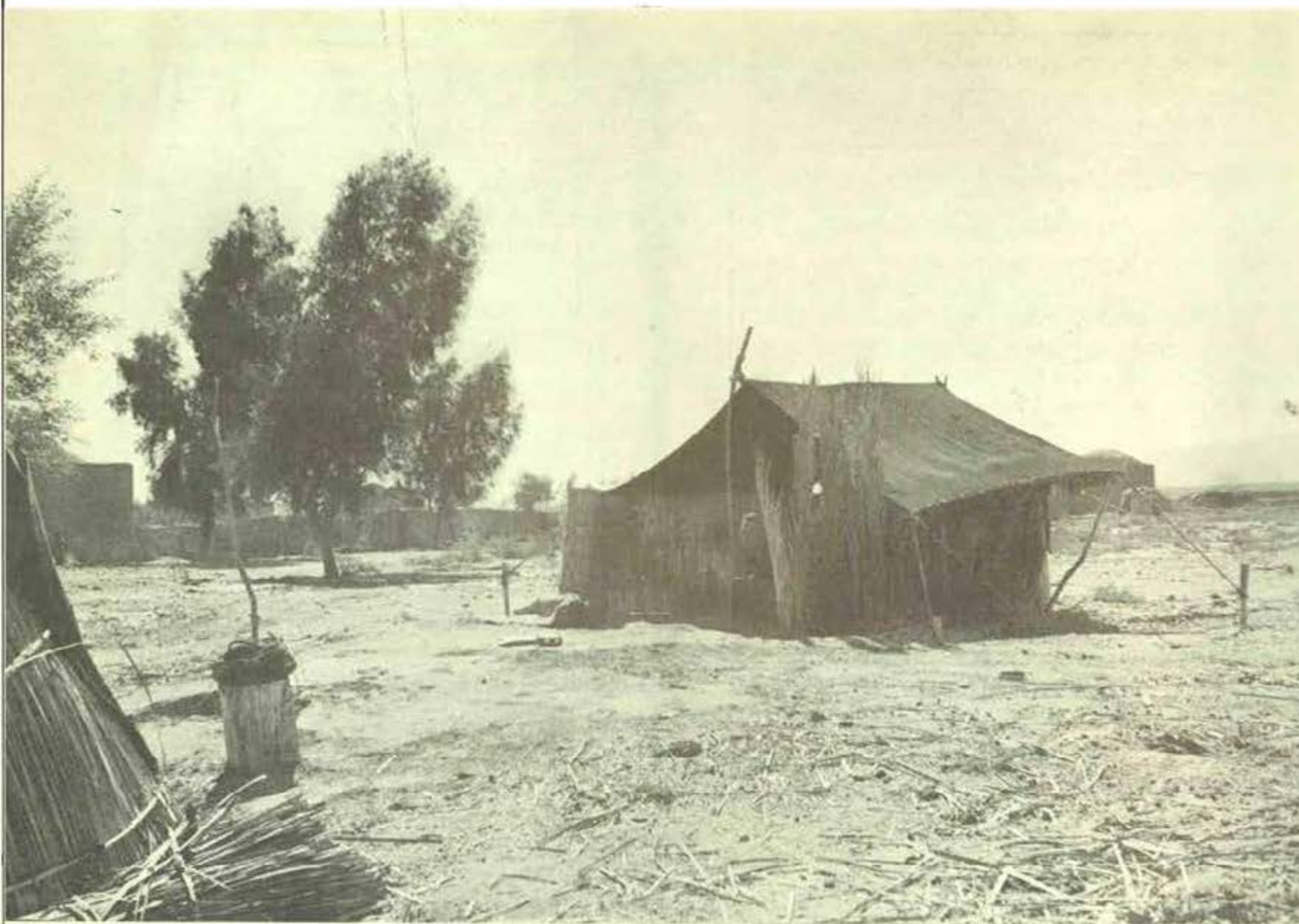
در نوع دوم که بیشتر در مورد چادر های بزرگتر وجود دارد اشیاء در اطراف چادر چیده شده است و رختخوابها غالباً روبروی ورودی قرار دارند .

مشکهای دوغ و کره همیشه در خارج چادر کنار در ورودی از یک سه پایه آویزان است محل نگهداری مرغها در داخل چادر است و بقیه چهارپایان باربر را پشت چادرها میبندند .

چادر سازدوئیه دارای پلان مستطیل شکل است و سقف مثلثی از یک یا چند قطعه پلاس تیره رنگ بافته شده از موی بز که موازی یکدیگر قرار دارند تشکیل شده است . یک ردیف پایه چوبی در وسط قرار دارد و در دوطرف دوردیف پایه کوتاه بارتفاع تقریبی ۱۵ متر وجود دارد . چادر بوسیله طناب یا زنجیر بزمین متصل شده است . اطراف چادر حصیری است که به پایه های چوبی تکیه دارد و اشیاء داخلی چادر در کنار آن چیده شده اند . قطعات پلاس با تکه های چوب و یا خر مهره یکدیگر متصلند . در اینجا باید متذکر شد که با اینکه شکل چادرها و طرز چیدن اشیاء داخل آن کاملاً مشخص است و از دو سه فرمول کلی تبعیت مینماید ولی این فرمولها صرفاً جنبه اجرایی دارند و دارای اهمیت مذهبی و یا مربوط به اعتقادات دیگری نیستند و عملاً دیده شده است که عشایر انعطاف زیادی در این مورد بخرج میدهند و حاضر بقبول هر نوع تغییری در مورد شکل خانه و بهبود وسائل زندگی خود هستند بشرط آنکه با نوع اقتصاد کوچ نشینی و همچنین عادات و روشهای پستری آنان (در مورد رفتار روزمره) وفق دهند . نگارنده مواردی را دیده است که بجای چادرهای مخصوص بخود از چادرهای برزنتی آماده استفاده شده است .

اردو

اجتماع چند چادر کنار یکدیگر و کوچ و اتراق آنان با هم دارای علل مختلفی است که در عرض سال تغییر میکند مانند وسعت چراگاههای زمستانی و تابستانی . مقدار گوسفندان و نیروی انسانی دامداران روابط فردی دوستی و دشمنی افراد با یکدیگر . بهمین دلیل هم اندازه و سیمای اردوهای عشایری دائماً در حال تغییر است . تعداد چادر های یک اردو ممکن است از ۳ تا ۴۰ چادر تغییر کند و فاصله چادرها از یکدیگر بین ده تا هفتاد متر متغیر است . با اینحال ارتباط افراد اردو با یکدیگر خیلی زیاد است آنها خود را همسایگان یکدیگر میدانند گویانکه هیچکدام خود را مقید بحفظ این همسایگی نمیبینند و اردوها ممکن است به کوچترین بهانه ای از هم بپاشند و یایک یا



۱ و ۲ : نمونه چادرهای منطقه جیرفت



تكنيك امروزی نیز می تواند بشر را به پراکندگی کامل و یا تراکم در شهرهای عظیم سوق دهد .

يك معماری برای میلیاردها انسان

جمعیت کنونی کره زمین بالغ بر سه میلیارد نفر میباشد که روز بروز در حال افزایش است و با در نظر گرفتن سطح زمین های - کنونی جمعیت نسبی جهان ۸۰ نفر در هر کیلومتر میباشد (مساوی با جمعیت نسبی فرانسه) تنها عمل شمارش سه میلیارد نفر، روز و شب بدون توقف ۴۵۰ سال بطول میانجامد و ساختن انوموبیلی برای هر يك از این سه میلیارد نفر سیصد سال تمام وقت صنایع انومبیل سازی جهان را میگیرد . حال اگر چه، در بعضی از ممالك انومبیل وسیله ای نجمی بیش نیست، مسکن در همه جا وسیله ای لازم و ضروری است . بنابراین تهیه مسکن برای ۱ میلیارد و نیم بی خانمان چقدر بطول میانجامد ؟

بنظر میرسد که خوش آب و هوا کردن زمین های غیر مسکونی (۲۵ درصد سطح کره زمین) تنها راه حل ممکنه باشد کما اینکه در حال حاضر این راه حل برویا پیشتر نزدیک است تا به حقیقت . استفاده از انرژی هسته ای و انرژی خورشید تهیه مسکن را برای ۳ میلیارد نفر امکان پذیر می سازد . با باطری های تنظیم کننده میتوان در هر ۱۰۰ کیلومتر تغییرات فشار هوا را کنترل کرده و بدین ترتیب زمین های مسکونی و زراعتی را از تاثیرات جوی مصر مصون داشت .

با در نظر گرفتن گسترش فعلی علم و دانش بوجود آوردن چنین تشکیلاتی بیش از ۲۰ سال بطول میانجامد در حالیکه هر راه حل دیگری را که در نظر بگیریم دهها سال پیش از این وقت لازم دارد . تمام اینها فرضیه ای تکنیکی نیست که ممکن است روزی به مرحله اجرا درآید و با درنایاب با این وجود دانشمند فردا خود راه حل برای آسان کردن زندگی انسان فردا پیدا میکند ولی آنچه که مسلم است اینست که در این راه حل برای ارتشیتکت فعلی جانی نخواهد بود در حال حاضر تنها عملی که وی انجام میدهد گسترش تکنیک های موفتی است که پسلی بین ساختمانهای کلاسیک (ساکن) که آثاری از خود باقی میگذارند و سیستم های آینده است . کار این تکنیک های موفتی افزایش سطح محلهای سکونت و زراعت بر حسب افزایش جمعیت نسبی است .

این همان دلیل وجود «معماری متحرک» است . البته لفظ «متحرک» معنی تحرك ساختمانها را بطور کلی نداده بلکه قابل استفاده بودن آنها را برای اجتماع متحرک میدهد . بنابراین «معماری متحرک» در نتیجه تغییرات اساسی اجتماع بوجود خواهد آمد .

تكنيك مدرن تراکم ایجاد میکند . جمعیت نسبی بطور سرسام آوری افزایش می یابد ، فواصل از بین رفته ، آسایش و راحتی زیاد شده و مردم کسل و بی حوصله میشوند ؛ این مشخصات وضعیت کنونی است . حال چه راه حلی قادر است تعادلی برقرار کند؟ هنوز معلوم نیست .

ولی این را میدانیم که هرمانی در راه این تعاون دهه های بیون قربانی خواهد داد .

ارتشیتکت پاشهر هائی که می سازد یکی از مهمترین موانع را بوجود می آورد . شهرهای کنونی نمی توانند خود را با تغییرات لازم وفق دهند مشکلائی از قبیل فقدان محل برای پارک خودروها ، تعدیه نبودن محل کافی برای سکونت از شهرهای فعلی يك مانع می سازند . این موانع مشکلات اقتصادی و اجتماعی زیادی بوجود می آورند و بالاخره منتهی به جنگ میگردند . البته هیچ کس خواهان جنگ نیست ولی معذالك هر کسی برای ارضای غرایز شخصی خود به پدیدار شدن این موانع کمک میکند .

اولین مرحله در راه اجتناب از جنگ بررسی مشاغل است . دومین مرحله بوجود آوردن مشاغلی نو با ایجاد تکنیک های جدید مانند معماری متحرک است .

در زیر بدگر چند مورد از امکاناتی که در اختیار ارتشیتکت فردا قرار دارد اکتفا میکنم .

بلوک های هوایی (ساختمانهای که سطح انکاء بسیار کمی بازمین دارند) میتوانند سرعت ظرفیت مسکونی شهرهای امروزی را افزایش دهند . سپس بخش های فضائی کم کم مرکز تجملی شهرهای امروز میشوند و سرعت صورت شهرهای فضائی را بخود میگیرند ، بدین ترتیب شهرهای دور دست می یابند که تا از درگیری ۱۷۰۰ میلیارد نفر محل سکونت و وسائل زندگی فراهم نمایند ، اینرا میتوان گفت استعمار واقعی فضا .

(دگرگونی های دنیای ما)

اجتماع کنونی بشر در زیر تسلط ۳ دسته دگرگونی که کاملاً از کنترل بشر خارجند قرار دارد .

۱- دگرگونی های روانشناسی اجتماعی که نتیجه تغییراتی مداوم و همبستگی است . این دگرگونی ها بطور وضوح در تقریبات و شادیهای عمومی و سازمان خانواده ها بچشم میخورد . نتیجه این دگرگونی ها گسترش دوگوش و تمایل متقابل است . میل به تنهایی و ترجیح به زندگی در میان مردم . کدامیک از این دویر دیگری قلیه خواهد کرد ، چه نوع زندگی را بوجود می آورند؟ جواب به این سوالات در حال حاضر غیر ممکن است .

۲- دگرگونی های فزبولوژی که تاحدی قابل اغماضند ولی برعکس آن شرایط زیست بطور کلی تغییر یافته و عوامل فیزیکی جدیدی که اهمیتشان هنوز ارزیابی نشده است در بیولوژی امروزی دخالت کرده اند مانند ناراحتی هائی که در نتیجه تشعشعات و استفاده از الکتریسته و با در نتیجه استنشام هوای فاسد که بوسیله صنایع بوجود می آید . عامل مهم دیگر زمان است که عملاً بوسیله روشنائی مصنوعی ادامه یافته و انسانها را مجبور می کند که روزهای طولانی تری را بگذرانند .

مانند دگرگونی های روانشناسی اجتماعی حدس اینکه نتیجه نهائی از تاثیر این عوامل جدید چیست هنوز غیر ممکن است .

۳- دگرگونی های تکنیکی که بیش از همه به اراده بشر بستگی دارد لیکن آنها فقط امکانات ما را گسترش میدهند و در گرفتن تصمیماتمان هیچگونه کمکی بما نمیکند .

تکنیک امروزی نیز میتواند بشر را به پراکندگی کامل و یا تراکم در شهرهای عظیم سوق دهد .

تشکیلات مکانیکی ، مغز الکترونیکی و لوازم خودکار پراکندگی را آسان کرده و وسائلی از قبیل تلفن - تلویزیون - رادیو و تلگراف این از هم پاشیدگی را ساده تر میکند .

در شهرسازی آینده زمین دیگر قیمتی نخواهد داشت چون از خود زمین هیچ گونه استفاده ای نمیشود و فقط ساختمان زمین را (سطح اتکاء حقیقی ساختمان بروی زمین و مدت اشتغال) بحداقل رساند علاوه بر اینکه صرفه جوئی قابل ملاحظه ای میشود ، قوانین حقوقی فعلی نیز در مورد مالکین بطور کلی دگرگون میشوند (مانند فضای هوایی - حق بین المللی) .

بنابراین از این دگرگونی ها دو نتیجه حاصل میشود .

- ۱- ایجاد شهر برای افراد پراکنده که مساحت زیادی را با جمعیت نسبت کمی اشغال میکنند.
- ۲- ایجاد شهر برای جمعیتی فشرده با تفریحاتی اجتماعی ، در مقابل این دو راه حل متقابل حد وسطی بنظر نمیرسد . گوشه گیران کسانی که طرقدار زندگی در میان مردم هستند و نمیتوانند در یک جا با هم بسازند و نتیجه اش همین بحران کنونی است ؛ شهرساز این دو را مجبور میکند که با هم زندگی کرده و روش های شهرسازی امروزی اجازه انتخابی آزاد را نمیدهد این دو تعامل لزوم ایجاد یک شهرسازی نامحدود را ایجاد میکند راه حلی که با تجدید سازمان مدهای شهرسازی بدست میآید اینستکه میبایست تکنیک های کنونی را در راه های جدیدی بکار برد نه اینکه تکنیک های جدید بوجود آورد .

شهرسازی نامحدود بدو صورت امکان پذیر است :

- ۱- با ایجاد ساختمانهای قابل حمل با قرم هائی تفسیر پذیر ؛ ساختمانها باید در حداقل وقت ممکن ساخته شده از محلی به محل دیگر قابل انتقال بوده و پس از انتقال بتوان آنها را دوباره مورد استفاده قرار داد .
- ۲- با از بین بردن وابستگی ساختمان بزمین بوسیله ایجاد بلوک های هوایی که سطح اتکاء بسیار بازمین داشته و با ایجاد شبکه های تغذیه - فاضل آب - برق - آب - تلفن - تلگراف و غیره که متحول و تغییر پذیر باشند .

باید توجه داشت که حل مسائل مربوط به تراکم جمعیت مهمتر است چون این مسائل به مراتب از مسائل مربوط به پراکندگی پیچیده ترند . در حقیقت تکنیکهای کنونی معماری و شهرسازی نمی توانند راه حلی برای مسائل مربوط به پراکندگی پیدا کنند . فقط تکنیکهای جدید قیرونی و شیمیائی میتوانند به احیای پراکندگی پاسخ گویند :

مانند تهیه خانه های مستقل یا هتل های فذوالکتریک که مستقلا پاسخگوی احیایات منزل انظر هر نوع انرژی (مکانیکی - قیرونی و غیره) می باشند و رفت آمد هوایی که وجود حادها را سفایده میسازد

راه حل های تکنیکی ممکن

برای آنکه بتوان شهرها را با خواسته های اهالی وفق داد میبایست آنها را متنوع و پراکنده و از نو ساخت . این راه حل با تکنیک های موجود امکان پذیر نیست چون علاوه بر صدمه زدن بخود ساختمان باعث ویرانی کانالها و شبکه های عبور و مرور و تغذیه میگردد . بنابراین باید بطور کلی این تکنیک ها را تغییر داد و دگرگون کرد :

- ۱- تکنیک عبور و مرور و شبکه راهها

در حال حاضر برای ساختن هر شهر جدید مبادرت با ایجاد جاده ای میکنند که برای حمل و نقل وسائل مورد لزوم برای ساختمان شهر و تدارکات آن مورد استفاده قرار میگیرد . در حالیکه هم اکنون در افریقا و در هندوستان و در اغلب ممالك در حال توسعه دیگر حمل و نقل وسایل و تدارکات بوسیله هواپیما انجام میشود و در آینده شهر

جدید فقط بایک شبکه حمل و نقل هوایی و بخارج مربوط میشود و جاده عاملی بهبوده محسوب گشته و کم کم از بین میرود چون از نظر صرفه جوئی در وقت هم برای مسافرت و هم برای حمل و نقل استفاده از هواپیما اجباری و بایبلا اینها آنچه را که از عهده هواپیما خارج است حمل و نقل را بعهده میگیرند .

بکار بردن این وسائل جدید برای عبور و مرور به مراتب ارزانتر از ایجاد و نگهداری یک جاده تمام میشود برای مثال کافی است که یادآور شویم که با قیمت یک جاده ۲۰۰ کیلومتری میتوان ۲۰۰۰ مسکن با ظرفیت ۶ تا ۸ هزار نفر ساخت و چنانچه شبکه راههای داخلی رانیز بجاده های خارج از شهر اضافه کنیم قیمت مجموع آن ۸۰ درصد قیمت خانه های شهری ۲۰۰۰۰ نفره خواهد شد .

۲- تکنیک های تغذیه

آب ، انرژی (الکتریسته) ارتباطات (تلفن - بیسیم - تلویزیون) و تخلیه (فاضل آب) و اینها شبکه های تغذیه مورد لزوم برای زندگی بشر است .

بنابراین مسئله ای که پیش میآید اینستکه چگونه میتوان مسکن را از قید این شبکه ها آزاد کرده و ناقل و انتقال یانغیر و تحول بسادگی صورت گیرد ؟ پاسخ این سوال را در حقیقت مهندسی باید بدهند نه آرشیست .

نتایج حاصل از بکار بردن پروژه های نوین در شهر های آینده واقعا حیرت انگیز است .

شهرنشینان چون دیگر نایب شبکه های تغذیه و مرور و مرور که آنها را مجبور به تجمع میکنند نخواهند بود میتوانند از یکدیگر دوری جسته و حتی برای اوقات بیکاری خود نیز لزومی به یکجا جمع شدن نخواهند داشت چون همانطور که میدانیم تفریحات نیز تفریحاتی انفرادی خواهند شد .

چنانچه این تفریحات بنوبه خود کاملاً ماشینی و تکنیکالیزه شوند (مانند برخورد ها و ملاقاتهای تلویزیونی بدون احتیاج به حضور فیزیکی) آنوقت شهر از بین رفته و پراکندگی خانواده ها از یکدیگر کامل میگردد . این تمایل به پراکندگی هم اکنون نیز در ایالات متحده آمریکا مشاهده میگردد چنانچه عده ای از آمریکائی ها زندگی در صحرا را در حالیکه فقط بایک تلویزیون بدنیای خارج مربوط میشوند بزندگی در شهر ترجیح میدهند و همین تعامل به پراکندگی مردم آمریکا پایه و اساس رمانهای بسیاری از نویسندگان محلول تخیلی از قبیل «دی براد بوری» قرار گرفته است .

۳- تکنیک های قضائی (مالکیت زمین)

در شهرسازی آینده زمین دیگر قیمتی نخواهد داشت چون از خود زمین هیچ گونه استفاده ای نمیشود و فقط ساختمان بروی آن بنا میگردد یعنی اگر بتوان با تکنیکی نو درجه اشتغال زمین را (سطح اتکاء حقیقی ساختمان بروی زمین و مدت اشتغال) بحداقل رساند علاوه بر اینکه صرفه جوئی قابل ملاحظه ای میشود ، قوانین حقوقی فعلی نیز در مورد مالکیت بطور کلی دگرگون میشوند (مانند فضای هوایی - حق بین المللی) .

برای بحداقل رساندن اشتغال زمین دو فرمول ساختمانی بنظر میرسد :

۱- اشتغال موقت زمین یا بناهایی که پس از ویرانی آناری که مانع استفاده مجدد از زمین باشد باقی نمیگذارند (آثاری مانند حفاری - ایجاد لوله ها و کانال های مختلف و غیره) .

۲- اشتغال زمینی با ساختمانهای فضائی که سطح اتکاء بسیار ضعیفی با زمین دارند (مانند پلها - بناهایی که بروی آب بنا شده و بروی ستونهای چوبی که در آب فرو میروند قرار دارند) .

در سیستم اول زمین در زمان اشتغال کوچکترین لطمه ای ندیده و برای بنار کردن ساختمان مالکیت زمین یا اجاره قسمت بسیار کوچکی از زمین که پایه های ساختمان بروی آن قرار میگیرد کافیت و بقیه زمین میتواند تماماً بمصارف دیگری از قبیل زراعت و غیره برسد .

يك معماری برای میلیاردها انسان

۱- تکنیک‌های ساختمان منازل .

همانطور که میدانیم روابط اجتماعی همیشه در حال تغییر و تحول بوده‌اند ولی روابط بیولوژیک (مربوط به زیست شناسی) بطور کلی تغییر ناپذیرند از این میان دو رابطه برای آرشیتکت حائز اهمیت است: یکی احتیاج به پناهندگی و دیگری احتیاج بگردش. با اینحال تکنیک امروزی تا حدی قوانین اساسی بیولوژی را دگرگون کرده است. متلاچندی پیش شخصی تعریف میکرد که در آمریکا بقدری با اتومبیل با اینطرف و آنطرف میرفته و باین موضوع عادت کرده بود که در اروپا برای بازدید از موزه‌ها مجبور شد دوباره «راه رفتن» را یاد بگیرد .

در اینجا است که باید به پیشنهاد «اف - ال - رایت» مبنی به ساختن موزه‌هاییکه با اتومبیل بتوان در داخل آنها گردش کرد بچشم دیگری نگریست .

احتیاج به پناهندگی محافظت منزل را از خارج (که شرط اصلی وجود هر منزلی است) و احتیاج به گردش یعنی استفاده از فضای خارجی را (که اصل هر ساختمان باید بدر نظر گرفتن آن پیاده شود) بدنبال می‌آورد . برای آرشیتکت عنصر اصلی که پاسخگوی هر دوی این احتیاجات شهرنشینان است پناهگاه نامیده میشود . که بر دو نوع است : پناهگاه انفرادی و پناهگاه عمومی بر حسب عده‌ایکه از این پناهگاه‌ها استفاده میکنند .

پناهگاه‌های عمومی نیز بنوبه خود بر حسب استفاده‌ایکه از آنها میشود بدو قسمتند : پناهگاه‌هایی که افراد در آنها بگردش می - پردازند (مانند موزه‌ها - بازارهای روز و غیره) و پناهگاه‌هاییکه در آنها افراد بدور هم جمع میشوند (مانند کلیسا - سینما - کافه و غیره) . برای هر کدام از این پناهگاه‌ها باید ساختمان‌های بخصوصی در نظر گرفته شود که مانند بقیه ساختمان‌های شهر قابل نقل و انتقال باشند این لزوم منقول بودن پناهگاههای عمومی هم‌اکنون نیز در بیشتر کشورها بخصوص در کشور های افریقائی بچشم می‌خورد مثلا در آفریقا وقتی دست به ساختمان شهر جدیدی زده میشود بطور کلی پیش بینی اینکه شهر نشینان یومی از چه تفریحانی لذت برده و درجه امکائی بدور هم گرد می‌آیند غیر ممکن است و این امکان است که پس از ساختمان شهر همه بیک سینما و یا یک زمین فوتبال و یا جائی دیگر هجوم برند .

بنابراین در پروژه اولیه شهر به هیچ وجه نمی‌توان پناهگاهی عمومی متناسب با سلیقه و روحیه بومیان پیش بینی کرد و ساخت . حال اگر این پناهگاههای عمومی تغییر پذیر و منقول باشند اقلا میتوان تا حدی احتیاجات عمومی شهرنشینان را برطرف کرد .

در شهرسازی آینده پناهگاه انفرادی کوچکترین شباهتی به آپارتمانهای امروزی ندارد . امروزه يك آپارتمان متشکل از تعدادی اتاق است که هر کدام برای مقصود خاصی در نظر گرفته شده‌اند مانند خوردن - خوابیدن - استحمام - آشپزی و غیره . استفاده از این اتاق‌ها تغییر پذیر است یعنی ما میتوانیم اتاق نهار خوری را با تعویض اثاثیه‌اش با اتاق خواب تبدیل کرده و بالعکس پس استفاده از هر اتاق بستگی به اسباب و اثاثیه‌اش دارد . ولی پناهگاه انفرادی فقط برای منظور خاصی در نظر گرفته نشده است بلکه برای رفع احتیاجات شخصی که آنرا اشغال کرده بنا شده است . یعنی در حالیکه در آپارتمان های امروزی هر اتاق رفع یکی از احتیاجات افراد يك خانواده را میکند پناهگاه انفرادی برای رفع تمام احتیاجات شخص که در آن زندگی میکند ساخته میشود و بدین ترتیب حداکثر استقلال را بآو میدهد .

در حقیقت همانطور که میدانیم در يك آپارتمان امروزی افراد خانواده در استفاده مشترکی که مثلا از حمام دارند باشکالهای مختلف بر می‌خورند در حالیکه در پناهگاه های انفرادی دیگر اینگونه اشکالات اصولا مطرح نیست .

اثاثیه پناهگاه انفرادی را که در نتیجه تحولات آینده ضروری خواهد شد هم‌اکنون صنعت و تکنیک مدرن نیز میتواند فراهم کنند مانند میل - کابین دوش - روشویی متحرک ، لوازم الکتریکی (رادیو - تلویزیون) و غیره فقط کابین دوش است که کمی دوايز پناهگاه یا بهتر بگوئیم اتاق ناچور بنظر میرسد ولی اگر قیمت آنرا به قیمت يك حمام خانوادگی مقایسه کنیم باز هم می‌بینیم که وجود آن مقرون بصرفه است .

در شهرسازی آینده حمامهای بزرگ ، راهروها و کریدورها که در آپارتمان‌های امروزی برای ارتباط اتاق‌های مختلف بکار می‌روند از بین خواهد رفت . چون هر پناهگاه به نوبه خود آپارتمانی مخصوص برای هر فرد خانواده بحساب خواهد آمد . در آینده خرید اسباب و اثاثیه مورد لزوم برای يك اتاق براحثی خرید يك میل یا يك چادر امروزی خواهد بود و اثاثیه‌نو و مدرن جایگزین اثاثیه فرسوده و کهن خواهد شد و اتاق های کاملی رامیتوان بر حسب ازدیاد یا تقلیل افراد خانواده با آپارتمان اضافه یا از آن کم کرد .

نظر به قابل حمل بودن پناهگاه‌های انفرادی بکار بردن اسباب و لوازم ساخته شده و آماده در ساختمان این نوع پناهگاه‌ها بسیار مقرون بصرفه خواهد بود .

نتیجه

بنابراین تکنیک‌هایی که میتواند تکتیسین های شهرها را از مشکل کنونی شان دهائی بخشند عبارتند از :

۱- تکنیک‌هایی که اجازه ساختن ساختمانهای موقت جدیدی و بدهند بدون اینکه نقل وانتقالشان ضرر مادی که ویرانی ساختمان‌های امروز بدنبال دارد به‌براه داشته باشد .

۲- تکنیک‌هاییکه اجازه نقل و انتقال شبکه‌های تغذیه ، آب انرژی ، فاضل‌آب و عبور و مرور را داده بدون اینکه بزمین لطمه‌ای وارد آمده یا باعث ضایع شدن خود شبکه ها گردد .

۳- لوازم ساختمانی باید ارزان قیمت ، سبک و کم حجم بود و باسانی از هم باز و برویهم سوار شوند .



سایه روشن

کتابخانه
۷۵۰۰۰

روشن

سایه

سایه روشن

تاریخچه پیدایش و پیشرفت ساختمان آجر سفالی

استفاده از « قطعات گل پخته » نخستین بار برای پر کردن فواصل بین تیر آهن در طاق ضربی در سالهای بعد از ۱۸۰۰ میلادی در اروپا آغاز شد. با ابداع ساختمان های « بتون آرمه » در سال ۱۹۰۵ بکار بردن بلوکهای مجوف سفالی در سقفهای « بتون آرمه » بمنظور تقلیل وزن سقف و بهبود جنبه عایقی آن از لحاظ صدا و حرارت رایج شد و این شیوه با اینکه امکان صرفه جویی در مصرف آهن را فراهم نمیکرد ولی وجود بلوکها نقشی از لحاظ ایجاد استقامت در برابر فشار نداشت.

با پیشرفت های بعدی «بال» هائی به بلوک های مربع شکل اضافه شد که موجب تسهیل بتون ریزی، صرفه جویی در چوب پست زیر سقف و تشکیل یک سطح زیرین یکدست میشد. علیرغم مخالفت بخش های دولتی و خصوصی دیری نگذشت که مزایای فنی این ابداع برهمگان ثابت شد و سریعاً در اروپا پذیرفته و رایج گشت.

در سال ۱۹۲۵ پژوهشهای متخصصین نشان داد که بلوکهای مجوف سفالی نقش اساسی در استحکام سقف ایفا می کنند و از آن پس بلوکهای مجوف رفته رفته جای نسبت عمده رویه بتونی در منطقه « فشار » سقف را اشغال کرد. در همین دوران استفاده از قطعات پس ساخته سفالی با گذاشتن فولاد در داخل آجر های سفالی - که به شکل تیرچه های مستحکم درمی آمد - صرفه جویی باز هم بیشتری را در امر پرخرج چوب پست ممکن ساخت و منتج به ایجاد سقفهای «دندانه ای» فقط چند سانتی متر بتون در فواصل بلوکها گشت.

ایتالیا نخستین کشوری بود که بکار بردن بلوک های سفالی برای برگردن فواصل را گسترش داد و علت آن نیز فراوانی خاک مرعوب و کمبود آهن در آن کشور بود. در سال ۱۹۳۷ « قانون ساختمان » کشور ایتالیا رسماً مقررات مربوط بساختن سفالی را تدوین و بکار بردن آنها را تصویب کرد.

طرح بلوکهای جدید سفالی براساس تحمل ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلو گرم در سانتی متر مربع در منطقه « فشار » و ۵۰ کیلو گرم در سانتی متر مربع در منطقه « کشش » تهیه شده است. این خاصیت همراه با خاصیت ممتاز چسبندگی آن ببتون، محاسبه و ساخت سقفهای کاملاً یکپارچه را ممکن ساخته و مصرف بتون را حداقل کاهش میدهد، و باوجود این مقاومت یکدستی معادل ۲۲۵ کیلو گرم در سانتی متر مربع در منطقه « فشار » (با ۳۰۰ کیلو گرم سیمان در متر مکعب بتون) بدست می دهد و در عین حال منطقه کشش به سانتی با تعدادی میلگرد فولادی کم قطر پوشانده میشود. این ساختمانها از ابتدای پیدایش در معرض خطر هائی چون زلزله، یخبازان، و همچنین آتش

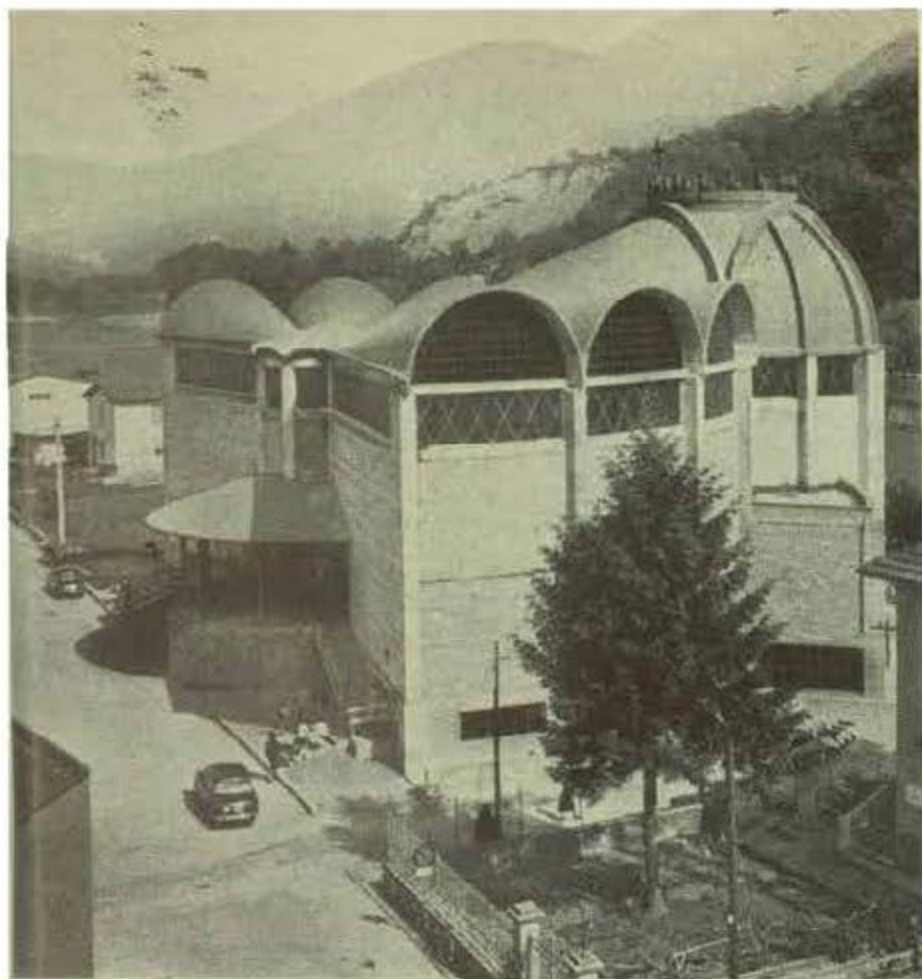


آنها و در نتیجه سرعت کار گذاشتن و تقلیل ملات مورد نیاز حاصل میشود، و دیگر سهولت و ظرافت نقشهای تزئینی داخل بنا که ناشی از صافی سطح و چسبندگی آجرها و در نتیجه امکان گچکاری بدون واسطه در روی آنهاست. همچنین باید از خاصیت نسبی عدم جذب رطوبت این آجرها یاد کرد که در مناطق مرطوب بسیار مهم و ارزشمند است.

پژوهشهای علمی در باره ظرفیت بار پذیری دیوارهای آجری نشان داده است که مرزگسیختگی

فرسودگی معمولی ناشی از گذشت زمان فرارداشته و بنحو روز افزونی ارج و ارزش فنی این سیستم های جدید را اثبات کرده اند.

آجر مجوف سفالی با اندازه های متنوع خود برای مصارف مختلف نه تنها جایگزین مصالح ساختمانی کهن شده بلکه بخاطر سبکی وزن، صافی سطح، و خاصیت ممتاز عایقی در برابر صدا و حرارت مطلوب ترین نوع مصالح برای ساختمانهای مدرن بشمار میرود. از مزایای خاص این آجرها یکی صرفه جویی قابل توجهی است که از بزرگی ابعاد



آجر های معمولی بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلو گرم در سانی متر مربع میباشد در صورتیکه در سال حاضر استقامت مورد استفاده این آجر ها در ۶ تا ۷ کیلو گرم در سانی متر مربع تجاوز نمیکند و بدین ترتیب ثابت میشود که قدرت واقعی این آجر ها بسیار بیش از آن است که بتظر می رسد . و اما نقطه ضعف دیوار های آجری همانا ملات آنهاست که عموماً مدتها پیش از این که آجر ها به مرحله شکست و فرسودگی برسند فرو ریخته و از بین می رود .

نخستین ساختمان آجر سفالی بطریق علمی در سال ۱۹۵۱ در بال Bale بوسیله مهندسین سولیس ساخته شد که یک ساختمان ۱۲ طبقه بود و سپس در سال ۱۹۵۸ یک ساختمان ۱۸ طبقه در دوبرج ساخته شد که آجر های مخصوص با مرز گسیختگی ۲۰۰ کیلو گرم در سانی متر مربع در آن بکار رفت و مقایسه قیمتها نشان داد که هزینه آن از اسکلت بتن آرمه کمتر بوده است .

پیدایش ساختمان سفالی در ایران

گسترش رونق افزون فعالیت های ساختمانی در ایران ، گمبانی خوب و تخته و گرانیتی قیمت آهن ، نوام با وجود منابع سرشار خاک مرغوب در کشور ما عواملی بود که قبول سیستم جدید ساختمان با سفال مجوف را در ایران تجویز و تشویق می کرد .

پهمن غلت در سال ۱۳۳۸ شرکت سهامی اینتلران تشکیل شد و برنامه مصالح جدید ساختمانی را در ایران پیاده گرفت . چنانکه تجربه کشور های دیگر نشان داده بود در کشور ما نیز این سیستم جدید با تالیابی و روبرو شد . ساختمان پن مصالح در ایران سابقه طولانی داشت و بالنسبه اهل فن ساختمان از آرشیتکت گرفته تا معمار ، در آغاز به تدای اینتلران پاسخ مثبت ندادند . رفته رفته مزایای فنی این سیستم آشکار گشت و در های بازار ساختمان بروی آجر های مجوف گشوده شد .

نوع فرآورده ها و امکانات

هم اکنون انواع و اقسام مصالح ساختمانی جدید ، از آجر سفالی مجوف ساده گرفته تا بلوکهای مجوف خاص که طبق طرحهای علمی برای ساخت طاقهای عریض تهیه میشود ، در این کارخانه مدرن و مجهز تولید میگردد و شیوه تولید کارخانه چنان است که نه تنها یکدستی فرآورده ها را تضمین میکنند بلکه طرحهای دقیق در اختیار آرشیتکت گذارده و موجب ارزای خواست و سلیقه سازندگان از لحاظ استحکام ساختمان ها و زیبایی آنها میگردد .

از طرف دیگر هیزمان پایدار و گسترش فنون مدرن ساختمانی ، و انتظار های روز افزون دولت و آرشیتکت ها و عامه مردم از سازندگان بناها ، لزوم ابداع سیستم جدیدی برای ساختن سقفهای مستحکم ، مناسب پاهر نوع ساختمان در عین حال ارزان قیمت مخصوص بود ، سیستم « اینتل سق » جوایزی شایسته این نیاز هابود و از آغاز کار مورد اعتماد و پذیرش اهل فن ساختمان واقع شد .

آرشیتکتها و مهندسین طراح وقتی با این سیستم

اندازه ها و مقادیر

جدول شامل

بتون ریزی نبوده و

بتون روی سطح

سقف باید محاسب

واضافه شود .

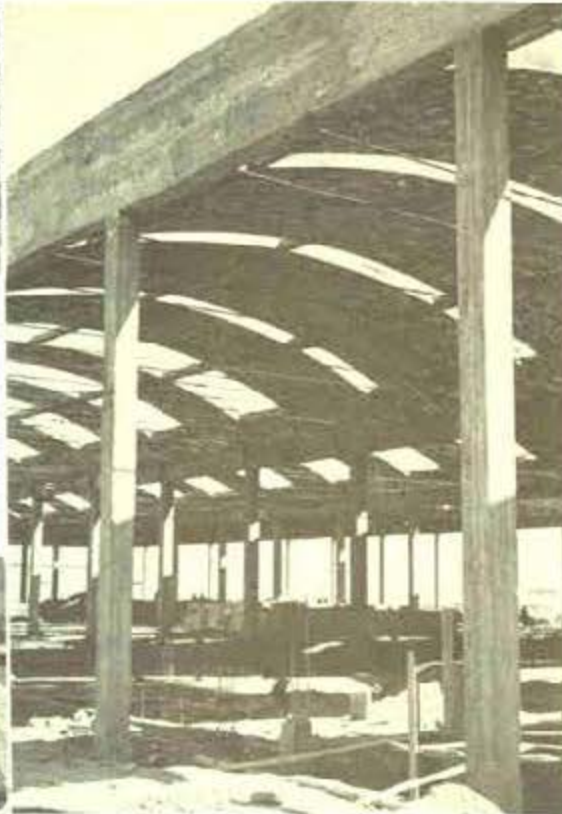
ارتفاع سانتیمتر	محور سانتیمتر	وزن تیر و بلوکها (کیلوگرم در مترمربع)	مقدار بتون (لیتر در مترمربع)	وزن سقف نصب شده (هر مترمربع)
۱۲	۵۰	۶۱	۱۶	۹۱
۱۶	۵۰	۷۹	۲۳	۱۲۵
۲۰	۵۰	۸۱	۳۰	۱۱۱
۲۰	۶۰	۹۲	۳۶	۱۶۱
۳۰	۶۰	۱۱۵	۶۰	۲۳۵
۴۰	۶۰	۱۲۸	۸۱	۲۹۰

دهه بنا دارد و بین ۲۷ تا ۳۰ طول دهه متغیر است . دو نوع آن منشکل است از بلوکهای مجوف و تیرچه های پیس ساخته دارای آهن بتظیر های مختلف طبق محاسبات فنی که در کارخانه اینتلران به طولهای مورد نیاز ساخته میشود و پس از جا گذاری تیرچه ها و بلوکها و بتون ریزی فواصل بین بلوک ها ، سقف یکپارچه ای تشکیل میدهد .

نوع سوم تیرازی به تیرچه نداشته و بلوکها در روی حمالهای فلزی مخصوص قرار داده میشود و سپس فولاد لازم گذارده شده و بتون ریخته می شود و پس از اینکه بتون با اندازه کافی سخت شد میتوان حمالهای فلزی را بر داشته و خارج کرد . همه انواع سقف های مذکور از امتیاز مقاومت

سقف سر و کار داشته باشند از حداکثر آزادی در تهیه طرح و نقشه برخوردارند . انطباق سیستم اینتل سقف با اندازه های مورد نیاز بسیار آسان وزن آن بسیار سبک و بالنسبه موجب صرفه جویی در اسکلت سازی و پی ریزی است ، و بخاطر یکپارچه بودن به قدرت و استحکام سراسر بنا کمک می کند . گذشته از اینها همه تنوع نامیسات در این سقف جا میگیرد ، سطح زیرین آن تراز و صاف و آماده پذیرش گچکاری است ، و به آسانی با هر یک از سه نوع ساختمان یعنی بتونی - فلزی و یا آجری متصل میشود .

همانگونه سه نوع سقف عرضه میشود که برای پوشش دهانه های آزاد بین ۱ تا ۱۲ متر فاصل استفاده هستند . ضخامت سقف نسبت مستقیم با



زیاد در برابر نفوذ و عبور حرارت و صدا به خوردارند و محاسبه دقیق میزان عایقی آنها را میتوان به نحو زیر انجام داد :

جدول محاسبه

سختی و محکمگی این نوع سقف در جهت افقی از لحاظ مقاومت در برابر زلزله بسیار ارزشمند است و از جمله در کشور ژاپن نوع ویژه ای از بلوک سفالی مجوف برای ساختمانهای مناطق زلزله خیز تولید میشود.

نکته بدیهی نکته بسیار مهم است که این نوع ساختمان ضمن اینکه نسبت به همه سیستم های قابل مقایسه برتریهایی دارد وزن آن معرابت از هر سیستم دیگری سبکتر است.

مثلاً:

- سقف بتون ارمه با ۲۰ سانتی متر ضخامت و وزن ۲۵۰۰ کیلو گرم در متر مکعب ۱ در هر متر مربع ۵۰۰ کیلو گرم وزن دارد ۱ در صورتیکه ۱ - سقف سفال مجوف با ۲۰ سانتی متر ارتفاع باضافه ۱ سانتی متر دوطرفه بتونی در هر متر مربع فقط ۲۲۲ کیلو گرم وزن دارد ۱ و از طرف دیگر ۱ - وزن سقف طاق ضربی معمولی که حتی نیسی از خواص فنی سقف سفال مجوف را ندارد در دهانه ۵ متری در هر متر مربع تقریباً ۲۵۰ کیلو گرم است ۱

آنگاه توجهی به ارقام بالا به خواننده نشان خواهد داد که باینکار بردن سفال مجوف چقدر می توان در قسمتهای مختلف ساختمان از پیریزی گرفته تا اسکلت صرفه جویی کرد ۱

۱ قطعات ۱ پیش ساخته سقف که یکی دیگر از سیستمهای مدرن سقف سازی اینال سقف بشمار میرود تنها نوعی است که قیلاً ساخته و مستقیماً در ساختمان نصب میشود و سرعتی که میتوان در این مورد بکار برد واقعاً برای پروژه های فوری و کم زمان بسیار مطلوب است ۱

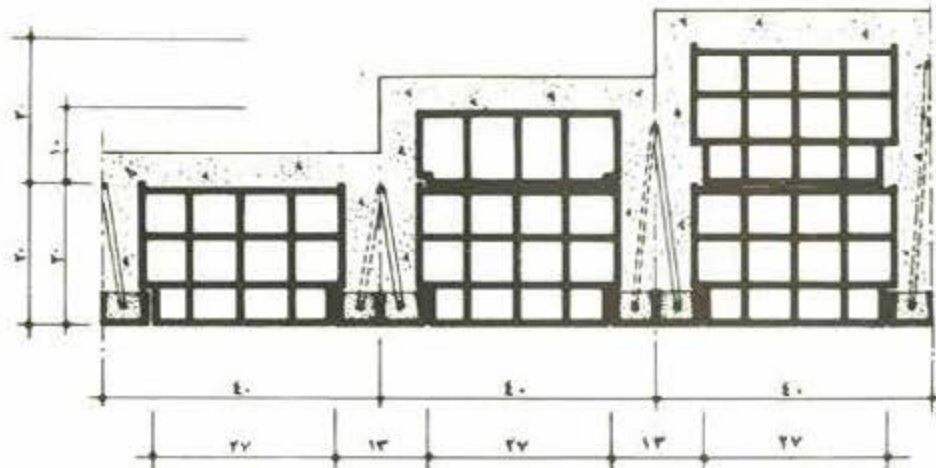
نوع دیگر از سیستم های سقف سازی با فرآورده های اینالران که برای پوشش کارخانه ها، انبار ها و فرودگاه ها و خلاصه هر جا که دهانه بزرگ آزاد و سقف کم هزینه مورد نیاز باشد نظیر و رقیب ندارد طاق قوسی است که با تیر پیش ساخته بلوک و بتنی و به نژاد بتونی ساخته میشود ۱ با این سیستم که ارتفاع پوشش سقفی آن بین ۱۲ تا ۲۰ سانتی متر است ۱ امکان ساختن سقف حتی پادانه ۳۰ متر وجود دارد ۱ در این سیستم ارنجای افقی بوسیله میل مهار های فولادی مهار میشود و بنابراین نیازی به تکیه گاه بیرونی ندارد ۱

سطح زیرین این نوع سقف نیز مانند انواع دیگر صاف ۱ و هرگز گرد و خاک پس نمی دهد ۱ و بدین ترتیب از هزینه جیگاری و امثال آن معاف است ۱ نورگیری ۱ ها بوسیله دریچه های نورگیر هوایی در سقف Skylight ممکن است ۱

و هم پاتسب نظمانی از مصالح شفاف پلاستیک شفاف در میان خود طاق قوسی ۱ همچنین در صورت تمایل میتوان طاق قوسی را بشکل یک رشته تولهانی که یک طرفه طاق آنها تقریباً مانند سقف بعضی گلپه ها کج باشد ۱ احداث نمود ۱ ضمناً جز در مناطق بارانی این نوع طاق به خاطر شکل منحنی و رویه بتونی آن آبرازی به مابقی کاری و آبگیری ندارد ۱

در مورد سقف های قوسی نیز امکان پیش

برای دهانه های بزرگ و بار زیاد



فقط به گوشه های چهارگانه خود آنگاه دارد و نور مورد نیاز از طریق روزنه هایی که دور بادور آن ایجاد میشود تامین میگردد ۱ مهارکشا نیز فقط در محیط آن قرار میگیرند و بدین ترتیب سراسر محوطه زیر سقف باز و بدون مانع و رادع است ۱ اصل اساسی هندسی در سقفهای گنبدی تعیین ارتفاع طاق محاط برگنبد است که باید یکدوم طول ضلع همان طرف مستطیل باشد ۱

ارتفاع پوشش سقف گنبدی ۱۲ سانتی متر است و میتواند مربعی باضلع ۱۰ تا ۱۰ متر را بپوشاند ۱

امکان تلفیق چندین سقف گنبدی باطاق قوسی باینکدیگر به اشکال مختلف باعث میشود که پوششهایی محوطه های بزرگ برای مقاصد گوناگون محلی گردد ۱

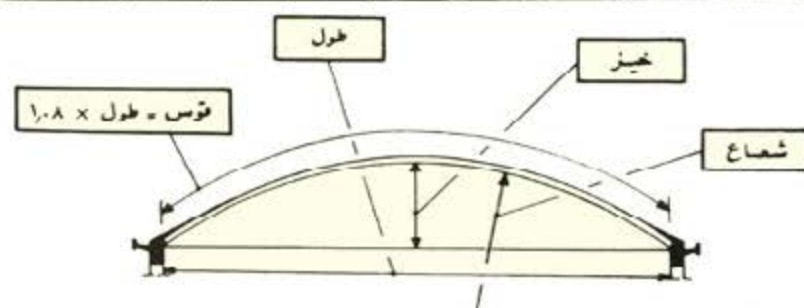
ساختن وجود دارد و به آسانی میتوان قطعات لازم را یکجا ساخته و در محل کارگاه روی پندنه ساختمان نصب کرد ۱

از سال ۱۹۳۶ که در نمایگاه میلان نخستین نمونه طاق قوسی باآجر ۱ سب ۱ به نمایش گذاشته شد بلوک سفال مجوف جای خود را در ساختمان های قوسدار یکپارچه باز کرد و اشکال مختلفی از سقف که مهارت بود از قوسی ۱ گنبدی و امثالهم عرضه نمود ۱ پیشرفت این فن چنان بوده است که سقف گنبدی که در سال ۱۹۲۳ فقط محوطه ای به مساحت ۳۰ متر مربع را میتوانست بپوشاند امروزه یک سطح ۶۰۰ متر مربعی را دربر میگیرد ۱

سقف گنبدی بویژه برای ساختمان هایی مناسب است که لزوماً باید در یک سطح بزرگ فضای آزاد و بدون مانع در اختیار داشته باشند ۱ این سقف

شرکت
ایتال سقف
خیابان ویلا
خیابان دامغان
شماره ۱۶
تلفنهای :
۴۴۴۰۸-۴۴۰۶۵

نوع آجر مورد مصرف						
مقایسه قیمت برتر مربع دیوار با ضخامت های مختلف :						
ضخامت دیوار	تعداد آجر در متر مربع	مساحت	سیمان (کیلوگرم)	سنگ	دسته بندی	قیمت تمام شده
۱۰ سانت	۲۵ قوطی	۰.۰۲	۵ کیلوگرم	۱۵ دقیقه	۱۵ دقیقه	ایتالوان
۷۰ کیلوگرم	۶۰ پال	۰.۵۰	۸.۵۰ پال	۷.۵۰ پال	۲.۵۰ پال	۷۹ پال
۱۰.۵ سانت	۲۵	۰.۰۵	۱۰	۵۲	۵۲	فشاری
۱۸۷ کیلوگرم	۴۳.۵۰ پال	۱.۱۰ پال	۱۷ پال	۲۶ پال	۹ پال	۹۶.۶۰ پال
۲۰ سانت	۵۰	۰.۰۵	۱۳.۸۰	۲۳	۲۳	ایتالوان
۱۴۰ کیلوگرم	۱۲۰ پال	۱.۱۰ پال	۲۳.۴۰ پال	۱۱.۶۰ پال	۳.۹۰ پال	۱۶۰ پال
۲۱ سانت	۱۴۰	۰.۰۱	۲۰	۱۰.۵	۱۰.۵	فشاری
۳۷۴ کیلوگرم	۸۱.۲۰ پال	۲.۲۰ پال	۳۴ پال	۵۲ پال	۱۷.۴۰ پال	۱۸۶.۸۰ پال
۲۴ سانت	۹۵	۰.۰۴	۱۳	۲۲	۲۲	ایتالوان
۱۵۵ کیلوگرم	۱۲۸.۵۰ پال	۰.۲۰ پال	۲۶.۱۰ پال	۱۱ پال	۳.۵۰ پال	۱۸۶ پال
۳۵ سانت	۳۱۰	۰.۰۲	۳۰	۱۰۰	۲۰۰	فشاری
۵۹۵ کیلوگرم	۱۲۶.۵۰ پال	۰.۴۰ پال	۵۱ پال	۵۰ پال	۳۲ پال	۲۲۳.۱۰ پال



سقف قوسی

- مناسب ترین پوشش سقفی برای کارخانه ها و بنا های صنعتی
- با صرفه ترین و سریع القاب ترین پوشش سقفی
- بهترین پوشش سقفی از لحاظ خاصیت عایقی
- بدون کوچکترین هزینه مرمت و نگهداری

مشخصات فنی سقف				اندازه های فوری و استاندارد		
ارتفاع	وزن پرو پوک	مقدار پوشش	وزن کلی	طول	خیز	شعاع
پاسانیتور	کیلوگرم در متر مربع	متر مربع	کیلوگرم	متر	متر	متر
۱۲	۷۵	۱۸	۱۱۵	۸.۰۰	۱.۲۰	۵.۸۰
				۱۰.۰۰	۲.۰۰	۷.۲۵
				۱۲.۰۰	۲.۴۰	۸.۳۰
				۱۴.۰۰	۲.۸۰	۹.۱۵
۱۴	۸۵	۲۲	۱۲۵	۱۶.۰۰	۳.۲۸	۱۰.۱۱
				۱۸.۰۰	۳.۵۷	۱۰.۰۱
۱۶	۹۰	۲۷	۱۳۰	۱۸.۰۰	۳.۵۷	۱۰.۰۱
				۲۰.۰۰	۳.۸۱	۱۰.۲۲
۱۸	۹۵	۳۲	۱۴۰	۲۰.۰۰	۳.۸۱	۱۰.۲۲
				۲۲.۰۰	۴.۱۱	۱۰.۸۲
				۲۴.۰۰	۴.۱۳	۱۱.۷۱
۲۰	۱۰۰	۳۶	۱۵۰	۲۴.۰۰	۴.۱۳	۱۱.۷۱
				۲۶.۰۰	۴.۷۱	۱۲.۶۱
				۲۸.۰۰	۵.۰۰	۱۳.۵۰
				۳۰.۰۰	۵.۲۵	۱۴.۲۹

در بسیاری از کشور ها از جمله ایران مسئله تعدیل حرارت و نور افتاب ارسالها بیش با استفاده از آجر های آفتابگیر حل شده است . کارخانه ایتالوان فراورده خاصی B برای این منظور تولید میکند که علاوه بر کاهش دادن حرارت و نور نفاذ انرژی جالبی نیز به نما های ساختمان می دهد . از این رو میتوان از آنها برای ایجاد حصار ها دیوار ها و معجز های تزئینی نیز استفاده کرد . در حال حاضر این آفتابگیر ها فقط برونک طبیعی سفال تولید میشوند ولی میتوان آنها را به اشکال گوناگون و با رنگهای متنوع تولید کرد و با لعاب داد .

فراورده بسیار جالب ، سودمند ، و زیبای دیگری که کارخانه ایتالوان اخیرا بازار عرضه نموده « سفال بامپوش » سیستم « ماسی » است که از جدید ترین نوع این محصول در جهان اقتباس شده و برآستی جای برجسته ای در میان مصالح ساختمانی احراز کرده است . ارزش تزئینی این فراورده بویژه با تولید رنگهای متنوع آن با مصالح ساختمانی احراز کرده است . ارزش تزئینی لعاب دادن آن به رنگهای مختلف که جزو برنامه کارخانه است صد چندان خواهد بود . نقش این سفال های بامپوش در کاهش نیرگی و بد رنگی نمای شهر ها و امکان ایجاد نما های خوشترنک و شاد از جمله مزایای آن بشمار می رود .

کوتاه سخن ، ایتالوان همواره در پی ابداع و عرضه فراورده های جدید و استثنائی است و همکاری و تبادل نظر ارشیتکتها و سازندگان کشور را ، که بشک امکان خدمات بیشتری برای این کارخانه در ایجاد یک صنعت ساختمانی استوار و مدون فراهم می آورد ، مشتاقانه انتظار خواهد داشت .

معماری ایران در دوره سبک

ملی و

جدید

آرشیفتک ۵ . وارطاد

چندی قبل در جراید و مطبوعات بحثی از سبک ساختمان های تهران بمیان آمد و این بحث دنباله نطقی بود. که آقای نخست وزیر در جلسه افتتاحیه انجمن آرشیفتکهای ایران ایراد کرده بودند آقای نخست وزیر ضمن نطق خود گفته بودند «در ایران همه سبکهای معماری دیده میشود غیر از سبک اصیل ایران».

وبدینترتیب مجالی پیش آمد که روزنامهها مقالاتی در این زمینه منتشر کنند از جمله روزنامه اطلاعات اقدام به تهیه رپرتاژ جالبی که حاوی مصاحبه با بعضی از آرشیفتکها بود درج کرده بدینصورت که سؤال شده بود.

آیا طرفدار معماری جدید هستید یا معماری قدیم ؟
آقایانکه باین سؤال پاسخ گفته بودند معلوم بود که سعی میکردند که جوابشان مختصر باشد و باصطلاح رعایت محافظهکاری را کرده باشند.

اینجانب بخاطر دلبستگی و علاقه به حرفه و شغل و تعصب شدیدی که در نتیجه تلاش مداوم در طول سالیان دراز زندگیم باین شغل و هنر داشته و دارم دریغ آمد که درمقام طرح چنین مساله اساسی که در زمینه فن معماری جنبه حیاتی دارد لب فرو بندم.

آقایانکه به سؤال فوقالذکر در آن رپرتاژ پاسخ گفتند معلوم نیست که چرا حاضر نشدند که نامشان ذکر شود؟ در چنین موقعیت خاصی که نسبت به هنر معماری، عنوان حساس و بحرانی دارد و واقعا باید عقیده علاقمندان و دوستداران هنر معماری درچنین مساله روشن شود لازم است

که باصراحت وقاطعیت در اینگونه مسائل بحث گردد. بادر نظر گرفتن تحولاتیکه در سال های اخیر در تمام شئونمسلکت از جمله در زمینه های شهر سازی و معماری و بطور کلی عمران و آبادانی بوجود آمده است مناسبترین موقعیت است که صاحب نظران میدان بیایند و آزادانه درباره مسائل مربوط به شغل و حرفه خود اظهار نظر کنند و با صراحت و آزادی از عقیده خود دفاع کنند شاید باین ناسامانها و آشفتگیهایی که معماری معاصر با آن دست بگریبان است خاتمه داده و کم کم آنرا در مسیر واقعی قرار دهند. باعلاقه ای که هرایرانی امیل نسبت باین آب و خاک دارد شایسته است درمقابل تمدن کهن ایران باستان سر تعظیم فرود آورد و از اینکه گذشت زمان هنوز نتوانسته از ارج و قیمت میراث گرانبهائی که در زمینه تمام علوم وفنون و هنر و ادب و خصوصا شاهکارهاییکه در زمینه معماری بیادگار مانده قدری بکاهد بخود بالیده و در خود غرور و سرفرازی احساس کند.

ولی مسئله اساسی که در اینمقام مطرح است اینستکه آیا این میراث ارزنده و گرانبها با اینکه درموقع خود و حتی امروزه از گرانبهاترین آثار فن بشمار میروند با همان خصوصیات برای عصر ما که عصر تحول و دگرگونی بلکه جهش و انقلاب است کافیست ؟ آیا جوابگوی مادر ایجاد یک دنیای جدید در معماری خواهد بود یا نه ؟ روح مطلب اینجاست و جواب باین سؤال قدری شهادت و صداقت و از خود گذشتگی میخواهد. ماهمیشه گفته و باز هم میگوئیم و معتقدیم که از گذشته نمیتوانیم منفک شویم چون لحظات زمان مانند حلقه های



- ۱ - ساختمان پست و تلگراف تقلید از کلیسا های اروپائی
- ۲ - کلکسیون از مصالح و کاشی ها
- ۳ - عمارت شهربانی تقلیدی از ستون های تخت جمشید

زنجیر بهم پیوستگی دارد و علوم و معارف بشری نیز در این کاروان علت و معلول پشت سر هم قرار گرفته و هر پدیده ای متأثر از گذشته و موثر در آینده است ما نیز مانند گذشتگان بقوه نقل و سایر اصول معتقدیم ولی در عین حال میگوئیم همانطوری که در هیچیک از رشته علم و صنعت و هنر ... و غیره چرخ زمان بعقب برنمیگردد در زمینه معماری هم ما نمیتوانیم بعقب برگردیم مگر اینکه معتقد باشیم که اگر کانیسم زندگی ما - فکر ما - علم ما - صنعت ما و هنر ما و همه و همه بعقب برگردد همانطوری که در تمام علوم و فنون پیشرفتهای بعدی معلول تحولات و پیشرفتهای گذشته و براساس آنها قرار گرفته و عبارت دیگر پیشرفتهای گذشته زیربنای تحولات و پیشرفتهای حال و آینده است با در نظر گرفتن اینکه هیچوجه نمیتوان گذشته را با همان خصوصیات و مختصات در حال و آینده تکرار کرد در زمینه معماری هم همین عقیده را داریم بدینجهت ما میگوئیم که دیگر طرز ساختمان، شکل تقسیم بندی، اسلوب بناسازی رعایت تناسب و اصل هماهنگی، حجم و ضخامت دیوار های گذشته را نمیتوانیم قبول کنیم زیرا دیگر با فکر جدید این قرن که دوران ماشین و اتم و پیشرفت صنعت و علوم است موافقت و سازگاری ندارند.

اگر با این اینه و آثار گرانیهای که در طی قرنهای متعددی برای ما یادگار مانده از قبیل مساجد و بقایای کاخ های سلطنتی و غیره را کنار بگذاریم در معماری عادی و خانه های مسکونی آثار قابل ملاحظه ای مشاهده نمیکنیم اغلب ساختمانها بدون نقشه و بدون مطالعه قبلی و با مصالح نامرغوب با خشت و گل و کاهگل و بیروح ساخته شده اند که هیچوجه از لحاظ معماری و مخصوصا از لحاظ شهر سازی امروزه قایم توجه نیستند. تجسم این کوچه های تنگ و بیج در بیج معلو از حشرات و کثافات و اعلان نظر بوضع ساکنین شهر های قدیمی که کوئی در انتظار مرگ محکوم بزندگی در این قبیل نقاط میباشد هیچگونه قدر و قیمتی برای ایجاد کنندگان آنها نمیکند چه تنوع و استعداد هائی بسودن آنکه بعد رشد خود برسند در آن محیط های غم افرا و افسرده از بین رفته اند.

میدانیم سنن و آداب و رسوم پدیده های زمانی هستند و مانند خود زمان دائما در حال تغییر و تبدیلتند و نمیتوان آنها را ثابت و غیر قابل تبدیل فرض کرد و مردم هر عصری آداب و سنن مختص بخود دارند و بدیهی است هنرمند هم در کارها و آثار خود ترجمان افکار و روحیات و آداب و رسوم مردم معاصر خود میباشد بخصوص معماری که پدیده ای است مندرج در اجتماع و بقول آقای مهندس افراسیابی در مقاله مندرج در شماره دوم مجله انجمن آرشیستهای ایران «بشاعر ممکن است بیوند خود را از محیطش ببرد و تا پایان عمر از برج عاج خودش بریزد نباید و لحظه ای هم به داغ محکومیتی که سل های آینده بر او و آثارش خواهند زد نبیندند اما معمار بدون مردم هیچ است - زیرا این مردم هستند که باید در ساخته های او زندگی کنند معماری نمیتواند تنها مقدمات کتاب را زیست دهد.» همانطوری که نقاش روی کرباس و مجسمه ساز روی سنگ و موسیقیدان با آلات موسیقی ... ایده خود را که ترجمان محیط خویش است به منصفه ظهور میرساند همچنین معمار نیز از شرایط و امکانات و مصالح موجود زمین استفاده کرده و افکار و روحیات و آداب و سنن جامعه خود را کریستالیزه نموده و اثر خود را بوجود میآورد و بدیهی است که باید در این اثر خود ریتم و هماهنگی و تناسب را نیز در نظر بگیرد زیرا همانطوری که گوته نویسنده معروف آلمانی گفته «معماری کریستالیزاسیون موزیک میباشد» و یا بقول پل



۱ و ۲ و ۳- مدرن
ساختمان‌هایی که اخیراً در تهران مد شده



والیری نویسنده و شاعر معروف فرانسه «معماری باید بخندد و آواز بخواند نه اینکه لال باشد» معماری باید گویا باشد و با زبان بی‌زبانی خود از زندگی و جامعه خود سخن بگوید. اینک برگردیم بمطالب مخبر روزنامه که طرفدار گذشته می‌باشد و نوشته بودند (اکنون جنبش کوچکی به پیروی از شیوه ژاپنی‌ها در هنر معماری ایران پیدا شده است بدین ترتیب که آرشیوهای جوان بسبک‌های قدیمی و سنت معماری ایران توجه کرده و کوشش میکنند با توجه بسبک و سنت معماری گذشته ایران استفاده از تکنیک و مصالح جدید بناهایی بوجود آورند و حتی ساختمانها را با مقرنس کاری تزئین نمایند این نهضت امید بخش در سال جاری شروع شده و نمونه‌هایی از سبک جدید بوجود آمده است اکنون چندین خانه در دروس بهمن شیوه بنا گردیده و مورد توجه فراوان مردم قرار گرفته است بدیهی است که این سبک هنوز در مراحل ابتدائی و بدوی است ولی اندک اندک به تکامل نزدیک میشود. آینده معماری ایران بدون تردید بر روی این شیوه خواهد بود.)

بنظر ما خیلی زود است که چنین نتیجه از گفتگوهای چند نفر و چند نمونه بنای معمولی بمصورت قاطع و مثبت بدست آید. زیرا قبل از این آقایان و این چند بنای انگشت شمار شاید حدود چهل سال از آغاز سلطنت رضاشاه کبیر و شروع عمران و آبادانی این مسئله مطرح بود و با اصطلاح تاریخیهای کوتاه بقرار ذیل دارد.

در آثرمان آرشیوهای جوان ما وقتی تحمیلات خود را در اروپا و آمریکا پایان رسانیده و کشور باز میگشتند خود را در مقابل وطنهای سنگین میبافتند که عبارت بود از پر خوردار کردن وطنشان از ثمره معلومات چندین ساله ای که آموخته بودند. آنها با جدیت شروع بکار کردند و لسی بزودی در مقابل دو طرز فکر مختلف قرار گرفتند و آن اینکه آیا باید از گذشته تقلید نمود؟ و یا اینکه آینده را نگریسته و معماری را با طرز جدید وفق داد.

فکر اولی تحت تاثیر تعصب ملی در اوایل دوره پهلوی چند مدتی پیشرفت کرده بود و در تهران نیز ساختمانهای چندین بشیوه قدیم ساخته شد که از آن جمله ساختمان های بانك ملی قدیم و شهربانی و پست و تلگراف و ثبت اسناد و غیره بود و باید تصدیق کرد که نتیجه خوبی از این تجربه بدست نیامد چون درست است که این ساختمان ها گذشته را پیاد میآوردند ولی ترجمان زمان امروزه ایران نوین نیستند و نمیتوانند باشند. درست بخاطر دارم که ساختمان شهربانی و تزیینات داخلی آن هنوز با تمام نرسیده بود و کتیبه بزرگ آن با شیوه ساختمان های قدیم پرسپولیس بصورت یک فرسك با حیوانات در دست اقدام بود که یکروز اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر تشریف آوردند و از دیدن این فرسك متغیر شده و فرمودند (آخر مگر این ساختمان را برای حیوانات وحشی میسازند) و این کافی بود که مشغول خراب کردن فرسك شوند و روز بعد مهندس دیگری سرکار بیاورند و بدین ترتیب اقتباس از ساختمان های قدیم بصورت تقلید در آن موقع تمام شد ولی ساختمان های جدید که بعد از آن شروع ساختن آنها شد روی نماهای آنها موتیفهایی از دکوراسیون قدیم از سرامیک یا آهنگری (باشگاه افسران وزارت جنگ و بانك ملی شعبه بازار و غیره) دیده میشود. نتیجه اینکه عملاً کار باینجا منتهی شد که تقلید کورکورانه از اسلوب معماری قدیم و اعمال تعصب خشك با واقعیت زمان و خصوصیات دوره معاصر وفق نمیدهد و با تمایلات کنونی و نیازمندیهای زندگی حاضر سازشی ندارد. و اما در باره طرز تفکر دومی یعنی ندانستن تعصب نسبت به سنن و آداب گذشته و نظر انداختن به حال و آینده باید گفت که اینجانب در عین حالیکه طرفدار این طرز تفکر هستم از زیاده روی و افراطی بودن درین زمینه و با اصطلاح از باب هم کشش تر



قشنگ است باید سبك مدرن را کنار بگذارید و باین اسلوب ساختمان‌ها را بسازید یا حداقل این سبك را مدرنیزه نمائید. در جواب گفتم خانم و آقایان محترم: اگر شما را مجبور کنند كه حتما لباسهایتان را عوض كنید و لباسهای قدیم (زمان داریوش كبیر و پاشاه عباس...) را بپوشید آیا میپذیرید؟ خانم دستپاچه شد و گفت ای وای نه نه نه. آقایان خندیدند و جواب دادند حق باشماست مگر اینکه زمان قدیم برگردد كه آنهم ممكن نیست ...

آری امروز هیچكس بعقب برنخواهد گشت و خانه و دكوراسیون امروزه نیز عقب نشینی نخواهد نمود و آن چند نفری كه خانه های خود را بسبك قدیم میسازند خطر بزرگی برای معماری ما بوجود میآورند زیرا آشتیگی امروز بیشتر و عمیقتر خواهد شد. اگر لزوم و ضرورت داشته باشد كه تقسیم بندی خانه ها امروزی باشد چه لزومی دارد كه نمای خارجی را برك کرده و پنجره ها با اژیو پارومی سازند كه معلوم نیست اصل و ریشی آنها بكدام ملت برسد لازم می دانم كه درین مسائل اساسی باصراحت اظهار نظر كنم . تحولات و رفرمهائی كه از آغاز سلطنت جلیل پهلوی در این كشور بوجود آمد تغییر و دگرگونی در زمینه معماری را ضرورتا بدنبال خود آورد چون همانطوری كه اشاره كردیم معماری بیشتر پدیده اجتماعی است نه تنها هنری و برای

بودن نیز بیزار هستم . یعنی با تقلید كوركورانه از معماری امروزه اروپا و آمریکا و غیره بدون درك و بررسی خصوصیات محیط زندگی ما از نظر اجتماعی و اقتصادی و جهات اقلیمی و غیره مخالفم . از طرف دیگر فرمالیزم ساختمان های امروزمیانه را خطرناك میدانم و این هرج و مرج كه در معماری معاصر ایران وجود دارد يك قسمت ناشی از همین فرمالیزم است كه گروهی برای اثبات پشرو و متجدد بودن خود مقلد ساختمان های اروپا و آمریکا در این سرزمین شده اند بدون اینکه مختصر توجهی به خصوصیات اقلیمی و اجتماعی محیط خود کرده باشند اینستكه مردم امروز غالبا از آنها شكایت دارند و این خود جای بحث مفصلی است . در اینجا تذكر نكته ای را لازم میدانم همانطوریكه قبلا اشاره شد ما برای معماری قدیم كشور خودمان احترام فوق العاده قائل هستیم واقعا هم آثار معماریهای اصفهان كه عهد صفویه بوجود آمد، و زینت بخش آن شهر تاریخی شده اند نباید سرسری گرفت و نسل جدید باید در مقابل عظمت این ساختمانها سرتعظیم فرود آورد ولی این ساختمانها دیگر باوضاع و احوال امروزه و تمایلات نسل كنونی و احتیاجات زندگی ما مطابقت ندارند . يك ملت نمیتواند همیشه متكي به گذشته خود باشد بلكه باید بیشتر به حال و آینده بنگرد زیرا در طبیعت همه چیز روبه تكامل میروند و معماری هم مانند هنرهای پلاستيك دیگر ازین اصل کلی متابعت مینماید .

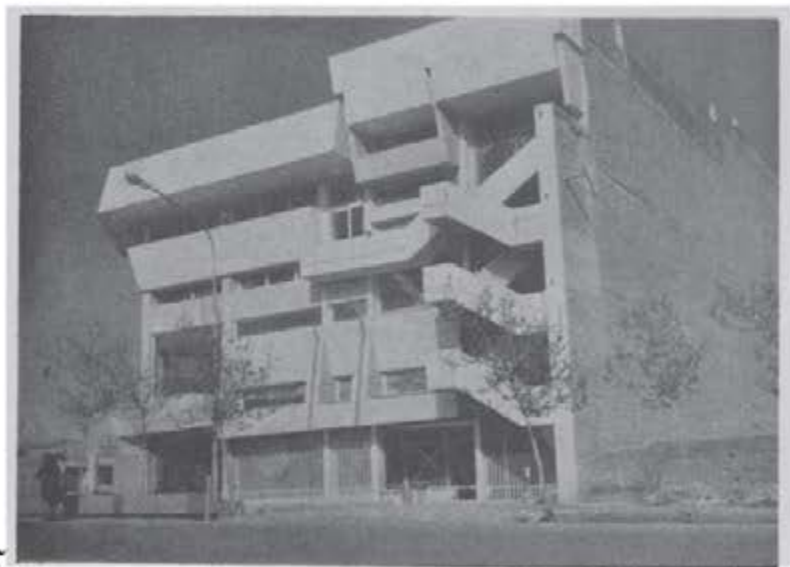
سوالی ممكن است در اینجا پیش آید و آن اینکه: آیا میتوانیم بدون اینکه از اسلوب قدیم كوركورانه تقلید كنیم با مدرن كردن آن نتایج خوبی در معماری بدست آوریم؟ بویژه اینکه این آثار در موقع خود منبع تقلیدی برای سایر ملل نیز بوده است - در جواب باید گفت اینکه ما اسلوب قدیم را بگیریم و با تزئینات زاید آنرا مدرن نشان دهیم مانند آنست كه خانم یا آقای پیری برای جوان نشان دادن خود در آرایش افراط كند تا بدینوسله چین و شكاف های عمیق صورتش را پوشیده بدارد . این سوالی بود كه سال گذشته از اینجانب شده - وقتیکه شب نوروز در اصفهان بودم و در دكوراسیون مجلل ولی خسته كننده داخل سالنهای هتل شاه عباس گرهش می كردم چند نفر از مشتریهای قدیم بمن نزدیک شده و گفتند آقای مهندس ببینید چقدر زیبا و

۱- تقلیدی زشت و بی منطق از معماری قدیم

۲- تاثیر معماران بزرگ و معروف دنیا در کارهای معماری انجام شده در تهران .



۱ و ۳ و ۴ فرمالیزم در معماری



اینستکه آرشیتهکتهای امروزی باید تکسپین . هیرینست . اوربانست اکیونست هم باشند نه تنها آرشیست و هنرمند من معتقدم که مسئله رفع حجاب و تعویض لباس زنان و مردان و همچنین آزادی رفت و آمد بخارج از عوامل مهمی بودند که تغییر فرم معماری امروزه را ایجاد کرده است .

وقتیکه خانها حجاب را از چهره خود برداشتند خانه های جدید نیز نقاب خود را که عبارت بود از دیوار خشتی و خاکی برداشتند و به دیوارهای کوتاه یا نرده تبدیل شدند همانطوری که پرده از چشم و صورت خانها برداشته شد و آزادانه به کوچه و گردشگاهها می رفتند خانه ها نیز چشمهای خود را باز کرده و بطرف کوچه ها و خیابانها نظر انداختند بعبارت دیگر بطرف کوچه و خیابان ها پنجره باز شد و دیگر اندرونی و بیرونی از بین رفت و روی کف اطاق نشستن و نهار خوردن منسوخ شد و دکوراسیون و مبلمان فرنگی رونق گرفت و در خانه ها بکلی رسوم و آداب قدیم از بین رفت و خانه های جدید با اسلوب جدید جای خانه های قدیم را گرفتند و محال است که زن و مرد امروزی اینهمه تازگی و خوشبختی را که با تحمل رنج و زحمت بسیار بدست آورده از دست بدهد . چقدر ناگوار و طاقت فرسا خواهد بود که زن و مرد امروز ایرانی مجبور شوند که لباسهای خود را عوض کنند و لباس های قدیم پوشیده و بزندگی گذشته برگردند .

خلاصه کلام اینکه عصر ما عصر تکاپو و فعالیت است و ما شاهد اثرات آن در تمام شئون و مظاهر اجتماعی خود هستیم ما اصولا از اینکه اسلوب قدیم را گرفته و با تزیینات زائد آنرا مدرن نشان دهیم بیزار میباشیم . ما در مقابل نسل آینده وظایفی داریم که باید انجام دهیم واقعا اگر برای شانه خالی کردن از زیر بار این مسئولیت شیوه قدیم را تعقیب کنیم باید گفت که بی اراده و کم همت میباشیم اگر اینطور رفتار کنیم باید گفت نه تنها به تعالی و ترقی خود توجه نکرده ایم بلکه اصولا روح این قرن را درک نکرده ایم . آنچه اکثریت قریب باتفاق آرشیتهکتهای امروزه خواهان آنند آنستکه سبکی متناسب با زندگی روز بوجود آید و جوابگوی احتیاجات عصر حاضر باشد و نسل آینده از ما ایراد نگیرند . البته این اسلوب را نمیتوان دفعتا خلق کرد و نباید منتظر معجزه بود که بظهور آن کمک کند تنها چیزی که آنرا پدید می آورد فعالیت خستگی ناپذیری است که علاقمندان و صاحب نظران برای رسیدن به نتایج صحیح برخود هموار کنند . ما باید از وسایلی که زندگی جدید امروزی در اختیار ما گذاشته استفاده کنیم و افکار خود را به مرحله عمل در آوریم تا نسل آینده چه قضاوت کند ؟

وقتی ما مطمئن میشویم که زحمات مادر ملی راه مشکل معماری نتایج مطلوبه را داده است که در ضمن تلاش های مداوم خود به نتایجی رسیده و بتوانیم آثاری از خود باقی گذاریم و تاریخ زندگی زحمات ما را در نظر نسل آینده مجسم کند برای حصول بدین آرزو آرشیتهکتهای باید دور هم جمع شوند و اشکالات و امکانات کار را بررسی نموده و در نظر بگیرند که در مرحله اول آرشیتهکت صنعتگری است که نه تنها باید از تحقق یافتن آرزوی خویش احساس خشنودی کند بلکه از تاثیر اجتماعی آن هدفها قلبا خوشحال گردد .



- ۱- یکی از کارهای مهندس و ارطان واقع در میدان راه آهن
- ۲- از کارهای نسبتاً قدیمی تر
- ۳- ترکیب فرمهای مختلف در یک ساختمان



بلی اکنون قدمهای اولیه برداشته شده و در مراحل و تکامل میباشیم ولی از سرمزل سبکی که باید برای محیط خودمان بدر نظر گرفتن تمام جهات و جوانب بوجود آوریم بسیار دوریم یگانه عامل رسیدن باین هدف همکاری صادقانه و فعالیت و اشتکار و احساس مسئولیت اجتماعی و هنری است.

نتیجه گیری

برای انتخاب یکی از دو سبک (قدیم - جدید) در معماری نوین و معاصر ایران تذکر چند نکته را مجدداً لازم میدانم.

۱- بطوریکه در آغاز مقاله یادآور شد تحولات اساسی و دیگر گونی های عمیق و ریشه داریکه در سال های اخیر در تمام شئون مملکت از جمله در زمینه شهر سازی و معماری و بطور کلی عمران و آبادانی بوجود آمده معماریان و شهر سازان را در وضع خاصی قرار داده است و میتوان گفت نسبت به مسائل معماری در یک لحظه بحرانی بسر میبریم و میدانیم که نتیجه حالتهای بحرانی تغییر حالت و یا طبیعت و باصطلاح جهش میباشد و عبارت دیگر طبق اصول علمی ما محکوم به تغییر حالت و مسیر و راه و روش هستیم.

۲- به تفصیل تشریح شد که برخورد و تضاد دو طرز فکر معماری یعنی طرز فکر مدرنیسم و معماری استیل قدیم از آغاز سلطنت اعلیحضرت فقید آغاز گردید و با در نظر گرفتن اینکه بیشتر آرشیتهای جوان ما تحصیلات خود را در اروپا به پایان رسانده و بوطن بازگشته بودند طرفدار مدرنیسم بودند ولی چون کاملاً از اوضاع و شرایط اجتماعی و اقلیمی کشور ما مطلع نبوده و یا آنرا بحساب نیاورده و نادیده میگرفتند آشننگی عجیبی در معماری ایران بوجود آمد و اکنون نیز برای چاره جوئی این آشننگی همان سبک ۳۵ سال قبل شروع شد و همان گفته های گذشته بر زبان آمد.

۳- با در نظر گرفتن واقعیت زمان و تحولات عمیق و همه جانبه در تمام شئون زندگی مردم این سرزمین پیروی از تقلید از استیل قدیم بمعنی عقب برگشتن و شرایط زمان را نادیده گرفتن و توقف عقربه زمان میباشد.

نتیجه اینکه مدرنیسم یک واقعیت یک پدیده طبیعی هم است و باید آنرا پذیرفت منتها این مدرنیسم و نوظایف درهمه جایکسان و یکنواخت نیست و با شرایط اجتماعی و اقلیمی هر آب و خاک رنگ خاصی بخود میگیرد که نماینده سبکها و آداب و رسوم مردم آن سرزمین است.

۴- در حال حاضر سبک قدیم با این همه سرو صدا پیشرفت قابل ملاحظه ای ننموده و نخواهد نمود ولی برعکس مدرنیسم به اشتباهات اولیه خود توجه نموده و کوشش مینماید که بدون فراموش کردن گذشته مدرنیسم ایرانی منطبق با واقعیت زندگی معاصر منطبق با مختصات اجتماعی معاصر ایران و خلاصه منطبق با فلسفه انقلاب سفید گردد.

۵- برای بوجود آوردن سبک دوران پهلوی فقط یک راه وجود دارد و آن اینکه آرشیتهای در چهار چوب هنری خود معماری جدید را که سرچشمه آن آفتابی شده ادامه بدهند بطوری که منطبق با نیازمندیهای معاصر و منطبق با شرایط اقلیمی و روحیه امروز مردم ایران باشد و بدین ترتیب نسل های آینده ارزش حقیقی انقلاب سفید را از زبان بی زبانی ساختمان های امروزه درک کنند و جهش و انقلاب امروزه این کشور کهنسال ۱۰ محسم نمایند.

و شهرسازی آینده شهرهای بزرگ

بقلم روبرت اوزل استاد
انستیتوی شهرسازی
دانشگاه پاریس

پیشگویی است یا حدس ؟ برای جهانی بهتر
بایستی آینده را از خلال جامعه شناسی سیاست
و تکنیک تصور کرد . شهر های بزرگ چه بر سرشان
خواهد آمد ؟ شهر های آینده بچه صورتی خواهند
بود ؟

در ضمن این مقاله تصویر روشنی از آنچه در
آینده خواهد شد و مستلزم غیب گوئی است ندارم
و فقط چند فرض را مطرح میکنم و خود را متقاعد
مینمایم که موضوع را بطور منظم مورد تفحص
قرار دهم و بهیستم چه عواملی سرنوشت و تحول ما
را طبق برنامه های طویل المدت تعیین مینماید در جهان
شهر سازی که هر میل بشر دوستان غیرمادی جلوه
نخواهد کرد و مقاصد و مسائل اجرای آن تا حدود
زیادی مواجه با عدم اطمینان است . لذا تفکر و
بهره عمل در آوردن آن مستلزم داشتن مهارت
زیادی است در هر حال وظیفه مشترک ما تغییر
هیئت جهان است حال ببینیم آیا در آئینه دنیا
بهتر خواهد شد و همگی بیشتری خواهد
یافت بازه ؟

وسائل تحقیقاتی وسائل کنترل و اتخاذ تصمیم
ما دارای اهمیت زیادی شده و جمیع امور ما را
که تکنیک به آن عظمت بخشیده و در تمام سیاره
ما موثر است در آینده در سایر سیارات موثر
خواهند بود . معدلك این آینده بی نظیر را باید
بیش خود تصور نمائیم .

آینده که ما در نظر داریم بایستی آینده محضی باشد ، چه مجموعه مساعی مابدون در نظر گرفتن آینده محضی جز کوشش های حفظ وضع فعلی نیست

مدنیت در عصر حاضر انگیزه تجاوز بوده و مداخلات پراکنده و بموقع را تجویز نمی نماید ما در اینجا برای بیان حال مدنیت از اصطلاحات کلینیکی استمداد مینمائیم فی المثل منظره مدنیت از فراز هواپیما بر فراز شهری متمدن:

در اینجا از حراس بزرگ جامعه شناسی وفنی که در سالهای آخر قرن بیستم برادراکات و نظم عالم حکومت خواهد کرد صحبت میشود ضمناً باید دانست که توسعه نامتناسب جمعیت بشری بااطلاع از اثرات موانعی که برای آن ایجاد میگردد معذک بمقیاس جهانی یکی از مسائل مهم جامعه بشریت است. پادر دست داشتن دلایل مانند توسعه سریع شهر ها و در نتیجه آن فضا و زمین لازم برای هرفرد و گرایش مداوم افراد به سطح بالاتر زندگی، یدیهی است که تمام این مسائل بهم پیوسته بتناسب برآکم جمعیت بشری موجود و زیاد میگردد که عوامل گوناگون جامعه بشری اثری مستقیم بر احداث کار مسکن و شهرسازی دارند افزایش نامتناسب نژاد بشری مانع از پیشرفت اقتصاد بوده و صلح جهان را محکوم مینماید .

این از موضوعات سیاسی و بسیار اساسی است که در جامعه بسیار موثر است چه اگر در مورد ملتی صورت گیرد موجب گرفتاریهایی است که منافعی تمدن و صنعت است . جهانی مولد جنگی است که تا هنگام فقدان عظیم منابع اقتصادی و فیزیکی ادامه خواهد یافت . امروزه حتی کوچک ترین اختلال و ناراحتی داخلی امکان تولید اضطراب و اختلال جهانی را مینماید . هرگاه شورش انفصال نژادی در محلی صورت گیرد خود يك کانون جنگ داخلی است و امروزه عموم جنگ

های داخلی به گرداب جنگ جهانی منتهی میگردد.. شورش ها به انقلاب منتهی میگردد و چنانچه در بدو تکوین شورش قوامی نداشته انقلاب آنرا تحکم مینماید ضمناً باید دانست که شورشها ، جنگهای چریکی، تصادفات داخلی، بمباران های سنگین تجاوز انمی از وقایع غیر قابل پیش بینی هستند .

گفته انشتین و برتراند راسل که در تصدیق ۱۹۵۵ منتشر شد هیچگاه اینطور صدق نکرده « چنانچه بشریت جنگ را تحریم ننماید جنگ بشریت را از زمین محو مینماید . »

فرض کنیم که از این فاجعه هولناک جلوگیری نمائیم در اینصورت مدت زیادی جنگ بر اقتصاد بیرون خواهد بود .

و جهان سوم که خود ماوراء مجاور و دور از شهر ها و دور از دسترس ماست برآن حکمروایی مینماید بودجهای کمی پابرجه های تامین امنیت که شاید جنبه بشر دوستانه متفاوتی دارند دو طریقه لاینفک دفع این نیاز به امنیت به مدنیت خاصی منتهی میگردد و بوجود آوردن محل حالی مناسب برای زندگی را سبب میشود .

در اینجا مثال و توضیحی لازم است شورش ابتدا بصورت شمله هایی متظاهر میگردد که بدوا پلیس و مامورین آتش نشانی سر میرسد سپس آذوقه و مایحتاج توزیع و به آسیب دیدگان وسائل معاش میدهند و زانه ما را به خانه تبدیل می نمایند .

میتوان نتیجه گرفت که بمب و ماله پناهی خود نشانه ای از جمع موجوده قوای طبیعت است. حال بحث ما درباره مسائل محققه فنی است در این باره چگونه پیش بینی آینده را بنمائیم در مقابل چشمان حیرت زده ما وقایعی مانند رویای کودکانه میگردد .

راستی ببینیم کدامیک از این کشفیات روزمره ما مهمترین و باید اذعان نمائیم که اطلاعات فنی ما بطور کلی، بینهایت جزئی و ناقص و در انتظار تکامل در آمده اند .

– مهار کردن اتم باتنایج نهانی آن .

– غلبه بر فضا باتنایج مطمئن و موثر و هر چند غیر مستقیم بر آینده بشریت .

– تسلط بیشتری بر فضای زمین خودمان پادخاثر بر نظیر در عمق اقیانوس ها .

– و ارتباطات و همبستگی بشر باماشین – بانقلابی ساکت ولی عمیق که در جوامع طرز تفکر و قدرت معنوی ما موثر است .

عوامل فوق تا سال ۲۰۰۰ در تحول جامعه بشریت اثرات مستقیم بجا میگذارند .

گاهی پیش خود فکرمیکنم که فی المثل ازدواج بکنیم – آیا با ایرانیان بچنگیم .

اسکندر و پائورز فیلسوف یونان همیشه باغیب گویان و فالگیران مشورت میکردند ولی در اینجا سر و کار ما با جامعه متمدن بشری است و آینده ای

را در پیش دارد که میخواهد از آن باخبر باشد و عدم مال اندیشی از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و شاید موجودیت محض خود برایش خیلی گران تمام میشود .

خوشبختانه وسائل کار در دسترس ماست تا چیزی فروگذار نشود .

این وسائل همان ماشینهای الکترومیکس است که میتوانیم فرصیات موجود را در اختیار آن گذاشته نتیجه لازمه را اخذ نمائیم . این کار که خود نشانه بهم بستگی ماشین و جامعه بشری است . وسیله جامعه شناسان بحقق پذیر است معذک هرگاه حدس ما متکی بر فرضیاتی باشد که پاراباضیات بتوان آنرا کنترل کرد لذا عوامل مجهولی غفلتاً ظاهر و حسابهای ما را برهم می ریزند از این نظر ما بایستی از معلومات عمومی خود که مجال اداره امور جهانی را بنحو شایسته میدهد استفاده نمائیم . آینده که ما در نظر داریم بایستی آینده محضی باشد چه که مجموعه مساعی ما بدون در نظر گرفتن آینده محضی جز کوشش های حفظ وضع فعلی نیست .

در این فصل از راه های طرح ریزی تکنیکی های خود گفتگو و متذکر میگرددیم که آنها حاوی تمام حقایق اقتصادی بااجتماعی و تمام ضروریات يك سازمان مطلع قضائی نیستند .

در فصل دوم در باره امکانات سی سال آینده و در فصل سوم در باره مسائل فنی – مالی و قضائی که در نتیجه آن پدید میآیند بحث می نمائیم .

فصل اول

مدنیت در عصر حاضر انگیزه تجاوز بوده و مداخلات پراکنده و بموقع را تجویز نمی نماید ما در اینجا برای بیان حال مدنیت از اصطلاحات کلینیکی استمداد مینمائیم فی المثل منظره مدنیت از فراز هواپیما بر فراز شهری متمدن :

– تکثیر زیاده نسل بشریت به شکل سرطان .

– کثرت تهاجم غارتگرایی سریع .

این شهر مگالوبولیس سریع التوسعه باشتاب حومه را در خود جذب مینماید . مناظر روستائی را تفکیک و در خود فرومیبرد و اینها که توأم بانارضائی میباشد تولید هرج و مرج مینماید که مشابه جنگ داخلی است . توضیح آنکه جنگهای داخلی همیشه در شهر ها زمینه مساعد یافته و توسعه سریع شهر واتصال به حومه تفاوت طبقاتی را مشهودتر کرده و تحمیل انفصالات نژادی و اختلافات داخلی را تولید مینماید .

بدیهی است که در چنین وضع غیر مانوس تامین اکثر نیازمندیهای اساسی غیر ممکن میگردد و تامین فضای لازمه را در مناطق متراکم بعلمت ترقی احتکاري زمین مشکل مینماید که باید باسرفه جویی و در نظر داشتن مقتضیات ناآنجا که مقدور

درحقیقت فضای مسکن بشریت بایستی توسعه یابد تا نسل حاضر بدون بزحمت افتادن نسل های آینده با خوشی و راحتی کامل زندگی نمایند. هنرمندان و نقاشان احساس وجود این مشکل را نموده اند لیکن آرشیتهکتها جز به هدف و هنر معماری چندان علاقمند نبوده و آرشیتهکتهای شهرساز نیز ندرتا فرصت تحقیقات بیشتری در این زمینه را داشته اند.

است مشکلات را حل کرد .

اکثر اوقات پروژه های از مد افتاده را اجرا مینمایند .

باید نظر گرفتن مدت لازم برای اجرای امور و محاسبه استهلاک سرمایه گذارها مانند امور راهسازی و نیازمندی های آموزشی بهداشتی اجتنابی و فرهنگی و تفریحات اغلب تکنیسین ها ملزم به اجرای پروژه ای از مد افتاده میگردند و این درست عینا مانند رفتار پزشکانی است که بیمار را با کمک دارو های چهار سال پیشی معالجه و با با ادوات پزشکی قدیمی معاینه و معالجه می کنند .

برای نوسازی شهر ها یا ایجاد شهر های جدید در هر حال منابع مالی جدی لازم است چه بدون دسترسی به آنها نمیتوان برنامه ای جدی را بطور موثر عمل کرد .

تأمین بودجه

اجرای پروژه ها در صورتی و وقتی بجاست که در مدت کوتاهی مشغولتر گردد و پیشاپیش تحولات صورت پذیرد امروزه خوشبختانه میتوان هزینه پروژه ها را پیشاپیش رسیدگی و تعیین کرد یکی از وسائل تسهیل تأمین بودجه ها در جریان گذاشتن مردم در جزئیات این بودجه هاست چه در صورت اطلاع ارزش آن بیشتر خود را سهم در آن خواهند دانست و این کمک قابل توجهی خواهد بود .

مخارج امور عام المنفعه را بایستی بساکمال شهادت باطلاع مردم رساند چه که باتوزیع این اطلاعات میتوان تشریک مساعی ایشانرا بیشتر جلب کرد مثلا هرگاه مسائل فضائی را حقیر جلوه دهیم محال است بتوانیم به نحو شایسته ای باین مسائل کنار بیاییم بخصوص بودجه های ملی از قبیل آموزش و پرورش - بهداشت پست راهها و غیره .

تنها حکومت بقای زمانی مردم را تأمین مینماید. بدین ترتیب آنچه که کوشش مداوم افراد را الزام آور مینماید در اختیار طبقه خاص ازاجتماع قرار میگیرد به نحوی که شهر نشین نگران سرنوشت خویش و حتی طفل و نواده های خود نبوده و به دستگاه عظیم ماشین جهانی برگزار مینماید و بقول سیمون ویل :

« ارجحتم ترین ثروت بشریت یعنی گذشته و آینده درگرو دولت است » گذشته بها آموخته که تأسیس شهر که آنرا طبعیت ثانوی مینامیم برای بشر وسیله قرار از نیستی و استقرار آزادی خویش است ولی شهر باطبیعت کوچک گاه بصورت وسیله اضمحلال در میآید و شهر که انسان آنرا تصویری از جهان و آنچه را که بدان علاقمند است میداند او را تبدیل به غریبه ای در روی زمین نموده و چنان احساس حقارتی در او ایجاد میکند که خود را ذره ای ناچیز در رهگذر دالان های بیجاپیچ میولای زمین می پندارد .

یک عیب دیگر کار عدم تشخیص بین نوع سرمایه گذاربهاست بدین معنی که میبایست روشن شود که سرمایه گذاری در مورد اجتماع انجام شده و یا اینکه فقط عده معدودی از آن بهره مند خواهند شد .

تشخیص مخارج عام المنفعه

آشنائی مردم به هزینه های عام المنفعه و بخصوص آنچه پایه گذار آینده است مطمئنا جلب کننده موافقت معنوی جامعه است که ضمنا مشارکت ایشانرا تشویق مینماید . در پاریس آنچه در دوره ناپلئون اول در ساحل رود سن یا در مورد شهر سازی پاریس انجام شد پاسا ساختمان چند راه که در آلمان بوجود آمده مقایسه نمائیم می بینیم سهم عمده ای از بودجه شهری برای نیازمندیهای اجتماعی بمصرف رسیده در اینجا بجاست این نکته را یاد آوری نمائیم که درآمد ملی چگونه بین طبقات مختلف مصرف کننده آن بحسب اقتضای محلی و مسئولیت های اجتماعی توزیع گردد .

ما در جهانی تولد یافته و بسر میبریم که نتیجه هزاران طبقات رسوبی در طی قرون و اعصار است و افکار مانیز همانند آن بسیار کهنه و فرسوده است ما اسیر عادات خویشینیم و چون شهر ها را بامراکز پریهاو و حومه خلوت آن دوست داریم اینهارا پدیده های مدنیت نام نهاده ایم .

فضای بیشتری را بایستی برای زندگی بشر تهیه نمود .

برخی تکنیسین ها در موارد خاص در تجزیه

و تحلیل وقایع شتاب زده نتیجه گیری مینمایند چنانچه که درباره تراکم جمعیت ایده های غلطی انتشار داده و تمرکز جمعیت را علاجی توصیف کرده اند . و حال آنکه این تمرکز خود مقر و کانون آسیب های حاصله از تراکم مفرط اند .

چه باید کرد

درحقیقت فضای مسکن بشریت بایستی توسعه یابد تا نسل حاضر بدون بزحمت افتادن نسل های آینده باخوشی و راحتی کامل زندگی نمایند . هنرمندان و نقاشان احساس وجود این مشکل را نموده اند لیکن آرشیتهکتها جز به هدف و هنر معماری چندان علاقمند نبوده و آرشیتهکتهای شهرساز نیز ندرتا فرصت تحقیقات بیشتری در این زمینه را داشته اند .

فصل دوم - آیا باید شهر های نوینی ایجاد کرد ؟

از بدو مضاعف شدن جمعیت کسره زمین و نیازمندی به فضای بیشتری که تحرک افراد را تسهیل نماید و نوسنده آنرا پایه و مظهر عصر و زمان ما میدانند لازم میآید پدیده های تراکم و فشار جمعیت و ضمنا انلاف وقت و انرژی را مطالعه نمائیم و نیز در باره تحقیقات و اکتشافات بررسی کنیم صحبت از ترقی که بمیان آید میتوان اذعان نمود که سرعت پیشرفت تمدن اکثر متخصصین را در یک جریان دورانی و معذب کننده جهت اطلاع از آخرین پیشرفت های علمی قرار میدهد و ضمنا جامعه مصرف کننده را بانمایی شدید جهت کالای های نوظهور که از آخرین پیشرفت های دانش برخوردار است شائق مینماید . بحث علمی :

پیش بینی میشود که تا سال ۱۹۸۵ احتیاج بیشتری به رفت و آمد افراد خواهد بود و این تحرک ها به اتصال بیشتر شهر و حومه و توسعه شهر ها و در نتیجه تحرک مسکن منجر میگردد .

مسئله دیگر - زیبایی شهر عبارت از استقرار تمرکز ساختمانهای باشکوه در مراکز شهری است - در گذشته بیشتر در مراکز شهری ساختمان میشد و فعلا استقرار در اماکن دورتر مرکز در شهرها کمتر مینماید ضمنا ناگفته نماند که شهر باتحمل پیوسته تراکم و فشار و نحوه مصرف نامناسب و اختکاری زمین شهر نشین را مطرود مینماید و بمجرد یافتن اولین فرصت گریز از شهر را تشویق مینماید و بصورت تعطیلات آخر هفته رفتن بخانه بیلاقی - حضور در کنفرانسها و غیره متجلی میگردد .

که اینرا ما «نشو و نمای» شهر نشینان می نامیم که جدا معتقدند از آب هوا آفتاب و سبزه و بیلاق نمیتوانند صرف نظر نمایند . اینها از آثار ابتدائی شهر نشینی افراد بشری است که یارث بما رسیده یعنی شهر نشینی در اصل واکنش در مقابل خواست ایمنی از آسیب و یا عدم آسایش است .

چنانچه مثلی است معروف که شهر را در بیلاق بسازید . لذا بعلت وجود خوی اجتماعی زندگی

در آتیه باید منتظر تجلی انسانهایی شویم که بیلاق نشین و در عین حال شهر نشین اند بشر آینده دارای دو چهره شهری و بیلاقی است .

با الهام از تکنیک های نوین تلویزیونی هنر کم کم در زندگی اجتماعی و اقتصادی نفوذ مینماید و بدین نحو جماعات کثیر مصرف کننده طبق تمایلات فرض هنرهای ظریفه را به سوی سبک و فرم های جدیدی سوق میدهد .

کردن در پسر هر شهر نشینی آزمونند است که آسایش زندگانی شهری را با امتیازات زندگی روستائی که رویای آن در اعماق روح اش از قدیم محفوظ مانده ممزوج و این حقایق بشر را بر سر دو راهی قرار میدهد که راه چاره آن تحرک مسکن از نظر شغل و ضمنا استقرار و تثبیت مسکن است .

مسکن متحرک جزء لاینجزای تمدن صنعتی ما محسوب میشود . این آزادی مانند بازگشت به دوره چادر نشینی اجداد ما میباشد و آزادی بیشتری در استفاده از مناظر بیلاقی را میسر میدارد سکونت در جوار یک منظره روستائی که شخص آزادی سادات و خصوصیات خود را حفظ و یادگران نیز زندگی نماید خود بالا ترین موجد احساس امنیت است سیمون ویل باطرافت در این مسئله بحث مینماید همه استقرار شاید مهمترین نیاز و مجهول ترین پدیده روح و قلب انسان است .

بشر فعال با مشارکت طبیعی و پر از فعالیت اش در جامعه کلی بشری با پادبود های نیاکان و تفکر در وقایع آینده دارای وجدان باطنی است که او را طبعا علاقمند به مولد به کار و به محیط زندگی اش میگرداند .

هر فرد نیازمند تأمین ثابیت حیاتی اخلاقی معنوی و روحانی میباشد که خود را قسمتی از آن احساس مینماید و مایل است این نیازمندیها که

طی قرون و اعصار تغییر هیئت داده و به آموزش فرد بستگی دارند برآورده شوند لذا بجاست که امکان زندگی در شرایط ذکر شده برای عموم مردم ابقاء گردد و تحقیقات درباره مشکل شهر سازی که حداکثر زندگی آزادانه را تأمین نماید ادامه باید . البته قانون تحرک و استقرار فقط بکلیه موتورین کردن مردم امکان ندارد . برای مردم اغلب تملک یک اتومبیل نیازی را برآورده مینماید که خود یک پیشرفت اجتماعی را البت مینماید و از لحاظ صنعتی تولید ممتازه ایست که معاش عده ای را تأمین و فعالیت عمومی کشور را میسر میسازد . پیشرفت شهر سازی و اتومبیل سازی قسم یکدیگر و در آتیه اتومبیل های بر صدا و بدون دودی در نتیجه پیشرفت دانش و تکنیک بوجود خواهند آمد لذا بایستی مجموعه امور ساختمان شهر با تراکم مضاعف ، تقابله متوافق گردد و در مدت مسافرت راحتی و سلامتی افراد تأمین و مسئله فقدان و علت و با عدم مجهز بودن راهها منتفی گردد .

شهر چیست ؟ محل مبادلات

بدوا مبادلات جنسی یعنی مساعد ترین طریقه تجمع محصولات فلاحی و توزیع آن و تولید و بخش محصولات صنعتی و بالاخره مصرف انواع کالاها و خدمات .

این مبادلات جنسی بنحو لاینجزائی به مبادلات معنوی وابسته اند .

شهر تنها محل تمرکز قوای اداری است که خود نشانه از سیستم های اقتصادی اجتماعی و سیاسی میباشد و طبعا محل مشخص آموزشی و پرورش و تفریح که مستلزم نمایشات تاتر ها و انواع تفریحات نیز میباشد . سیستم ساختمان در امتداد جاده ها این امتیاز را داراست که از حیث فضا صرفه جویی نموده ولیکن فضای نوین موافق با جنب و جوشهای وسائط نقلیه ایجاد مینماید که نه فقط برای مبتکرین آن تشویق کننده است بلکه موجد اراده جامعه با فرهنگی است که خرد مبتکر فضای خاص زندگی خود و بهتر بگوئیم زادگاه خویش است .

ضمنا ما بایستی سرعت دست بکار شویم چه که مخاطراتی که بر شهر های بزرگ وارد است پس عظیم است و نباید فراموش کنیم که مراکز تجمع و تراکم موجد متکثر فرصه تصادمات اند که لااقل در سی سال آینده نمیتوان به نحو پسندیده ای آنرا مرتفع نمود .

در آتیه باید منتظر تجلی انسانهایی شویم که بیلاق نشین و در عین حال شهر نشین اند بشر آینده دارای دو چهره شهری و بیلاقی است از سویی از لحاظ آنکه به طبیعت نزدیک است و از سویی دیگر بواسطه کار و مناسبات بشری نمیتواند از اجتماع دوری نماید . بهر حال یک ساختمان و شهر سازی متوافق با حقایق و پدیده های مدرن و بسط و توسعه جوامع در فضاهای منظم بدون

تردید آینده را صیانت خواهد نمود دوام وضع قبیله ای - اجتماعی زندگی کردن .

۱) تحول بشریت و اجتماعات آن بهر صورتی که باشد برای بشر یک نیاز اساسی و جاودانی باقی خواهد ماند .

۲) پیشرفت های مکانیکی بهر درجه ای که برسد بشر را از استفاده از منابع قدرت بدنی از جمله راه رفتن منع نخواهد کرد .

رادبو تلویزیون پیشرفت تبلیغاتی و توزیع کالا و امکان آن بهیچوجه از نیاز تجمع انسان نکاسته بلکه آنرا مضاعف مینماید ، چه تنهایی بدترین درد هاست .

حال که نحوه فرهنگ مردم و ارزش آموزنده فضای شهر را مطالعه کردیم از آن بهره گیریم ..

با الهام از تکنیک های نوین تلویزیونی هنر کم کم در زندگی اجتماعی و اقتصادی نفوذ مینماید و بدین نحو جماعات کثیر مصرف کننده طبق تمایلات فرض هنر های ظریفه را به سوی سبک و فرم های جدیدی سوق میدهد که ضمنا مجبور ترک سبکهای قدیمی و اصولی نیست و شهر ها با خیابان کوجه ها و میدانها چهار راه ها و ویشهر های ساحلی با اسکله ها و باغات و عمارات اسلوب محلی با سیمبولیک در فضای شهرهای آینده آلی آینده دنیائی از زیبایی ایجاد خواهند کرد .

بیانیه قامت راست را که لازمه روح و جسم سالم است حفظ کنیم .

بیابیم با وجود کار اداری با کارخانه ای پاکار بامشین های کشاورزی علی رغم تلویزیون و وسائل موبوری - بانکها - مساجد - سینما ها - و مغازه ها - علی رغم وفور وسائل تفریح و انواع ورزشها و نیز آنگونه فعالیتها که راه رفتن لازم ندارند مثلا اسکی آبی - قایق رانی موتور و بادبانی اسب سواری و غیره به راه رفتن ادامه دهیم با وجود جمیع امکانات و هوسهای مخالف من به بشر بر تحرک عقیده مندم چرا ؟ چون خواهان هوشمندی و سلامت فکر و جسم نیستم . پزشک سفرن امروزی که از سنت های مشرق زمین بهره گرفته بما می آموزد که از قدرت های روحانی بدن خود استفاده نمائیم و از آن استفاده های زیبای ببریم .

بالاخره در این مورد چه خوش گفته که : گردش میتواند مسبب هزاران تشویق روح گردد .

در نتیجه بحث های فوق باین نتیجه میرسیم که بشر اگر عمارانی بسازد که بی روح باشند افراد از یکدیگر دوری جسته و متنفر میگردند و هرگاه بالعکس عماراتی بنا نماید که ملاقات همزیستی افراد را به نحو احسن و بخوشی میسر دارد افراد بشر را بایمان ثباتی که گل زنبور را بخود جلب مینماید بسوی خویش خواهند خواند .



از علی ادینی

طرح جامع اهواز

هدفهای بلند مدت طرح جامع اهواز از : علی ادیبی

پس از بررسی وضع موجود جمع آوری اطلاعات مربوطه و در نظر گرفتن تمامی امکانات و احتمالات و جهات مختلف توسعه شهر سه تیر زیر مورد مطالعه قرار گرفت :

۱ - تیر شماره یک میثی پسر بسوی از جهات فعلی توسعه و تکامل شهر -

۲ - تیر شماره ۲ میثی پرتوسعه شهر در گذر وسیع تر رشد و توسعه اقتصاد منطقه ای -

۳ - تیر شماره ۳ که معادلی از دو تیر بالاست میثی پرتبديل شهر بصورت يك مركز صنعتی و اداری است که در عين حال زمينه را برای تبديل اهواز بیک مرکز بخش محصولات کشاورزی و صنعتی منطقه فراهم خواهد ساخت -

پس از بررسی تیر های فوق تیر شماره ۳ که خلاصه ای از آن در زیر بنظر می رسد انتخاب و میثیای طرح جامع قرار گرفت -

مركزيت و موقعيت جغرافيايی شهر اهواز در گذر استان خوزستان مجاورت آن پاره آهن و شاهراه های اصلی کشور و تير امکانات وسیع بهره برداری از منابع آب و انرژی رود کارون برای تبديل اهواز بیک مرکز بزرگ صنعتی و اداری کشور وضع ایده ای بوجود آورده است -

چنانچه این تیر میثیای تحویل آینده اهواز قرار گیرد و به عبارت دیگر در صورتیکه دور نمای تکامل تیر شهر بصورت يك تير بزرگ صنعتی و اداری مجسم شود بدینور است که تمام برنامه های عمرانی و اصلاحی شهر باید بآن هدف هماهنگی داشته و ناظر بر منظور مطلوب باشند -



۱- خیابان پهلوی پس از تبدیل به بازار مرکزی شهر

۲- ساحل کارون

در صورت اجرای این سز باخرج که تغییرات جزئی مشکلات موجود شهر حل خواهد شد و محیطی سالم و مطبوع برای زندگی کار و تفریح مردم شهر بوجود خواهد آمد -

نیل به مقوورهای فوق مستلزم عوامل زیر است :

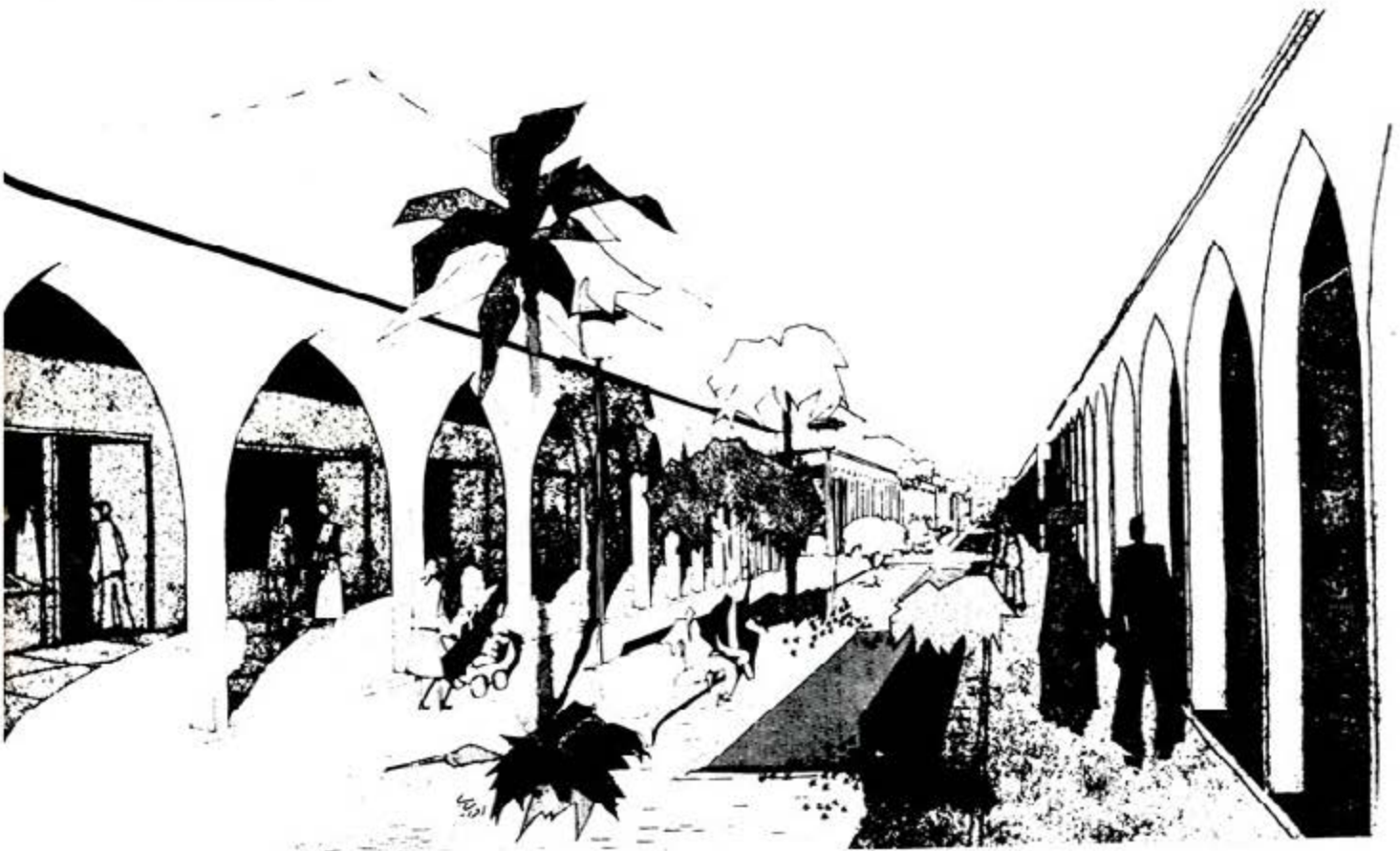
۱ - اتصال قسمتهای مختلف شهر (که باعث توسعه نامنظم و بدون برنامه از يك طرف و عدم امکان استفاده از زمینهای موسسات و مالکیت های بزرگ از طرف دیگر بوضع نامطلوب در آمده است) به وسیله يك شبکه موثر ارتباط -

۲ - حل مسئله عبور راه آهن از مناطق مسکونی تاحدود امکان -

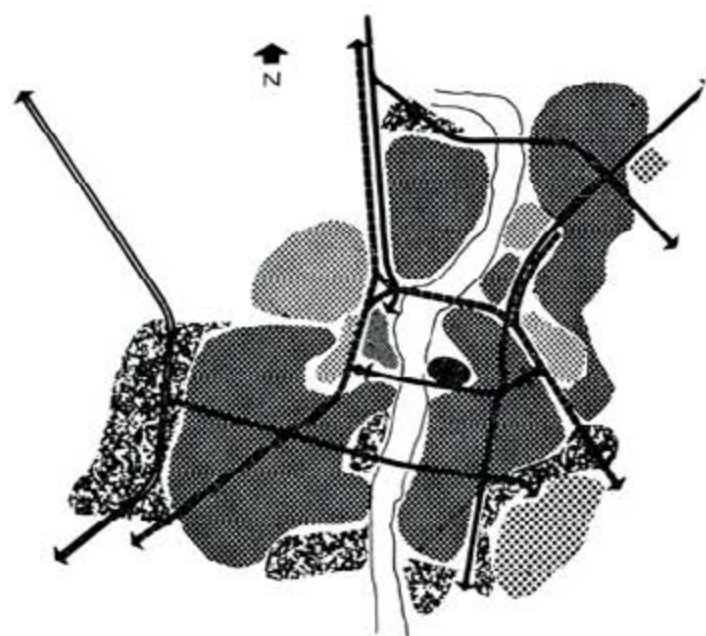
۳ - پیش بینی منطقه صنایع بتجوی که بتواند باتیازمندی های توسعه صنعتی شهر در پست و بتجسال آینده هماهنگی کند -

۴ - تامین تدریجی ارتباط شهر باقرارد اطراف بتطور آماده کردن زمينه برای تبديل آینده شهر بمرکز بخش و صدور محصولات در راه اجرای این برنامه انجام اقدامات زیر سروری خواهد بود :

۱ - آماده کردن زمينه برای تصویب و اجرای قوانینی متجزو روشن بتجوی که بتوان به موجب

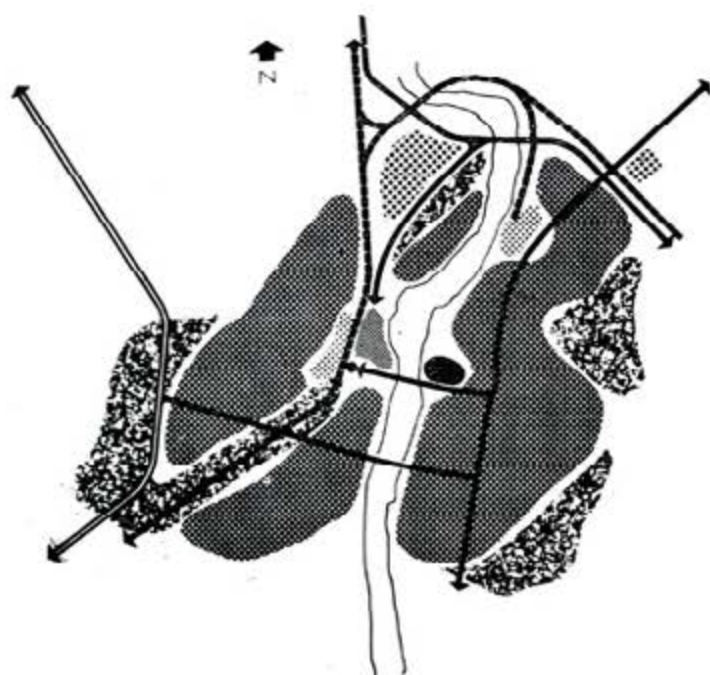


نقشه شماره ۱



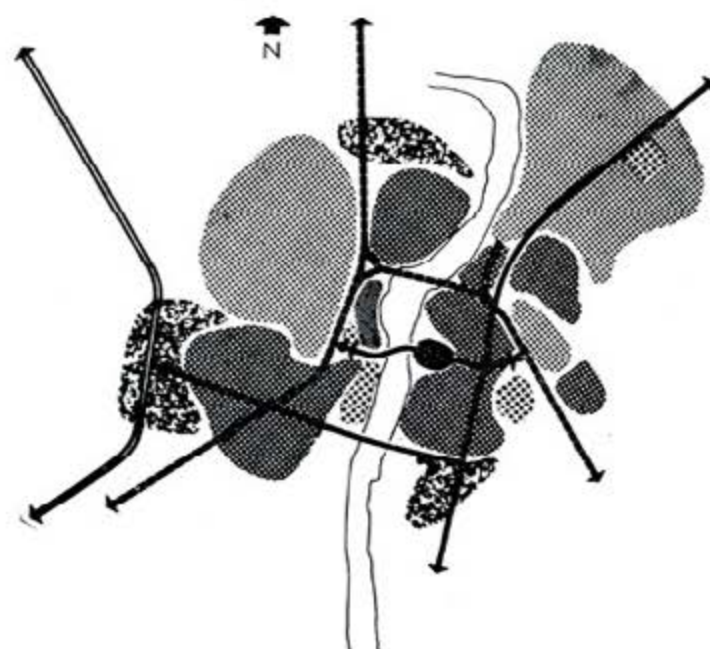
- ← حرکت‌های اصلی
- ← راه آهن
- مسکونی
- تجارتی
- اداری
- صنعتی، سوله‌ها و انبارهای پخش
- پارکها و مناطق سبز
- زمینهای متعلق به ارتش - راه آهن و شرکت نفت

نقشه شماره ۲



- ← حرکت‌های اصلی
- ← راه آهن
- مسکونی
- تجارتی
- اداری
- صنعتی
- پارکها و مناطق سبز
- زمینهای متعلق به ارتش - راه آهن و شرکت نفت

نقشه شماره ۳



- ← حرکت‌های اصلی
- ← راه آهن
- مسکونی
- تجارتی
- اداری
- صنعتی
- پارکها و مناطق سبز
- زمینهای متعلق به ارتش - راه آهن و شرکت نفت



پل معلق کارون

ها موجب خرابی مجدد و خرج اضافی نکردد. اصولاً بهترین موقع برای احداث فاضل آب - لوله کشی آب - کابل کشی برق و تلفن و احیانا لوله کشی گاز پیش از شروع به اجرای دیگر قسمت های طرح جامع است.

تأسیسات تلگراف و تلفن -

چون اهواز در آینده به صورت یک شهر بزرگ صنعتی و اداری درخواهد آمد - ارتباط داخلی آن و ارتباط آن با دیگر شهر های کشور و حتی خارج از کشور نیز باید مرئوس و کامل باشد. حدود شبکه موجود تلفن غیر کافی بوده و باید بر اساس برنامه های طرح جامع توسعه یابد.

شود تا در منطقه توسعه آینده شهر قرار نگیرد.

تأسیسات برق - از آنجا که

برق شهر از سد دز تأمین میشود مساله ظرفیت تولید برق را باید حل شده دانست و تنها موضوعی که در این زمینه باقی میماند کابل کشی - افزایش روشنایی خیابانها - تعویض تیر های کهنه برق و تأمین روشنایی کامل خیابانهای پیشنهادی در ساحل رود کارون و دیگر نقاط شهر است.

موضوع مهم و شایان توجه

شهرداری کابل کشی هر خیابان پیش از آسفالت آن است تا بعد

شرقی راه آهن اهواز - بندر شاهپور (زمینهای جنوب شرقی ایستگاه کارون) به صنایع سنگین، - اختصاص منطقه ای دودو

طرف جاده تهران - خرمشهر به منطقه صنایع سبک.

۶ - پیش بینی یک مرکز ناتوی برای توسعه آینده شهر در مجاورت کوی گلستان.

تأسیسات آب - ظرفیت

تأسیسات موجود آب آشامیدنی اهواز ۱۵۰ لیتر بازاری هر نفر در روز محاسبه شده است که کافی بنظر نمیرسد. در طرح جامع پیشنهاد شده است که مصرف سرانه آب دستکم از ۲۰۰ لیتر در روز که به مراتب کمتر از معیار های متداول در ممالك متحده آمریکا و اروپا است احتساب شود.

با این مآخذ ظرفیت تصفیه خانه ها برای ۷۲۲۰۰۰ نفر که جمعیت پیش بینی شده شهر در سال ۱۳۷۰ است باید ۱۴۶۰۰ متر مکعب در روز باشد.

ضمناً حدود آبرسانی شبکه نیز باید با حدود طرح جامع اهواز تطبیق داده شود.

تأسیسات فاضل آب - طرح

لوله کشی فاضل آب شهر اینک در دست اجراء است که باید نظر گرفتن قسمت صنعتی و توسعه آینده شهر حدود آن کافی بنظر نمیرسد. ضمناً در مورد انتخاب محل تخلیه فاضل آب باید دقت

آنها برای اتصال قسمتهای مختلف شهر و توسعه آینده آن از زمینهای مالکین و موسسات بزرگ استفاده کرد.

۲ - تغییر مسیر قسمتی از راه آهن که در حال حاضر از منطقه خزینه میگردد و اتصال آن با نیار های شرکت نفت از بیرون این بخش مستوفی.

۳ - تعیین محل صنایع سنگین در جنوب شرقی شهر دور از مسیر باد و در کنار راه آهن و جاده کامیونرو و محل صنایع سبک در شمال شرقی شهر و کنار جاده کامیونرو.

۴ - تکمیل شبکه فاضل شهر بنحوی که راه توسعه شهر در سال های بعد از ۱۳۷۰ نیز باز گذاشته شود.

هنگام تجدید نظر در طرح جامع در جزئیات ترمذ کور تغییراتی داده شد که اهم آن به شرح زیر است:

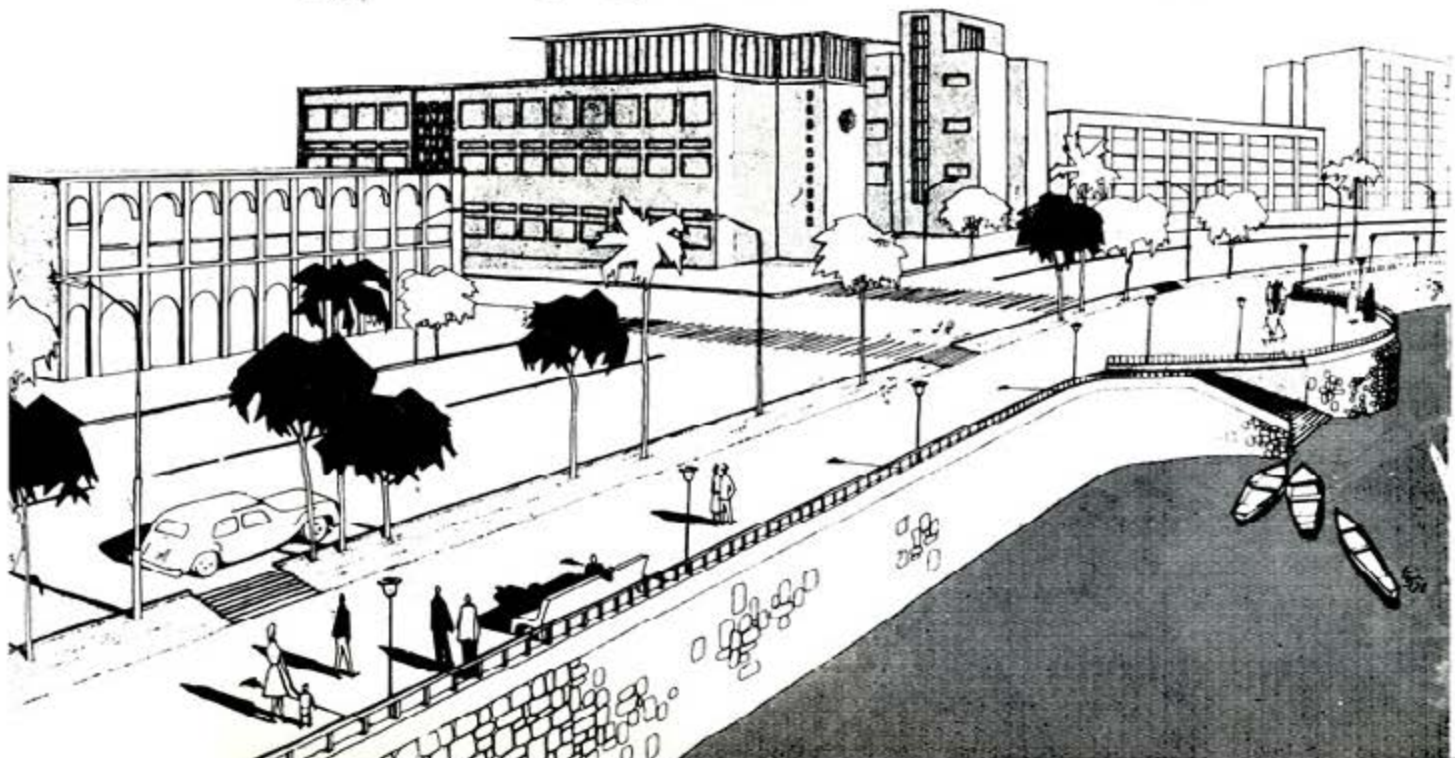
۱ - محدودیت توسعه شهر در جهت غرب از راه آهن به بعد.

۲ - پیش بینی جمعیت برای آمار ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ (نتیجه آمار اخیر قبل از تجدید نظر در طرح جامع در دسترس نبود).

۳ - پیش بینی توسعه شهر در جهت جنوب و در امتداد رودخانه.

۴ - اختصاص منطقه شمال

موقعیت خیابان ساحلی شرق رود کارون در جنوب پل معلق



بدرستی نمیتوان مشخص کرد که هنر نقاشی در ایران از چه زمانی آغاز شده و بر تحول آن چه بوده است. چون نمونه‌ها مدارك قابل اطمینانی موجود نیست که باری آنها بتوان دوره‌های تاریخ نقاشی ایران را دقیقاً تدوین کرد. تحول نقاشی در ایران همواره بواسطه حمله اقوام مختلف اگستگی‌هایی توأم بوده است.

از دوره‌ی ساسانی قطعه‌ی نقاشی بدست ما نرسیده، ولی اعتلای فرهنگی ایران در زمان و به‌ویژه پیشرفت قابل ملاحظه‌ی معماری و حجاری و فلزکاری و غیره دلیلی است بر توجه به هنر نقاشی. اما بهر حال دانش ما راجع به نقاشی قبل از اسلام تاکنون ناقص مانده است. اکتشافات فون لوكوك و گرنویدمحققین آلمانی و حفاریهای شهری سامره و توراتان نیز ما را فقط اندکی با آثار نانبوی‌ها و نقاشی دوره‌ی ساسانی آشنا می‌سازد.

بعد از اسلام نوعی نقاشی در ایران گسترش یافت و خارجیان بغداد نام مینیاتور بر آن گذاردند، که در واقع هنر مصور کردن کتب است.

هنر تصویر سازی کتب لااقل از عهد مانی در ایران متداول بوده است و هر چند در نقاشی ایران، تاثیر سنت‌های چینی قابل انکار نیست ولی نباید بنا بر اعتقاد گروهی بن هنر را صرفاً ره آورد مغولان از چین بدانیم. تاثیرات هنر چینی در سنت‌های قدیم‌تر نقاشی ایرانی حل شدند و در آثاری که امروزه بعنوان تصویر سازی در ایران بعد از اسلام می‌شناسیم، کارا کتر خاصی را می‌بینیم که با نقاشی چینی تفاوت آشکار دارد.

جاذبه و اثر خوشایند نقاشی ایرانی آنی است. اولین تاثیر آن بر روی بیننده، تظاهری است از رنگهای زنده و فیکورهای ظریف که در سرزمینی خیالی در حرکتند. سپس درختندگی کامل و دقیق تکمیل، در آخر،

مهارت تنظیم خطوط، ظرافت و اغلب هماهنگی بی‌سروای رنگها و اثر ساده‌ی کمپوزسیون منظم آنها، بیننده را تحت تاثیر قرار میدهند.

ما هنرمند ایرانی کاملاً ناخودآگاهانه کار میکنیم از آنجا که از نظر موقعیت اجتماعی يك فرد هنرمند و با مهارت محسوب میگردد، کار او متضمن هیچ کوششی برای تهذیب و راهنمایی و آگاهی دادن نیست. تنها هدف او اینست که سلیقه و پسند سفارش دهنده‌ی خویش را اغنا کند و تماویری موثر از موضوعی که باو پیشنهاد شده است، بوجود آورد. هنر او در حقیقت هنری تزئینی است و این همان چیزی است که بطور کلی در نقاشیهای قدیم ایرانی باید مورد توجه قرار داد. بنابراین یکی از معیارهای بیننده، برای دستیابی به جاذبه‌ی نقاشی ایرانی - توجه به تفهیم فوری آنست - تصویر هنگامی موفق است که مقصود خویش را آنا به بیننده منتقل سازد. کار نقاشی ایرانی، در حقیقت، با افسانه‌هایی که او برای مصور کردن برگزیده، وابستگی زیاد دارد. بطوری که يك طرح ساده و مستقیم و بی تکلیف و حتی ابتدائی با نوعی عظمت و شکوه افسانه‌یی، عرضه میشود.

هرچه ساده‌تر به نقاشی ایرانی نزدیک شویم، شناسایی ما نسبت بان سریع‌تر است. ولی این بدان معنی نیست که همه میتوانند درك آنی نسبت بان داشته باشند. چون موانعی در راه است: در وحده‌ی اول باید توجه داشت که نقاشی مانند تمام رشته‌های هنر شرقی بر پایه‌ی يك سلسله قراردادهایی بنا شده است که با سنتهای رنسانس در اروپا متفاوت است. و این امکان دارد. بیننده را دچار اشتباه کند (چون متاسفانه حتی بیننده‌ی ایرانی نیز کم و بیش، هر نوع نقاشی را با معیار این سنت‌ها ارزیابی میکند نقاشی ایرانی «طرح از روی طبیعت» نیست: نقاشان ایرانی همیشه «خارج از طبیعت» و

بیاری اندوخته‌ی ذهنی خویش طرح میکردند. عبارت دیگر «چون جوهر و اصل اشیاء مورد توجه نقاش ایرانی است نه عرض آنها که در معرض نور و تاریکی و دوری و نزدیکی است، این است که نقاش ایرانی عین اشیاء را همانگونه که در ذهن مجسم میکند و کاری بطرز قرار گرفتن اشیاء در طبیعت ندارد» از سایه‌ها و تاریکی و روشنائی اشیاء استفاده نمیشود زیرا ذهن هنرمند باو میگوید که، سایه فانی و زودگذر است، پس چرا آنرا باید بکار گرفت؟

با آنا تومی و پرسپکتیو نیز آنطور که در هنر اکادمیک مغرب زمین وجود دارد، توجهی نمیشود اولاً باین دلیل که مانند هر عنصر دیگر در نقاشی ایرانی فیکورهای بیشتر سمبول‌های خیالی هستند تا تصاویر اشیاء و اشخاص همانطور که واقعا دیده میشوند:

ثانیاً در دید نقاشی ایرانی نوعی «خط‌بصری» وجود دارد. و مهمتر آنکه، هنرمند ایرانی بان اصولی معتقد است که او را به سوی ایده‌هایش رهبری کند و هر آنچه مغایر باشد از روی غریزه نمی پذیرد. مثلاً در يك قالی هرگاه طبق اصول صحیح پرسپکتیو تصویر شود، نقوش ظریف و منظم و طرح غنی و غامض و حتی رنگهای آن در گون میشود. و این امری است که خلاف نظر نقاش ایرانی است. و باین جهت او این اصول را رعایت نمی‌کند. گلهاء و گیاهها در نقاشی ایرانی، عظمت خاصی یافته‌اند و گاهی حتی باندازه‌ی نسبی يك اندام انسانی نقش شده‌اند. و این بلاشك بدان منظور است که بیننده قادر به درك و تحسین ظرافت و زیبایی هر يك و غنچه باشد.

در نقاشی ایرانی همه چیز با وضوح و روشنی، بیان اینکه نور شدید آفتاب بر آنها تابیده، تصویر میشوند حتی اگر واقعی داستان در تاریکی اتفاق بیفتد، ماه و ستاره و یاشمع و چراغ فقط بعنوان کنایه‌هایی از شب نقش میگردند.

تنظیم: از طالار قدرنیر

نقاشی قدیم ایران

هنرمند ایرانی در تصاویر خود، ابتدا بیاری چند راهنمایی کوچک، بیننده را در فضای داستان خویش قرار میدهد. سپس او را با آن فضا مانوس میکند. برای دیدن و درک این آثار ظریف و اریستو کرافیک باید معیارهای خاص آنرا پیدا کرد. و در آنصورت عدم رعایت قوانین پرسپکتیو، نور و سایه و آناتومی و یا دیگر گونی اشکال و رنگهای طبیعی، تعجب انگیز نخواهد بود.

از نظر تاریخی، نقاشی ایرانی بعد از اسلام رامیتوان به چهار دوره تقسیم کرد: دوره اول بنام دوره عباسی یا «مکتب بغداد» معروف است که از قرن دوم تا قرن هفتم هجری ادامه دارد، ولی کلا آنرا نمیتوان یک مکتب ایرانی خالص دانست، چون نقاشان غرب نیز در بسط و گسترش آن کوشش کردند.

در این مکتب بیشتر داستانهایی که از زبان یونانی ترجمه شده بود و یا ترجمه های عربی افسانه های هندی منسوب به پیدپامی حکیم و یا قصص مقامات حریری، تصویر میشد، از آثار ایندوره بدلیل حمله ی مغول نمونه های اندکی باقی مانده است ولی بطور کلی نوعی رالیسم خام و نیز تأثیری از هنر بیزانسی در آن دیده میشود. مقارن با حمله ی مغول در شهرهای تبریز و شیراز و سمرقند و مرو، مراکزی وجود داشت که هنرمندان گمنامی در آن جمع بوده اند.

پس از حمله ی مغول دو نسل لازم بود تا تمدن ایرانی برقوم فاتح تأثیر بگذارد و مراکز جدید هنری در ایران پدید آید. هلاکوخان و فرزندان و نواده های آنها برای ترقی نقاشی کوشیدند و زمینه را فراهم آوردند، بلکه وسیله ی نفوذ نقاشی شرق دور در نقاشی ایران شدند.

در این دوره نقاشان متوجه موضوع های جدید میشوند: از سویی تجسم وقایع و حوادثی که در زوایای تاریخ نهفته بود رواج میگيرد و از سوی دیگر رفت و آمد با چین، کار هنرمندان چینی عهد سونگ در نقاشی ایران نفوذ میکند بهترین نمونه ایران نفوذ تصاویر دشت و تپه و ماهور در آثار این دوره است که مستقما از چین گرفته شده و با ذوق ایرانی آمیخته گشته است.

ایندوره ی نقاشی که به دوره ی مغول معروف شد مقارن با قرن هشتم هجری بود و در بغداد و تبریز دو پایتخت مغولان - راه تکامل پیمود. «جامع التواریخ» وزیر رشیدالدین، شاهنامه ی فردوسی و قطعات خمسه ی نظامی و اشعار خواجوی کرمانی، موضوع نقاشی شد. رنگهای تیره، فیکورهای عظیم الجثه ی مغولی و حیوانات موهوم و خیالی چینی و خشکی و بیروحي حرکات آدمها و چین و شکن جامه ها از مشخصات

ایندوره است.

در اواخر قرن هشتم هجری، تیمور از نواحی مرکزی آسیا بایران حمله کرد. با روی کار آمدن او همانطور که وضع تقسیمات آسیای غربی از نظر سیاسی بهم خورد، مرکز صنعت و فرهنگ نیز بجای دیگر منتقل شد: سمرقند. تیمور گوردکانی میخواست در مقابل تبریز و بغداد، مرکز مهمتر و معتبرتر بوجود آورد. در سمرقند علاوه بر نقاشی و مصور کردن کتب، نوعی ورقه های نقاشی با مرکب کم رنگ و معمولاً طلاسی رواج یافت که اصل آن بر اثر مرابده از خاور دور آمده بود ایندوره - دوره ی تیموری بلاشک عصر طلایی نقاشی ملی ایرانی است.

باستقر مرزا - که خود خوشنویس بود - در زمان شاهرخ میرزا (قرن هشتم هجری) نگارستان هرات را تاسیس کرد. این مدرسه که در دوره ی سلطنت سلطان حسین بایقرا با وج ترقی خود رسید یکی از مراکز عمده ی هنری در آفرمان بود و هنرمندان برجسته یی در آن گرد آمده بودند. شیوه ی کار این هنرمندان بر نقاشان قرون بعد تأثیر زیادی گذارد. از جمله ی این هنرمندان - استاد گرانقدر کمال الدین بهزاد (۹۱۵ - ۸۴۵) را میتوان نام برد.

از خصایص اوایل ایندوره - رنگ سرخ زمینه ی تابلوهاست (اواخر قرن هشتم) که رفته رفته تبدیل به آبی سیر میشود و سپس در قرن نهم رنگ طلایی جایگزین آن میگردد. تجسم طبیعت غالباً بصورت تپه و ماهور و صخره های برآمده و درختان پراکنده و جویبار و چشمه صورت میگيرد. تا قبل از بهزاد هنوز در حرکات آدمها نوعی خشکی و بیروحي بچشم میخورد ولی از تعداد فیکورها کاسته شده است. ترقی و تکامل نقاشی عهد تیموری و شروع دوره ی صفوی مرهون بهزاد است. بهزاد تا سال ۹۱۲ هجری نگارستان هرات را اداره میکرد و در همین حدود توسط شاه اسمعیل صفوی به تبریز برده میشود قبل از روی کار آمدن بهزاد نقاشان مکتب شیراز و مکتب اول تبریز (از جمله مولانا میرک، معلم بهزاد) برای ایجاد مکتب هرات همکاری کرده اند. بدین معنی که بهزاد هنگامی قدم در میدان کار گذاشت که نقاشی مکتب هرات رو به تکمیل میرفته و این نقاش از تجربه ی گذشتگان سود بسیار برده است.

از مشخصات مکتب هرات که آنرا از سایر مکتب ها متمایز میکند رنگهای گرم و روشن (برخلاف رنگهای تیره ی مکتب شیراز) و خصوصاً طلایی است. بهلاوه رابطه ی متن باصفحات مصور بسیار نزدیک است کمپوزیسیون ها تغییر کرده اند. فیکورها از چند نقطه ی کادر اصلی تابلو خارج میشوند حرکات اشخاص آزادتر از سابق است و سبک تزیین شیراز بسیار متفاوت میباشد. مخصوصاً در

آثار بهزاد کشش زیادی بسوی ناتو رالیسم دیده میشود و این موجب زایل شدن فرمالته قدیم میگردد.

چهارمین دوره ی نقاشی ایرانی، عهد صفوی است که دو پایتخت صفویه - تبریز و اصفهان - مراکز آن بودند. در تبریز بهزاد شاگردان زیادی داشت و تا آخر عمر بکار تدریس پرداخت. از نقاشان مکتب دوم تبریز میتوان به سلطان محمد و مظفر علی و میرزا علی و میرزا علی اشاره کرد. مکتب تبریز بعدها تا دربار عثمانی نیز گسترش یافت در تاسیس مرکز هنری قسطنطنیه مؤثر واقع شد.

بعد از تبریز، بهمت شاه عباس، اصفهان مرکز هنرمندان و نقاشان شد. و در این مرکز بود که نقاش برجسته یی دیگر ایرانی: رضا عباسی کاشانی، پدید آمد «باغعلی رضا عباسی که خوشنویس بود اشتباه نشود» علاوه بر نقاشی نقوش کاشیهای رنگین مسجد شیخ لطف الله و نقش و نگار دیوارها و درهای قصور اصفهان از آثار اوست.

در نقاشیهای دوره ی صفویه، شکوه و عظمت این عصر هویدا است. بیشتر موضوعها مبین وضعیت زندگی درباری و طرز روحیات اشراف و رسوم کاخهاست. فیکورها معدودتر و آدمها با قامت های دسا و پوششهای فاخر با عمامه و دستار، تصویر شده اند. رنگها تنوع زیاد یافته و گرایش بطرف رنگهای روشن بیشتر گشته و به تذهیب و تزیین کنارها و حواشی صفحات رونق یافته است.

در دوره ی صفویه نقاشی از مصور کردن کتب، با فراتر گذاشت و چهره سازی و نقاشی دیواری و غیره باب شد. در اواخر این دوره نفوذ اروپائیان نقاشی ایرانی را از مسیر خود دور کرد و هر چند در دوره ی فتحعلی شاه تا حدی تجدید حیات یافت ولی سپس روز بروز بطرف آثار تقلیدی و خالی از خلافت سقوط کرد.

بطور کلی در دوره ی قاجار به نقاشی بیشتر بمیان مردم آمد و شکل خاصی پیدا کرد ولی هنوز کیفیت و ارزش آن کاملاً مورد بررسی قرار نگرفته است. و اینکه چگونه نقاشی امروز میتواند با آن رابطه یی برقرار کند، خود مسئله ای درخور توجهی است.

برای تنظیم این نوشته از منابع زیر استفاده شده است.

- تاریخ نقاشی در ایران - تالیف دکتر زکی محمد حسن معری - ترجمه ی ابوالقاسم سبحان

- دوره ی تحول نقاشی ایران - مقاله ی ابوالقاسم طاهری در مجله ی روزگار نو

- مکتب نقاشی هرات - نوشته ی دکتر بهنام - شماره هشتم مجله ی نقش و نگار

- نظر آقای حاج منصور المکی در باره ی هنرمینیاتور - شماره سوم مجله ی نقش و نگار

بطور یقین استفاده از فضا در معماری مدرن پدیده‌ای نوظهور است. اما رنسانس دربار فضا با رنوک **Badque Gothic** و کوبک **Gothic** صحبت می‌کنیم و دربار آنکه آیا یونانیها احساس استفاده از فضا را در معماری دارا بودند یا نه بحث می‌کنیم. اما حتی توانایی تفنن عبارت «فضای معماری» یک کار بزرگ مربوط به اواخر قرن نوزدهم و درجه اول واره‌ای است که متقدیر و سائورجین بکار برده‌اند. برای یک آرشیست فکر استفاده از فضا و کار کردن در آن ایده‌ای کاملاً مربوط به قرن بیستم و یکی از مواردی است که معماری مدرن را در مقامی برتر از قریه معمولی قرار می‌دهد. اما فضایی که آرشیست مدرن در آن کار می‌کند از فضای معماری های دوران قبل متفاوت است.

در اکثر ادوار تاریخ فضا فقط در داخل ساختمان موجود بود در خارج فقط طبیعت و بی‌نظمی و نامحدودی بود. هیچ چیز این موضوع را بهتر از نمای بیروح خادجی و داخل یا شکوه حمام های رومی و باطریقی که معمار های دوره کوبیک نمای خارجی ساختمان های سنگی را می‌ساختند ناداخل آن باشکوه و عظیم جلوه کند نمایان نیسازد زیرا نمای خارجی آن بطور کلی فقط خوب بست بود. مردم دوره رنسانس این روش را تغییر دادند و نمای خارجی ساختمان های این دوره مانند بناهای یونانی بصورت کار های هنری محدود چشم می‌خورد. مدرن نوزدهم مقامی نقشه کشی باروک از هم پاشیده می‌شد. با کمک یک بلیط قطار شما می‌توانستید در یک روز از حدود هر ترکیب معماری قابل تصویری دور شوید و نامحدودی فاصله‌ای از هر منظره قابل تصویری جدا شد. فاصله فیزیکی سال به سال کمتر شد و هنگامی که یک فرد انسان توانست دور دنیا را در یک روز پیماید گرویت جهان محسوس تر از زمانی شد که پاک **Puck** پیشنهاد کرد که آنرا در ۴۰ دقیقه پیماید زمانی که لیندبرگ **Lindberg** طبق برنامه از نیویورک به پاریس پرواز کرد پیوستگی قاره‌ای پدیدار گشت و طبق نظریه اساسی باک میشتنر **Buck Minster Fuller**

جهان بصورت توده خاکی واحد در اعماق اقیانوسی از فضای بیگانه درآمد.

این بی‌انتهایی در افشان هنرمندان و صنعتگران صایع پلاستیکی کمی قبل از این زمان در حدود دوره‌ای که پیش از آن گروه های مختلف در دوره عصر فضا و بعد چهارم بحث می‌کردند رسوخ کرده بود در سال ۱۲ - ۱۹۱۱ نقاشان پیرو کوبیسم در پاریس.

تصاویری را نقاشی می‌کردند که فضای آن گرچه تا بی‌انتهایی خیلی فاصله داشت در جنبه های قراردادی و یک دیدرس ایده آل جمع شده بود مثلاً تصویری مانند دختری یا ماندولین اثر پیکاسو هیچ محل محو شدنی ندارد و فضای سطحی و کم عمق آن از هر فاصله‌ای نزدیک یا دور در جلوه‌ای یکسان است. در همان زمان در ایتالیا پیروان سبک فوئیوریزم **Futurism**

کوبیسم را برای اصطلاحات سست و بیروحشان سرزنش می‌کردند در فکر فضایی در نقاشی بودند که بوسیله اشیاء در کانونی متمرکز میشد. برای آنها فضا حوزة نفوذی از اشیاء مجاور بود. بین دو مفهوم از فضای متمرکز شده ولی محدود و فضای بی‌انتهایی مفهوم اصلی از فضا در معماری مدرن بوجود آمد. برای اولین بار در دانمارک و روسیه این فضا بوسیله هنرمندان آستره بوجود آمد اما بوسیله فرانسوایی چون **Le Corbusier** ساخته شد.

در این مفهوم فضا اولاً نامحدود است و در همه جهات توسعه پیدا میکند اگرچه در عمل به اشعاعات سوی بالا و پائین آن زیاد توجه نشده) ثانیاً این فضا اندازه گرفته و بیان شده و بوسیله ساختمان یا هندسه‌ای نامرئی قابل درک است. معمولاً این ساختمان نامرئی (ترکیب نامرئی) مستطیل است و معماری تقریباً مانند جدوی سه بعدی که بعضی از خانه‌هایش پرونده‌ای خالی یا خطوطی ضخیم بین آنها تصور شده در بعضی از آثار برجسته **Le Corbusier** مانند ویلا **Villa Savoye**

ساوآی این ترکیب بصورت ستون هائی با دیوار هائی در وسط اطاق چشم می‌خورد (این حالت در آثار **Mies Vander Rohe**

در ۱۹۳۰ هم مشاهده میشود) این ستون ها قسمتی از قالب ساختمانی هستند آنها جنبه هندسی فضا را نشان میدهند دیوار ها در مقابل آنها قرار داده شده‌اند آنها یازی آزادانه آرشیستک را با فضا نمایان می‌سازند.

گرچه حالت مستطیل بودن شرط لازم نیست. هنگامی که برای اولین بار یکی از گنبد های **Buck Minster Fuller** را ببینیم فضای مدرن را احساس می‌کنیم این گنبد هائیکه دارای ساختمانی با فاعده هستند که محیط هندسی بانقوذی را بوجود می‌آورند اغلب پوشش نیم شفاف آنها با تابش یکسان نور از همه جهات می‌گردد.

ثالثاً تصور میشود که فضا در معماری جدید رابطه مخصوصی با ناظر دارد زیرا ناظر یا فضا در حال حرکت هستند این تصور بیشتر رمزی و غیر طبیعی می‌باشد. اما حقیقت روانی آن برای معماری مدرن ضروری است. از یکسو فضاهای داخلی یک ساختمان باید برای یک ناظر که از مسیر مشکله از راه پله ها و سکو ها عبور میکند بصورت یک سری پارتیشن از فضای نامحدود بنظر آید شاید بهترین مثال برای این منظور فستیوال هال **Festival Hall** در انگلستان و راه پله های موزه **Guggen Heim** در امریکا باشد. حالت دیگر تحرک فضا در اطراف یک ناظر ثابت بطور کلی با حالت بالا از نظر فیزیکی قریبی ندارد اما مضمون غیر فیزیکی آن دقیق تر است.

از زمانی که صاحب نظران قرن بیستم نظریه جدائی بین فضای داخل و خارج را بجا معرفی کردند ما این تصور را درک کرده ایم که فضا بصورت جزو و مدی نسبت به ناظر قرارداد دارد. مثلاً هنگامیکه ناظر در خانه است فضا در باغ جاری میشود این که فضا از ناظر فاصله میگیرد را میتوان بعنوان **Axiomatic** شمرد. ناظر منبع تجربه فضائی است و کاملاً **Axiomatic** است اگر بگوئیم که فضا در میری مشخص جریان دارد. فضا در معماری مدرن از مرکز یک اطاق ساده جریان پیدا نمی‌کند این حالت را فقط در فضای معماری دوره رنسانس می‌توان یافت. در معماری مدرن فضا در گوشه ها و لبه پالکی ها و گردید و معنی راه پله ها و در

ترجمه شین علوی

از کتاب: راهنمای

معماری مدرن نوشته

Reyner Banham

پشت بعضی اجسام جریان دارد. بهترین نمونه این فضا را میتوان در **Frans Worth House** اثر میس وان دروه در خارج از شیکاگو مشاهده کرد. در این ساختمان فضا بین دو سطح فوقانی و تحتانی قرار دارد این دو سطح محدود کننده سطوح پوشیده در خارج ساختمان هستند سایر قسمتها از كف تا سقف را شیشه پوشانیده و در نتیجه فضای داخل با فضای خارج ارتباط کامل دارد بطوریکه بین دو سطح بالا و پایین هیچ ارتباط مرئی نیست بغیر از پایه ساختمان که حالت گسترش عمودی در فضای محدود را به

و تحول مدرن ساخته شده اند یکی از آنها قصر قدیمی کریستال است که برای نمایشگاه پرولا سال ۱۸۵۱ ساخته شد و از شیشه و فلز است. گرچه حالتی ساده دارد ولی چون پیش از اندازه بزرگ بنظر میرسد که فضای بی انتها را در بردارد و به انتهای مرکب از نور خسته میشود. دومین شاهکار برج ایفل است. در این ساختمان انواع حالات فضای مدرن علاوه حالات مختص به برج وجود دارد که به ناظر با مشاهده آن احساس برآرامشی دست میدهد. این باشد اما شاهکار بزرگ آن نیست. دو شاهکار بزرگ قبل از این تغییر

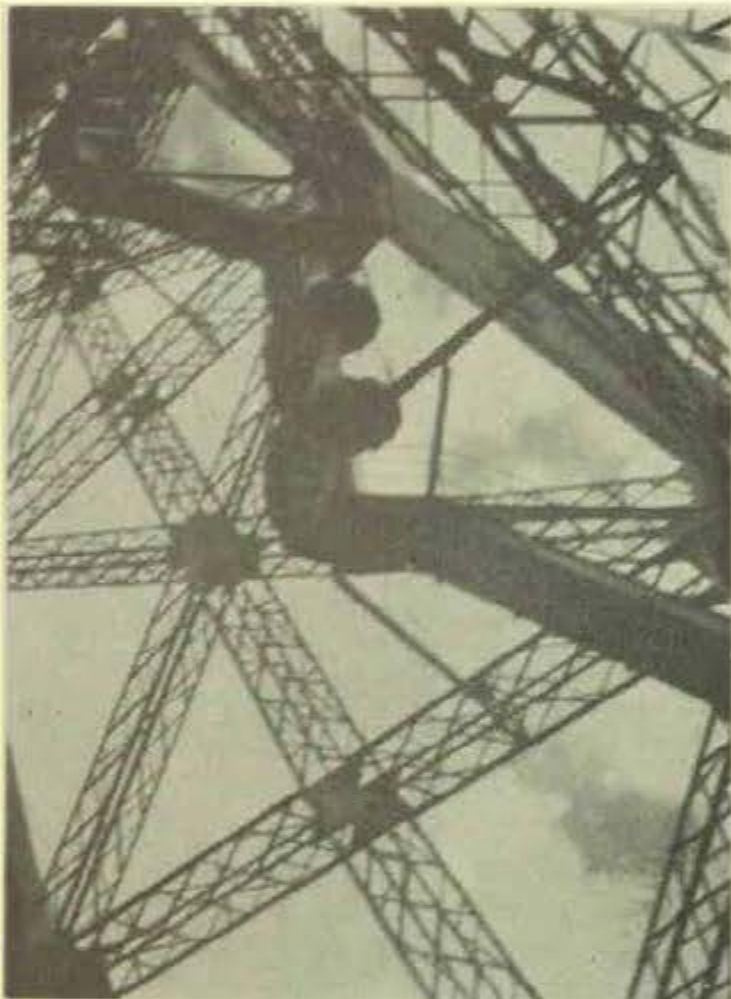
وجود دارد. هیچ بنای دیگری در دنیا مانند ایفل حالت آزاد در فضا و نداشتن وابستگی به جاذبه زمین حس نمیشود فضا در همه جهات منشعب شد. احساس وابسته نبودن به جاذبه زمین شاید برای بشری که در فضای ماوراء جو قرار گرفته خسته کننده بنظر برسد اما فعلا این شاهکار به تورپست مطمئن ترین منظره را از تجربیات فضای نسل آینده جلوه گر میازد. ایستادن بر راه پله های این بنای چندین ساله و احساس فضای آزاد دانستن چیزی ضروری در معماری مدرن است. معماری جدید رشد کرده و حالت نازکی و نو-

انواع نکیک های تازه بوجود خواهد آمد آنها را که معتقدند که نازکی و جدید بودن در بعضی از فرمها و برخی بناها متوقف میشود برودی شاهد رنگ باختن و تغییر معماری جدید خواهند بود و مفهوم معماری جدید بعنوان مکتب نورانی که **Robin Bord** در گنه خرد بکار برد دیگر بکار برده نمیشود. گمانی که قسمت فیزیکی معماری جدید را وابسته به یک قسمت از زیباشناسی که ساختن یک فضای بینهایت و اندازه گرفته شده و متحرک است میدانند مابوس خواهند شد مگر بوسیله ساختمان های مدرن فلایی که بوسیله



۲

۱



آن میدهد اما کار این حالت قائم ایجاد یک ریتم است که فضای نامحدود بین دو سطح را اندازه میگیرد و کنترل بکند. تنها قسمت عمودی دیگر که از زمین تا سقف میرسد یک قسمت آزاد است که از یکسوی آن بعنوان بخاری و از سوی دیگر آن بعنوان آشپزخانه استفاده میشود و این نمونه ای از شئی آزاد است که فضا در اطراف آن جریان دارد. و در اغلب کار های میس وان دروه این حالت بکمک سطح تحتانی پیوسته بوجود آمده است این ممکن است خلاصه یا شاهکار کوچکی از فضای مدرن

استفاده از فضای نامحدود بعلمت ارتفاع زیاد چشم میخورد و فضائی که در پشت بنا جریان دارد با فضائی که ناظر داخل آن در حرکت است کاملاً محسوس است. اما از همه شگفت انگیز تر خود برج است فرم هندسی که فضای آنرا کنترل میکند سیستم ساده افقی و عمودی نیست بلکه ترکیبی بیشتر برای مبارزه با فشار باد است تا برای دفع جاذبه زمین (ایفل اولین آزمایشی برای تونل مبارزه با باد بود) البته یک سطح افقی برای تقاطع مورب قسمت های اصلی که بسوی افق جمع شده اند

جوانی خود را از دست داده است اما هنوز با این ماشین فضائی که از اغلب آرشیوهای امروزه مسن تر است برابری نمیکند. معماری جدید با اتکاء به خود و هدف شروع به اندازه گیری و تحقق بخشیدن به امکاناتی که در جلوی آن قرار دارد کرده است و در آینده توسعه آن سریع تر خواهد بود. مشکلات و پدیده هایی که امروز با آن ها تازه آشنا شده فردا از جلوی آن محو میشود. اولین قسمت فرم است سیستم های ساختمانی نیز کنار می رود اما چیزهای تازه ای پدید خواهد آمد

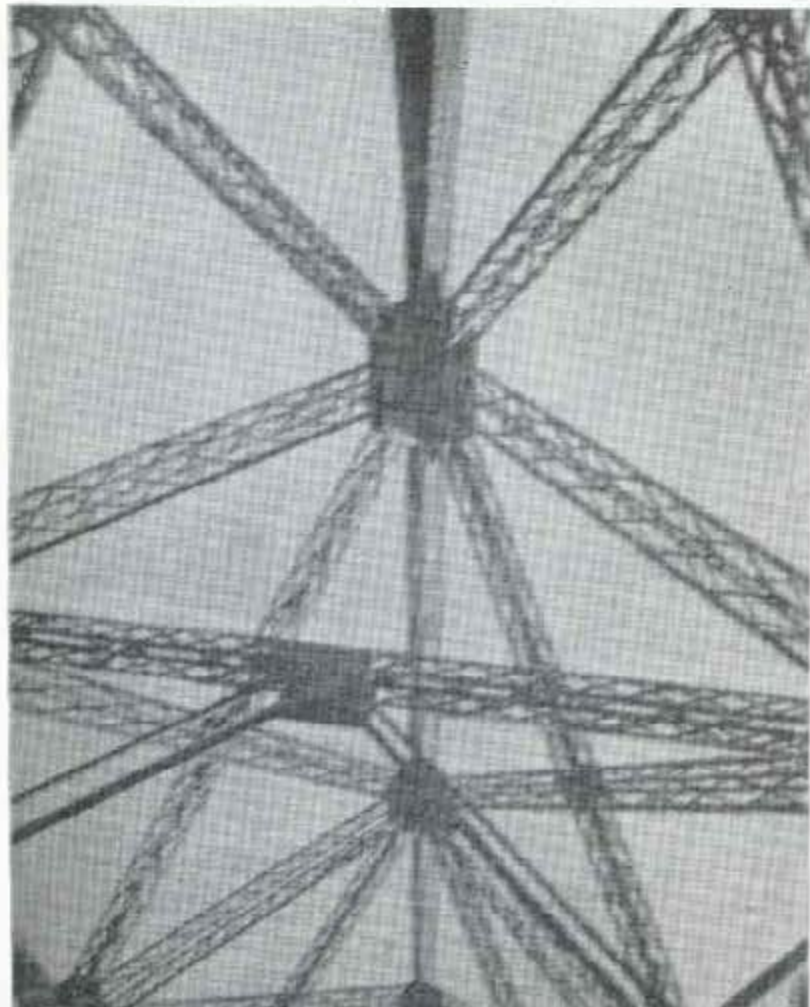
معماران درجه دو برای مشتریهای بیرو تجمل و مد میسازند اما اشخاصی که دنبال فضا میگردند معماری مدرن حقیقی را بعضی بدین تشخیص میدهند و همانگونه که در جهان در هر معماری هر دوره این حقیقت را یافته است.

- ۱ - یک پرسپکتیو داخلی از برج ایفل
- ۲ - عکسی از برج ایفل

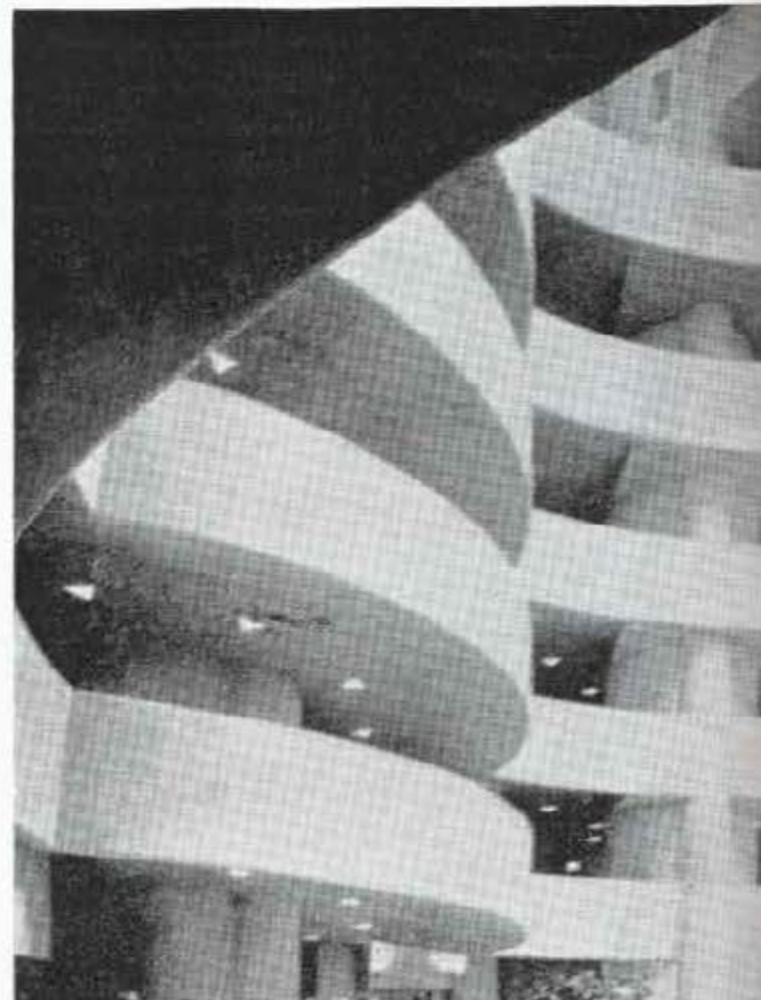


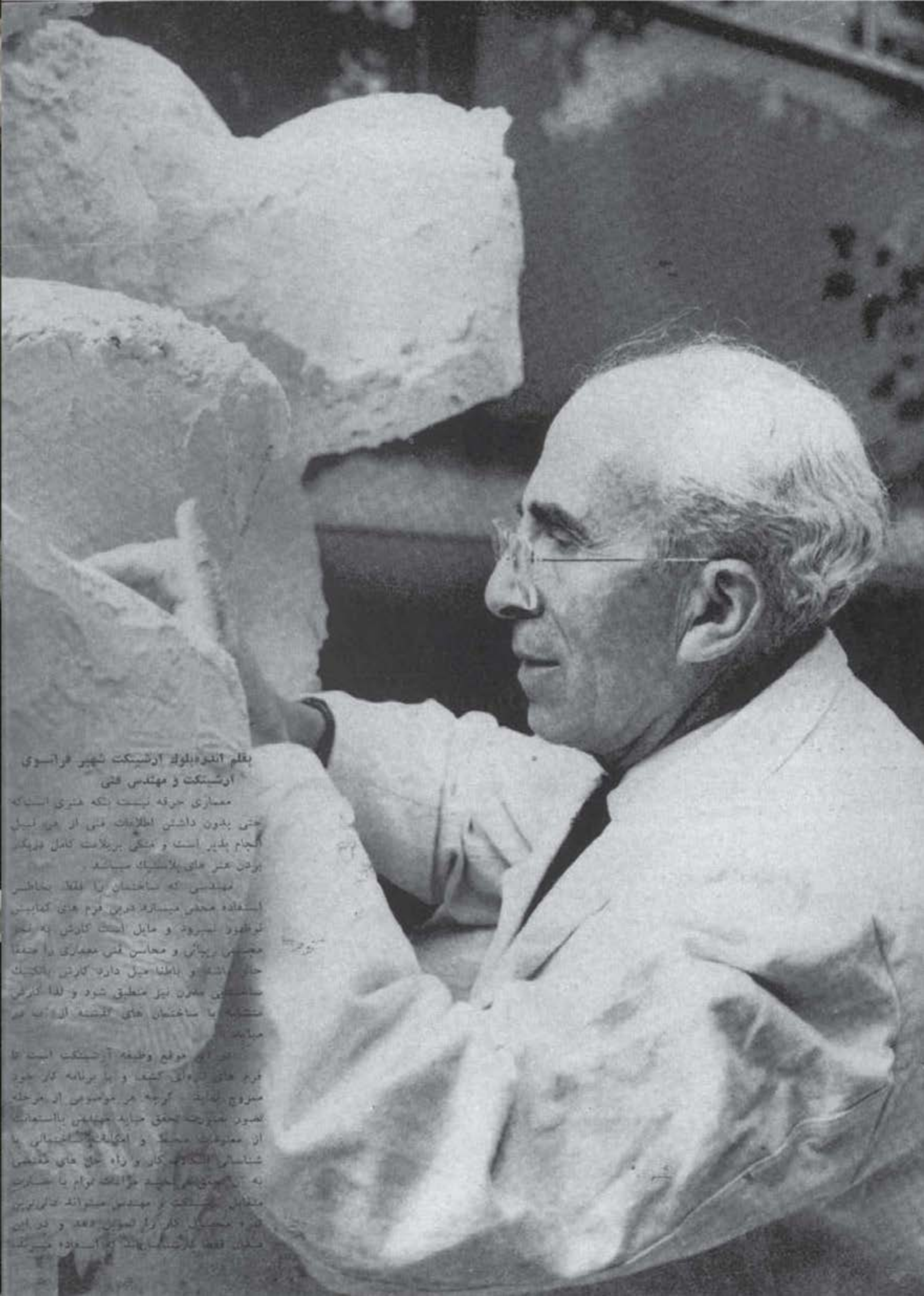
عکسی از خارج موزه

عکسی از داخل برج ایفل



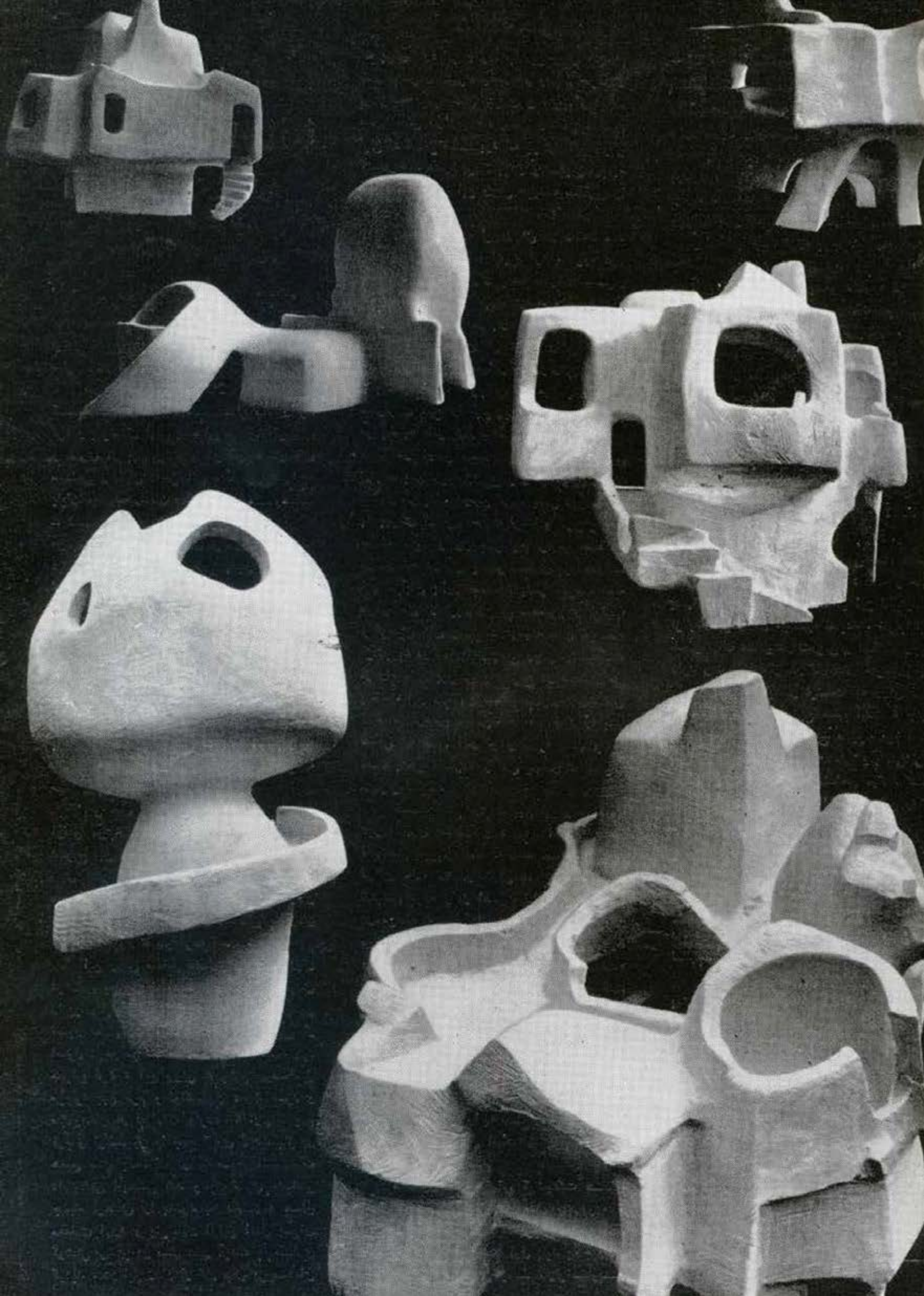
عکسی از داخل موزه گوگیمهام





بقلم انژو بلوک آرشیستک شهر فرانکوفی آرشیستک و مهندس فنی

معماری حرقه نیست بلکه هنری است که
حتی بدون داشتن اطلاعات فنی از هر لایه
الجام پذیر است و امکان برینامت کامل فریگیر
برتن هنر های پلاستیک میانه
مهندس که ساختمان را فقط بخاطر
استفاده محض میسازد درین فرم های گفایش
نویزور میروند و مایل است کارش به نحو
محیطی ریختی و معائن فنی معماری را متعقا
حاش باشد و باطنی میل دارد کارش با تکنیک
ساختن معن نیز منطبق شود و لذا کارش
متشابه با ساختمان های گذشته از آن است
میانه
در این موقع وظیفه آرشیستک است تا
فرم های تازه ای کشف و با برنامه کار خود
مزوج نماید. گرچه هر موسوم از مرحله
نمود صورتی تحقق میابد چه با استعانت
از معلومات محکم و امکانات ساختمانی یا
شناسی تکنولوژی کار و راه حل های معینی
به این معنی میگوید: میانه میانه با ساختن
متقابل آرشیستک و مهندس میانه میانه میانه
فرم محکم کار را میسازد و در این
میان فقط کار میانه میانه میانه میانه



روش جدید در معماری ایتالیا

از : ویکتوریو تریگوتی

بعقیده من ، روش اخیر در معماری ایتالیا تاریخ جدیدی را بوجود آورده که از سال ۱۹۶۴ شروع میشود .

در این سال روجرز **Rogers** اداره قسمت انتقادی مجله **Casabella** را ترک کرد و بدینسان تربون اصلی مباحثات فرهنگی و هنری از بین رفت و در نتیجه دوره‌ای مشخص و دقیق در زندگی معماری ایتالیا به پایان انجامید. در همان سال مجله **Edilizia Moderna** شماره جدیدی را منتشر کرد که مربوط به بررسی معماری ایتالیا در دوساله قبل بود . اهمیت این موضوع بدین جهت است که در این انتشاریه به قضاوت در باره کارهایی که در این مدت چاپ شده بود پرداخته است .

پارامترهای مورد استفاده در این انتشاریه راهی برای طرح فرمها بود که نه تنها بعنوان يك مرحله کامل و پر زحمت شناخته شده بلکه بعنوان اولین و پرفرجه ترین راه بوسیله معمارانی حقیقی انتخاب شده و به تشریح مشکلائی چون فرم ساختمانی در مرحله معماری پرداخته است .

بهر حال و بطور کلی این گرایش برای اولین مرتبه علاقه های جدیدی را برای تشریح بین المللی و تجربه و تحلیل این روش روی آثار معماری برانگیخت . سال ۱۹۶۴ همچنین از دوره هایی بود که ثابت شده زمان حکم فرمانی و تسلط قرون وسطائی به زمان علاقه و اختیار تغییر کرده است .

این روش مسائل معماری را مانند زبان اجتماعی بچریان انداخت ، راه های جدیدی را برای ایجاد نمایشگاه بررسی کرد، همچنین تصور فضائی در معماری که بعنوان یکی از اسرول تابعه سبب سازی شناخته شده بود معرفی کرد ، این روش همچنین برمسائلی موجود بین فرم و فونکسیون تاکید کرد و مجموعه ای از ایرادات وارده به ارتباط بین فرم و فونکسیون را جمع آوری کرد . باز در همین سال بود که اولین موج اغتشاشات دانشگاهی احساس شد و يك سری عناصر جدید فرهنگی را باخود به دانشکده های معماری آورد و بدینسان اولین اصل برای کوشش بیشتر در سال های آینده پایه گذاری گردید . در این زمان از کار های برجسته ای

که برای تازه کردن و احیا این روش انجام شد کم کردن تاثیر مقیاسات و وسائل حرفه ای و توسعه جنبه های تئوری و انوی و ایجاد علاقه هایی در زمینه سیاسی و شکل شناسی **Morphology** بود که بوسیله این روش آشکار شد علاوه بر بالا بردن و تحقیق دوباره حرفه معماری ، این روش طبیعت معماری را نیز بالا میبرد .

بحث در باره این روش در دانشگاه ها سه گروه مختلف ایجاد کرد . گروه اول تصور شهر را بعنوان يك حقیقت هنری **Artifact** قبول کردند . گروه دوم فشرده گی و تحقیق در باره قوانین فیزیکی را شروع کرد و سعی کردند که راهی صحیح جهت طراحی بهر معیاس و میزان پیدا کنند و بالاخره گروه سوم کوشش مینماید تصور تکنولوژی طرح را جایگزین تئوری های قبلی مربوط به تکنولوژی ماده نمایند .

کار اولین دسته این گروه براساس ارتباط بین تیپولوژی شهر و مورفولوژی پایه گذاری گردید . دومین گروه بنظر میرسد که به پیروی از ترك حالت ثابت و گرایش به حالت تحرك و وابستگی به ترکیب عناصر عرضه شده درخلق يك اثر معماری پرداخته اند. این گرایش بطور مشخص بنظر میرسد که مجموعه ای از قبول زیبایی شناسی در ترکیب و کوشش های وسیع در زمینه های استفاده از تجربه در خلق آثار بدیع و چگونگی استفاده از راه های بررسی و تشریح در معماری می باشد . این روش برمسائلی شهری تاکید نمی کند اما کوشش مینماید که هم خود را بر هدفی که خلق آثار نو و نمونه های جدید است بنحو گسترده و کلی بایستورت فشرده متمرکز نماید .

قسمت اعظم ارتباط بین این دو موقعیت تجربه روی ساختمان شهری است که در فائورانس بچریان گذاشته شده است . آنها از آزادی ماده که در روش دوم موجود است اقتباس کرده و از اهمیت نظریه تشکیل شهر در مرحله ابتدائی استفاده کردند . پیروان روش سوم سعی طرح به کار های پر زحمت را که از ارات فکر مدرسه **Ulm** و استفاده از تجربه های امریکائی روش اخیر میباشد الهام گرفته اند .

به چه مقیاسی عناصر مثبت در روش تئوری انوی برای حل مسائل پیچیده شرکت داده شده و به مرحله عمل گذاشته شده است ؟ از چه طریقی امکان دارد که سطح تجربیات حرفه ای را به سطح تحقیقات نزدیک کرد ؟ بسیار مشکل است که باین سئوالات پاسخ گفت .

محصول کار حقیقی آرشیتکت های ایتالیائی در طی این چهار سال چه بوده و چه کسانی در زمره افراد برجسته این مدت زمان بوده اند ؟ در وحله اول باید به بررسی دل های انجام شده توسط کارلوسکارپا

Carlo Scarpa و **Ettore Sottsass** و انور سوتساس پرداخت . هر دو

دارای تجربه در طراحی ، کار های دستی ، دکوراسیون و معماری بوده و موفق شده اند که ارتباطی بین کار های عملی و روش کارشان بوجود آورند . هر دو آنها صمیمانه به هنر جدید علاقه مندند و عمیقاً ریشه های مکتب وین را کنار گذاشته اند . در خلال سال های اخیر اسکارپا چند موزه بوجود آورده است ، چند ساختمان را طراحی کرده و معازه هایی که چگونگی و طبقه بندی بنحو مطلوب در آنها دیده میشود حس موازنه و قدرت تجسم فضائی وی را در خلق اینگونه آثار میرساند .

طرحی که بوسیله سوتساس کشیده شده و الهامی از دانش وسیع ادبی ، نقاشی و تاثیر از معماری شرقی میباشد بعنوان عدم انتقاد از بعد های فنی پذیرفته شده است .

در رم اسکرپانتی **Scripanti**

تنها هنرمندیست که تحت تاثیر تشریح روش تجربه ای فوق قرار گرفت ، در فلورانس می توان ساویولا **Saviola** و ریچی **Ricci** و ایسوتا **Isotta** را نام برد .

این روش يك صفت عمومی ست که در نسل های قرون وسطی وجود داشته و حتی بسیاری از روش های مستقل نیز نمی توانند از بکار بردن آن اجتناب نمایند . تقریباً این خصوصیات همگی در تدریس و انتقادات وجود دارد و تا اندازه ای در کار های حرفه ای نیز وارد شده و نمایشگر اینست که روش فوق در حرفه ها کمی توزیع شده است ، چنانچه انتقاد آمیز مسئولیت طرح متوجه فرم است این آرزو نه تنها موقعیت ذهنی و باطنی افراد را نادیده میگیرد بلکه مشخص میکند که سیاحت گیتی تنها راهی است که این روش را مورد قبول قرار میدهد .

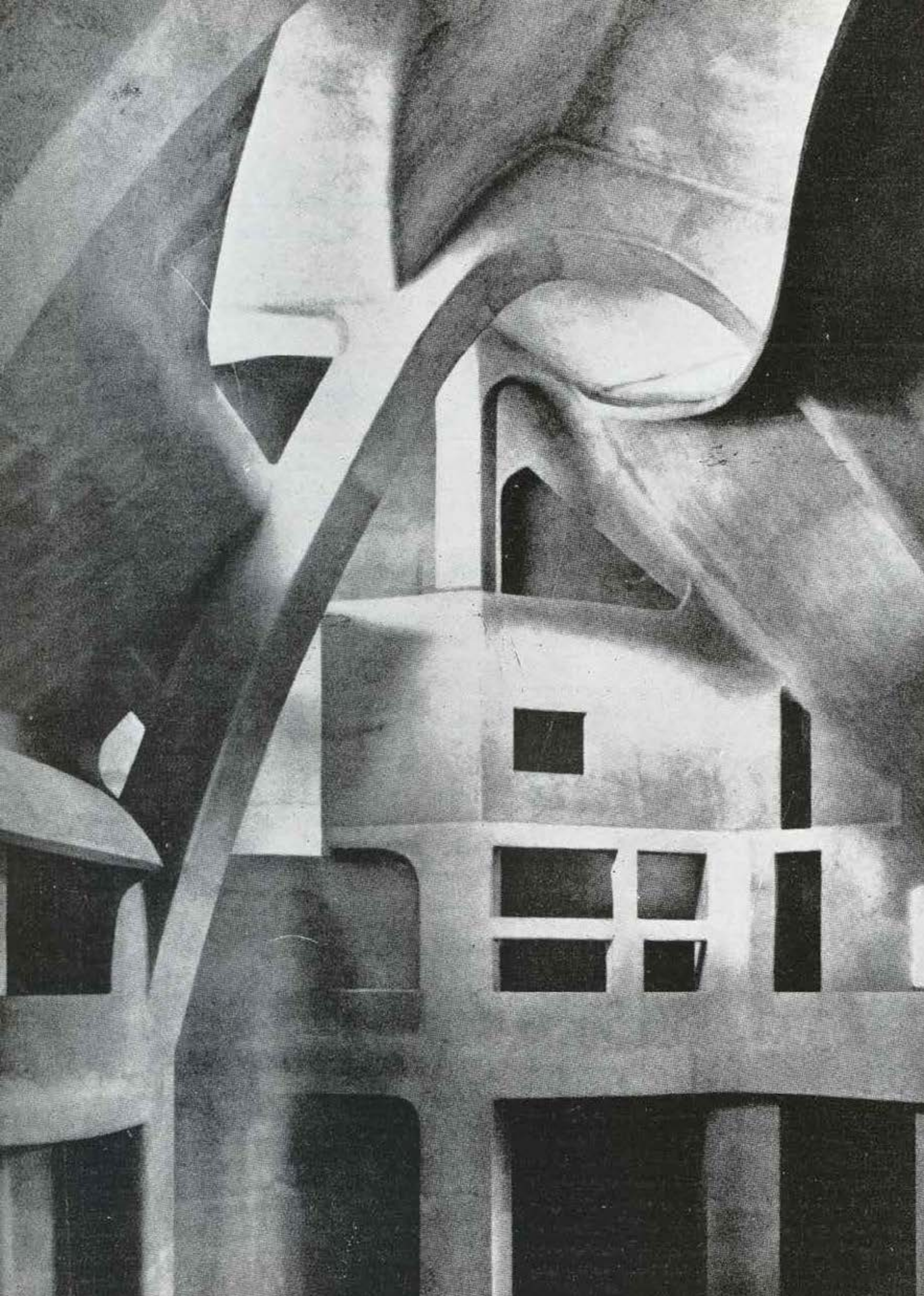
آنگاه میتوانیم بحث در باره مسئولیت را شروع کنیم اکنون باید بازگشت بسوی استفاده از روش معماری و مقیاسی را در معماری پیشنهاد کنیم زیرا با اجازه خواهد داد در مورد گرایش به حالت دینامیک قضاوت نماییم .

اگر شورشی که بین ایدئولوژی و زبان پیش آمده استحقاق این را دارد که دو باره بعنوان اصل در محله طرح مورد استفاده قرار گیرد ، این روش هنوز بعنوان يك الزام برای ما باقی مینماید که بهر سبب ناچه اندازه حقیقت بعنوان يك عامل توسعه و یا عامل منحرف کننده ای در این روش تاثیر داشته و به چه مقیاس راه را برای امکانات جدید در دنیا باز یابسته است ؟

توضیح عکس : از کارهای میکلوچی
معمار معروف ایتالیائی

هنرمعماری

پنجاه و چهارم



نظریات : دکتر سوگارف استاد دانشگاه مراکش

تأثیر اقامت و وضع زندگی
اگر بیشتر بوضع کنونی شامل وضع زندگی و سنت‌ها و توانایی مالی عمومی توجه نمائیم متوجه میشویم که صنعتی نمودن ساختمان بسته به حل دو مسئله اساسی است و این دو مسئله هم که در نظر اول با یکدیگر تضاد کامل دارند از این قرار میباشند .
۱- صنعتی ساختن سریع برای فراآوردن خانه بیشتر در زمان کمتر با بهای ارزانتر هرچه که ممکن باشد .
۲- بکار واداشتن حداکثر کارگران محلی برای جلوگیری از بیکاری که خود مصیبت خطرناکی برای کشور های در حال رشد بشمار میرود . معنای این کار اینست که کار فراوان تهیه شود و تعداد کثیری از کارگران در تمام رشته های صنعتی ساختمان سرگرم کار گردند .
اگر این دو مسئله اساس برنامه های مهم را تشکیل دهند نتیجه مسلم آن اینست که صنعتی کردن ساختمان در کشور های در حال رشد با کشور های صنعتی و توسعه یافته بکلی با هم متفاوت

برنامه صنعتی ساختن ساختمانها

خواهد شد یعنی در این دو نوع منطقه روشها و فنون صنعتی ساختن بکلی باهم فرق خواهد کرد .
صنعتی ساختن ساختمان در نواحی پرجمعیت که در آنها احتیاجات معمولی برآمده بودن مصالح ساختمانی محلی فزونی دارد فوق العاده ضروری است .
صنعتی ساختن به بهای ارزان معمولاً به کارگران متخصصی که تعداد آنها نیز زیاد نیست صدمه میزند ؟
از مصالح مربوط به ترکیبات شیمیایی میتوان اشیاء متعدد با رنگهای اشکال مختلف بدست آورد و این تنها صنعت ساختمانی است که در آینده میتواند بمقدار زیاد از آن محصول بیرون داد و در اثر امکانات وسیع ترکیبات شیمیایی و خودکاری تولید را در مقیاس وسیع بالا برد .
حالا ببینیم که جای معمار در این میانه کجا است ؟ امروز همه اذعان دارند که صنعتی شدن به معمار لطمه نمیزند و اگر تعدادی از ساختمانها که باروهای صنعتی بنا شده اند دارای معماری مطرودی میباشند تقصیر از معماران آنهاست نه خودسبک و طریقه کار و به این ترتیب مسلم میشود که ایجاد ساختمان های مبتدل ربطی به استفاده از روشهای صنعتی یا غیر صنعتی ندارد .
توجه به اندازه ها و مقیاسهای ساختمانی از طرف تهیه کنندگان طرح ها و سازندگان آنها بطور قطع از زیباییهای متصور در ساختمان که از خصوصیات محلی و منطقه ای و سن و وضع زندگانی سرچشمه میگردد جلوگیری مینماید . ولی بطور کلی این نوع مشکلات نیز قابل حل و قابل جلوگیری میباشد .
بنابراین مسأله همواره مجبور خواهد بود هدفهای اجتماعی و اقتصادی و فنی معماری را در نظر بگیرد تا بتواند بطور عمیق از امکانات وسیع مصالح وحدت صنعتی شدن ساختمان استفاده نماید .

ساختمان های عمومی و اجتماعی
ساختمان آموزشگاهها با روشهای صنعتی در کشور های در حال رشد راه درازی را پیموده است . ولی نتایجی که تاکنون بدست آمده زیاد درخشان نیست . منظره این نوع بناها زیاد جالب نیست و با وضع اطراف خود هم آهنگی ندارد . اغلب سوار کردن قطعات مجزای این بناها با شتاب انجام شده و عایق بندی بنا آنطور که باید و شاید خوب درست نشده است . در نتیجه چون بهای آنها هم خیلی گران تمام شده رویهمرفته مورد رضایت قرار نگرفته است . در خصوص ساختمان خانه هاهم با قدری کم و بیش همین وضع بچشم میخورد . آیا به این ترتیب باید نتیجه بگیریم که صنعتی ساختن بناها بیفایده است ؟ ایذا .

ازدباد روز افزون جمعیت و هجوم آن بشهرها در کلیه کشور های دنیا مسائلی بوجود آورده و هیچیک از کشورها از گرفتاری این مسائل مصون نمیباشند و حتی کشورهایی که سالها است صنعتی شده و درآمد ملی آنها شاید چهل برابر بیشتر از کشور های افریقائی است هنوز برای حل این مسائل و رفع گرفتاریهای ناشی از آنها توفیق پیدا نکرده اند . آنچه که برای ما مسلم است اینست که صنعتی شدن ساختمانها بدون تردید قیمت اعظم این گرفتاری ها را برطرف نمیزند . در کشور های در حال رشد توسعه برای دست یافتن به محصول بیشتر و تهیه ساختمان زیادتر تنها راه حل ، صنعتی نمودن ساختمان است ولی برای اینکه توسل به این راه برای تعداد کثیری از کارگران تولید بیکاری نثماید باید بطریقی عمل نمود که در ضمن صنعتی شدن کار ساختمان ها همواره کار برای کارگران وجود داشته باشد . حدود توانائی اقتصادی و مالی منطقه را باید در نظر گرفت و بهای ساختمان را بعد اقل تنزل داد و بدینوسیله بر تعداد و وسعت ساختمانها افزود و بار فشار را سبک کرد در اینجا باید ایجاد فوری ساختمانهای مورد احتیاج را در نظر گرفت و طوری عمل کرد که این ساختمانها هم مطمئن باشند و هم وسایل جلوگیری از سرما و گرما در آنها تعبیه شود . برای انجام این عمل هنر معماری باید فکر خلاقه خود را بکار اندازد زیرا صنعتی ساختن کار ساختمان بدون در نظر گرفتن وضع توسعه و رشد اجتماعی کشور و بدون توجه به تهیه برنامه بر اساس توانائی مادی و وضع اجتماعی و اقتصادی بهیچوجه میسر نخواهد بود . توسعه شهر ها و ازدیاد ساختمان در آنها همیشه در اثر فقدان برنامه محلی دچار اشکال میگردد .

اصولاً صنعتی کردن ساختمان یعنی احداث ساختمانهای فراوان و انجام این کار بدون اتکاء به یک برنامه محلی پیشرفته امکان پذیر نمیباشد . اما برنامه در خصوص صنعتی ساختن ساختمانها شامل کلیه مسائل مربوط به محیط و روحیه و احساس معمار میباشد .

ایستاد دولت

حال باید دید که ایستاد صنعتی نمودن ساختمانها بعهده کیست ؟ عقیده کلی بر اینست که باید در دولت توجه لازم به صنعتی نمودن ساختمانها وجود داشته باشد . و دولت باید بطور معقول برنامه ریزی ساختمان را آماده و فضای ساختمانی را تهیه و راحتی و امنیت استفاده کنندگان از ساختمان را بعد اقل قیمت فراهم نماید البته وجود صنایع ساختمانی و تهیه مصالح و محصول فراوان شرط اساسی برای تقلیل قیمت خانه و اجرای سریع برنامه های ساختمانی است .

در کشور های در حال رشد ایجاد مدرسه و تربیت کادر آموزشی در درجه اول اهمیت قرار دارد و اهمیت آن بیشتر از ساختن خانه و صنعت میباشد. در اینجا مسئله در اطراف انتخاب صنعتی شدن دور میزند و باید احتیاط لازم را برای کیفیت و دوام ساختمان بعمل آورد و ساختمان را هنگام استفاده خوب حفظ و نگهداری نمود. اکنون امکانات صنعتی ساختن کامل ساختمان تحت نفوذ چند عامل جدید که هنوز واقعیت نیافته اند قرار دارد و آن عبارتند از توسعه صنایع بطور کلی و ایجاد محصول فراوان و تغییر وضع اقتصادی. در این میان باید عوامل دیگری از قبیل انتخاب محل مناسب و تطبیق ساختمان با وضع زندگی و سنت ها را نیز در کار دخیل نمود در حال آنچه مسلم است اینست که تهیه مصالح قبل از شروع ساختمان و بطور فراوان و بطریق صنعتی مفایرتی با انتخاب محل مناسب و بکار واداشتن کارگران و احترام به روحیه آنها و توجه به ذوقها و سلیقه های مختلف اشخاص و محل ندارد.

حیطه صنعتی ساختن ساختمانها

صنعتی نمودن ساختمان را میتوان بطریق قاطعه در حیطه ساختمان منازل و قسمتی از بناهای اجتماعی و صنعتی بکار برد و توسعه داد و برای ایجاد خانه های ارزان قیمت باید فرماندهی واحد و برنامه واحد و طرز اجرای کار واحدی وجود داشته باشد. اما باید متوجه بود که ساختمان را نمیتوان با اشیاء ساخته شده صنعتی مقایسه کرد زیرا تفاوت این دو بسیار محسوس است. اشیاء ساخته شده صنعتی به تعداد بسیار زیادی و بطور یکسان ساخته میشوند و پس از ساخته شدن بسته بندی شده و تحویل بازار میگردد و تقصیه بهمین جا خاتمه میدهد ولی برای قطعات ساختمان اینطور نیست زیرا قطعات ساختمان بعد از ساخته شدن تازه وارد مرحله بسیار لطیف و دقیقی میگردد. زیرا این قطعات باید در خارج سوار شوند و بر روی زمین استوار گردند و در این زمینها باید وضع آب و فاضل آب و برق و غیره کاملاً روشن باشد. بنابراین برای ایجاد ساختمان های فراوان و ارزان قیمت باید انواع خانه هرا اندازه که ممکن است محدود شود و تعداد آن هر اندازه که ممکن است زیاد گردد. در کشورهای در حال رشد برای اجرای برنامه های وسیع ساختمانی باید مشکلات حمل و نقل را هم در نظر گرفت در ضمن تفاوت کشورهای از نظر قدرت اقتصادی و مرحله رشد هم خود مسئله مهمی است که در نوع و طبیعت مصالح پیش ساخته و طرز بکار بردن و متصل نمودن آنها اثر قطعی میگذازد و باین ترتیب منطقه صنعتی نمودن ساختمان خود عامل مهمی در پیشرفت کار میباشد زیرا این عمل باید همگام با تکامل صنعتی منطقه و پیشرفت فنی آن پیش برود و کار از مرحله خانه سازی به سمت تهیه انواع ساختمان های صنعتی و اجتماعی و عمومی توسعه یابد.

تفرقه یا تمرکز برنامه ها

در اینجا میخواهیم بدانیم آیا اجرای برنامه های ساختمانی بطور متفرق ستوده است یا بطور متمرکز؟ آیا کار را باید اشخاص متفرقه انجام دهند یا اجتماع و دولت؟ در کشور های در حال توسعه و رشد جمعیت روز بروز زیاد میشود و احتیاجات از هر نوع روز افزون میگردد در حالیکه درآمدها ثابت هستند و همگام با توسعه احتیاجات فزونی پیدا نمیکند و با این وضع صنعتی نمودن ساختمان بدون همکاری دولت میسر نمیکردد و وقتی دولت دست اندر کار شد برنامه ها باید متمرکز باشد و برنامه های انفرادی و متفرق فقط در مراکز روستائی مورد توجه قرار بگیرند. بطوری که میدانیم امروز دوماثل روستائی برای ساختن خانه از مصالح محلی استفاده نموده و از روشهای قدیمی کار پیروی میشود. و اما صنعتی شدن ساختمان در درجه اول روشهای قدیمی ساختمانی را بهبود میبخشد و انتخاب مصالح و تجهیزات را بهتر مینماید و کار تقسیم آب و برق و امکان بهداشتی را منظم مینماید. اما در شهرها مداخله دولت و موسسات اجتماعی و عمومی ضامن حل مسائلی است که در اثر ازدیاد جمعیت و فعالیت حادث میگردد.

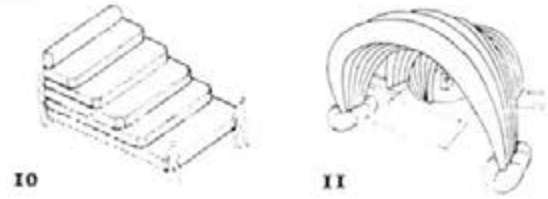
یکی از مسائل مورد توجه در اینجا اینست که کارگران باید در نزدیک محل کار سکونت نمایند ولی گرانی قیمت زمین و اجاره خانه آنها را مجبور مینماید که در نقاط خیلی دورتر از محل کار ساکن شوند و در نتیجه مسئله رفت و آمد پیش میآید و فعالیت کار را متزلزل میسازد و بهای خانه را بالا میبرد. و بطوری که میدانیم قیمت خانه مشکل اساسی کار است درآمدها برای کارگران معمولاً پائین است مخصوصاً برای کارگران غیر متخصص و آنها نمیتوانند بهای خانه خود را پرداخت نمایند و ناچار باید بعنوان مختلف به آنها کمک مالی بشود. بطور خلاصه در کشور های در حال توسعه ساختمان خانه های مناسب با احتیاجات خانوادگی و اجاره دادن آنها به قیمت ارزان به کارگران کم درآمد مسئله اساسی است و این دولت است که میتواند با چنین مسئله ای بمقابله بپردازد در اینجا باید به برنامه خانه سازی توسط خود کسانی که از این خانه استفاده میکنند اشاره کرد. مزایای این برنامه بسیار است و با استفاده از این روش میتوان خانه های بسیار ارزان متناسب با وضع اجتماعی و اقتصادی کارگران کم درآمد تهیه کرد و ضمناً میتوان اینگونه ساختمانها را مرحله به مرحله به اتمام رسانید. خانوادای که خود در ساختمان خانه مسکونی خود کار کرده سعی خواهند نمود که آنها تمیز نگهدارد و در زیبایی آن بکوشد در اجرای این برنامه میتوان از قطعات پیش ساخته شده خیلی ساده استفاده کرد و کارگران غیر متخصص را به تعداد فراوان بکار واداشت و بهای خانه را پائین آورد و ساختمان را در مدت خیلی کوتاه به اتمام رسانید.

نتیجه

برای يك مطالعه اجمالی در مسئله صنعتی نمودن کار ساختمان در کشورهای در حال توسعه باید اذعان کرد که مداخله شهر ساز و کارشناس اجتماعی و ساختمان ساز با توجه به روشهای نو اجتناب ناپذیر میباشد زیرا این کشورها در آینده ترقی فوق العاده خواهند کرد و از مرز متصور برای سال ۲۰۰۰ میلادی نیز خواهند گذشت. مرد متدین امروزی مخصوصاً در کشور های در حال توسعه مجهز بوسایل جدیدی است که بشرب تبلیغ تجاری براد تحمیل شده در صورتیکه ملك اصلی را که خانه باشد در اختیار ندارد. اشیاء جدید و صنعتی بسرعت تمام تکامل پیدا میکنند ولی پیشرفت کار ساختمان خیلی به ملایمت و تانی انجام میگردد.

بدون تردید فن جوان صنعتی شدن ساختمان در کشور های در حال توسعه با مشکلات بسیار مهم دست بگریبان میباشد و این مشکلات بطور کلی بامسائل کشور های تکامل یافته و صنعتی متفاوت میباشد. اما در این میان باید توجه داشت که صنعتی شدن ساختمان نباید موجب ایجاد بناهایی بشود که مورد انزجار نسل آینده باشد و آیندگان میل به تخریب آنها پیدا کنند. اتومبیل وقتی از کارخانه خارج شد حرکت میکند و بمیان جمع میرود اما خانه ساخته شده باید سالها در یکجا باقی بماند. اتومبیل همینکه فرسوده شد جای خود را بمدل های جدید میدهد ولی خانه باید طی نسلها مورد استفاده قرار گیرد و زود بزود عوض نمیشود و اینجاست که متوجه میشویم که کارشناسان اجتماعی و اقتصادی و کسانی که ساکن خانه ها میشوند باید نظریات دقیقی در خصوص ساختن خانه های فراوان با استفاده از روشهای صنعتی ابراز نمایند. ما رجاء واثق داریم که ترقی صنعت و استفاده از نیروی مکانیکی روز افزون و ماشین های دقیق موجب خراشه شدن خانه ها و مدارس و ساختمان های اجتماعی بسیار آراسته در دسترس نسل کنونی و آینده قرار گیرد.

شکل ۱



دنیای پلاستیک

اخیرا اعضا انجمن معماری لندن تحقیقات جالبی در مورد کاربرد پلاستیک در ساختمان ارائه داده‌اند. این گروه معتقدند که اصل استفاده از پلاستیک بمقیاس وسیع مورد قبول و استفاده عامه قرار گرفته است. این وسائل از هر قبیل مانند قابیهای ماهیگیری ژاپنی - ژاکت نجات بادی قابیهای نجات و مخزن نگهداری گاز و انبار غله می‌باشد.

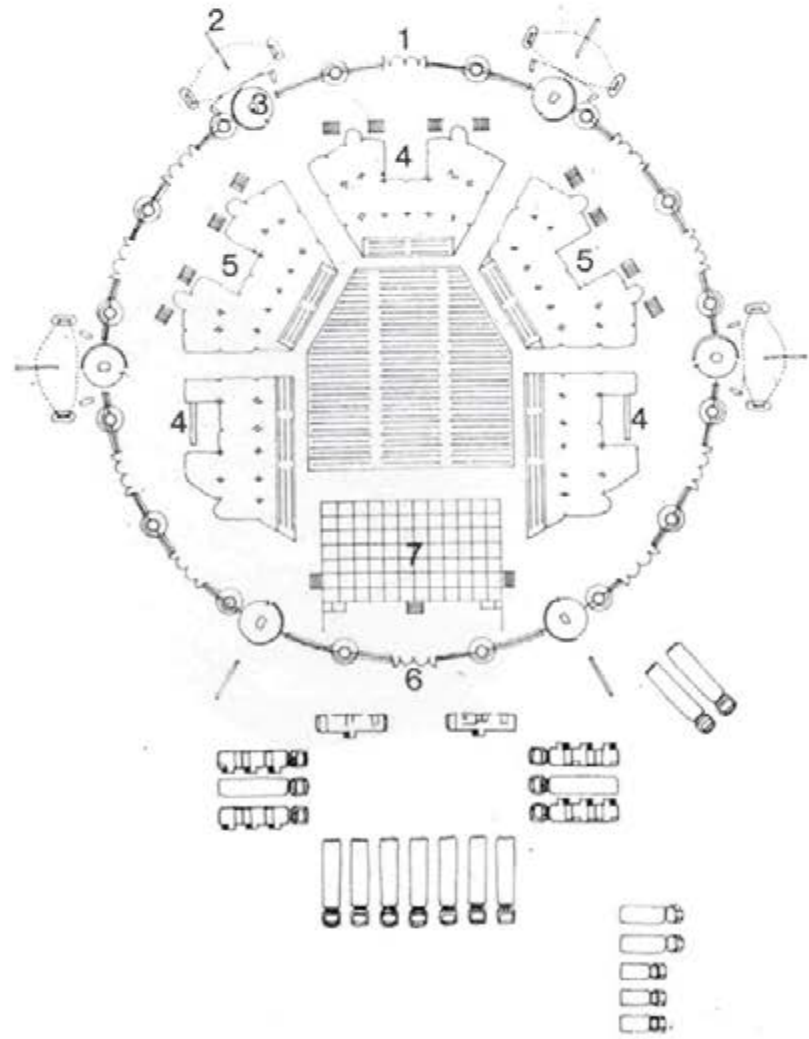
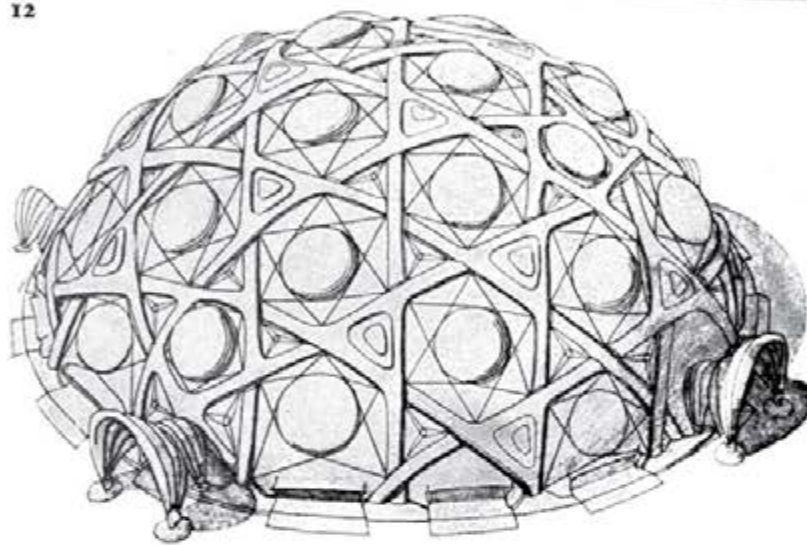
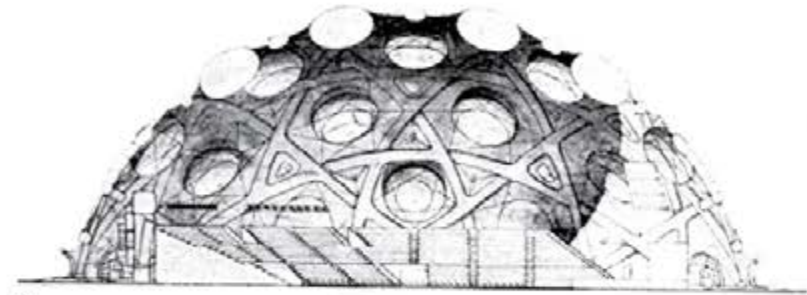
وقتی بخواهیم از پلاستیک جهت ساختمان استفاده کنیم آنرا تحت دو قسمت طبقه بندی می‌کنیم.

۱- ساختمان های یک لایه ای که بوسیله هوا نگهداری می‌شود.
۳- ساختمان هائی که تمام قسمت های آن مانند بادکنک باد می‌شود.
در نوع دوم غشای قابل انعطافی اطراف ساختمان را احاطه کرده که درون آن را مایع سیالی پر نموده و باین ترتیب می‌تواند فشار خارجی را تحمل نموده و در مقابل مواد سنگین عکس العمل نشان می‌دهد.

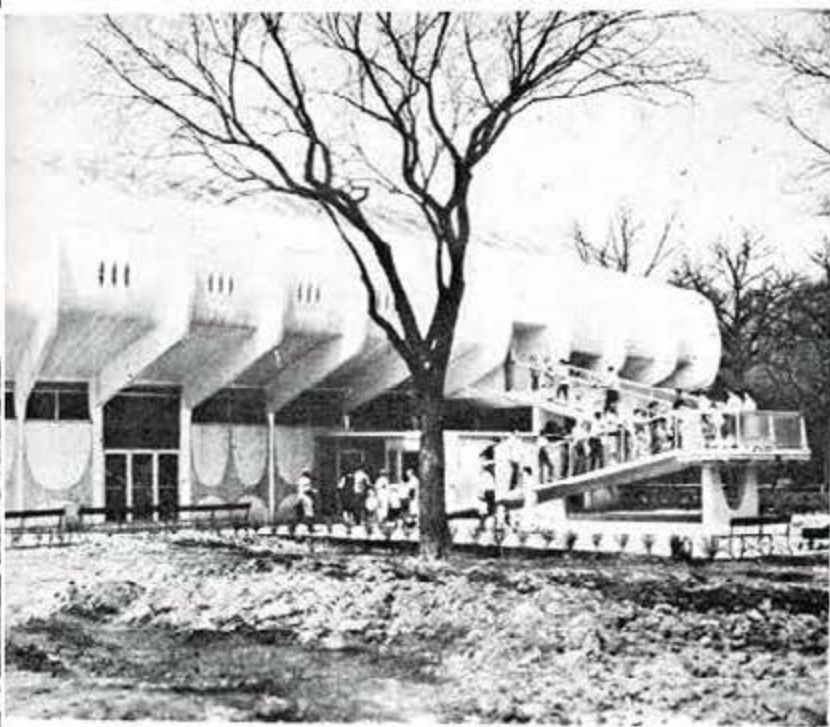
تجزیه و تحلیلی که در باره حباب های صابونی میشود مربوط به این نوع غشاهائی می‌شود که تحت فشار یکسان و یکنواختی قرار میگیرند.

این قبیل طرح ها بدون هیچگونه پیوستگی با تئوری هندسه اقلیدسی می‌باشد البته از نظر طرح ظاهری ممکن است شبیه یکی از اشکال هندسی باشد اما از نظر ساختمانی آنها رابطه ای با علم هندسه ندارند.

در این قبیل ساختمانها ایجاد حبابی که از هوا پر شده باشد بسیار ضروریست.



- ۱- خروجی
- ۲- ورودی
- ۳- محل فروش بلیط
- ۴- ساعت
- ۵- بار
- ۶- ورودی اصلی
- ۷- سن



ساختمان پلاستیکی اکواریوم در باغ وحش بروکفیلد
شهر شیکاگو

6	8
a - فضای آرام	a - اتاق بچه‌ها
b - کتابخانه	b - « بازی »
c - فضای روی‌اتاق خواب	c - « مهمان »
d - حمام	d - « روبه‌باغ »
e - اتاق کار	e - گلخانه
f - تراس	f - سرسره
g - اتاق آفتاب	g - اتاق دره‌وای آزاد
h - اتاق زندگی	h - استخر زمستانی

این محفظه دارای امکانات ترکیب حجم‌های محدب بوسیله وصل نمودن تشکها و پوششهای سخت و محکم میباشد. این تشکها وقتی باد میشود دارای ابعاد مساوی میگردند. این اشکال مانند هر ساختمان پلاستیکی دیگر قابل حمل میباشد - رویهم تا میشود دارای وزن بسیار کمی میباشد وزن هر متر مکعب آن تقریباً ۷ کیلو گرم است.

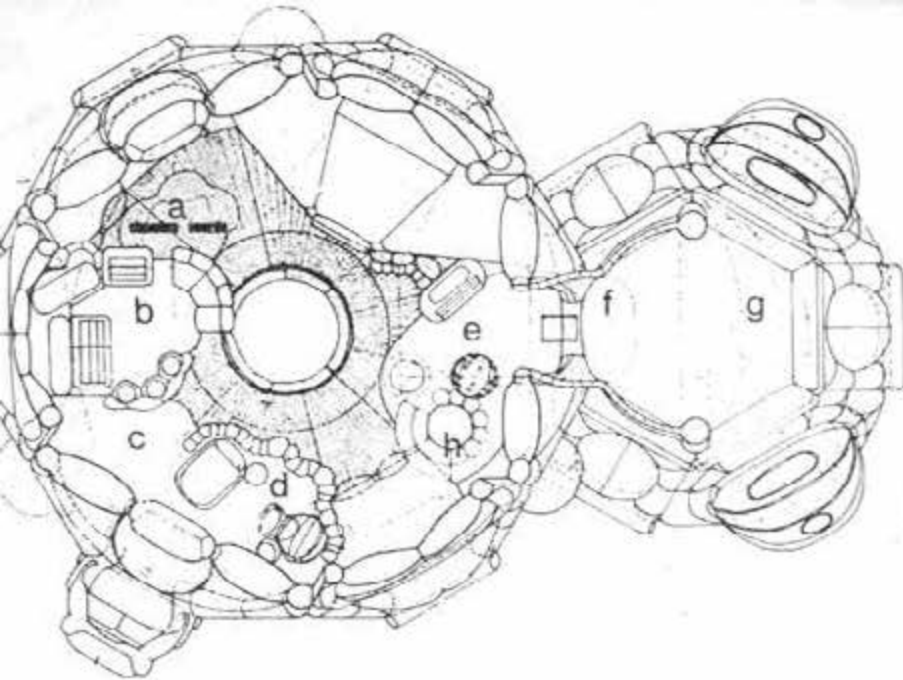
این محفظه دارای حمام - کتابخانه - آشپزخانه و اتاق آفتابرو برای استراحت و اتاق خنک و جایگاه مطالعه میباشد. وسائل آسایش و سایر لوازم تامین ساکنین محفظه پلاستیکی بوسیله جریان هوا و آب و گاز هلیوم و غیره تامین میشود و دارای جدارهای روشن و کدر میباشد.

۱- جایگاهی است متحرک و قابل حمل و نقل برای ۵۰۰ تماشاچی.
فضائی سروشیده با تئجایش ۵۰۰ نفر برای دیدن برنامه‌های سیرک - ورزش - سینما - تئاتر و همچنین استماع سخنرانی و موسیقی.
استراکچر اصلی گنبد از لوله‌های پرازباد تشکیل شده است.

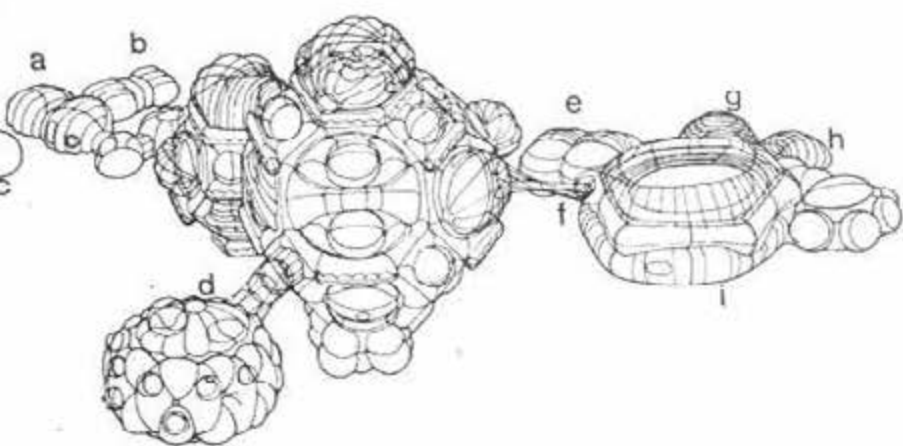
۲- محفظه ایست آویزان و با ثابت شده بر روی زمین برای مناطق پربرف - زمین‌های پرشیب و فراز که فاقد جاده‌های هموار باشد. همچنین مناطق بآباد شدید. محفظه کثرتسلوچی است که کاملاً باد میشود.
استخوانبندی - پوشش - کف - دیوارها - تجهیزات و لوازم دارای امکانات کامل برای سکونت میباشد. و نمونه آزمایشی از یک مسکن پلاستیکی است.



غرفه اتم برای صلح طرح از ویسکتور لاندی این غرفه در تهران نیز به نمایش گذاشته شد



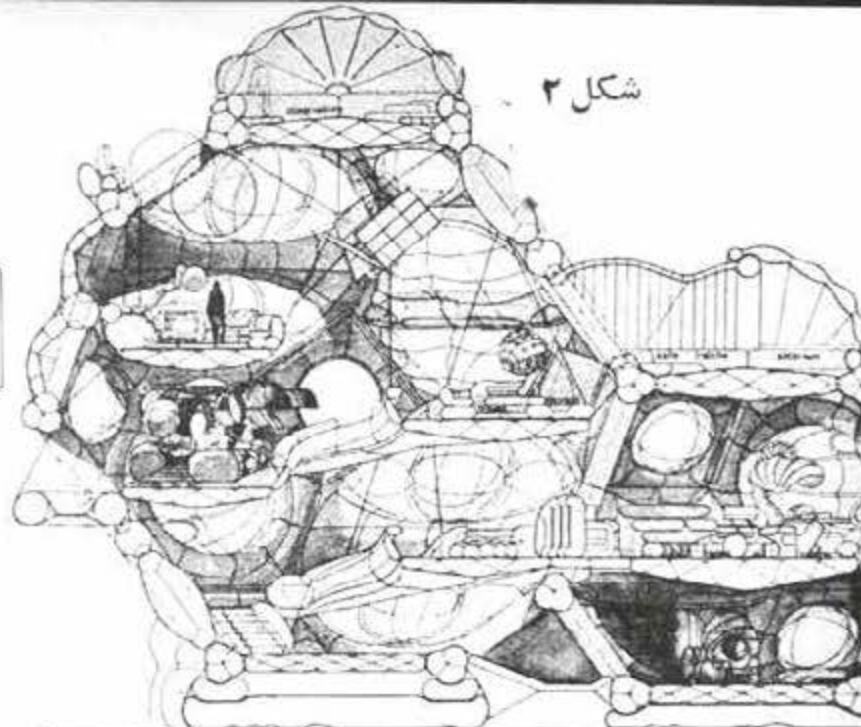
6



8

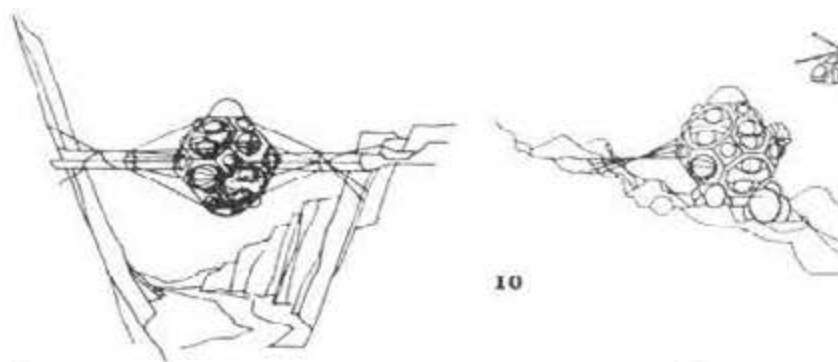


13



شکل ۲

7



9

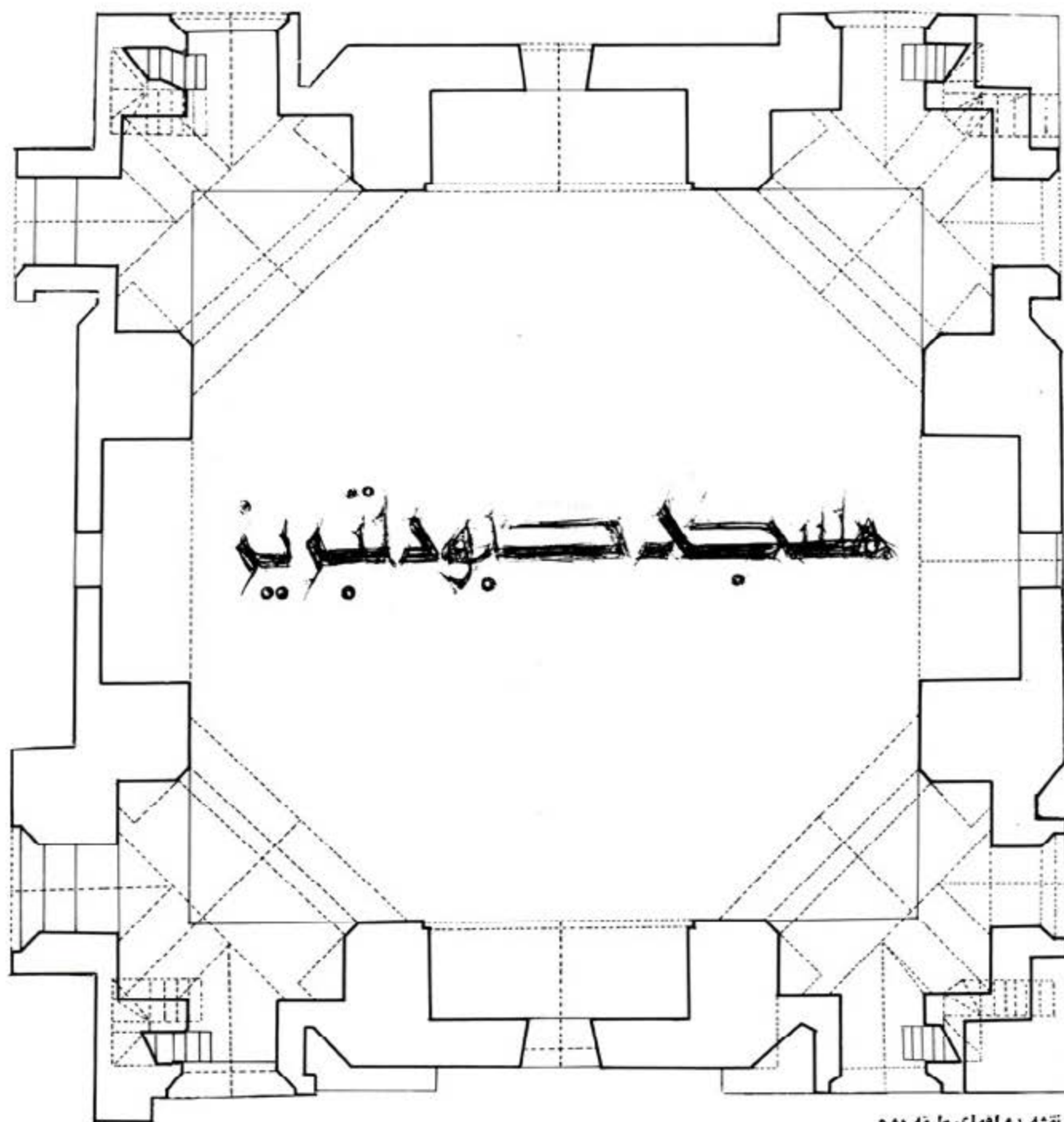


11



14





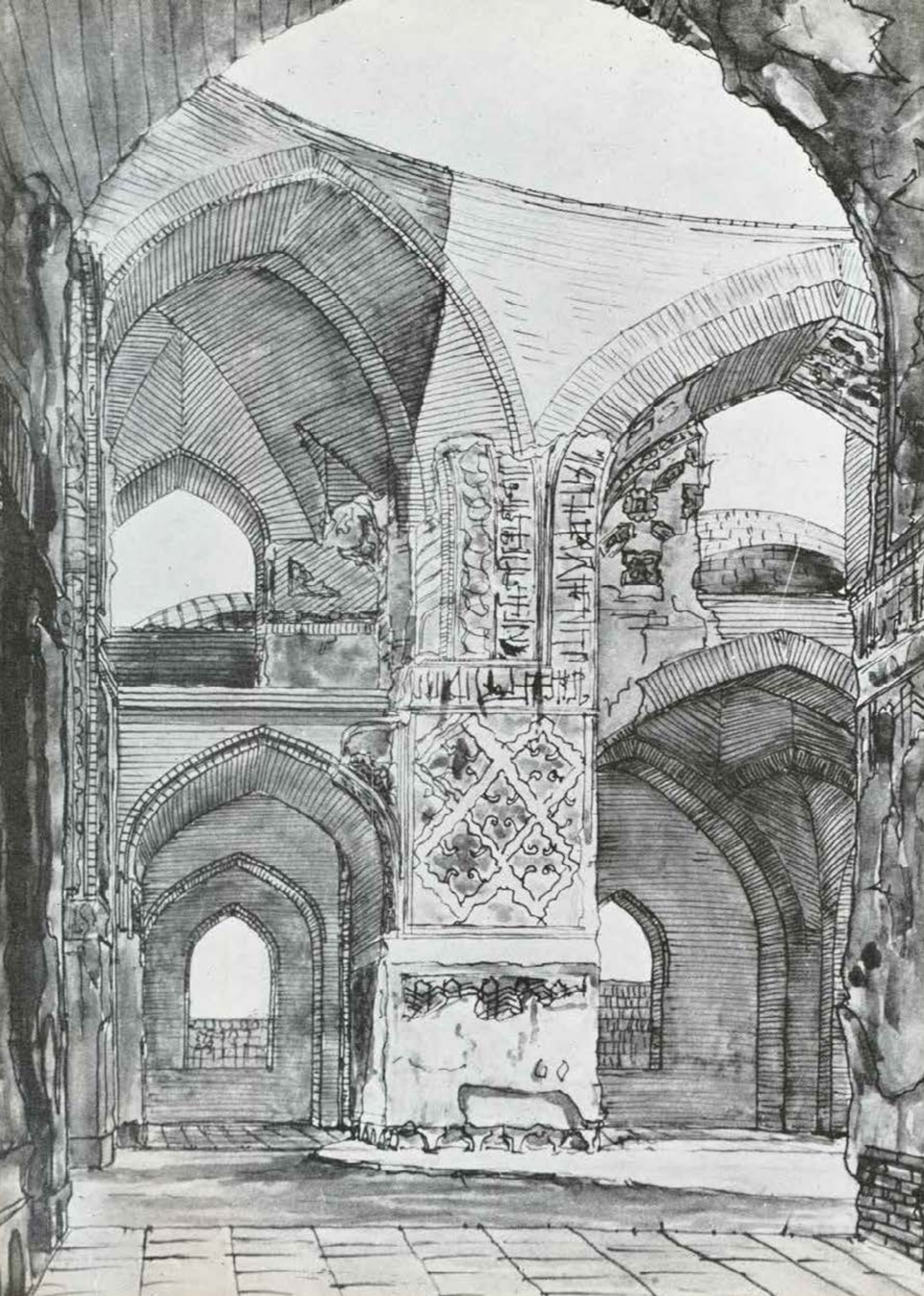
نقشه رواقهای طبقه دوم

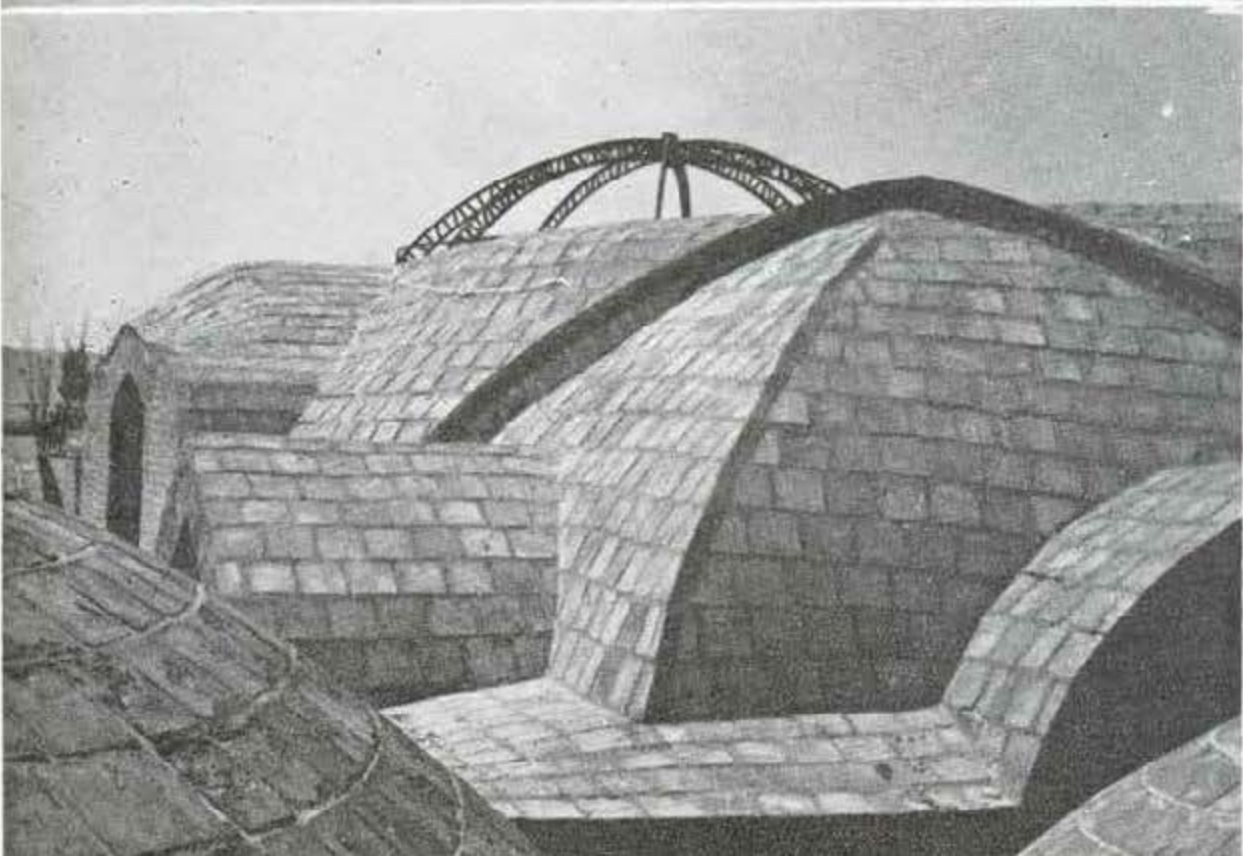
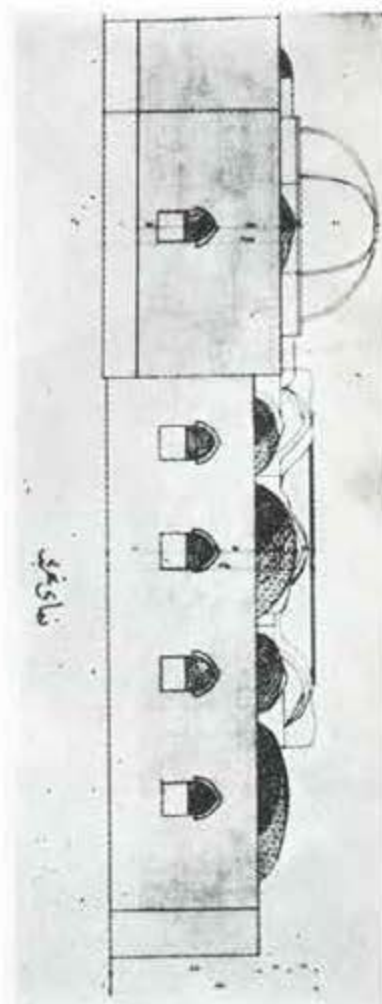
مسجد کبود تبریز

از سنگهای مرمر شفاف و کاشی
ممرق نفیس تزئین شده است .
اکنون از این بنای عظیم و نفیس
که در زمان خود از نظر معماری
وممرق کاری شاهکاری بنظیر
بوده است جز سردرو چند جز
و پایه های شبستان و سنگهای
مرمر و قطعاتی از کاشی ممرق
چیزی باقی نمانده است .

کتیبه معلوم میگردد که مسجد در
ماه ربیع الاول سال ۸۷۰ هجری
ساخته شده است . ساختمان سردر
و دو مناره آن دارای رواق گنبد
داری بوده که متصل به شبستان
اصلی مسجد که در زیر گنبد بزرگ
قرار داشته میشده است در طرفین
رواق شبستانهای متعددی ساخته
شده که هر کدام دارای طاق گنبدی
شکل بوده است .
دیوارهای مسجد با روکشی

مسجد کبود نسبت تاریخی ۱۶۹
مسجد کبود از ایشیه زمان
جهانشاه قرقونیلو و متعلق به نیمه
دوم قرن ۹ هجری است .
سردر اصلی مسجد نمونه
ممتازی از تزئین کاشیکاری می -
باشد در این سردر ممرق کتیبه ای
بخط رفاع در متن لاجوردی وزمین
سفید نصب شده که از عالیترین
مظاهر زیبای کاشی ممرق دوره
اسلامی میباشد از مفاد باقی مانده

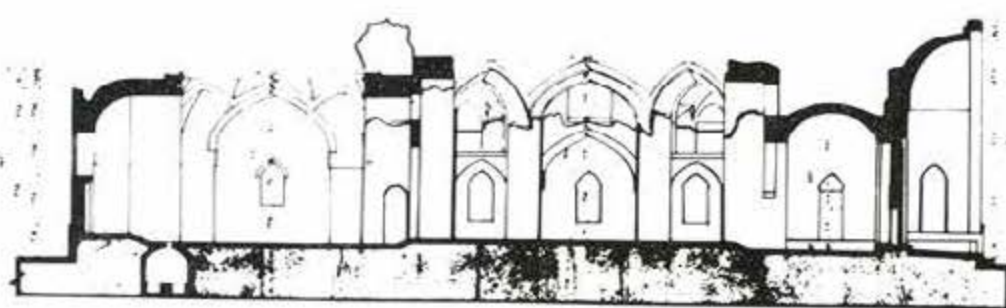




۱- طرحی از قسمت ورودی

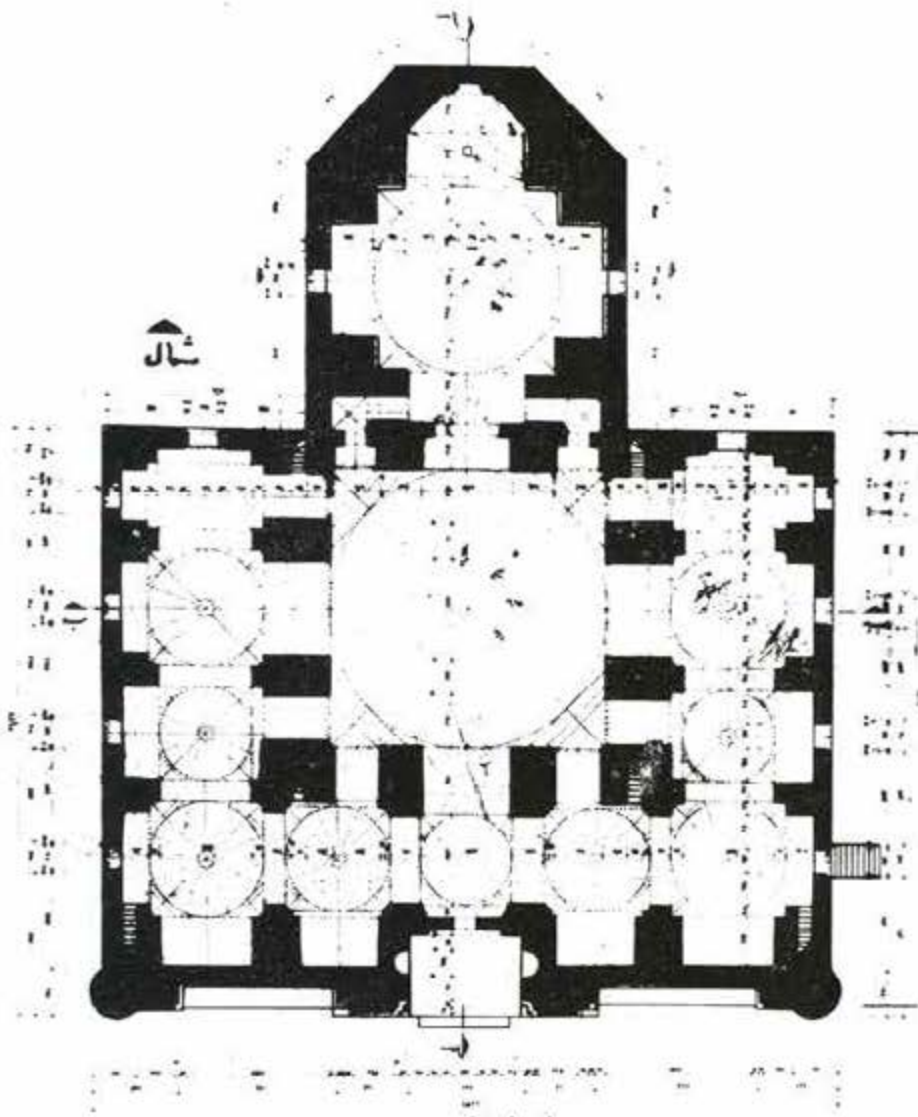
منتها الیه مسجد

۲- عکسی از پشت بام مسجد



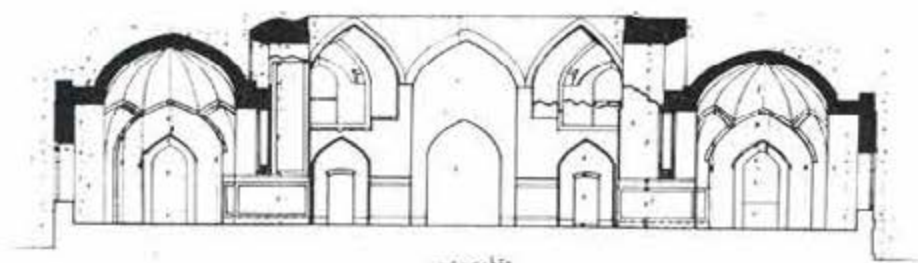
مقطع آ-آ

مقطع طولی



پلان طبقه سقف

نقشه طبقه اول



مقطع ب-ب

مقطع عرضی



زیبائی شناسی مانند منطق و اخلاق علمی است دستوری . همانگونه که منطق درست فکر کردن و اخلاق دستور درست عمل کردن را میدهد زیبائی شناسی هم ارزش موجودات را از نظر زشتی و زیبائی معین می کند و قاعده ای بدست می دهد .

امولا زیبائی پربهتر از زشتی است و بدینوسیله شاهکار هنری را از کار های ناقابل هنری تفکیک می نماید بنابراین لازم است تعاریف زیبائی را بشناسیم . بعضی ها می گویند زیبائی جزئی از زندگی عمومی است و یا کلیه شاهکار های ادبی و هنری را تجسماتی از انواع زیبائی میدانند و یا اینکه میگویند زیبائی نیروی سحر آمیزی است که در انسان ها عشق و دلدادگی می آفریند بنابراین هر تعریفی برای زیبائی وضع شود دال بر موجودیت عینی آن خواهد بود . اما باید زیبائی را بطور کلی ایده نسی

زیبائی و هنر

دانست . زیرا زیبائی بر حسب اختلاف اقوام و افراد هم تفاوت دارد ممکنست شئی از نظر دسته ای زیبا و از نظر دسته دیگر نازیبا باشد گاهی چیزی را زیبا می پندارند و زبان به تحسین آن می گشایند ولی درجات این تحسین در زمان و مکان و باوضع و حتی تعدادی افراد تغییر می کند و بستگی به عوامل متعددی پیدا میکند در هر اثر زیبا صورت و محتوی بهم یافته شده اند بطوریکه زیبائی هر اثر در ارتباط صورت و محتوی آنست .

گرچه در این امر بحث های فراوانی وجود دارد که از حوصله این مقال خارج است ولی مسلم آنکه دانشمندان میخواهند آنچه را که تنها جنبه احساس شخصی دارد جدا کنند و فقط بآن جزء قابل محاسبه جنبه علمی به بخشند و تحقیق آنرا بعهده بگیرند این موضوع تا چه حد پیشرفت خواهد داشت بحثی است که آینده بان جواب خواهد داد در لذت زیبائی شناسی هم حواس و عقل دخالت دارد آنچه که در زیبائی شناسی علاوه بر احساس (که برای همه یکسان نیست) صلاحیت و خبرگی است و بطور کلی عامل خبرگی گذشته از تبحر و فضایل بیش از همه ذوق است که مارماتل آنرا چنین تعریف میکند (ذوق این شم روحی این قومجلی یا اکتسابی برای درک و ترجیح زیبائی يك قسم غریزه ایست که قواعد را قضاوت میکند در صورتیکه خود تحت قاعده ای نبست) اما ذوق خوب هم باید لطیف و مطمئن باشد . لطیف یعنی احساس صفات و رموز طبیعت . مطمئن یعنی تشخیص سریع بدون تردید . علم زیبائی شناسی دارای قوانینی است که البته این قوانین را نباید بعنوان قواعدی صریح و تعمیلی دانست بلکه ذوق سلیم علاوه بر قوانین که بتدریج روشن شده و مورد قبول واقع گشته است از راههایی بطریق خاص خود استفاده می نمایند . بطور کلی زیبائی شناسی بآدمی لطف دیدن و احساس زیبائی (خاصه زیبائی فیکو) را مآموزد .

از آثاری که برای این نوشته استفاده شده است .

- ۱- زیبائی شناسی علی بنقی وزیری
- ۲- زیبائی دکتر کاویان
- ۳- مرزهای طبیعی هنر غیر
- ۴- جمال شناسی اوزواکد کولپ ترجمه احمد آرام
- ۵- ارتباط هنر و زیبائی ۱- چ

آیا هنر فقط آثار زیبا را دربرمی گیرد و اگر کسی زیبائی بیافریند هنرمند است ، یا اینکه اثر هر چند که زشت باشد باز می تواند جزو زیبائیهای هنری بشمار آید . اگر می گوئیم هنرهای زیبا آیا هنرهای نازیبا هم وجود دارد ؟

همه اینها مستلزم تحلیلی از هنر و زیبائی است زیرا آنچنان برای هنر تعاریفات مختلف وضع کرده اند که تجزیه و تحلیل دقیق زیبائی و هنر کمال ضرورت را پیدا کرده است . بنابراین برای شناخت هنر بحث مختصری را راجع به زیبائی شناسی آغاز می نمائیم . عده ای زیبائی شناسی را حقایق میدانند که بطور مستقیم مورد بحث این علم واقع میشود و این حقایق بدو نوعند :

اول احکام وجدانی Aesth Judgments
درباره لذت و الم .

دوم هنر (ART) و محمولات آن .

موسس حقیقی زیبائی شناسی کانت است که برای زیبائی شناسی دو نظریه ابراز داشته است . یکی نظریه درباره جمال و جلال و دیگر بحث در ماهیت هنر و روش طبقه بندی هنر های زیبا . کانت زیبائی را با تعبیر لذت مستقیم و خالص که از مشاهده صورت اشیاء و نسیتهای موجود میان آن ها تولید میشود تعریف میکند و جلال را عامل لذتی میدانند که در موقع مشاهده شئی که حواس را بحیرت میاندازد (یعنی شئی که حس از درک عظمت و قوت آن عاجز می ماند) دست میدهد . فلسفه هنر این نکته را روشن ساخته است که اثر هنری اثری است که در نفس انسان مفهوم جمال و زیبائی را بیدار میکند . بطور کلی موضوعاتی که در علم زیبائی شناسی مورد بحث قرار میگیرند بدو دسته تقسیم میشوند . یکی بحث درباره اشیاء مطبوع و نامطبوع و دیگری بحث درباره آثار هنری که میتوان گفت دنباله آن بحثی است که پیشینیان درباره (فلسفه زیبائی) و فلسفه هنر داشتند . آیا زیبائی فقط در کار هنرمند وجود دارد ؟ زیبائی نه فقط در کار هنرمند وجود دارد بلکه زیبائی در طبیعت هم وجود دارد بنابراین احکام زیبائی علاوه بر کار های هنرمند شامل طبیعت هم میشود . اگر به علم زیبائی شناسی از جهت احکام مربوط بان و مخصوصا از لحاظ زیبائی هنر نظر کنیم آنرا معیاری می یابیم برای توصیف و تشریح آن دسته از شرایط خارجی که لازم است در شئی وجود داشته باشد تا آن شئی از لحاظ زیبائی مطبوع باشد .

در نتیجه تحقیقات تجربی و آزمایشهای Fechner موجد زیبائی شناسی تجربی محقق گردیده است که در احکام ذوقی نه تنها اثر فردی و شخصی دخالت ندارد و خلاف قاعده ها و استثنائاتی در آن مشاهده نمی شود بلکه توافق نظر های عجیبی وجود دارد . فشنر برای تحقیق زیبائی شناسی سه روش تجربی اصلی را تشخیص میدهد :

۱- روش انتخابی . در این روش از میان يك دسته از اشکال هندسی مانند دایره ، مربع ، مستطیل آنرا که مطبوعتر است انتخاب میکنند .

۲- روش تولیدی . در این روش ایجاد هرگونه شکلی است که به بهترین وجهی از طرف سازنده آن میسر است .

۳- روش تطبیقی . این روش توضیح احساس زیبائی است از چند موضوع هنری که در زندگی هنری مورد استعمال دارد .

از این روشها مشاهده میشود که کار فشنر بیشتر ترجیح چیز های مطبوع است نه زیبائی . دانستیم که علم زیبائی شناسی از زیبائی و هنر بحث میکند . مسلم شده است که



از معماری تاشهرسازی

ترجمه از : م - الف

نوشته : Kenzo Tang

از معماری تا شهرسازی

در «استادیوم ملی» و در کلیسای «سن ماری» شهر توکیو نشان داده ایم.

در احداث این بنا ها ما روش مشخصی بکار بردیم ، (روش پیلوتی ها) که آثار راهنمای کارکرد خارجی با فضای اجتماعی میانه ام برای مشخص کردن همبستگی بین اجزای فونکسیونل که خودالمانهائی هستند در شهر و سایر المانهای شهری اگر بیش از این مسئله را گسترش دهیم ، به مسائلی برخورد خواهیم کرد که بنظر میرسد تنها با تماس فونکسیونل حل نخواهد شد و بی می بریم که علاوه بر «کارکرد» احتیاج داریم که به فضا نیز ساختمان دهیم . بنابراین روشن میشود که گسترش کار ساختمان فضا روش اصلی طرح شهر میباشد.

فضا بعنوان محیط ارتباط :

اگر با این سؤال مواجه شویم که چه چیزی به فضا ساختمان میدهد، میتوانیم جواب دهیم که این چیز «ارتباطات» است با توجه به این که اشیاء و مردم در حال حرکت هستند ، میتوان تصور کرد که «ارتباط» عامل تغییر پذیری است. همچنین ممکن است روش ارتباطی قابل رویتی هم داشته باشیم که فیالمثل هیچ چیز در آن حقیقتاً حرکت نکند - منظور ما از ساختمان دادن به معماری و شهرسازی ، فرم دادن به کار های ارتباطی و حرکات از طریق فضا ها است اگر چه تا حالا تصور ما از فضا مکانی برای زندگی یا کاربرد ولی نمیتوان فضا را با چنین نمونه های ساکن مشخص کرد. نمایاندن عوامل فضائی

وقتی به طرز آشنائی ام با مفهوم معماری و شهر سازی نگاه میکنم می بینم که اولین تصورم از آنها بصورت تماس های فونکسیونل بوده یعنی به فونکسیون بیشتر توجه داشتم ولی خیلی زود مسائلی مهمتر از آن برایم آشکار شد و شروع کردم به تفکر درباره کارکرد درونی و بیرونی نقشه شهر هیروشیما و یافتن راههایی برای برچرد آوردن فضا های بیرونی و فضا های اجتماعی که با کارکرد بیرونی مربوط میشدند . همین مسائل در باره طرح شهرداری توکیو و ساختمان مرکز اداری کاگاوا نیز صادق بود .

با توجه به محدودیت هایی که تماس های فونکسیونل پیش می آورد ، برای برقراری رابطه و تطابق مطمئن بین کارکرد و فضا نه تنها باید به کارکرد ، بصورت بررسی اهمیت داد ، بلکه به همین اندازه نیز باید به تطابق فضائی توجه شود . رسیدن به چنین تطابقی مهمترین صنعت اختصاصی ما در تماس فونکسیونل مسائل میباشد . این مطابقت نمودار جزئی از همبستگی فونکسیونل بین «فکر» و «ابزارکار» است که قسمت هایی از شهر را بوجود می آورد و از این راه ما بی می بریم که فضا و شکل ، نمونه های گویائی برای بیان شخصیت های فردی در فونکسیون بوجود می آورند .

ما این نحوه بیان را تاحدی

۱۹۶۳ - قبل از زلزله و ویران شدن شهر



باید از راه تغییر پذیری و تحرک «مردم»، «انتیاء» و «ارتباطات» انجام شود. پس از گذشتن از این مرحله بهواردی برخورد می کنیم که فضا مانند يك چیز سمبوليك، شكل میگیرد و به همین جهت میتوان آنرا حوزه های ارتباطی سمبوليك نامید. وسائل ارتباطی از جمله پایه عانی است که بصورت مختلف براساس آنها به فضاهای داخلی شهر ها یا بنا های پیچیده و پنهان فرم می دهیم.

ما در پیشنهادمان برای شرکت در سابقه بین المللی «تاسیسات بهداشت جهانی» و در طرح «ساختن شهرداری کوراشیکی» بوسیله فضا های ارتباطی بصری به تمام چیز ها فرم ساختمان دادیم. در طرح کوبهای نویسیاد که بوسیله بعضی از شاگردان Mtt ارائه شده و همچنین در طرح «گروه خانه های روی آب» که ما در سال ۱۹۶۰ برای شهر توکیو تهیه کردیم نیز از همین روش پیروی شده است. با این همه ما مطمئن هستیم که باید در افکار خود در جهت شناسایی «فضا» بنام «حوزه ارتباط» تجدید نظر کنیم. همانطور که پیش از این بیان شد شهر سازی مدرن عبارتست از دادن فرمکسیون و ساختمان فضائی به يك مجموعه. وقتی به ساختمان های نمونه، فونکسیون مشخصی هم بدیم فوراً «کارکرد» قابل رویتی بوجود میآید که دارای عنیت خواهد بود اگر این نظر را دنبال کنیم بی میبریم که از راه «شکل» علاوه بر اینکه میتوانیم فونکسیون فیزیکی فضا را بیان کنیم، همچنین به بیان غیر فیزیکی هم خواهیم رسید. در این مرحله، هر فضای مشخصی از فونکسیون خود بیانی سمبوليك خواهد داشت. بنابراین ما باید به موضوع بطور سمبوليك بپردازیم.

شکل دادن به فضا واقعاً متضمن يك طریقه فکر کردن سمبوليك است. پدیده های سمبوليك، برای شکل دادن به فضا و توسعه درونی طرح و فهماندن به مردم، مفید و سودمند است. ما از بکار بردن این روش در طرح Skopje فراوان بهره بردیم. برای نمونه، انتخاب کلمه City Gate با دروازه شهر علاوه بر بیان مفهوم

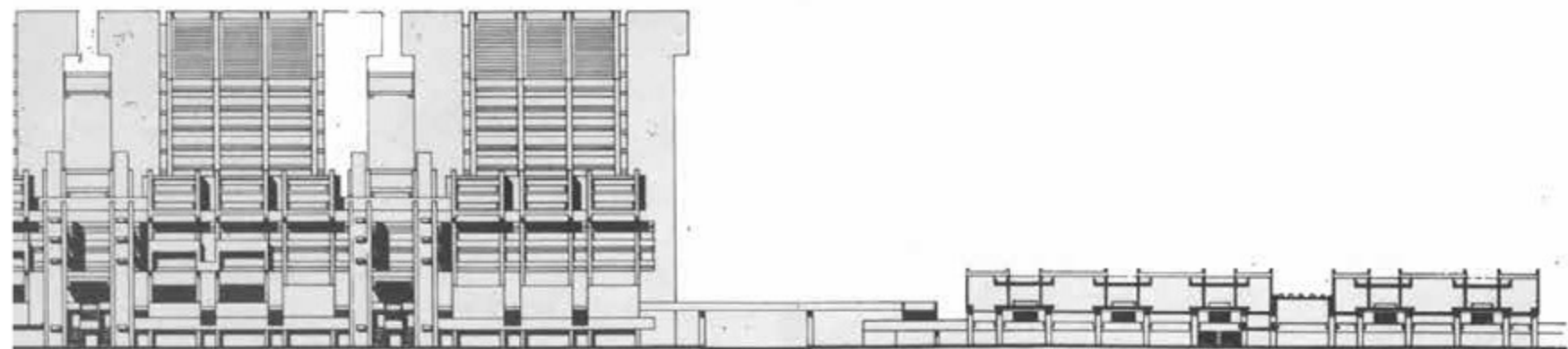
فیزیکی فضای دروازه، در فکر مردم رسوخ میدهد که از راه این فضا به شهر وارد خواهند شد و طرحی به این نام، موقعی غلط خواهد بود که مردم شهر آن را رد کنند. همینطور درباره انتخاب نام حصار شهر یا CityWall که کلمه سودمندی است، برای عده ای این فکر پیش آمده بود که کلمه حصار Wall مناسب نیست و ما می بایست آنرا حذف میکردیم. اما مردم شهر با این کار مخالف بودند. همین مسئله مرکزیتی به فکر ما داد و پی بردیم که چه کلمه ای میتواند بطور سمبوليك شهر را مجسم کند. آن عده حالا بطور قاطع به ما می گویند که کلمه حصار نباید حذف شود. ما از راه تجربه یاد گرفته ایم که برای بیان هر مسئله سمبوليك باید به تظاهرات ساختمان فضائی محیط ها اهمیت داد.

* شکل دادن به فضا واقعاً متضمن يك طریقه فکر کردن سمبوليك است.

* پدیده های سمبوليك برای شکل دادن به فضا و توسعه درونی طرح و فهماندن به مردم خطیر و سودمند است

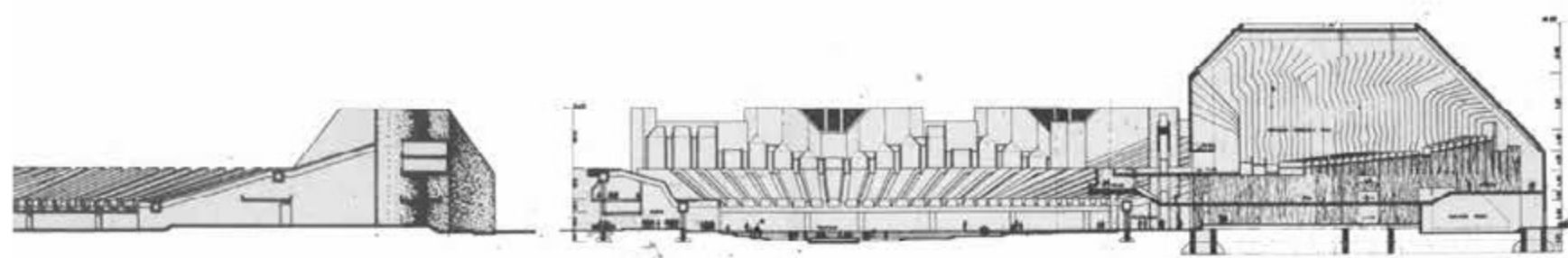
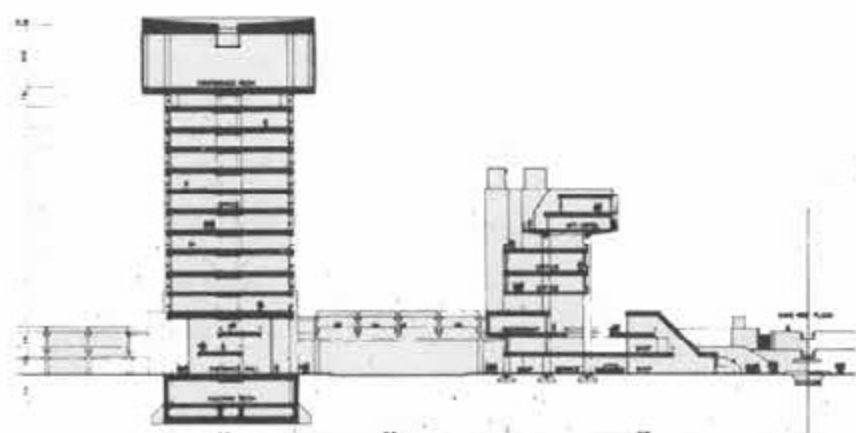
* ما از راه تجربه یاد گرفته ایم که برای بیان هر مسئله سمبوليك باید بتظاهرات ساختمان فضائی محیط ها اهمیت داد.

* از راه عزم علاوه بر اینکه می توانیم فونکسیون فیزیکی فضا را بیان کنیم، همچنین به بیان غیر فیزیکی هم خواهیم رسید.



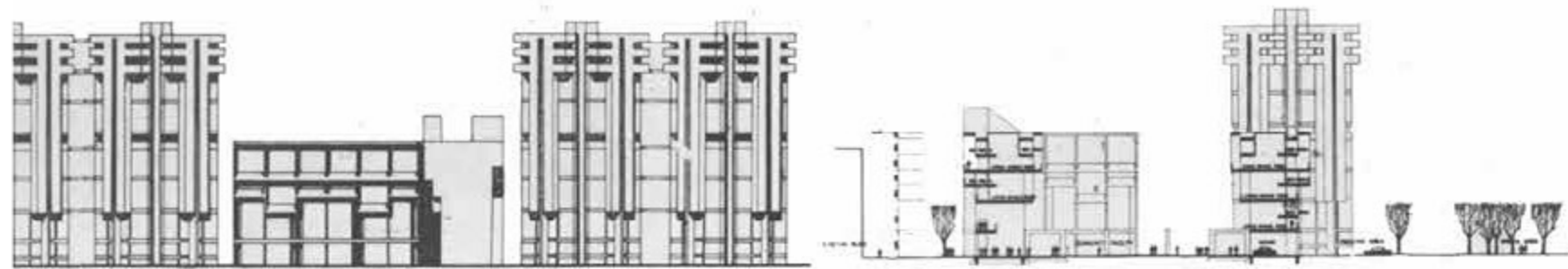
3

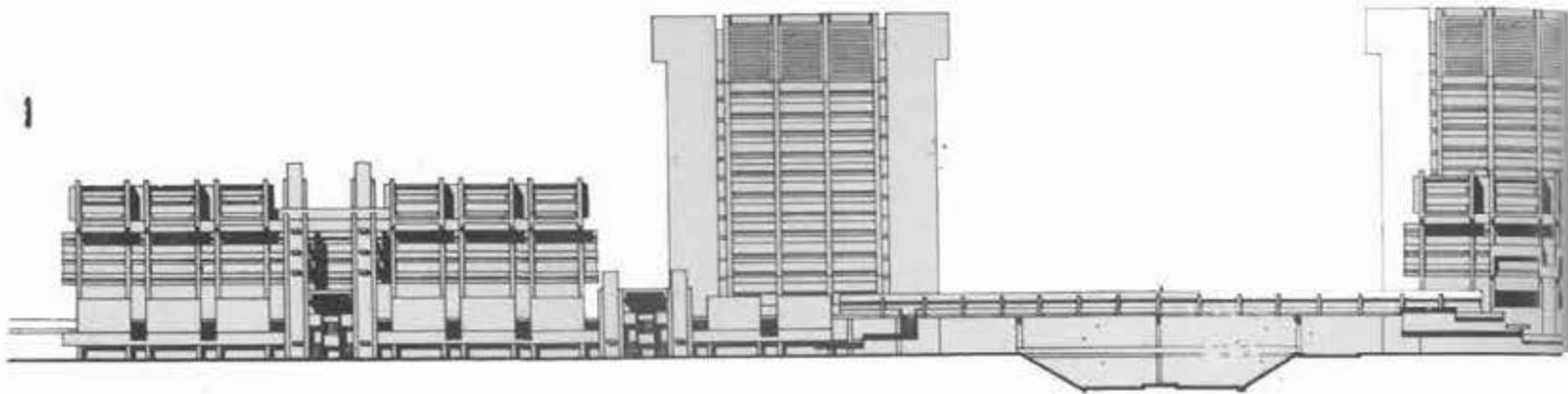
f



v

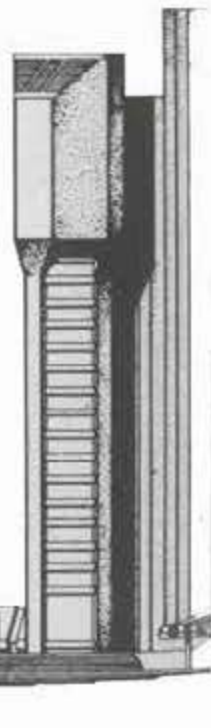
100





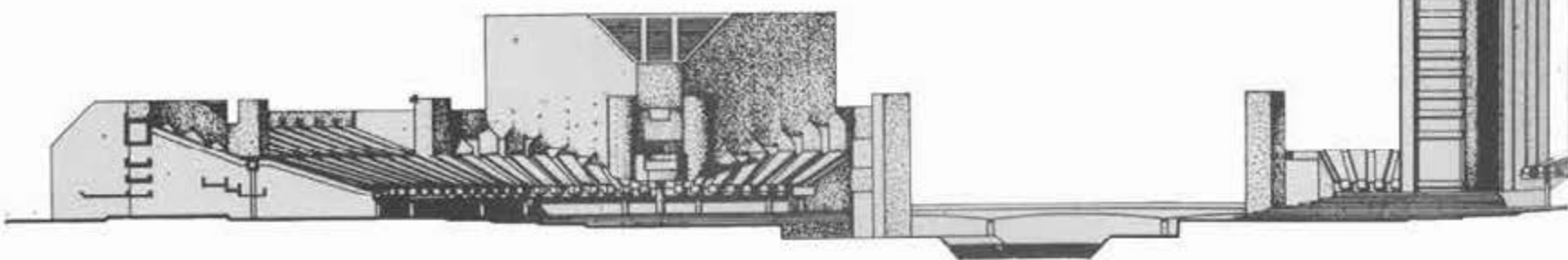
۲

- ۱ - نمای دروازه شهر
- ۲ - ساختمان دروازه
- ۳ - مرکز حمل و نقل
- ۴ - مقطع دروازه شهر
- ۵ - نمای میدان جمهوری
- ۶ - برج ساختمان اداری
- ۷ - قسمت انبار ها
- ۸ - نمای حصار شهر
- ۹ - حصار شهر
- ۱۰ - مقطع حصار شهر
- ۱۱ - مقطع مرکز اجتماعات
- ۱۲ - مرکز اجتماعات

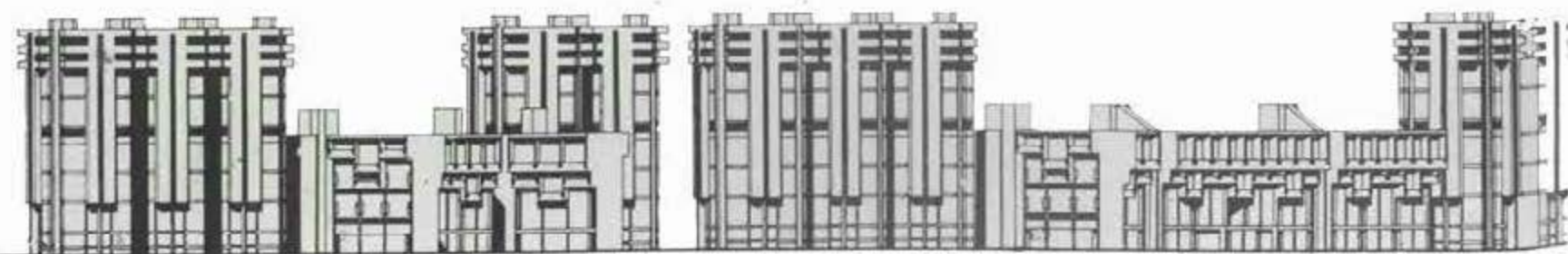


۱۳

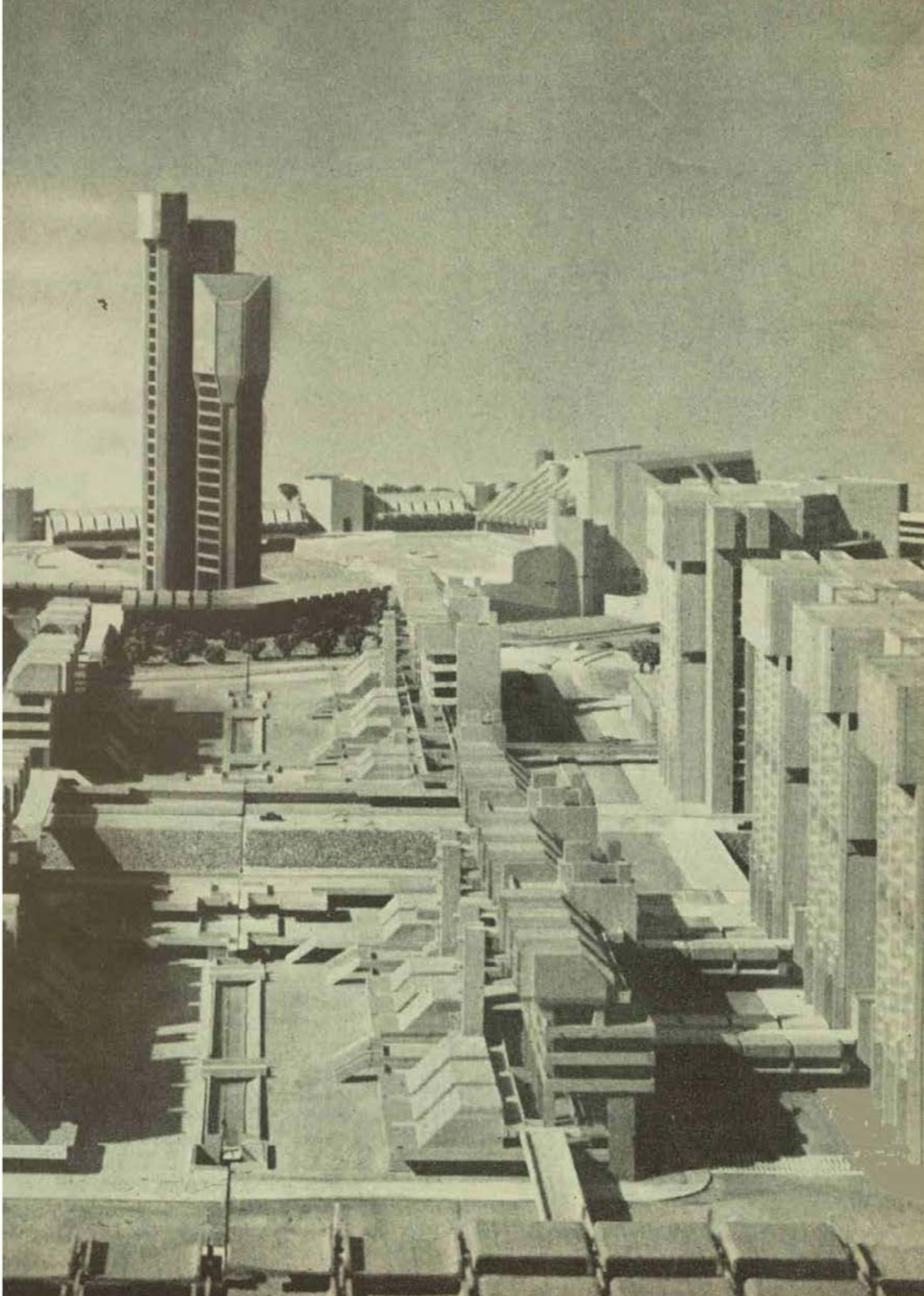
۴



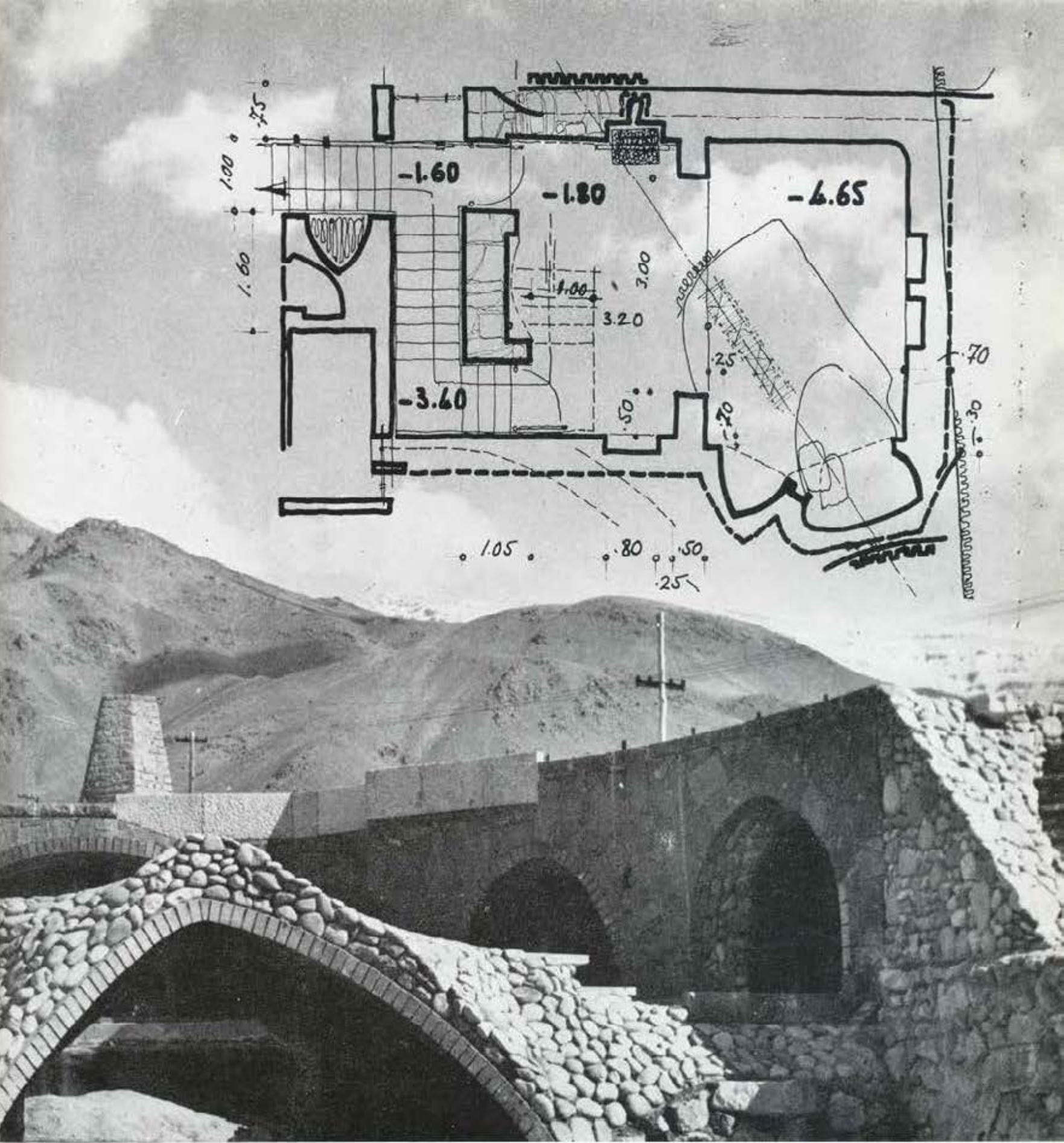
۸



۹







پاکنه واقع درمنظریه

سؤال :

شما برای حل مشکلات معماری ایران و با هر کشور دیگری به راه حل های اقلیمی و محلی معتقدید یا راه حل های جهانی.



توضیح عکسها

در این مجموعه از عکسها که در اختیار هست دست کم ما می توانیم کوششی برای بدست آمدن یک تکنیک مشترک را ببینیم اثر چه بنظر من کاملا قابل تطبیق با تکنیکی که ما در حال حاضر می توانیم داشته باشیم نیستند.

نمونه این کوشش ساختمانهای است که به ترتیب ساختمان خیابان تخت طاووس است (در سال ۱۳۴۲) و اولین سری از این کارها است که صرفنظر از تکنیک روش آن که در دو کار دیگر نیز ملاحظه می کنیم سعی و کوشش برای جواب دادن به یک زندگی کاملا اندرون بیرونی است.

کار دوم که در تاریخ تقریباً همزمان با کار فوق بوده و در خیابان شاه عباس کبیر است با حفظ اصول تکنیک مشترک جوابی است برای حل زمین هایی که طول آن در جهت مشرق و مغرب است و بدست آوردن انچنان فضا هایی که از بهترین نور و یا تهویه طبیعی که هر دو در جهت شمال و جنوب است بوجود آورده باشد.

جواب :

موضوع جهانی و اقلیمی بودن فعلا تقسیم درستی نیست چون معماری واقعه ایست برای زندگی دسته ای از مردم که در یک محدوده جغرافیایی ساخته میشود حالا اگر روزی زندگی مردم جهانی شد خواه ناخواه معماریشان نیز جهانی خواهد بود.

من فکر میکنم معماری با موضوع معماری در وحله اول دو چیز مشخص و روشی از هم هستند یکی آن چیزی است که از میان قرون و اعصار دور دست نمودار میشود یا باز میماند مثل آنچه که شاید سالیهای آینده از ما خواهد ماند و یا آنچه که امروز برای ما مانده. از آنهایی که بیشتر از ما راجع باین فن اطلاع داشتند و کار کرده اند من فرق زیادی بین این دو می بینم یعنی حتما این تقسیم بندی را در معماری باید معتقد بود و معماری که من خیال میکنم در وحله اول معماری است که وجود دارد بین مردم نه آنچه که بصورت آثاری از یک جامعه باز میماند معماری آن زندگی است که در یک فاصل زمان بین مردم محیط می گذرد. باینطور خلاصه اینکه معماری با آنچه هست شکل میدهد و خود خلاق زندگی نیست چه ما نمی توانیم حدس بزنیم که سالیهای بعد چه امکانات تکنیکی را موجب خواهد شد و یا زندگی چگونه تغییر خواهد کرد. البته ممکن است که از نقشه های قابل تغییر استفاده کرد که برای مدت بیشتری قابل استفاده باشند ولی وسائل معمولی ما انجام چنین طرحهایی را توفیق نمیدهد این برای وقتی خواهد بود که از تکنیکهای نیرومند برخوردار باشیم از کادر های فنی مجهز و مجرب در هر یک از موارد ساختمان.

باین ترتیب ما باین موضوع باید متوجه بشویم که برای جواب باین نکته وظیفه ای را که من خیال می کنم فن شهر سازی برای ما تعیین میکند توجه کنیم. گو اینکه کمتر امیدواری میتوان داشت با آنچه شهر سازها امروز در دنیا میکنند چه هنوز آنها خودشان در جواب مسائل و مشکلاتشان صرفنظر از آن که راه حلهای متفاوت پیشنهاد میکنند هنوز در گیر و دار مسائلی هستند که حل نشده است. پاره ای

از آنها انچنان تصویری از یک شهر امروزی ارائه میکنند که آدم فکر میکند بعد از یک مدتی شهری را باید گذاشت و رفت.

اینجا مطلبی هست این است که ببینیم آنچه که از معماری یا شهر سازی و زندگی مردم مربوط است چه تأثیری بر معماری خواهد گذاشت. فرض کنیم ما میدانیم که امروز معماری امکانات فنی و وسائل متفاوتی را پیدا کرده است که البته من بعدا راجع باینها شاید موردی که پیش بیاید و یا سؤال مربوط تری مربوط باشد اشاره کنم. و همینطور کسی گویا سخنرانی میکرده راجع به عکسهای متحرک. فکر کنید وقتی خانه از یک چیز ثابت در میآید و به آنچه که زبرش چهارتا چرخ است و حرکت میکند تبدیل میشود ما میتوانیم حس کنیم معماری آن چیزی که بعنوان ساختمان هست ممکنست دچار چه تغییر و تحولی بشود. البته این موضوع اینرا نمیرساند که ما باید صبر کنیم ساختمان تسایر و ناظر باشیم که چه کسانی چه طرح هایی را پیشنهاد خواهند کرد تا ما هم عینا آنرا بسازیم در هر حال توجه باین نکات بنظر من راه آدم را در فکر راجع ساختمان روشن تر می کند.

مسلم است اگر ساختمانهایی بوسیله دسته ای ۴ و یا فردی از معماران امروز ساخته شود یا لاخره مؤثره هایی هستند که قسمتی از این آثار را برای آیندگان نگهدارند. ما نباید از این بترسیم که در سالیهای آینده قهرمان نیستیم و کسی ما را با انگشت نشانه نمی کند چون قهرمانی همیشه قهرمان بودن نیست.

ولی در هر حال قسمت اعظم ساختمانها و پاپک ساختمان عمر بیش از ۲۵ تا ۳۰ سال ندارد باین ترتیب من خیال میکنم قبل از هر جنبه ای ما باین شکل از معماری باید توجه کنیم که چیزی است گذرا و دیر پا نیست آنچه که در معماری دربار است زندگی است نه وسائل و تکنیک چون اینها چیز هایی هستند که همیشه دستخوش تغییر میباشد.

سؤال: مسلماً شما میدانید که امروزه بین معماری مدرن و اجتماع شکاف عمیقی موجود است و نمونه های ساخته شده اعم از معماری و شهرسازی ناموفق بوده و اغلب معماران هم بساختن ویلا و ساختمانهای بزرگ اکتفا کرده و به اجتماع ماشینی توجهی نکرده اند شما برای حل این مشکل چه راه حلی پیشنهاد میکنید؟

جواب: بنظر من موضوع موفق بودن ساختمان نیست آن بعد از اطلاع از سن يك عده از مردم و ارتباط آن با معماری بدست خواهد آمد. خامه که سگی است ما معماری را خوب بشناسیم ولی اقتصاد جامعه و سائل بوجود آوردنش را در اختیارمان قرار دهد.

چون مدیریتی که جهان را خارج از خصوصیات و مشرب های مختلف سیاسی که تشکیل دهنده آنند اداره میکند از انچنان قوانین خود بخودی پیروی میکند که مایل است معماری آنچه میخواهد باشد نه آنچه هست. باین ترتیب برای توده ای مردم آن نصیب خواهد شد که در اختیار هست علاوه ساختمان برای آنهایی میشوند که توانگرند.

برای سؤالی که جامع الشرایط است يك جنبه انتقادی مربوط میشود که اگر ما بخواهیم نقطه نظر آن گرز بی امان رستم نباشد، چون من يك چنین سلیقه ای را در نقد نمی بینم. اولاً از يك جهت هیچ معماری بتهائی نمیتواند تمام ساختمانهای را که در دنیا است با هیچ تیمی نمیتواند تمام ساختمانهای را که در دنیا هستند بادر يك کشور یا در يك شهر بسازد. خواه ناخواه همه معمارها باید در محیطی کار بکنند ولی آنچه ای که بنظر من اینجا مهم است و کمتر شما روی آن تکیه کردید و شاید اصل مطلب باشد آن ارتباط معماری است با مردم من خیال میکنم قبل از اینکه مابجهائی بودن این موضوع و یا آنچه ای که در دنیا شده توجه کنیم باید بی...

اندیشیم که اگر معماری در محیط ما توفیق ندارد در وحله اول مربوط بسنخ فکری است که بین آدمها و معمارها و مردم رواج دارد ما مردمی هستیم فردی که هر کدام دور يك واحدی زندگی میکنیم و بین يك واحد دیگر فاصله زیاد هست معمار ما خوب حس میکند که چقدر تنها و جدا فکر میکند و همانطور صاحب يك خانه ای چقدر راجع بساختنهای که فکر میکند تنهاست و با اصطلاح جدا از گسان دیگر است من خیال میکنم چیزهایی را ما باید جستجو کنیم و نشان بدهیم که این مطالب مربوط بهم هستند یعنی موضوعات مربوط بهمند و بعد آن موضوعات مربوط

بهم را قضاوت کنیم و ارزش بتوانیم پیدا کنیم که چیزی در جهت این موضوعات مربوط بهم میتواند توفیق داشته یا نداشته باشد. در این مورد نقش مهم مربوط به سنت است، سنتی که از زندگی مردم ناشی میشود و در معماری تاثیر میکند. من خیال میکنم در وحله اول باید توجه زیادی به تکنیک بشود ما اگر خوب نگاه کنیم بآن ساختمانهای که الان در تهران مثلاً من باب نمونه ساخته شده در پاره ای نقاط برمیخوریم به يك دوره ساختمانی مثلاً نهضت تراورتن یا نهضت آجر بهمنی یا نهضت های دیگر وقتی مصالح بهم زیاد نزدیک شده اند بيك گروه از ساختمانهای که حتی از طرف مهندسين مختلف انجام شده دقت میکنیم يك هماهنگی وجود دارد که ناراحت کننده نیست چیزی که من خیال میکنم در معماری امروزه تری این سلکت مایه ناراحتی است آنهمه فرقه ها و چیزهایی که بین سلیقه های افراد هست نیست. این تکنیک های متفاوتی است که اینها ارزش استفاده میکنند که هیچ کدام کامل نیست، هیچکدام پخته نیست، هیچکدام از این تکنیکها نمیتواند تری این مملکت بيك تکامل رسیده باشد باید اذعان کرد که ما وسائل و امکانات، خصوصاً وضع اقتصادی کافی که قادر باشد مقداری از وسائل و سبک کار را پیش ببرد هنوز در اختیار نداریم. بدیهی است اینکار زمان کافی لازم دارد تا تدریجاً به نتیجه مطلوب برسد. فکر میکنم در شهری از دیار های دور دست چرا هماهنگی های زیادی بین ساختمانها می بینیم علتش معلوم است چون اقتصاد و آنچه که در آن جامعه وجود دارد در يك دوره و با دريك فاصله طولانی يك سلیقه خاص و مشرب خاصی را رهبری میکند این است که خود بخود اثر میگذارد در معماری و آنچه که بوجود می آید هماهنگ میشود.

البته من از عامل آگاهی در اینجا نمیخواهم چشم پوشی کنم که آگاهانه يك فرد هم میتواند کارعائی بکند ولی حقیقت مطلب اینست که ما باید ببینیم چه چیزی با وسعت بیشتری ممکن است در يك محیط رخ کند و ما میدانیم هیچ چیز در يك وسعت

زیاد در محیط ما نمیتواند رخ کند چون هیچ چیز با وسعت بزرگی گسترش ندارد. هیچ تکنیکی با وسعت بزرگ در محیط ما رشد و نمو نکرده. باین ترتیب من خیال میکنم شاید با شناخت مصالح و تکنیکها اگر راه حلهائی پیدا بشود که معمارها را با آن آشنا کنیم البته در صورتیکه زمینه های اقتصادی مملکت هم در این مورد کمک کند. مسلماً حل مسائل فنی متضمن ابتکارات نیز هست که جدا از تکنیکهای اجرا است، مثل خنک کردن ساختمان و یا دفع آب باران با سلیقه خاص معینطور در ارتباط با سؤال شما بارها می بینم که از معماران ما انتقاد می شود که آدماهی هستند مقلد و زیاد تقلید میکنند و از فرنگیان متاثراند و یا اینکه معمار باید نو آور باشد. البته هستند کسانی که معماری برایشان تجارت اطاعت است ولی معماری که ابداع و اختراع نیست البته آن معماری فردی که ازما برای سالهای دور آتی پیداکار میماند بجزای ابداع است ولی معماری واقعی گذراست واقعیه ایست بسیار ساده و بهمین ترتیب معماران هم که نمیتوانند نوآور باشند و تقلید از گذشته نیز بکسان رفته ای نیاز دارد که راه استفاده از آنرا بگویند چه آنچه هست مبهم و برای معماری امروز نارساست. اگر توی این محیط کار خوبی یا مصالح خوبی با هر چیز خوب مشخص وجود داشته باشد تقلید از آنها آن اثر مطلوبی را که در زندگی يك شهر، زندگی يك محیط، در زندگی يك خانه لازم است خود بخود بوجود میآورد. پس باین ترتیب من باین نتیجه میرسم که شناخت يك سری تکنیک و مطالب و موضوعات دیگری در این زمینه بیش از هر چیزی موثر خواهد بود در اینکه کارها بروال و زمینه ای کشیده شود که انتقاد بآن شکل خاص ارزش کنار گذاشته بشود. مطلب دیگری که با این موضوع مربوط میشود موضوع سنت است که با موضوع ساختمان و ساختمان کردن و آنچه ای که يك فرد را در استفاده از این سنتها مشخص میکند در رابطه میباشد. شاید بی ربط نباشد اگر بگویم که هنوز درك نشده سنت در معماری ما چه چیزهای روشن و واضحی



اینده هر کسی را تهدید کند و کسی
تکه آسوی چهارراه است ما را
نمیشناسد. اگر ما مهمان نوازیم
از سرشت ما سرچشمه نمیگیرد ما
با عزیز داشت مهمان غم بیابان
های ملی شده خود را نسلی می-
دهیم. به همین شکل تنهایی در همه
چیز ما رسوخ دارد بی دلیل نیست
که میگوئیم «دیک شرکت بجوش
نمیآید» بی اساس نیست که «دوری
دوستی است» باز فکر میکنم وقتی
که تمام دلاوران ایران زمین چون
فرامرز و گبو و برزو گوش ناگوش
ایستاده اند و کسی همه رنج گرفتن
دشمن بقست رستم نتوانست و یک
دست اسلحه، این تنهایی موجب
شده است تا دلاورانی که در این
مالک کارهای نمایان کرده اند چیز
رستم داستان گریخته اند تا در مرو
بدست آسیابانی گشته شوند. بهر
حال معماری بنظر من در وحله
اول شکل دادن منطقی و شیرین و
دلپذیر بان چیزی است که موجود
است نه ابداع چیز جدید و تازه
چون زندگی چیزی نیست که یک
فرد ابداع کند من خیال میکنم
ملت ضعف و تقصیری که در کارهای
شهر سازی دنیا بدست آمده بیشتر
از این موضوع ناشی میشود که
آن چیزی که بوجود میآید یک
ابداع است نه یک چیز همه جانبه و
صحیح. مسلم شهر سازی امروز در
«پنده بوسالنی مجهر خواهد بود
که احتمالا بتواند قوانین و
خصوصیاتی که يك واقعه همه جانبه
را بعنوان شهر بوجود بیاورد و
آنوقت قبول شهر های موجود از
طرف مردم يك چیز طبیعی تر و
راحت تر خواهد بود و آن شهرها
بیشتر بدردشان خواهد خورد.

اینکه ما بتوانیم اینهمه ضديت و
این همه ناهماهنگی را کنار هم
نداشته باشیم شاید بدست آمدن
تکنیکهای محکم و بگنواخت کمک
بکند که ما بدون نقض فردیت چون
هیچ دلیلی نیست که ما بگوئیم
حتما باید جمعی فکر کرد هر
جامعه ای روانی دارد و مطابق آن
دوال زندگی میکند. اگر مردم ما
هنوز خصوصیات يك قوم چادر
نشین را دارند قومی را که باید به
آلهای فردی بیش از جمع علاقه
دارد و چادر خودشان را چارو
میکند در حالیکه خاکروبه اش را
می ریزند کنار چادر دیگر، ما نمی
توانیم آنها را یکباره عوض کنیم
برای تغییر این اولا زمان لازم
است ثانیا این موضوع که باید
تغییر بکنیم خانه خودش مسئله است
من وارد این نمی شوم و نمیگویم
که اصلا این عادات مردم را باید
تغییر داد شاید اصلا این موضوع
از نظر معماری صحیح نباشد باید
وقتی بگذرد تا ما خصوصیات مردم
شهری را پیدا کنیم. این عیبی
ندارد که ما اسلوب کلی مردم
شهری را نداریم، البته سرفرست
و بهرورزمان درست خواهد شد و
در این مورد تصمیم به شهری
شدن بی تاثیر خواهد بود.
يك وقت به مناسبتی نخست
وزیر آقای هوییدا در مطالبشان
فرمودند «من تعجب میکنم چطور
مردمی که در يك اطاق برای خارج
شدن از در اینهمه بهم تعارف و
مهربانی میکنند در چهارراه خیابان
راه بریکدیگر می بندند» در اینجا
بنظر میرسد ضریب زاویه ای
فراموش شده است و آن اینست که
ارتباط در يك اطاق ممکن است

است. خیال میکنم در این مورد
توشی باید بشود تا يك تفسیر
دقیق از يك زندگی ایرانی و آنچه
که بعنوان سنت در آن وجود دارد
نشان داده شود و بعد ما بپردازیم
باینکه تاثیر این سنت در این
معماری به چه شکل است و چطور
اثر میکند و چه تاثیر هائی بجا
میکند.
جواب: همانطور که گفتم
در حال حاضر معماری برای مردم
مورد نظر شما بوسیله مدیریت
جهانی انجام میشود و ارتباطی به
سنت و معیولیت آن از طرف مردم
ندارد و همانطور من خیال میکنم
قصدم از تکنیک این نبوده که
يك هماهنگی را توصیه کنم، يك
هماهنگی در زندگی را، چون این
چیزی که شما میفرمائید به يك
هماهنگی در زندگی مربوط میشود
اولا من ضعف را در این میدانم
که در شهر سازی که امروزه انجام
میشود تفکر یکی است، یعنی يك
فرد و با يك دسته برای زندگی
مردم فکر میکنند. علت عدم توفیق
در اینجاست نه در سیر کولاسیون
و مطالب دیگر. یعنی مجموعه تفکر
چون مربوط بیک فرد و با يك تیم
هست خواه ناخواه نمیتواند همه
سلیقه های مردم را که شامل
زندگی مردم است در خود جمع
کند علت عدم توفیق این موضوع
ها در اینجاست. مطلبی را که
من قصدم بود اینست که ما برای
مقابله با این معماری فردی این
فردیتی که بین ما رواج دارد و
برای آنکه این اثر نامطلوبی را
که در معماری امروز این شهر و
این مملکت بجا گذاشته که همه
جایزهای مناقض می بینیم برای

سؤال: در بین گفته های شما
به تکنیک واحد قابل قبول اشاره
فرمودید آیا اگر ایران روزی يك
تکنیک پیشرفته درست پیدا کند
میتوان امید داشت که بیک معماری
هماهنگ و مناسب رسیده ایم و آیا
اصلا میتوان تمام مشکلات معماری
را در تکنیک خلاصه کرد و همینطور
آیا میتوان کشوری را یافت که
با دست یافتن به تکنیک مدرن
موفق به حل مشکلات معماری توده
های مردم شده باشد؟

سؤال : به این ترتیب در طبقه بندی که تصور میکنم والتیر گروپوس انجام داده منتهی بر رهبر یا خادم بودن شما بر جنبه خادم بودن آن نگاه میکنید .

جواب: میدویدم باین نوع تقسیم بندیها اصولا نه علاقه دارم و نه پرداختن به آنها را درست میدانم برای اینکه معماری در وحله اول بنظر من آن چیزی است که ما با آن از پلی که روبرویمان هست میگذریم و آن طرف پل این وسیله خرد می شود و بجایان حیاط دیگری راده میشود که کسان دیگری در این حیاط رنگین گمان دیگری می بینند یعنی معماری شکلی است از زندگی که بعد از مدتی خرابش میکنند و جای آن چیز دیگری بوجود میآورند و چیزی که بوجود میاید ناایسر و اذیت نازدهتری است و خوب است که معماری مثل خود زندگی باشد، شیرین و تلخ و شاید هم شیرین که بگذرد و گذرا باشد ، روان باشد و در جایی متوقف شود بپذیرد و زندگی دیگری راده شود باین ترتیب اگر وظیفه معمار بوجود آوردن چیز عالی است که در يك فاصله زمان از بین میسرود من تمییداتم چه جور میشود معتقد بود يك رهبری دائمی ، چون چیزی

که استیلا میشود وجود فواین ثابت و محکم را توسعه و یا توجیه میکند، خواه ناخواه هر فردی در جامعه اثر بگذارد منکر جنبه رهبری آن موضوع نمیشود شد. این موضوع شامل معمار هست ، شامل روزنامه نویس هست ، میوه فروش هست و اسفالت کن خیابانهای شهر هم جزو همین کسانی است که يك جامعه را رهبری میکنند و بنظر من خدائی کردن هر يك از اینها اصلا مسئله مورد نظر نیست که ما بآن بتوانیم شخصیت خاصی بدسیم که والتیر گروپوس یا کسان دیگری که در این زمینه فکر میکنند، من خیال میکنم راجع به معماری باید خیلی ساده تر و روانتر و عادی تر از آنچه که بنظر میاید مثل هر فن و تکنیک و چیز دیگری که در محیط هست فکر کرد. البته مسلم است که هر حرفه ای ، هر کاری با افراد میرزتر و آگاهتر توجه دارد يك قسوم گش، احتیاج به افسر های لایق و روشن بین و دقیق بر تکنیک دارد

معماری هم همینطور بحثی نیست، من توسعه نمیکم که معماران چیزی ندانند مسلم معماریها خود بخود چیز خواهند دانست چه کارشان کوچک و چه بزرگ ترش شود آنها باید مجهز باشند بنیام و سائلی که اینها مربوط میشود .



سؤال : میخواهم کمی بحث را به عمل نزدیکتر کرده سؤال کنم از چه راضی و به چه نحو شما این ایده ها را در کارهایتان منعکس کرده اید.

جواب : من خیال میکنم مقداری از مطالبی که گفتم بطور جالبی این موضوع را روشن کرده باشد ولی در هر حال برای مشخص تر کردن آن من این نکته را میگویم که شیدا اعتقاد دارم که معماری یا هر نوع کار و حرفه ای که در يك محیطی وجود دارد فعلا متأثر از اقتصاد آن محیط است. من عقیده ندارم که به معماری و یا سنت و چیز عالی از این قبیل باید دید غیر طبیعی نگاه بکنیم، ما باید فکر کنیم که معماری ساختن يك مقدار ساختمان است برای مردم این هم بایول يك محیط پستی دارد. شاید اسراف در زیب بندی این ساختمانها بزرگترین دشمن باشد در پیشرفت واقعی معماری در وحله اول ما باید این تصور را داشته باشیم که معماری فقط يك هیئت است یعنی يك بدن است

و چیز دیگری آنرا می پوشاند که لباس است این لباس بسته به امکانات محیط، بسته به تکنیک محیط ، بسته به اقتصاد محیط است. آن چیزی که از معماری بجلی میکند و شما هم روی آن تکیه میکنید درست همین میزان پستی است. ما میدانیم زندگی یعنی آن چیزی که مردم بهش عادت کرده اند اگر در يك ساختمان نباشد همان مشکلاتی را پیش میآورد که الان سؤالهای شما را باعث شده و من خیال میکنم علت این است که ما عوض اینکه باین هیئت و باین شکل بپردازیم با آرایه ها و پوششی که این را دوبر میگیرد پرداخته ایم. پس باین ترتیب نه اینکه من بخواهم خست طبع نشان بدهم و بگویم که حتما معماری باید فقیر باشد خوب پیدا است که در محیط امروز

ما دست زدن به معماریهاییکه اول هم گفتم این معماریها گذرانند و در يك فاصله زمانی زندگی کرده و بعد از آن فاصله زمان اینها از بین میروند ، و ابندی و دائمی نیستند، چون صحبت ما راجع به آن قسمت از معماری عادی است و معماری مردم و معماری عمومی نه آن معماری خاصی که از قدیم بارث رسیده و یا ازما بآنها تکیه خواهند آمد بارث خواهد رسید. پس این معماری عمومی حتما باید متأثر باشد از امکاناتی که محیط برای شکل بندی این معماری بوجود میآورد. پس تا آن قسمتی که موضوع مربوط میشود به ریخت و هیكل معماری بنظر من بزمیکردد به درك و آگاهی يك معمار خاصه راجع به فوتکسیون و وصل کرد و راجع به زیست ، قسمت دومش هم که مربوط به پیراستن و پوشیدن



این سلیقه است که می‌بینیم در کار هر معماری این سلیقه متفاوت است. در مورد اول من خیال می‌کنم آگاهی‌های زیادی یا فکرهای زیادی در مورد اینکه يك محیط و یا يك ایرانی چه جور زندگی میکند به چه چیزهایی دل بسته است، ارتباط خانه و بدرو مادر در موردی که ساختمان خانه باشد و یا اگر پارتیمان می‌سازیم مشکلاتی که سر راه ماست چیست، مطلبی نیست که ما فقط باین توجه کنیم که حتما باید پارتیمان ساخت باید دید که در این پارتیمان خواهیم نشست، مقاومتی که مردم در استفاده از پارتیمان دارند مسئله‌ایست. بنظر من مهم اینست که پارتیمان برای این بوجود بیاید که زندگی راحت تری برای جمعی بوجود بیاورد یا خانه فردی هم همینطور. وارد جزئیات مطلب نمی‌شوم که ما را از برداشت کلی دور خواهد کرد باین ترتیب برای اینکه من بتوانم به فونکسیون موجود در ساختمانهایی که در محیط ما میشود آگاهی پیدا کنم سعی کردم عادات مردم را درک کنم، این روزها مطلبی هست که بارها دیده‌ام راجع به آن انتقاد میشود و آن اینست که ایرانی‌ها جایی را درست میکنند باسم مهمانخانه و درش را هم قفل می‌کنند این موضوع اول از طرف آرشیتکتها عنوان شده و بعد صاحبکارها خودشان این نکته را پدیدرفتنند مثلا کسی را می‌شناسم که بمن مراجعه کرده بود و میگفت آقا من جزو آنهایی نیستم که اطافی را می‌سازند برای مهمانخانه و درش را قفل میکنند من اینطوری فکر نمی‌کنم ولی وقتی در عمل به آوان پروژه رسیدیم و راجع به آن گفتگو میکردیم مرتباً پیشنهاد میکرد «آقا همیشه اینجا رو يك جوری بکنید

که این در را بسته بست» یعنی در عمل غیر آگاهانه یا ادب خاص مردم ما نشان میداد که علاقمند به این نکته است. این چیزی نیست جز همان اندرون و بیرون چیزی نیست جز همان که ما اصولاً به «مطالب روانی» عاطفی و اخلاقی مربوطیم من زیاد وارد موضوع نمیشوم، باین ترتیب بنظر من عوض اینکه ما فکر کنیم باید حتماً انتقاد کرد از اینکه يك فضا را باید قفل کرد باید دید واقعا که ما چه جور زندگی میکنیم اگر عادت ما براین چیزها هست بنظر من برداشتن اینها با فکر چیز غلطی است مگر بمرور زمان که عادت مردم بعادت زیستن در محیط‌های خاص عوض میشود آنگاه این عادات هم خود بخود دگرگون میشوند، باز هم تکرار میکنم ما نباید نگرانی داشته باشیم که امروزه ساختمانی باین شکل می‌سازیم چون مسلم ۲۰ - ۲۰ سال دیگر این را خراب می‌کنند و جایش چیزی را خواهند ساخت نه بازندگی آروز مردم تطبیق بیشتری داشته باشد. باین ترتیب اینجا روشن میشود که چه چیزی از طرف من یا هر معمار دیگری باید پیاده بشود. هر وحله اول عادت مردم عادت طبیعی مردم نه عادتیه که ما تصور میکنیم و خیال میکنیم و بآن قیافه می‌دهیم و می‌گوئیم باید اینطور زیست. باید دید چه جور می‌زیستند، منتها چیزهایی که مهم است ارتباط مائی است که يك معمار آگاهانه میتواند در داخل فضایی بوجود بیاورد تا تأثیر کند در عاطفه افراد يك خانواده خطوط چیزهایی باشند که آرامش بدهند یا حجمها طوری باشد که تصورات مورد نظر معمار را در خانواده‌ای که خیال میکند اینها آنطورند دارا باشد مثلا خانواده‌ای

خستند یا خانواده‌ای ملایم‌اند یا خانم، مهربان‌است یا خانم مجلس آرا نیست اینها مسائلیست که معمار در وحله اول از خانواده‌ای برداشت میکند یا از کالیکه برایشان میخواهد خانه بوجود بیاورد یا ساختمان بسازد یا اگر اداره‌ای میخواهیم بسازیم ما باید فکر کنیم نوی این مملکت اداره‌ای چه جور آدمی است. شما خیال میکنید اسامه اگر یکی از اداره‌های ما را خالی کند در یکی از پلانهای باز آیا این اداره میتواند کار بکند، هر اداره‌ای حتماً باید برود نوی اطافی که میتواند آنجا آن چیزی که این جامعه با در این جامعه بآن عادت دارد و بدست آورده انجام دهد، من نمیخواهم بگویم نه‌چه شکلی ولی در هر حال این عادت مسئله مهمی است. پس اینجا چه از طرف من چه از طرف معمار دیگر واضح و روشن است که به چیزهایی باید پرداخت «بآن چیزی که واقعی است و شکل دادن بآن ساده‌ترین و مزج و یا ارزان ترین مصالح امکان پذیر میباشد. چون مملکت ما مملکتی نیست که از يك اقتصاد نوی برخوردار باشد من خیال می‌کنم مصالح ارزان هیچ وقت دلیل تفضیل ارزان بازندگی ارزان نیست ما تمام ساختمان‌هایی قدیم را وقتی نگاه میکنیم چیزی که غالباً در اطافها هست و خیلی ساده هم میباشد حتی از نقش گچ‌بری هم برخوردار که هستند آن چیزی‌جر گچ ساده نیست، ولی ارتباطات به نوعی مطلوب است البته بیشتر قدیمی هستند. ولی خوب مسلم است که از يك پرتیب عالی برخوردار بوده‌اند پس کافی‌است يك معمار خوب پیدا کند که در این محیط از مردم چه برداشتی دارد، سلیقه فردیش در ترکیب مصالح

شاید هر ساختمانی در مملکت ما عملی باشد ولی وقتی يك كار دشوار و دست پاگیر و ناراحت کننده باشد بنظر من آن چیز «درس» نیست یعنی همه چیز را انطور نمیشود کرد . ممکن است يك كارخاص را انطور کرد ولی همه ساختمانها بآن شکل ساخته نمیشود علت اینکه توفیق معمار برای تحصیل نکرده نوی این جامعه بیشتر است باین دلیل میباشد که آنها بآن چیزی دست میزنند ، به

کردن يك زندگی در خانه ای دست رده ایم ، چه جور ارتباط قاعده را رعایت کرده ایم ، چه جور موضوع حرارت و هوا و باد و هر چیز دیگر را ، چه جور اقتصاد يك ساختمانی را درس بگیرد داده ایم ، و بالاخره چه جور امکانات تکنیکی را در آن رعایت کرده ایم . بیرون تنها مطلب این نیست که ما خیلی خوب فکر کنیم خیال می کنیم خیلی خوب باید بهره بگیریم و بیجا به امکانات تکنیکی موجود در محیط را

و این موضوعها باهم چیست و با آگاهی که نسبت باین موضوع دارد و با این آگاهی ساختمانهای میسازد . من هم حواه ناخواه با توجه به آگاهی های که در این مورد دارم ساختمانهای کرده ام و از آنجایی که عقیده دارم معماری چیزی است انجام دادنی نه گفتنی خیال میکنم این ساختمانها را که بشود دید با فرصتی پیش بیاید که با هم یکی از آنها را توضیح کنیم و ببینیم چه جور مثلا به پیاده



توضیح عکس

۱۳۴۲ است کوشش های نارسائی است که در آن ها متأسفانه ابداعات جالبی در زمینه پوششهای آجری موجود است که ساختن این چنین بنا هائی بنظر می رسد از تکنیک مقبول زمان دور است .

هنر و معماری

شمائی کاملاً روشن ترسیم کنیم چگونگی آنچه هست که از معماری قدیم ، امروزه می تواند باشد در هر حال ساختمان پاکتد که مربوط به سال ۱۳۳۸ و ساختمان روی تپه پشت دانشکده نظامی که بسال

هشتادم

باشد ساختمان حمام سرپنجر است که بهتر است بجای آن چند حمام بسیار ساده ساخت که مورد استفاده مردم باشد تا عاید اشت نمودن . نکته ای که من امیغوارم بعد ها با مدارك و نقشه های دیگری

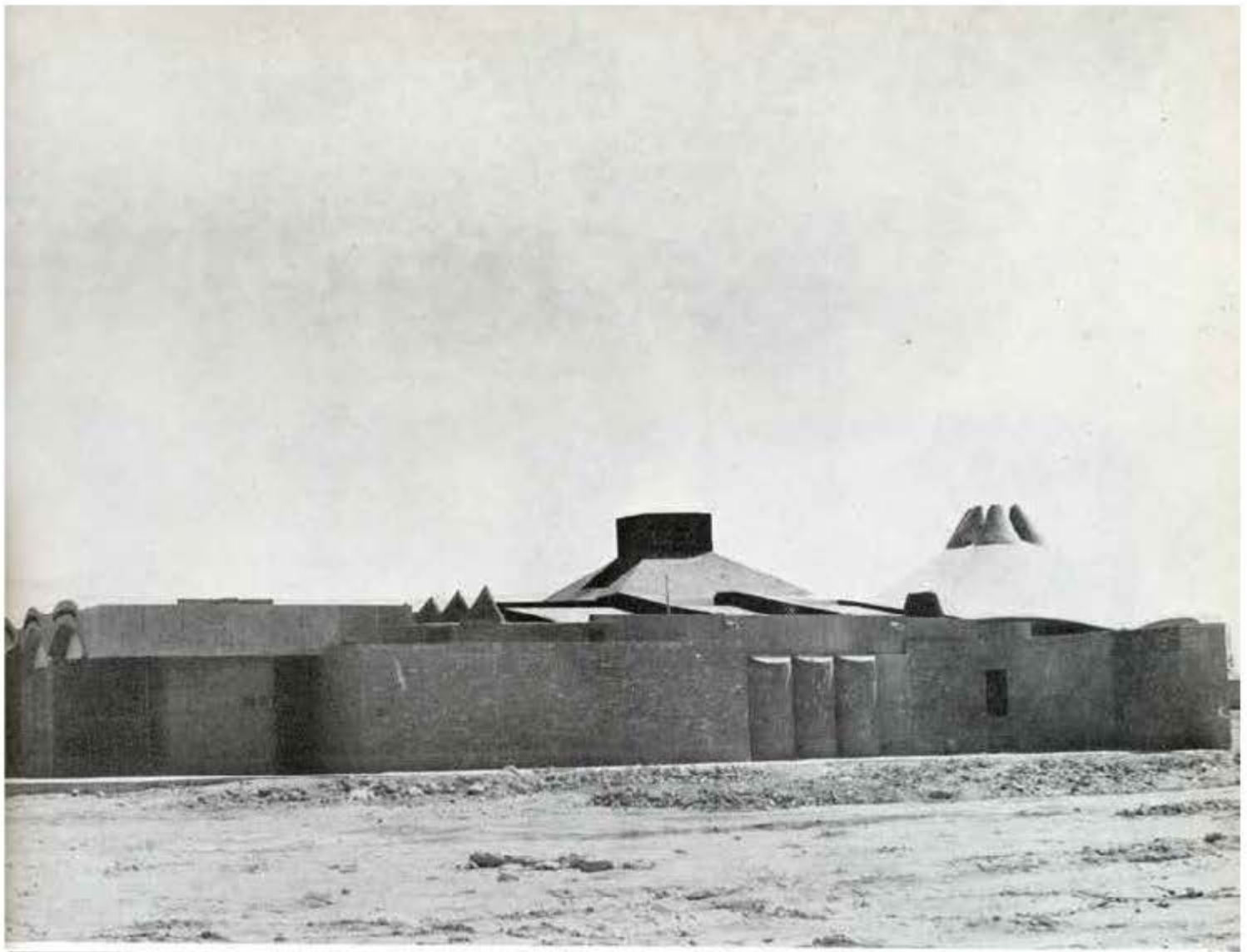
در این ساختمان تکامل یافته ترین توفیق در مورد تهویه طبیعی بدست آمده است . این ساختمان در سال ۱۳۴۳ به بار آمده است که مربوط به ۷ سال قبل می باشد به اصطلاح جنبه خلاصه بودنش مورد انتقاد

را بوجود آورده که حتی به‌عنوان
اینکه بخود معماری فکر کنیم به
انتخابی که باید این وسط بکنیم
فکر میکنیم. البته این چاره‌ای
سؤال شما نیست بقیه‌اش را من
گذارم در توصیفی که راجع به آن
خانه باشم خراص داشتم.

آری که او میگفت و تکنیک کار او
را خوب بشناسم مسلم به‌تمام ضعف
های کار او توفیق پیدا میکند.
آن چیزی که میسازد مردم پادشاه
کنیری از مردم بآن میتوانند خرد
کنند متأسفانه بنظر من این روزها
کسانی که سلیقه‌های فردی دارند
و امکاناتی استثنائی بدست آورده‌اند
معماری را برای دیگر میکشاندند.
البته در این مورد بی‌تجربه‌گی
معماریها، جوان بودن آنها که خرد
من هم خواص ناخواه شامل یکی
از آنها بوده‌ام باعث شده که
ساختمان دچار این مشکلات و
زمینه‌هایی بشود که ما امروز حس
میکشیم و برای ما مشکلات زیادی

آن تکنیک و وسائلی دست‌نخورده
که در این محیط آسان بدست می
آید البته این موضوع هیچوقت
این نکته را نویسد نمیکند که
تمام ساختمان‌های ما کلیه ضعفهای
تاسیساتی و تکنیکی و این‌جور
چیزها را حفظ کند و تنی یک
فرد آگاه باین موضوع توجه کند
بآن شکل صحیح میدهد و آنوقت
عمه چیز درست است، ناسودان
درست است، جای بخاری و نور
درست است. اگر ما بخوانیم یا
بغور گان یک آرتیستک بخواند
کاری را با همان وسائلی که یک
معمار با اصطلاح با تجربه در این
محیط انجام میدهد بسازد و وسائل





سوال : شما بهتر میدانید که کلیه کارهای انجام شده توسط معماران ، و حتی فکر میکنم کارهایی که خود شما میدانید و داده اید برای صاحب کاری است که شما مراجعه میکنید . و این واضح است که امروزه این چنین مراجعه ردمینی دارد و یولی . و این مسئله مهمتر مربوط به اکثریت فقیرتر است که شاید نتوانند شما مراجعه کنند آیا تا بحال برای این اکثریت فکری کرده اید یا این کار را وظیفه خود نمیدانید .

جواب : اولاً در این محله ارتباطی بین آرشیتکتها و مردم بوجود نیامده که شکافی بوجود آمده باشد و اگر مطلب شما مربوط میشود باینکه همه مردم به معمار مراجعه نمیکند این طبیعی است ، همه جای دنیا باین ترتیب است ، یعنی اگر مردم میروند خانه ساخته شده میخرند از کارهای معمار سارا در واقع آن معمار هیچ وظیفه آرشیتکت را انجام نمیدهد . پس اگر مردم بآرشیتکت مراجعه نمیکنند و باز مراجعه میکنند احالاکار نداریم که دچار چه مشکلاتی میشوند خوب طبیعی است هر کسی فهم و شعور دارد آنها حس میکنند و بهتر میدانند که به چه کسی مراجعه کنند . جاهای دیگر دنیا هم عملاً کسی بآرشیتکت مراجعه نمیکند . و با کسی ویلا نمیسازد خیلی به قدرت اتفاق میافتد که مثلاً کسی ویلا بسازد غالباً تیمهائی هستند که جمعی کار میکنند و ساختمانهای میسازند مردم میروند و آنها را میخرند یا تیمهائی هستند که مردم میروند پیش آنها و

احتیاجاتشان را میگیرند آنها هم از گشوهائی که دارند نقشه هائی را بیرون آورده و وقتی مورد پسند واقع شد با تعمیرات جزئی که بیشتر با سلیقه آن صاحب کار و کسی که آن خانه را میخواهد بخرد هماهنگ شود بعد هم ساخته میشود و مردم از آن استفاده میکنند . بنظر من اگر اینجا عدم توفیقی هست اگر همه مردم به آرشیتکت رجوع نکنند اولاً تعداد آرشیتکتها هنوز خیلی کم است و نمیتواند کفاف جامعه ای باین بزرگی را بدهد و بعد خود آرشیتکتها و معمار ها فردی کار میکنند . مردم فردی کار میکنند ، هر کسی که مقدار پولی دارد خودش میخواهد خانه بسازد و در شکل و شمایلش دخالت بکند و با توجه باین نکته که ما میدانیم آدم يك حیوان است و مثل هر حیوان دیگر از فرخانه سازی با لاله سازی برخوردار است یعنی همانطور که موش میتواند لاله بسازد هر آدمی هم میتواند خانه بسازد ، مثلاً فرقی که معمار با مردم عادی یا با کسان دیگر دارد

اینست که او برای ساختن يك خانه بهترین وسائل و تکنیک را بکار خواهد گرفت و بهترین ایده ها و پاجیزهائی که بدین مردم عادی نمیرسد معمار بخاطر تجربه و ورزیدگی که پیدا میکند و یا تحصیلاتیکه میکند بآن میرسد و عمل میکند . پس اگر در این مورد یعنی در مورد سئوالشان مشکل این هست که مردم به معنای بآرشیتکت کمتر مراجعه میکنند مسائل اقتصادی و امکانات محیط بیشتر درش موثر است تا مسائلی که بگوئیم با کاهی مردم و پاجیز دیگر و مطلبی که مهمتر است همان موضوع فردی فکر کردن ماست ، برای اینکه ما بیک زندگی اجتماعی عادت کنیم ، فکر کنیم که دست که اگر امروز در دنیا شهرهائی هست که شهرتند و در آنجا مردم اجتماعی اند يك سابقه شاید چهارصد و پانصد ساله بعنوان شهر یعنی بعنوان آن خصوصیتی که امروز بشهر اطلاق میشود دارند ولی تا فرصتهای خیلی نزدیک در خیابان های ما گذر بود و گذرهای محدود توی

شهرهای ما بیشتر زندگی خانوادگی بود که نازده آن خانواده ها هم کاملا جدا جدا از هم زندگی می کردند . می بینید که هر کسی می کند خانه ای بسازد و دورش را آنوقت که خشت بود آنقدر که قدرت داشت بالا میبرد که کسی خانه شان را نبیند و بهانه آنها هم تعصب بود امروز هم که مد شده است دیوار های کوتاه بسازند دیوارها را کوتاه میکنند ولی رفتار و طبیعت و چیزهای کاذبی که مردم کسب کرده اند در روابط بین هم دیگر طوری است که مثلا آدم در ماهها و سالها در يك نقطه می نشیند و اصلا نمیداند همسایه بالای سرش کی هست و کی نیست آنوقت شما چه انتظاری از يك زندگی اجتماعی و چه انتظاری از این دارید که کسی بفکر کارگر باشد و خانه ای جمعی من خیلی دلم میخواست این سؤال درجای دیگری میشد و باین اشاره میکردم که واقعا خانه ساختن یعنی همان خانه ساختن برای مردم ، برای کارگر فکر کردن . معماری این نیست که ماقصود توی تهران می کنیم معماری آنست که در دهی شود و در شهرهای دور افتاده که هیچ کدام شبیه تهران نیستند و ساختمانها هیچ ارتباطی با شکل و شمایل اینجا ندارد و این همان موضوعی است که گفتیم مربوط است به اقتصاد مملکت و باینکه ساختمان باید به چه شکلی باشد اگر خوب فکر کنیم چه بسا باید اکثر خانه هایی که توی این مملکت ساخته میشود از برق هم برخوردار نباشند تا بتوان خانه برای همه ساخت . چون هنوز پول نداریم یعنی اگر کسی میخواهد به معماری فکر کند باید در حد این چنین چیزهایی باشد نه اینکه هر کسی فکر کند خودت برای خود بسازد اصلا کسی نیست که امروز پول غورتی را داشته باشد . عده خیلی آنها در شهری مثل تهران است که میتوانند دست بچنین معماری بزنند بعلمت آنکه کنترلی بر پول و دارائی مردم نیست که خواه ناخواه و خود بخود توسط دولت کنترل بوجود خواهد آمد ، مالیات بسته میشود و وقتی دارائی افراد را کنترل کنند يك چنین تروتهای سرسام آوری پیدا نمیشود که يك عده آرشینکت از اینجا طرقتی

بگیرند و نانی بخورند بشکل خاصی ولی در هر حال شما عوض اینکه غمش را بخورید باید بدانید که در آینده نزدیک خواه ناخواه معماری کشیده خواهد شد باینکه فکر کند به آن چیزی که در این محیط میتواند ساخته شود یا اصلا حد آن چیست . من خیال میکنم امروز در این مملکت واجب تر از همه اینست که کادری و کسانی بوجود بیایند که توصیه کنند در بین چه سال تا چه سالی مصالحی که مصرف میشود چه چیزهایی باید باشد این مسئله مهمتری است باین ترتیب این همان مشکل شما است که جواب داده میشود . وقتی فکر میکنم که ما از چه مصالحی میتوانیم برخوردار باشیم برای بوجود آوردن معماری خواه ناخواه جامعه مطالعه میشود ، اجتماع مطالعه میشود ، کارگر و کشاورز مطالعه میشود و ساختمان های مربوط بآنها مطالعه میشود و آنوقت پیشنهاد میشود چه مصالحی باید بکار گرفت . این همان تکنیک هست و وسائل کاری است که میگویم توی این محیط باید شناخته بشود و بآن توجه شود منتهی شامل تمام زمینه های متفاوت است چون معماری شامل همه زمینه ها است از جامعه شناسی گرفته تا چیزهای دیگر پس باین ترتیب روشن است و ما خوب می بینیم که راجع به خانه های کارگری چه جور باید فکر کرد یا من اگر فکر کرده باشم که مسلما فکر ها و مدارک هم هست که میتوانم بعدا در اختیاران بگذارم که راجع به خانه و خانه های ارزان قیمت و پلانهای که میتواند همه جا و توسط هر کس ساخته شود . معماری تازه نباید باین توجه کند که چه جور و با چه تکنیکی ساخته شود بلکه گرایش باین سمت باید باشد که بتواند بوسیله هر کسی در هر جایی ساخته شود من گروهی دارم و فکری هست که گاه گداری به پاره ای از آنها عمل کرده ام ولی مسئله اینست که این همان قدر مورد انتقاد است که معماری موجود برای اینکه هیچ کدام طبق برنامه نیست یعنی هیچ کدام آن چیزی نیست که ضرورت اجتماع ایجاد میکند الان شما فقط سؤال میکنید که راجع به کارگرها باید چه کرد ولی واقعا اینکه جامعه خودش باین موضوع برسد من

خیال میکنم ده سال دیگر هم طول خواهد کشید تا شدیدا جامعه ما با این سؤال روبرو شود و آنوقت بنشیند راجع به این مسائل فکر کند البته خوشوقتی اینجاست که از حالا کسانی فکر این موضوع را بکنند تا در آن روز مجبور نباشند و برای جواب دادن باین مشکلات آمادگی کافی داشته باشند . علاوه مردم ما هنوز آن آشنائی لازم را ندارند تا بتوانند از معماری مورد نظر شما استفاده کنند و همینطور معمار در این مملکت آزاد برای طراحی نیست . مثلا در مورد ساختمانهایی که دولت میسازد غالبا مقامات عالی هستند که راجع به چگونه ساختمان تصمیم میگیرند . قوانینی هم نیست که دخالتشان را محدود کند و تصمیم را در صلاحیت اهل فن قرار بدهد البته این در تمام موارد هست و تنها معماری نیست که در بلا گرفتار آمده و این هم واضح است اجتماع ما تازه قوانین اجتماعی چندی را در مورد معماری دارد وضع میکند .

سؤال : در این مورد شما فکر نمیکنید آموزش معماری بتواند کمکی نماید و یا چه نقصی موجود بوده که تا بحال نتوانسته ایم به معماری مناسبتری برسیم ؟

جواب : تقصیر که وجود داشته در حلقه اول مربوط به کادر است که نبوده در مرتبه دوم مربوط به این بوده که وسائل و تکنیک کار وجود نداشته و کسانی هم که در این حرفه بوده اند اصلا باین فکر نبوده اند که در محیط ما وسائل و تکنیک کار را بشناسند و وقت صرف کنند ، علت اصلی آن هم باز همان فردی بودن خلق و خوی ماست همه این جوابها متاسفانه غالبا برمیگردد به این نکته فکر کنید چرا معماری در این شهر توفیق ندارد خوب دقت کنیم موج های کوچکی مثل همان نهضت آجر بهمنی یا تراورتن و یا چیزهای دیگر که يك تاثیر تکنیکی يك تراخت و مشابهی را گذاشته اند باقی تکنیکها خیلی ابتدائی و فقیر هستند یعنی ما باندازه کافی مثلا لوله کشی نداریم که لوله کشی را خوب بدانند یعنی کادر فنی باید در مملکت باشد یا مدرسی باشد تا کادر مناسب تربیت کند که آنها بتوانند درست جوش بدهند درست لوله را بگذارند

یا درست سرب بریزند همه این کار ها را يك معمار نمیتواند بکند درست است که من متاسفانه با خوشبختانه مدتی به يك چنین معماری دست زده بودم چون میدیدم که امکان این نیست که يك ساختمان خوب بشود این بود که وقت را صرف يك ساختمان میکردم در واقع برای کوچکترین اتصالات وقت صرف میکردم همین طوری می بینید که این يك چیز عملی نیست که يك معمار بپاید (حالا صرف نظر از مسائل مادی) وقتش را تماما صرف کند که يك خانه بسازد و بعد برو سراغ یکی دیگر . احتیاجی هم که برای ساختن خانه در جامعه است زیاد بوده و کادر نیز کم است . پس علت اصلی اینکه ساختمانهای ما توفیق نداشته اند از نظر فنی این بوده که ما کادر فنی نداشته ایم . البته اینرا نباید گفت که کسی دشمن بوده چون هر کسی حق دارد توی این محیط زندگی کند و نان درآورد من بطور میتوانم بگویم که دیگران سوء استفاده کرده اند و کادر تربیت نموده اند من نباید چنین چیزی بگویم ولی بالاخره کاری موجود نیست که ما بگوئیم این خیالات چرا به يك چیز خوب نرسیده . امکانات موجود است ولی همانطور که گفتیم ما این شرایط و امکانات را نداریم این موضوع زمان ، سرمایه و تکنیک و انواع و اقسام مدرسه ها و افراد دلسوز میخواهد تا بتواند بآن چیزی که مورد نظر شما میباشد برسد . باین ترتیب جواب شما خیلی واضح و روشن است ، کمتر بنای خوب پیدا میشود مردم آن روح اصلی که در ملتی باید باشد و آن ملت را مشخص میکند یعنی موضوع خانواده و اساس آن که در مملکت ما به يك شکل خاصی است نه اینکه توهین باشد بشکلی عوض شده ما خانواده بآن شکل که فردی را با يك سری پا بستگی ها تربیت میکند نداریم یعنی خانواده ها این خاصیت را ندارند یعنی افراد به چیز های مشخصی پای بند نیستند وقتی افراد به چیزهایی مشخص پای بند نباشند هرگز نباید منتظر بود يك معادله غلط جواب صحیح بدهد این ضریب زاویه ای که شما میخواهید يك خط است و ارتباطی با يك ضریب زاویه که منحی است ندارد .

این مصاحبه بصورت گفتگو
توسط آقایان محمود ارجمندی و
مسعود وکیل زاده ضبط و در همان
اسکلت تنظیم شده است

گفتگویی با کامران دیبا

ارجمندی

— فکر میکنم بهتر باشد صحبت را از سنت شروع کنیم زیرا با وجود بحث های فراوان هنوز آنطور که باید و شاید این موضوع روشن نشده است:

دیبا: حالا اگر ما بخواهیم فقط در مورد سنت صحبت کنیم که این بحث غیر کالبدی و اصلاً معماری نیست، پس منظور جنیه های سنتی میباشد که مربوط میشود به يك واکنشی بین سنت و محیط کالبدی — ما راجع به تاثیر این واکنش با معماری صحبت خواهیم کرد — که آیا میتوانیم با جبر و زور سنت ها را مدرن کنیم و یا آنها را از بن ببریم؟ آیا کارهایی که در این زمینه کردند موفق بوده یا اینکه این سنت ها هنوز زنده هستند و ما باید آنها را در معماری رعایت کنیم؟

خوب حالا اگر بخواهیم خلاصه کنیم سؤال این میشود ارتباط سنت با محیط کالبدی (مقصود از محیط کالبدی، معماری یا حتی زیبایی خاگروبه و یا غیرو و هرچه که تولید میشود بصورت کالبدی) سنت بصورت يك فکر اجتماعی نقش موثری را بازی میکند و این واقعیتی است غیر قابل انکار حالا سنتها بعضی بصورت «آگاه» و بعضی ها عوامل ناشی از سنت هستند که بصورت «ناآگاه» هستند اصلاً اگر سنت را زیر پا بگذاریم عکس العمل انسانی صد درصد منفی خواهد بود. و همانطوریکه قبلاً خودتان مثال زدید اگر کسی احتیاج داشته باشد که در منزلش يك اتاق پذیرایی داشته باشد و اگر ما بهش اتاق پذیرایی ندهیم آن اطاف که برای خودش گذاشته ایم اتاق مهمان میکند و خودش در راهرو زندگی میکند — یعنی زندگی مهمانش را توی راهرو میگذارند. پس عملاً سنتها و عادات هستند که باعث

میشود يك ایرانی شب تابستان بنشیند در حیاطش و اگر ما بخواهیم این را از او بگیریم ممکنست دور حیاطش معجز بگذارد. ولی پشت آن حصیر میچسباند که باز بتواند در حیاطش بنشیند.

پس نتیجه میگیریم که اقداماتی که باعث تناقض دارد ممکن است يك عکس العمل منفی و یا شورش رقیق بوجود آورد.

الر بعضی سنتها بصورت «ناآگاه» میباشد که من فکر میکنم تا اندازه ای مهمتر میباشد. بدلیل اینکه دلیل ناراحتی روشن نمیشود این عامل بصورت يك مرحله ناآگاهی میباشد که در رفتار و عمل مردم تاثیر میگذارد این را نمیشود زود ارتباط به موضوع خصوصی داد. مثلاً یکی از محیطی بدش میآید ولی دلیلش را نمیداند که چرا بدش میآید و یا در يك معارفتی نمیخواهد برود — این يك دلیل «ناآگاه» میباشد ممکن است در فرهنگ ایرانی يك فرد نتواند در يك زیر زمین شب را براحتی بگذارد یا تفریح کند ولی مردم کشور های اروپائی در زیر زمین مهمانی میدهند آواز میخوانند و سرش تا نیمه شب را در زیر زمین میگذارند پس سنت خیلی مهم است و اگر منظور ما بوجود آوردن يك معماری انسانی باشد — باید انسانها و خواستههایشان را در نظر بگیریم، حتی خواسته هایی که روشن نیست و «ناآگاه» است. و اگر رفتار و یا خواسته های افراد را در نظر بگیریم عملاً نمیتوانیم معماری انسانی را بوجود آوریم.

وکیل زاده

در مورد نیاز استفاده از فضاهای باز و یا بسته — آیا این مربوط به صنعتی بودن یا کشاورزی بودن يك کشور نیست زیرا در کشور های صنعتی کار در زیر سقف تا اندازه ای روی مردم اثر میگذارد و یا در محیط کشاورزی محیط باز موثر میباشد.

دیبا: خوب شکی نیست که بگوئیم فرهنگ تکنولوژی از هر نظری تاثیر میگذارد. و حتی سنت ها را از بین برده یا تعدیل مینماید. منظور این است که اگر ما احساس میکنیم که يك انسان مقداری مکتب — العمل مثبت روی يك سیستم دارد (که در این سیستم فرضی سنت هم هست) پس خواسته ها و حتی تمایلات اجتماعی این شخص در این سیستم کنجانده شده. معمار باید جوابگوی این سیستم باشد. البته اگر منظور ما معماری انسانی است تصور میکنم حالا بمن حق میدهند که بگویم جوابگوی به سیستم تمایلات انسانی خیلی مهم است. اگر پای صحبت هر معماری بنشینم میگوید که من معمار انسانی هستم مردم را دوست دارم و ضد مردم یا قاشیست نیستم و به تمام گروهها و اقلیتهای اجتماعی احترام میگذارم و میخواهم برای آنها يك محیط بهتری بسازم. ولی جوابگوی به يك سیستم انسانی بستگی مستقیم به متدولوژی دارد. میتواند چند جور باشد يك وقت است که شما متدولوژی تان را میگذارید روی پلاستیک (یعنی در درجه اول پلاستیک) و جنیه های هنری آن مطرح است — من «فونکسیونل» بودن را میخواهم با معماری انسانی — تفکیک کنم «فونکسیون» جوابگوی يك مقدار از احتیاجات مکانیکی است، وقتی که من میگویم معماری انسانی، ما راجع به سنت و عادات و حتی تمایلات درونی مردم هم صحبت کرده ایم یعنی چیز هایی که به فونکسیون مربوط نیست.

فونکسیون یعنی دو دوتا چهارتا مثلاً يك خانه احتیاج به يك توالت و یا يك آشپزخانه دارد ولی مسئله مهم این است که ببینیم در این توالت شخص صفا میکند! یا در این آشپزخانه زن خانه دار میخواهد

هرچه زودتر آشپزی را تمام کرده و از آنجا خارج شود من فکر میکنم این اشتباه راهمه میکنند — معماری «فونکسیونل» از نظر من آن معماری است که تمام احتیاجات مکانیکی يك کالبد را برآورده کند در نظر گرفتن احتیاجات اولیه انسانی کافی نیست — يك عامل انسانی بستگی دارد به تمایلات درونی و مشخصات يك انسان و باگروه های اجتماعی و یا طبقاتی یا ارتباط فرهنگ گذشته این قشر ها یا فرهنگ امروز آنها و تمام عکس — العمل های ممکنه. اگر احتیاجات این سیستم های انسانی را به بهترین وجه پیاده کنیم همانطوریکه يك نمایشنامه را می دهند دست يك کارگردان و مقداری بازیگر هم دارد و چگونگی استفاده از این عوامل مطرح میشود و موفقیت او بستگی پیدا میکند به چگونگی استفاده — ما هم اگر بتوانیم جوابگوی سیستم احتیاجات معنوی انسانی باشیم در جهت معماری انسانی موفق بوده ایم.

ارجمندی

آیا بین فونکسیونهای جدید ناشی از تکنیک از طرفی و سنت و خصوصیات درونی انسان، از جانب دیگر تناقضی موجود است؟ این تناقض چطور میتواند حل شود؟

دیبا: نیروهای دینامیک و متحرک دائماً يك مرحله انتقالی را در فرهنگ و شخصیت تثبیت مینمایند. یکی از نیرو ها که در تغییر شکل جوامع امروزی نقش بازی میکند تکنولوژی و «اتومیشن» است (منظور سیستم بندی کردن عوامل ماشینی و کنترل آن از طریق رده بندی و نیرو) فرض کنیم که نیروی اثرش سیستم G را بسازد حال برای ما بعنوان آرستیک این مطرح هست که سیستم G را در نظر بگیریم و جوابگوی آن باشیم حالا اگر تکنیک مقداری از

سبب ها را از بین می برد و طرز فکر مردم را عوض میکند - اگر موفق شده فکر مردم را بکلی از سنت دور کند این برای ما مطرح نیست ولی آن سردمی که ضرورت های G را در زندگی خود احساس میکنند آن مطرح میشود پس در معماری انسانی سنت صرفا برای خردش مطرح نیست البته معمار میتواند از خودش ایده تئولوژی مخصوصی داشته باشد و تا اندازه ای آنرا تحمیل کند - ممکن است معماری باشد که بر علیه تکنیک و غیر انسانی شدن اجتماعش شروع کند و از آن طرف یکنفر هم بخواهد تکنولوژیک را سبب و مادی باشد و تمام عوامل معنوی را از بین ببرد و یک زندگی ماشینی بوجود بیاورد - و با از طرفی هر دوی این افکار به موازات هم موجود باشد منظور من این است که یک موقعیت اجتماعی هست حالا اگر تکنیک آنقدر نقش بازی میکند که آدمی فکر کند احتیاج ندارد غذا بخورد یعنی میخواهد حب بخورد و این یک واقعیت است و من به عنوان یک آرشیستک باید دید نگاه میکنم که این انسان دلش میخواهد حب بخورد و راضی است - روی این اصل اگر بخواهم خدمتی براهش انجام داده باشم باید در جهت فکری خودش باشد بعضی اوقات حس میکنم این اشکال هست که مثلا سیستم آموزشی مایک سیستم غربیست و از یک الگوی غربی تهیه شده است روی این اصل ما هم یک مقدار ارزشهای غربی را اخذ کرده ایم (چه آنها که در ایران تحصیل کرده و چه در خارج) طرز فکر غربی ما باعث میشود که بین ما و توده های مردم خودمان و حتی طبقات متوسط حلال ایجاد شود روی این اصل چون ما حس میکنیم که کمی جلوتر از دیگران می بینیم (ممکن است این حس ما غلط باشد) و چون ما حس می کنیم که ما هم داریم جهت تحولات صنعتی اروپایی را طی میکنیم - روی این اصل یک مقداری از تجربیات غربی و افغانانی را که در غرب اتفاق افتاده - به عنوان عوامل اجتناب ناپذیر قبول میکنیم - ممکن است برای قشرهای زیرین اجتماع ایرانی مطرح نباشد که یک عمارت قدیمی را نگه داریم - ولی چون ما فکر میکنیم ۲۰ سال دیگر

طبقات عمومی حس کنند که در گذشته عمارتهای قدیمی میبایست بعنوان یادگار حفظ شود پس عملا ما احساس مسئولیت میکنیم - من فکر میکنم خیالی دهانی هائی باشند که معنی و مفهوم نگه داشتن تخت جمشید را نفهمند و نگهداری آن برای آنها مطرح نباشد. متأسفانه در اجتماعی که خلاء فرهنگی هست این نوع تناقض هست روی این اصل تا اندازه ای در کشور هائی نظیر ایران که توسعه به صورت منظم نیست (از نظر شهر نشینی توسعه سریع تر است - و توسعه کشاورزان بنحوی دیگر است) نتیجتا دو فرهنگ دارد سیر می کند و در حال تحول است یکی فرهنگ دهقانی و یکی فرهنگ شهر نشینی البته اختلاف این دو دارد شدید تر میشود فکر میکنم بتوانیم با وسائل ارتباطی عمومی که البته خوشبختانه شروع شده مثلا تلویزیون و رادیو تا اندازه ای این اختلاف را تسطیح بکنیم ولی تا وقتی این امر انجام نشده است ما باید قضاوت کنیم و تعبیراتمان را تا اندازه ای تحمیل کنیم -

ارجمندی

معمار روی چه میانی قضاوت باید بکند و چه اصولی مطرح میشود -

دیا - من فکر میکنم که رشته معماری در آینده بغرم یک دیسپلین کلکتیو درآید ولی هنوز مخصوصا در ممالک ما یک فرم خیلی فردی را دارد روی این اصل اگر ما از نظر ایرانی به این مسئله نگاه کنیم فکر میکنم یک معمار یک فرد است و باید خودش بتواند قضاوت کند ما نمیتوانیم الگوی داشته باشیم خود معمار باید قضاوت کند اگر ما به رشد بیشتری برسیم و بتوانیم یک مقدار سئوالات ابتدائی خودمان را جواب بدهیم در آن مرحله ما میتوانیم راجع به خط مشی و غیره صحبت نماییم - ولی به آن چه که خود من معتقدم معماری انسانی بعنوان یک متدولوژی میباشد یعنی ما اگر شروع کارمان بر مبنای پلاستیک یا آرشیستیک یا جغرافیائی و فونکسیونل نباشد و بر روی اصول انسانی پایه گذاری شود فکر میکنم تا اندازه ای جوابگوی مشکلات مطرح شده باشد پس مسئله ایک مطرح میشود اتفاقاتی است که در مدت دیدار فردی از یک

محیط کالبدی روی میدهد - تجربیات بصری و سمعی پس اجتماعی این فرد یا گروه و برداشت آنها از این محیط برای من مطرح هست بعد بگوئیم از نظر آرشیستیک فرم چه باید باشد این یک نوع وسیله است نه هدف اگر شخصا من یک پروژه ای انجام بدهم موفقیت را وقتی حس میکنم که این پروژه از نظر دید های انسانی موفق باشد و فرم پلاستیک آن در درجه دوم اهمیت قرار دارد باید گفت پلاستیک جهت دهنده یا جا دهنده است -

ارجمندی

حال می بینیم که معماری بستگی شدید با اجتماع دارد یعنی یک آرشیستک باید اجتماع را بشناسد و منعکس کننده آن در کارش باشد از جانب دیگر با تکنیک رابطه دارد از طرفی پلاستیک خارجی و داخلی است که اشاره شد بنابراین بنظر شما مسئله هنر در معماری بچه شکل مطرح میشود -

دیا - از نظر من هنر وسیله است که بصورت طبیعی اتفاق می افتد - آن را آدم کپی هم میتواند بکند این ممکن است از نظر بعضی بعید باشد یک معماری اگر انسانی باشد هیچ مهم نیست که مثلا یک فاساد « لوتوبوزیه » را عینا کپی کنیم و یا فرم دیگری را که فکر میکنم مناسب است -

مثلا دیده ام بعضی آرشیستک ها صحبت میکنند فلانی زیاده خلق نیست اثر فلانی در کارش موثر است این مسئله بچه گانه است برای اینکه آن معماری هم که اثر کسی در کارش نیست نفوذ آن کار معماری درجه دوم در کارش هست و آن هم که خودش را راضی می کند که دیگری تحت تاثیر فلان کس است خودش تحت تاثیر کاری است که توی هر خیابان متوسط تهران موجود است - عملا همه تحت تاثیر و تاثیر بردار هستند -

ارجمندی

پس جنبه هنری معماری بچه شکل در می آید -

دیا - من فکر میکنم هنر معمار در این است که بتواند این موامل انسانی را به بهترین وجهی در محیط کالبدی تنظیم کند - من از

معماری انسانی تبعیت میکنم ولی در پروژه هائی که عمل کردم ممکن است این مسئله حس نشود خیلی ها بگویند جنبه پلاستیک دارد ولی برای خود من چیزی که مطرح است پلاستیک نیست برای اینکه پلاستیک ارزشنا و اختراعی نیست -

روی این اصل اگر توی یک مجله که ورق می زنم فرمی پیدا شود که به درد بخورد از نظر من قابل استفاده میباشد. ماهمیشه از اشکال هندسی کپی میکنیم - هیچوقت یک فضای مدور یا غیرو ارزشنا نیست همچنین یک مثلث یا دوزنقه - خوب اگر شما یک کمی پایتان را آن طرف تر بگذارید هیچ پنجره ای هم فکر نمی کنم ارزشنا باشد - بالاخره مفهوم اصلی پنجره موجود بوده و ما تغییرات کوچکی در دتای آن داده ایم - جنبه های هنری عوامل شخصی هستند که یا در معمار موجود است یا نیست، سیستم آموزشی به شناخت و تقویت این استعداد ها کمک میکند

ارجمندی

این گفته شما کاملا صحیح به این ترتیب که انتقادی هم بر معماری مدرن هست که فضا ها همان فضا های هندسی و اقلیدسی گذشته است و معماری مدرن نتوانسته فضا های جدیدی ارائه دهد به دنبال این بحث موضوعی امروزه پیش می آید بجای فضاهای هندسی و اقلیدسی گذشته امروزه در معماری بحث از فضا های - ریمان و فضاهای بیش بعدی میکنند بجای فضا های سه بعدی که در طول و عرض و ارتفاع جریان داشته فضا هائی که در لبه بالکن ها در فاصله بین خانه و خیابان ها و تمام عوامل طبیعی در جریان است فضا هائی که بیشتر جنبه روانی و غیر فیزیکی دارد - راجع به این مسئله چطور فکر میکنید آیا آنها میتوانند در صورت مطالعه فضاهای جدید باشند -

دیا - گفتم من اصولایی بوجود آوردن پلاستیک جدید سیستم ولی البته نمی گویم اشخاص دیگر هم نباشند ممکن است بعضی آرشیستک ها بی خلق فضا های جدید باشند، و این را هم منکر نمی شوم که وقتی روی یک مجموعه و با ساختمان کار می کنم فضا برای من خیلی

* فونکسیون - احتیاجات آگاه انسانی - احتیاجات ابتدائی روزمره (اداری و رسمی)
* عوامل انسانی - ابعاد فرهنگی و اجتماعی و واکنشهای غیرفرومال اجتماعی

٢٠٠٠ (ج. ٢)

10

درام حدادی (حدایان و حدیثی)

(5)

مجلس آباء و مولود و حائضه و نامبرونه نفس و حرکت و لا
رآوده و بایان اخص کنه

برخیزد نفس و حرکت را

بہار

میرزا حسن علی

خانی ۹۰۰۰



یکی از ساختمانهای پرفابریکه نصب شده در کارخانه ذوب آهن ایران - اصفهان
در حدود ۷۵ درصد ساختمانهای ذوب آهن ایران توسط شرکت ساختمانهای فولادی
ایران (سوله) ساخته شده است

شرکت ساختمانهای فولادی ایران - سوله

IRAN STEEL BUILDING CORPORATION-SOULE

آدرس : تهران - خیابان شاه عباس کبیر شماره ۱۴۶
تلفن - ۶۲۸۷۴۸ - ۶۲۵۴۳۴ - ۶۲۳۸۴۸

146, SHAH ABBAS KABIR AVENUE - TEHERAN
TELEPHONE NOS : 623848 - 625434 - 628748

آیا با پیشرفت کارتان
از نظر توسعه ساختمانی
در مضيقه ايد ؟
آيا احتياج به فروش
بيشتر، انبار حجيم تر،
فضای بزرگتر برای
مؤسسات خود داريد ؟



سوله



اگر با مشکلات فوق
روبرو هستيد

سوله

مشكل گشای شما است .
نماينده انحصاری در ايران
شرکت ساختمانیهای فولادی
ایران

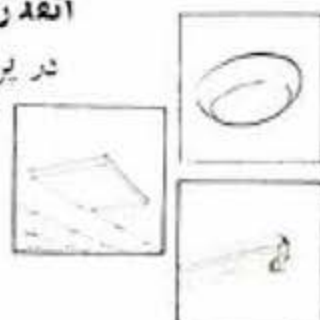
سوله

تلفن } ۶۲۵۴۲۴-۶۲۸۷۴۸
۶۲۳۸۴۸

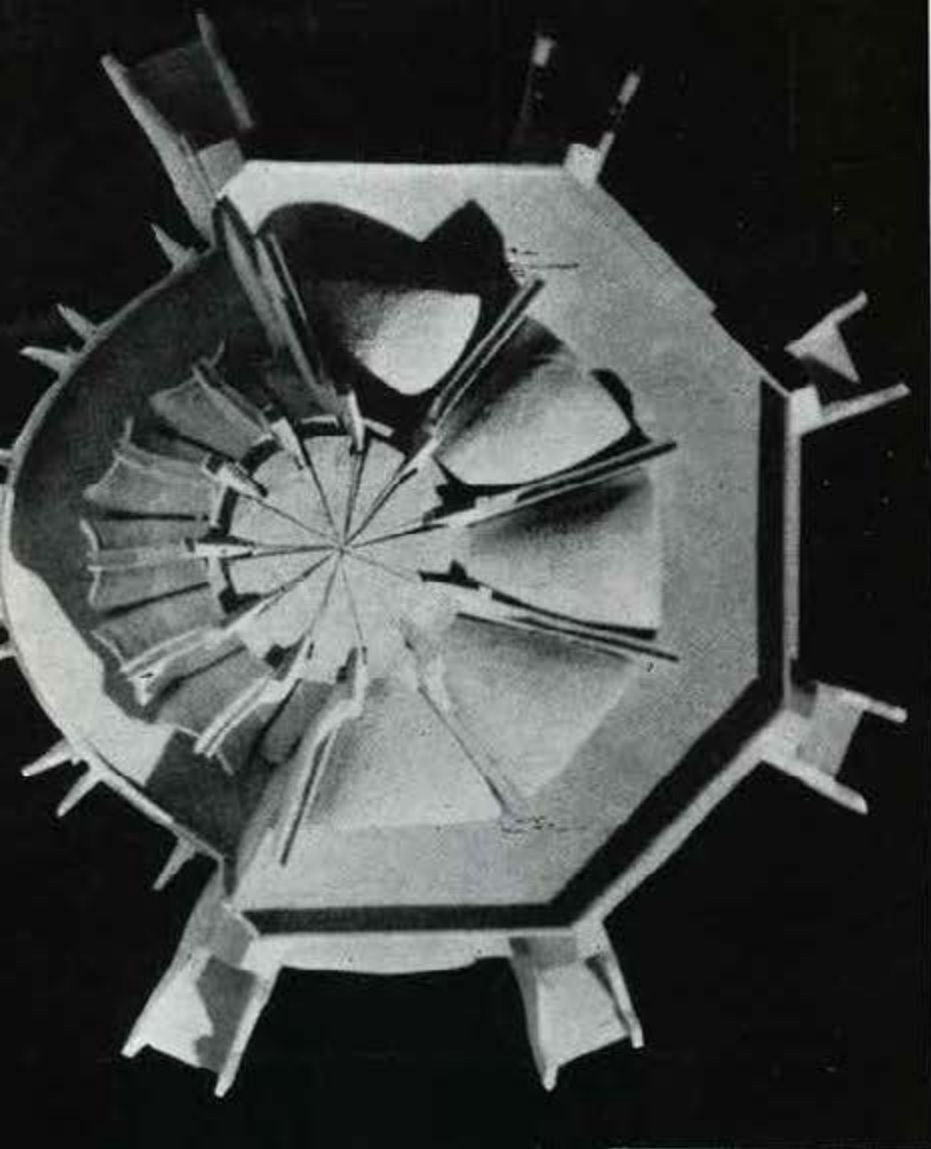
نور کافی نوافرم

نه چندانکه چشم را بیازارد و نه
آنقدر که روح را کسل سازد
در بر تو نور یکنواخت چراغهای
نوافرم خیابانها زیباتر ،
اطاقها با شکوه و ساختمانها
عجلل تر جلوه می کنند

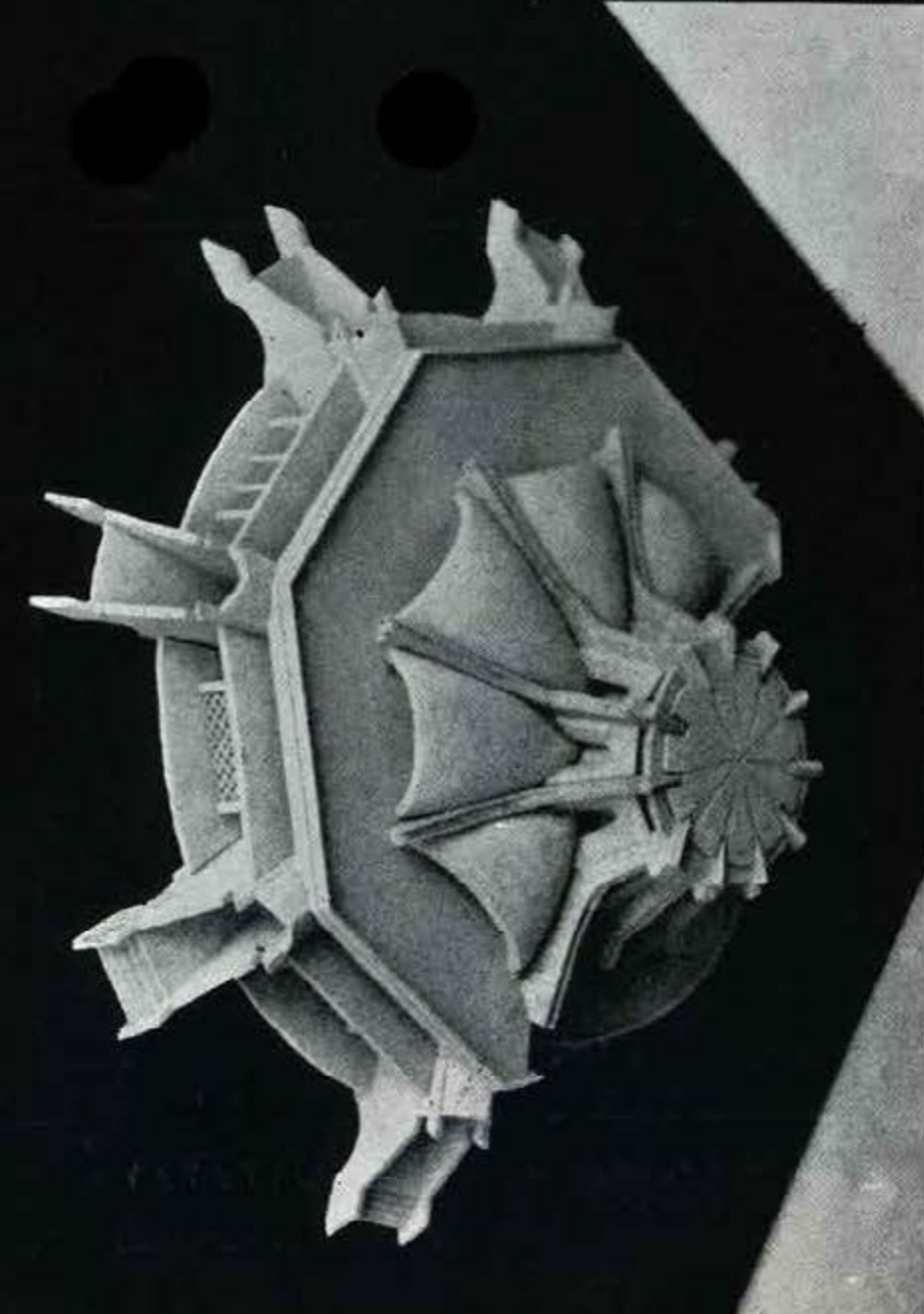
با متخصصین نوافرم
برای ایجاد نور مناسب و کافی ، اداره ، منزل ،
بیمارستان - بارک و اطاقهای خود مشاوری کنید



شرکت سهامی نوافرم - دفتر مرکزی خیابان زردشت
شماره ۹۲ تلفن ۶۲۲۰۶۸
شعبه - جمشیدآباد جنوبی شماره ۱۶۴ تلفن ۶۰۰۴۷



مسابقه طرح تئاتر اصفهان



آقایان : هوشنگ اشراق
خاوری مهندس معمار
فریدون داور پناه مهندس
معمار

جواد حاتمی مهندس معمار
جوایز خود را بشرح زیراز
دست علیاحضرت شهبانو دریافت
نمودند : جایزه اول برای بهترین
طرح از آقای مهندس اشراق سیصد
هزار ریال

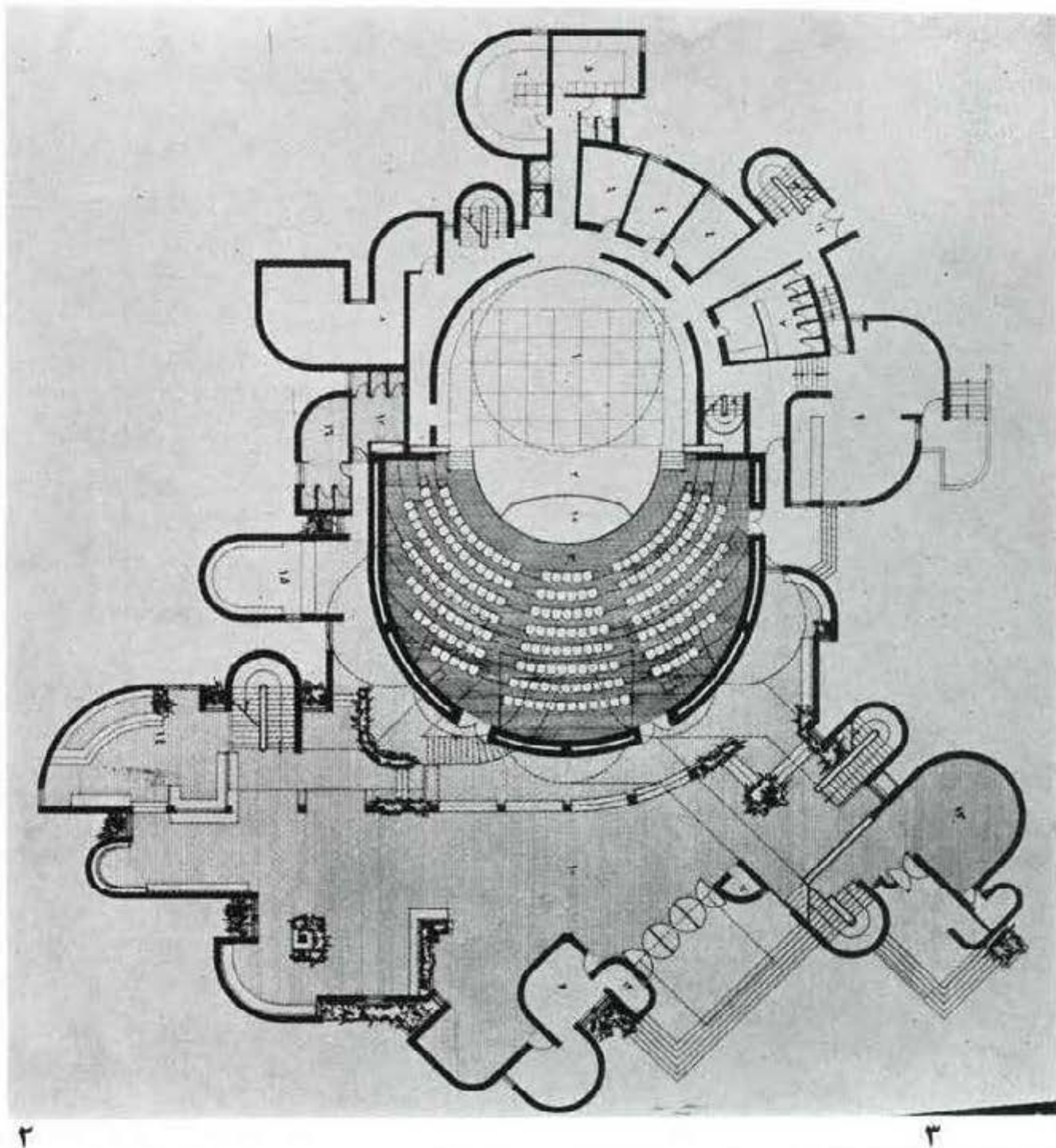
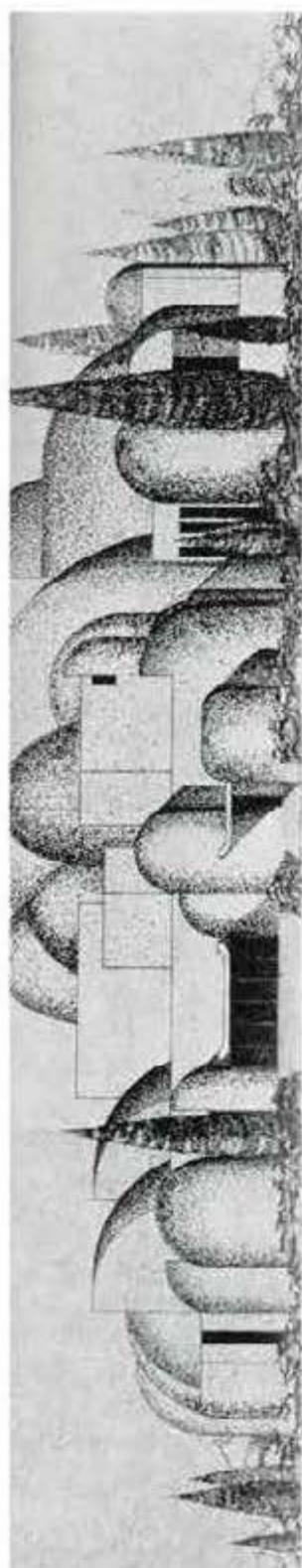
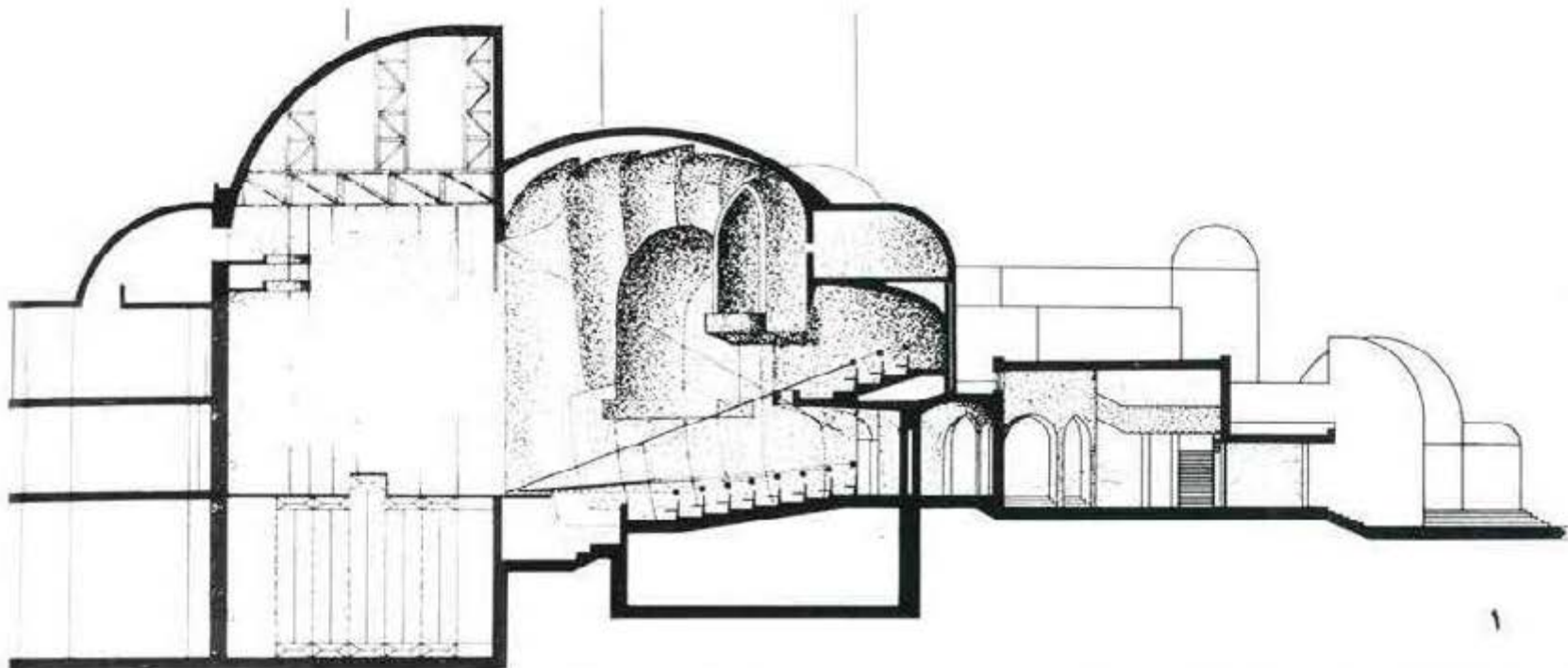
نفر دوم آقای مهندس داورپناه
دویست و پنجاه هزار ریال
نفر سوم آقای مهندس جواد
حاتمی صد و پنجاه هزار ریال

برندگان مسابقه
طرح تئاتر اصفهان

سه نفر از آقایان مهندسين
که بهترین طرح را برای تئاتر اصفهان
تهیه نموده بودند بحضور علیاحضرت
شهبانو بار یافتند.

توضیح عکس :

دو عکس از ماکت طرح مهندس اشراق خاوری نفر اول
مسابقه .



۱ و ۲ و ۳ به ترتیب برش طولی - نمای اصلی و نقشه طبقه اول ، طرح از مهندس فریدون

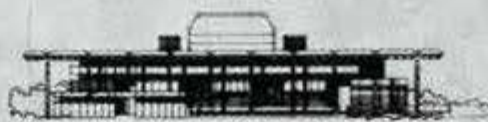
داورپناه نفر دوم مسابقه تئاتر اصفهان



THEATERBAU IN ISFAHAN. NORTH ELEVATION



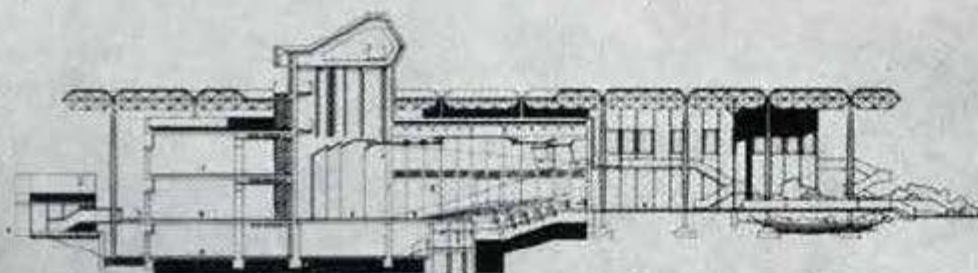
THEATERBAU IN ISFAHAN. WEST ELEVATION



THEATERBAU IN ISFAHAN. SOUTH ELEVATION



THEATERBAU IN ISFAHAN. EAST ELEVATION



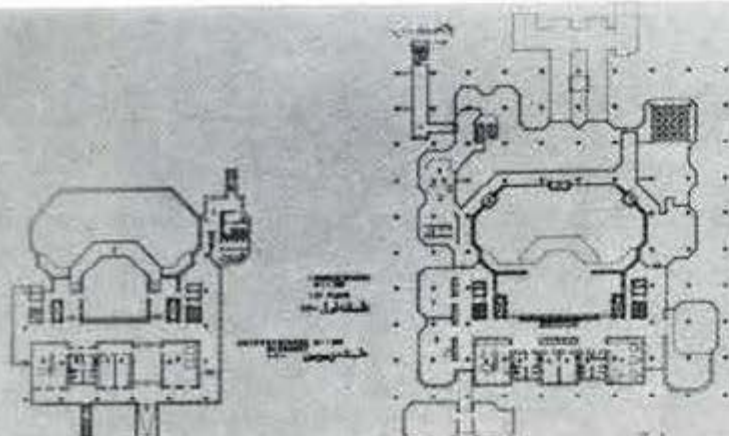
THEATERBAU IN ISFAHAN. SECTION

THEATERBAU IN ISFAHAN

LEGEND

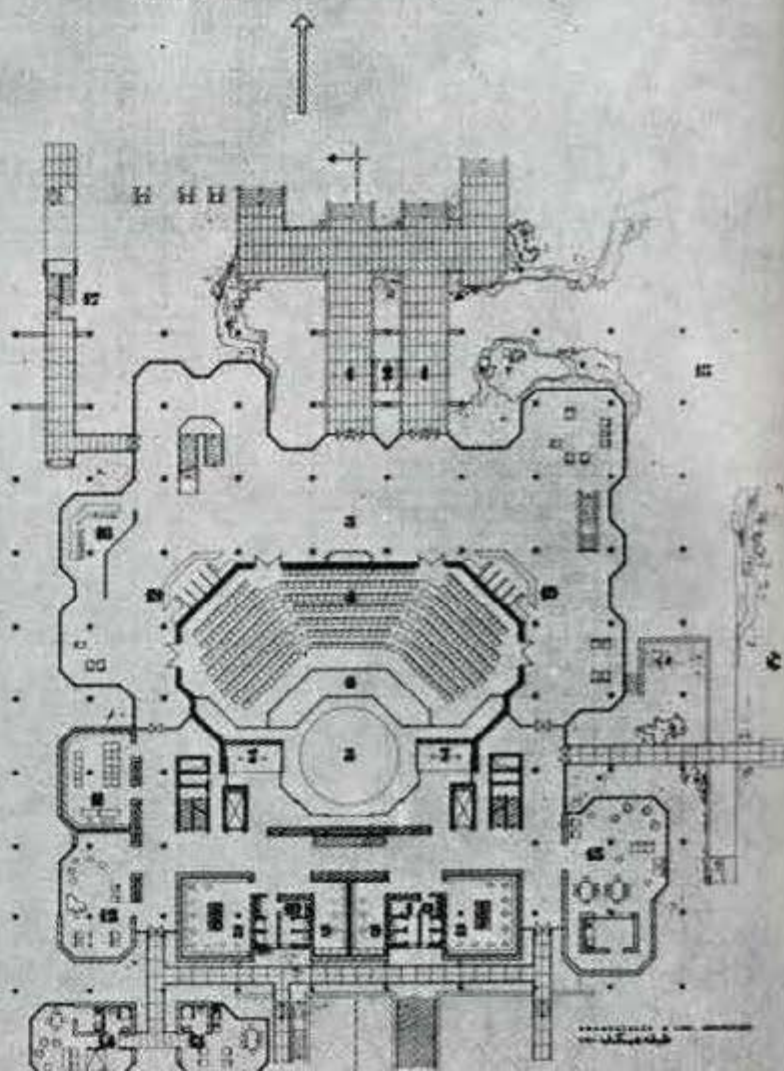
1	PROSCENIUM
2	SEATING
3	STAGE
4	ORCHESTRA
5	LOBBY
6	BOXES
7	STAIRS
8	ELEVATOR
9	RESTROOMS
10	BAR
11	CLUB
12	OFFICE
13	STORAGE
14	ENTRANCE
15	EXIT

و نما و مقاطع طرح سوم تئاتر اصفهان . طرح از مهندس جواد حائمی



THEATERBAU IN ISFAHAN KLINGBEINER PER 500 KURSE GRUNDRISS

مهندس مکتوبی و مهندس



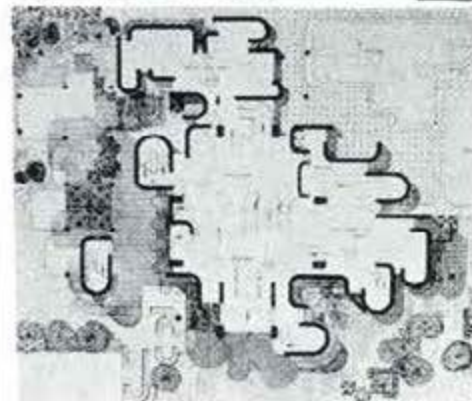
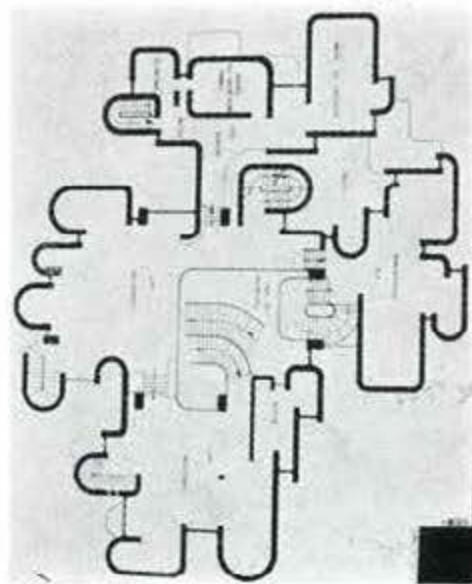
LEGEND

1	PROSCENIUM
2	SEATING
3	STAGE
4	ORCHESTRA
5	LOBBY
6	BOXES
7	STAIRS
8	ELEVATOR
9	RESTROOMS
10	BAR
11	CLUB
12	OFFICE
13	STORAGE
14	ENTRANCE
15	EXIT

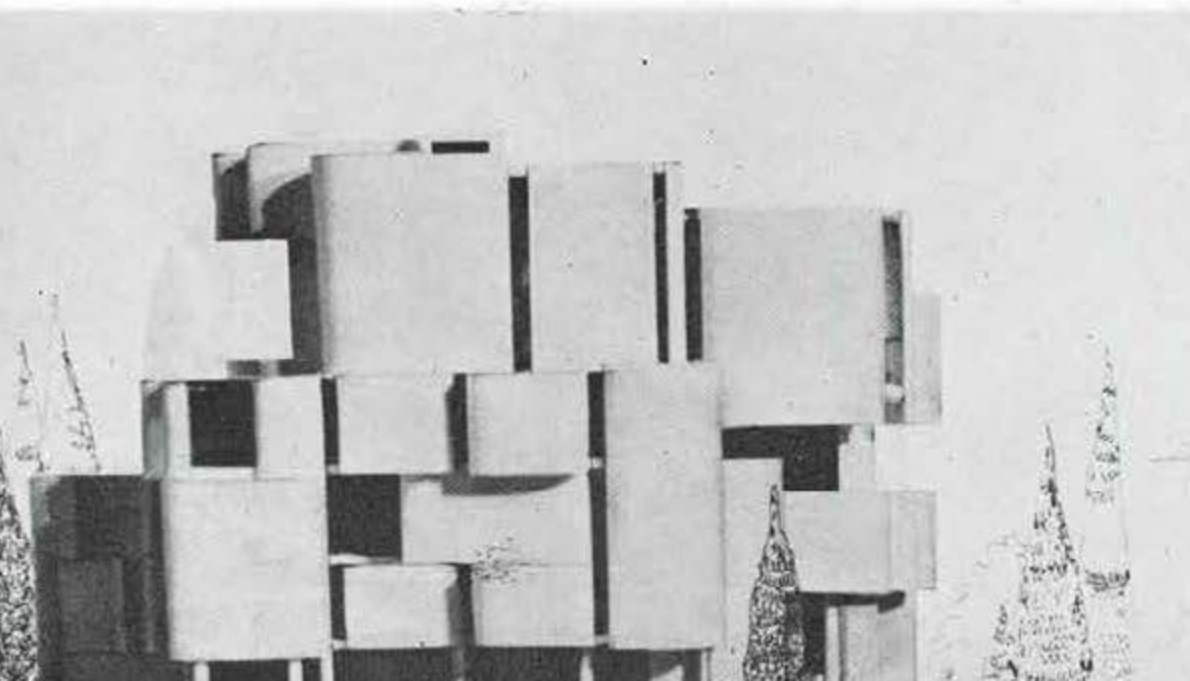
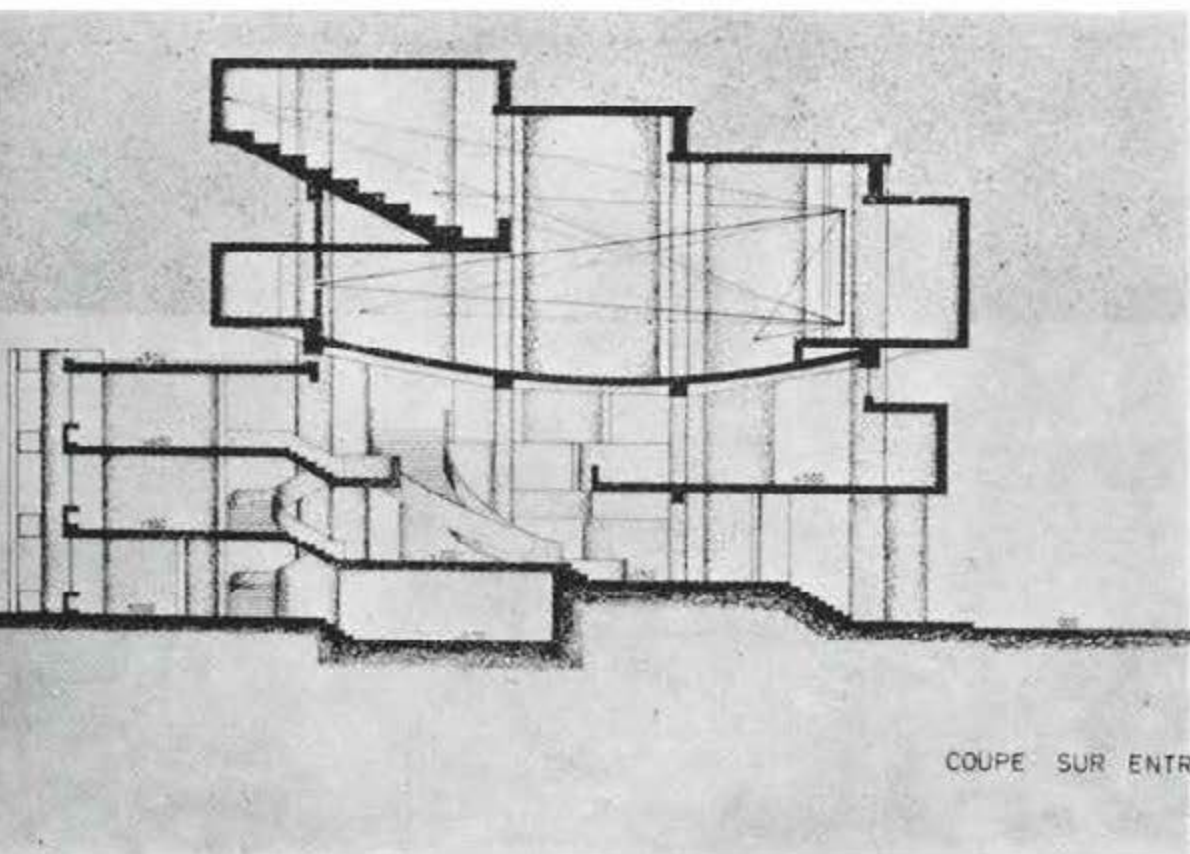
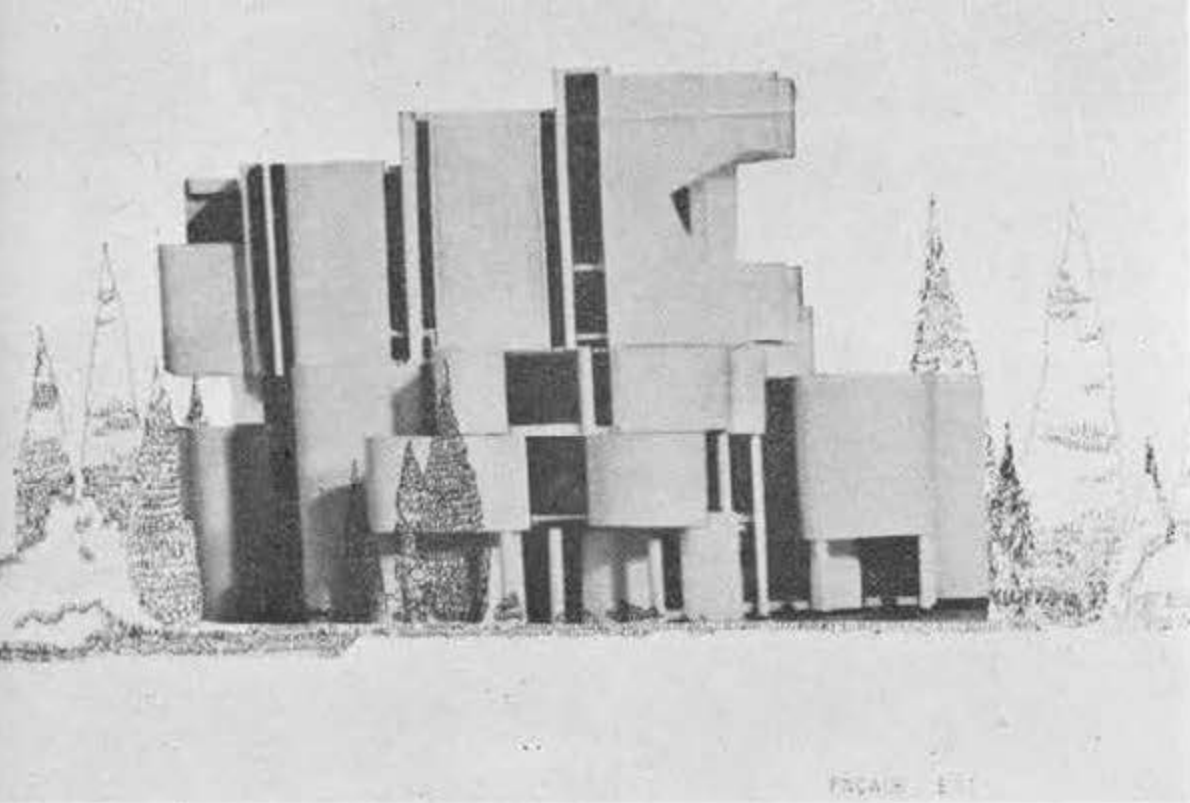
کانون مهندسين فارس

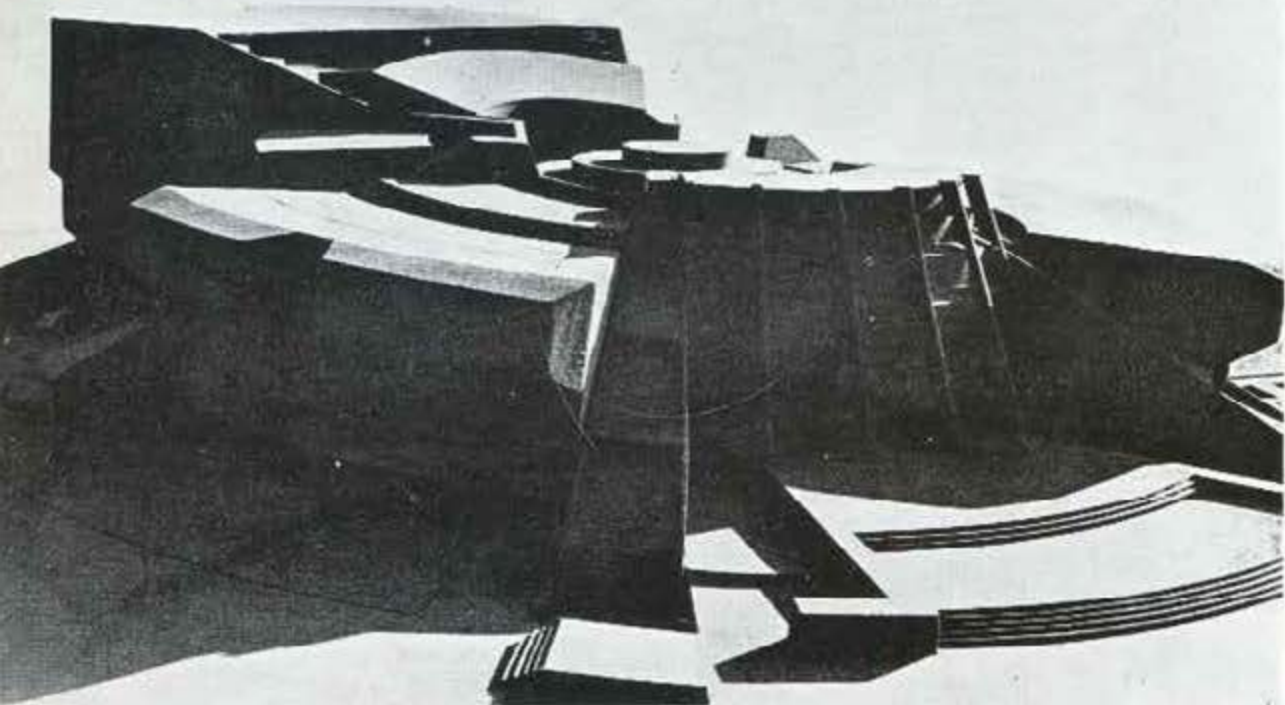
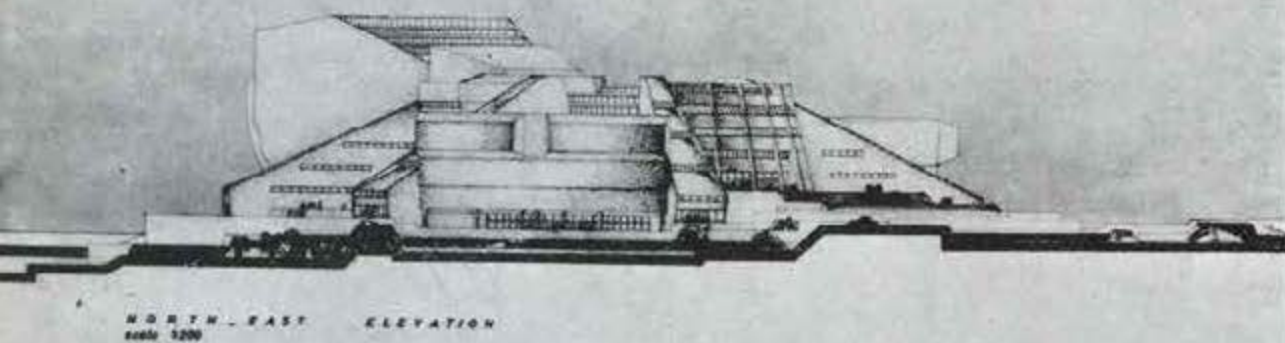
طرح از مهندس فریدون داورپناه
از طرف کانون مهندسين استان فارس
شعبه استان فارس تقاضا شده
طرحی برای کانون مهندسين آن
استان تهیه گردد. تهیه این طرح
به مهندس فریدون داورپناه واگذار
گردید. زمین این بنا در محل جبهه
شمالی پارک فرح در شهر شیراز
و در زمینی به مساحت ۲۴۰۰ متر
مربع می باشد این بنا شامل قسمت
های ورودی اطلاعات سرسرای
ورودی - رستوران - کافه تریا -
کتابخانه - سالنهای بازی استخر
در هوای آزاد و سالن کنفرانس
برای ۴۰۰ نفر دبیرخانه کانون و
مهمان سرا می باشد. در این بنا به
علت کمبود زمین برای حل روابط
داخلی طرح به نحو احسن سالن
نظیم کنفرانس در طبقه آخر قرار
داده شده.

سایر طبقات عبارتند از طبقه
هم سطح طبقه کتابخانه طبقه رستوران
و دبیرخانه و طبقه آسفی نادر و مهمان
سرا.



توضیح عکس ها از بالا به پایین
به ترتیب: نقشه طبقه رستوران - نقشه
طبقه هم کف - نمای شرق مقطع از
سالن اجتماعات - نمای غرب





برنامه ساختمان يك مركز بين المللی در تهران

پروژه دبیرم آقای مهندس علی
نابوری

استاد راهنما دکتر پرویز وزیری

۱- وضعیت عمومی :

شهر تهران که پایتخت کشوری
غنی از نظر تاریخ و زیباییهای
هنری میباشد دارای مزایای متعدد
ومساعد برای توسعه فعالیتهای
مختلف میباشد.

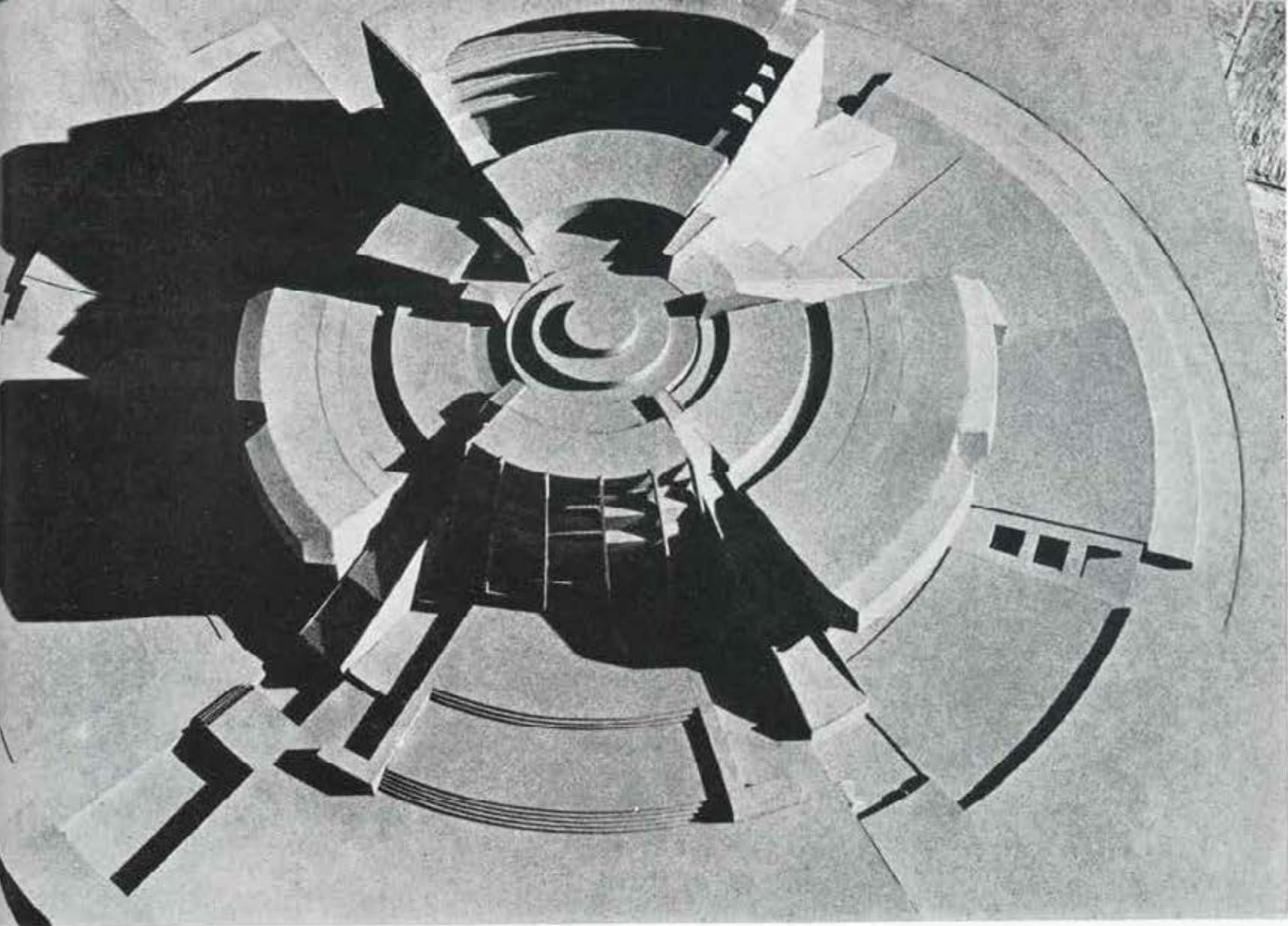
این شهر يك وضعیت جغرافیائی
مرکزی دارد. فاصله مساوی بین
مراکز بزرگ اقتصادی اروپای غربی
و آسیا قرار دارد و نیز با فاصله
مساوی بین دواير مهمه سازمان
ملل و نووانكوك قرار دارد ارتباطات
آن با خارج در جهت شرق و غرب
و همچنین در شمال و جنوب عالی
میباشد.

شبكة ارتباطات بین المللی آن
رضایت بخش است و ضرورت دارد
که تا چند سال دیگر تقویت گردد
فقط در سورتیکه بعدا مسافر و
جهانگرد زیاد گردد از نظر هتلداری
تجهیزات آن کافی بنظر نمیرسد
و باید در آتیه نزدیکی ازدیاد یابد.
از نظر عمومی وضعیت نیز
خوب است. سیاست توسعه
اقتصادی واجتماعی همکاری بین-
المللی بطور دامنهدارو مصممانه ای
از طرف دولت تعقیب میشود و این
امر برای آینده يك تضمین محکم
از جهت ثبات واستقرار است.

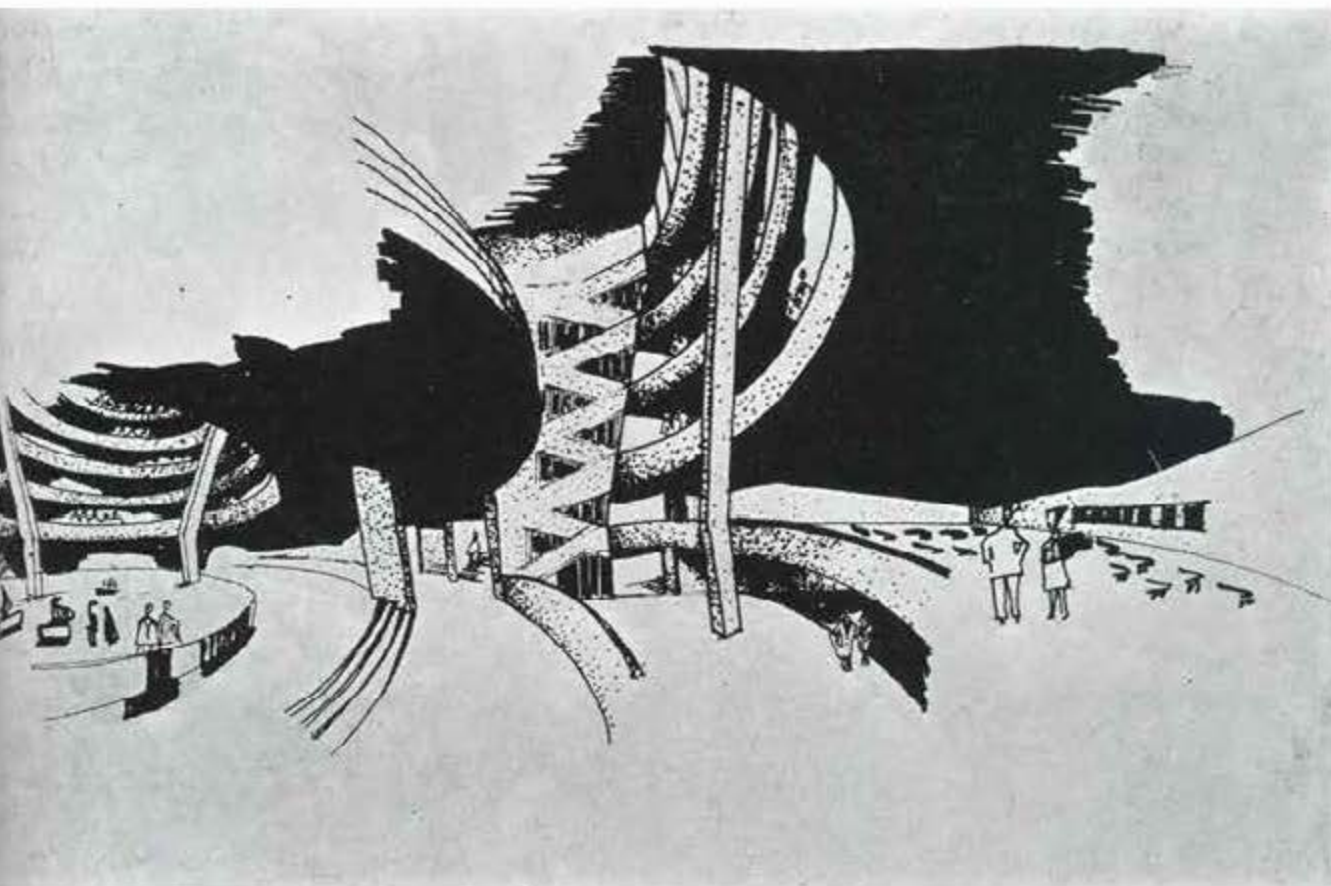
همان نوازی قدیمی ملت
ایران را براین عوامل گوناگون باید
اضافه کرد و اینها عوامل مساعدی
هستند که تهران را بمقام يك مرکز
بین المللی میرساند.

نباید پنهان داشت که يك
ازدیاد فعالیت بین المللی مخصوصا
بصورت اجتماعات مختلط دولتها
متضمن تحمیلات مالی میباشد که
ممکن است برای يك ملت که درآمد
های عمده او باید مصرف توسعه
وبجایده حمایت اقتصادی واجتماعی
خود برسد خیلی سنگین باشد.
معهذا این هزینه ها بامنافی از
نوع معنوی ومادی معنای جبران
میشود.

بطور کلی دعوتیانی که از
سازمانهای بین المللی میشود که
جلسه مجمع عمومی یا شورای خود



۱ و ۳ به ترتیب عکس‌هایی از ماکت و یک پرسپکتیو داخلی

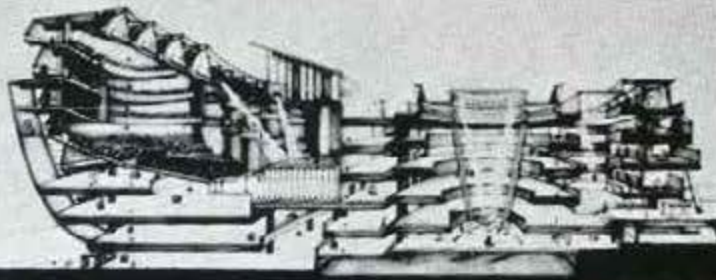


۱
را در يك کشور تشكيل دهند از طرف دولت های میزبان دلیل علاقه آنها بر اصول اساسی این سازمان می‌نامند.

بعلاوه آمدن شخصیت های سیاسی - دیپلمات‌ها و کارشناسان و متخصصین فنی کشورهای مختلف جهان در يك کشور تماسی باخارج را زیاد میکند.

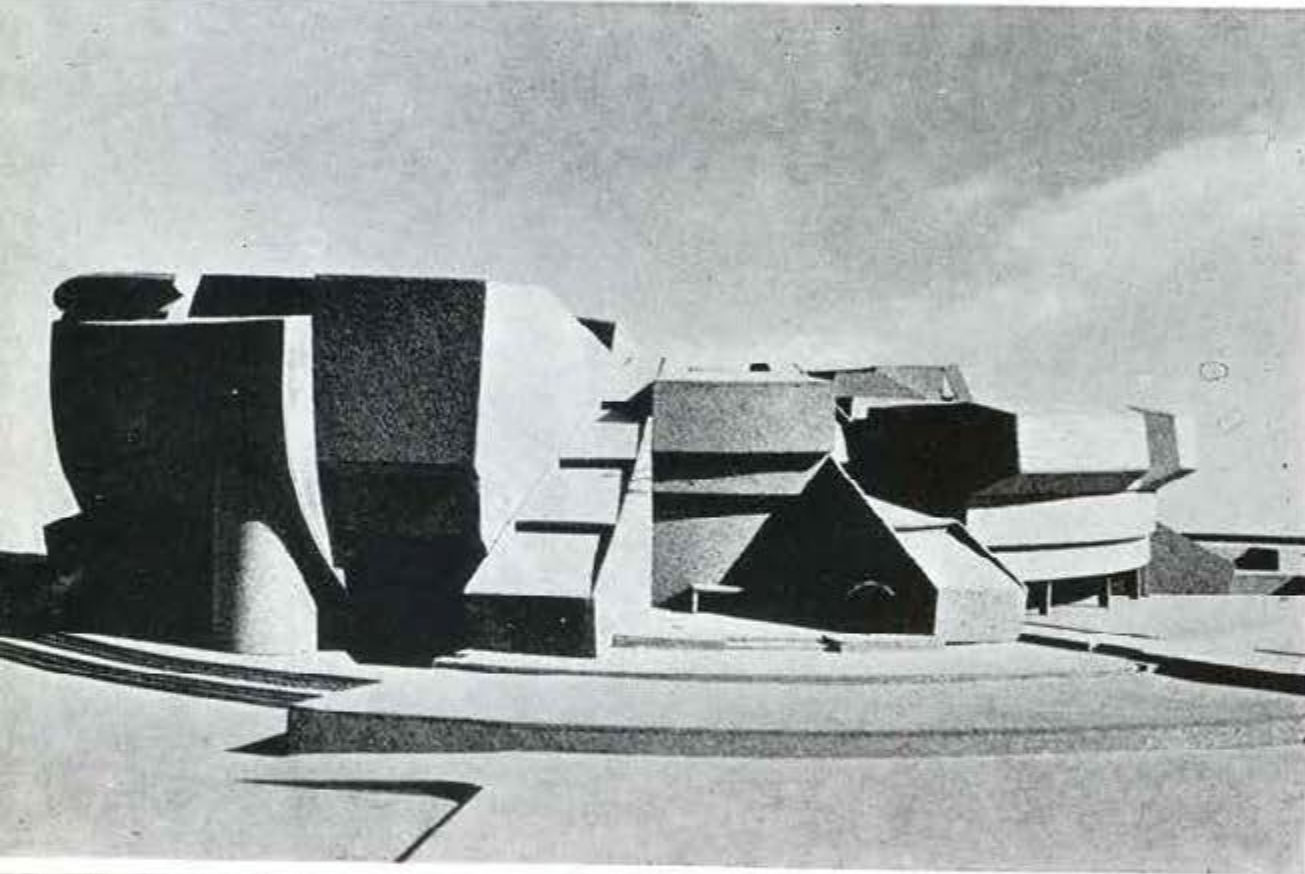
از نظر اقتصادی ورود زیاد خارجی‌ان دارای مزایایی برای بازرگانی و صنعت میباشد. این حقیقت در مورد اجتماعات بزرگ حرفه‌ای خصوصی نیز بیشتر مشهود است. این اجتماعات تعداد قابل توجهی از اعضای خود را همه ساله در يك محل متمرکز می‌سازد و در انتخاب محل اجتماع خود بیشتر برابر سازمانهای بین-المللی دولتی می‌روند.

در طی سالهای اخیر تعداد کنفرانس های بین‌المللی که در تهران تشکیل یافته است رویتزاید بود، تا این تاریخ بواسطه مهمان نوازی دولت ایران و صلاحیت گروه کوچکی از مردان فداکار این کنفرانس‌ها با شرایط خوبی و با

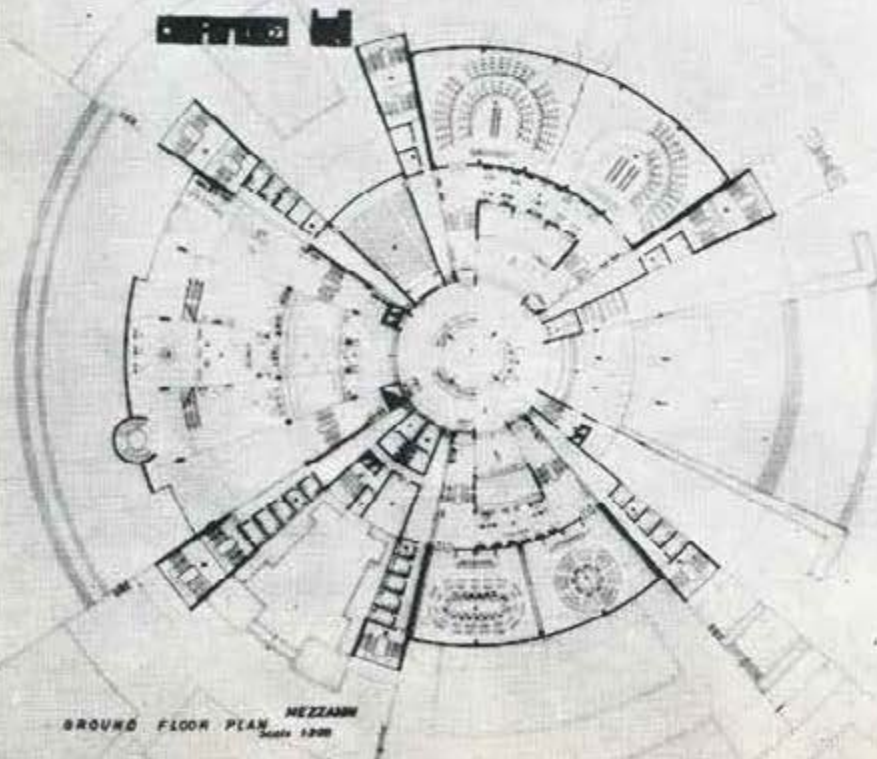


PERSPECTIVE OF SECTION AA

- 1. ENTRANCE HALL
- 2. ENTRANCE LOBBY
- 3. LOBBY
- 4. LOBBY
- 5. LOBBY
- 6. LOBBY
- 7. LOBBY
- 8. LOBBY
- 9. LOBBY
- 10. LOBBY
- 11. LOBBY
- 12. LOBBY
- 13. LOBBY
- 14. LOBBY
- 15. LOBBY
- 16. LOBBY
- 17. LOBBY
- 18. LOBBY
- 19. LOBBY
- 20. LOBBY
- 21. LOBBY
- 22. LOBBY
- 23. LOBBY
- 24. LOBBY
- 25. LOBBY
- 26. LOBBY
- 27. LOBBY
- 28. LOBBY
- 29. LOBBY
- 30. LOBBY
- 31. LOBBY
- 32. LOBBY
- 33. LOBBY
- 34. LOBBY
- 35. LOBBY
- 36. LOBBY
- 37. LOBBY
- 38. LOBBY
- 39. LOBBY
- 40. LOBBY
- 41. LOBBY
- 42. LOBBY
- 43. LOBBY
- 44. LOBBY
- 45. LOBBY
- 46. LOBBY
- 47. LOBBY
- 48. LOBBY
- 49. LOBBY
- 50. LOBBY
- 51. LOBBY
- 52. LOBBY
- 53. LOBBY
- 54. LOBBY
- 55. LOBBY
- 56. LOBBY
- 57. LOBBY
- 58. LOBBY
- 59. LOBBY
- 60. LOBBY
- 61. LOBBY
- 62. LOBBY
- 63. LOBBY
- 64. LOBBY
- 65. LOBBY
- 66. LOBBY
- 67. LOBBY
- 68. LOBBY
- 69. LOBBY
- 70. LOBBY
- 71. LOBBY
- 72. LOBBY
- 73. LOBBY
- 74. LOBBY
- 75. LOBBY
- 76. LOBBY
- 77. LOBBY
- 78. LOBBY
- 79. LOBBY
- 80. LOBBY
- 81. LOBBY
- 82. LOBBY
- 83. LOBBY
- 84. LOBBY
- 85. LOBBY
- 86. LOBBY
- 87. LOBBY
- 88. LOBBY
- 89. LOBBY
- 90. LOBBY
- 91. LOBBY
- 92. LOBBY
- 93. LOBBY
- 94. LOBBY
- 95. LOBBY
- 96. LOBBY
- 97. LOBBY
- 98. LOBBY
- 99. LOBBY
- 100. LOBBY



PERSPECTIVE OF SECTION AA



GROUND FLOOR PLAN

رضایت عمومی انجام یافته است ولی باید گفت که برای هر کدام از آنها ضرورت پیدا کرده که مسائل مختلف از نظر ساختمان و اشخاص متخصص و تجهیزات مرتباً حل گردد.

بنظر میآید که از پدید فعالیت های بین المللی در تهران در سورنیکه يك راه حل دائمی برای آن چسبجو نگردد خالی از اشکال نیست.

۲- سازمان مرکز ایرانی کنفرانس های بین المللی يك جایگاه بین المللی ممکن است فعالیت های مختلفی را متمرکز سازد ممکن است مرکز تاسیساتی باشد که دبیرخانه های خود را در آنجا تاسیس کنند و مستقر سازند و جلسات عمده خود را در آنجا تشکیل دهند یا سازمان هایی که مرکز آنها در نقاط دیگر بوده و در آنجا برای کنفرانس های اجتماع کنند پیش بینی يك مرکز بین المللی که ایندو عمل را انجام دهد فعلاً رود است.

ساختمان يك محل کنفرانس

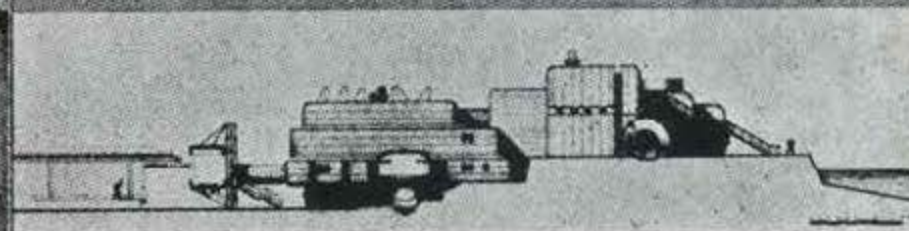
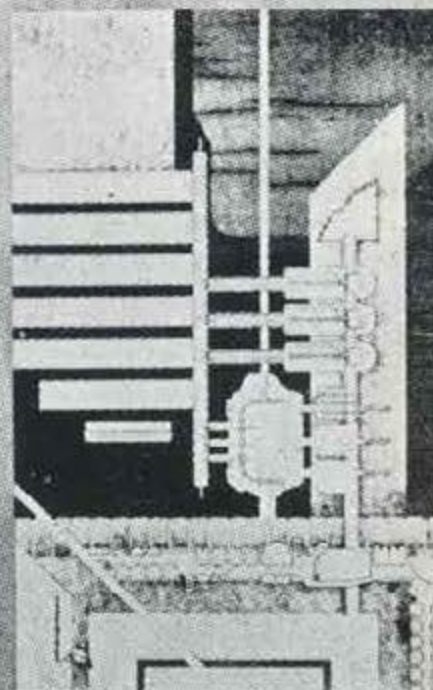
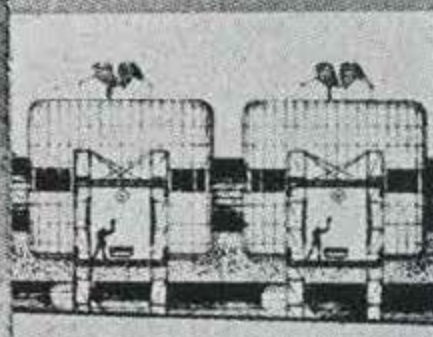
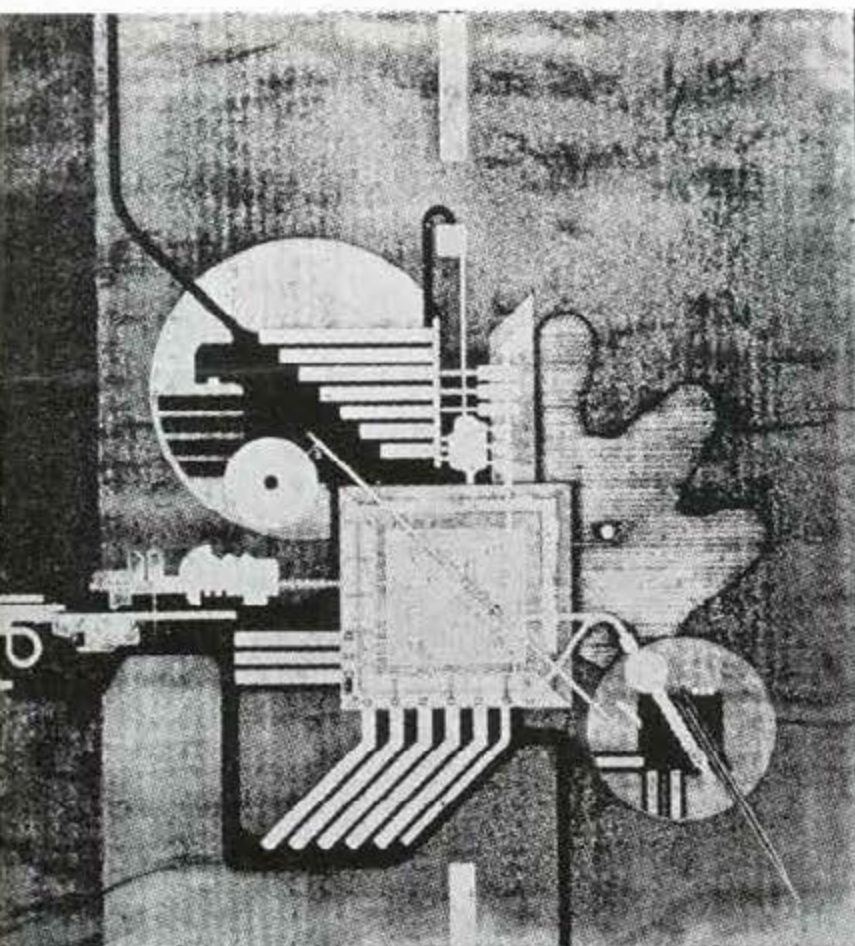
محل های موجود در تهران که برای تشکیل کنفرانس استفاده می شود کمتر آماده و مهیا هستند و اغلب ظرفیت کافی برای اجتماعات دارای اهمیت زیاد و متوسط را ندارند، بنابراین لازم است که يك محل کنفرانس برای پیش بینی احتیاجات سالهای آینده در نظر گرفته شود.

متخصصان این ساختمان

ساختمان آینده که گاه کنفرانس های تهران خواهد بود باید کار کنفرانس های بین المللی از هر نوع یعنی کنفرانس های دولتی و یا حرفه ای آمادگی داشته باشد، استفاده از این گاه را نباید به احتیاجات بین المللی از نوع سازمان ملل یا سازمانهای غیر دولتی محدود کرد.

این ساختمان باید برای جا دادن نمایشات و تظاهرات ملی از هر قبیله و مخصوصاً برای يك نوع مرکز فرهنگی در نظر گرفته شود و در آنجا نمایشات تئاتری هنری و فولکلوری و نمایشات کلا و آثار هنری صورت گیرد.

تنظیم و تجهیز ساختمان باید طوری باشد که استعمال و تعبیر وضع ظاهری آن سهولت ممکن باشد.



بازار میوه و سبزی تهران

پروژه دیپلم یک دانشجوی ایرانی بنام

علی نوائی در دانشکده معماری فلورانس

که در بین کلیه پروژه های طرح شده

نفر ششم شناخته گردیده .

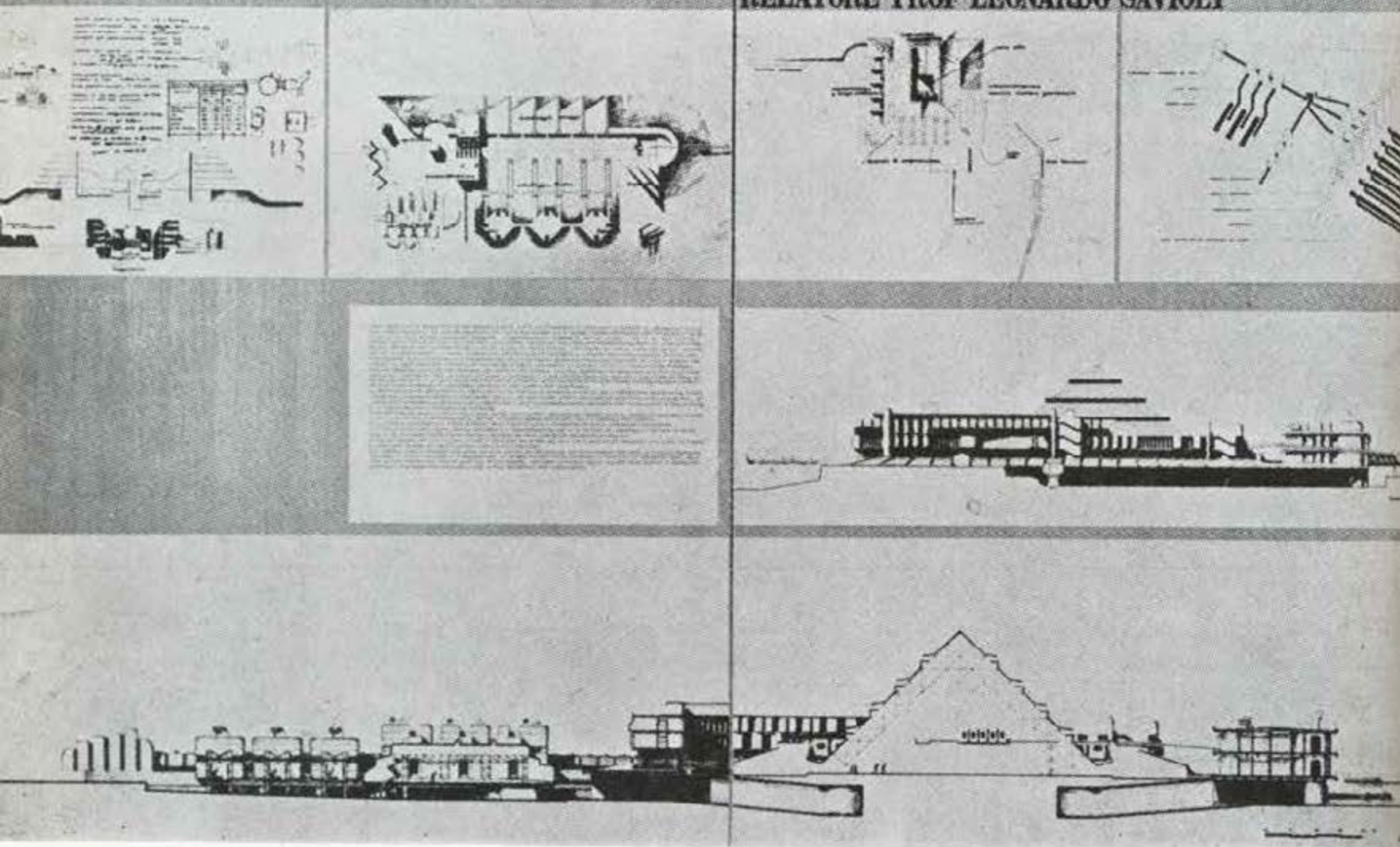
همیشه در موقع طرح ریزی
یک واحد ساختمانی ، بعد از همه
مقدمات ، با این مسئله مواجه
میشویم که چه فورمی را برای آن
در نظر بگیریم . اما من کار خود
را از تحقیق با جستجوی «فورم»
آغاز میکنم . زیرا بگمانم «فورم» در
حکم ظرفی نیست که مظلوف آن
«فونکسیون» باشد ، بلکه این هر
دو بیکدیگر وابسته اند بعلاوه
امکان کشف روابط دیگری نیز در
ضمن جستجوی فورم صحیح همواره
وجود دارد .

من در جستجوی خود روش



FACOLTA DI ARCHITETTURA 1967

MERCATO ORTOFRUTTICOLO A TEHERAN
LAUREANDO ALI NAVAI
RELATORE PROF LEONARDO SAVIOLI



جستجوها و نتیجه گیریها صورت
هائی با ترکیبات تازه بدست می
دهد که بنوبه خود پایه‌ای برای
دیدهای تازه‌تری باشد.
تنها از این طریق میتوانیم
به‌دید خود انعطاف بدهیم و به
عمق تمایلات خود پی‌بریم برای
اینکه بتوانیم آنها را تقویت کنیم
یا حتی از میان ببریم.

های آنها میتوان به آزادانه ترین
وجهی جستجو نمود.
در تجربه بصری چه بسا
اوقات قوه باصره ما متاثر میشود
ولی کمترین ادراکی بما دست نمی
دهد مابین حافظه و تخیل رابطه‌ای
بسیار نزدیک وجود دارد. تخیل
نیروئی است که خاطرات را بصورت
هائی تازه با یکدیگر ترکیب میکند
از آنها بناهایی در ذهن میسازند
که هرگونه تجربه بصری گذشته
متفاوتند باین ترتیب روشن است
که هرآنچه در نهاد ما وجود دارد
میتواند بعنوان ماده خام بکار آید،
و برماست که کمک کنیم تا هر یک از
این عناصر حتی مهم‌ترین آنها
رشد کند و بارور شود.

طرح حاضر فقط وسیله‌ای
برای کنترل نیست، بلکه وسیله‌ای
است که از طریق یک سلسله

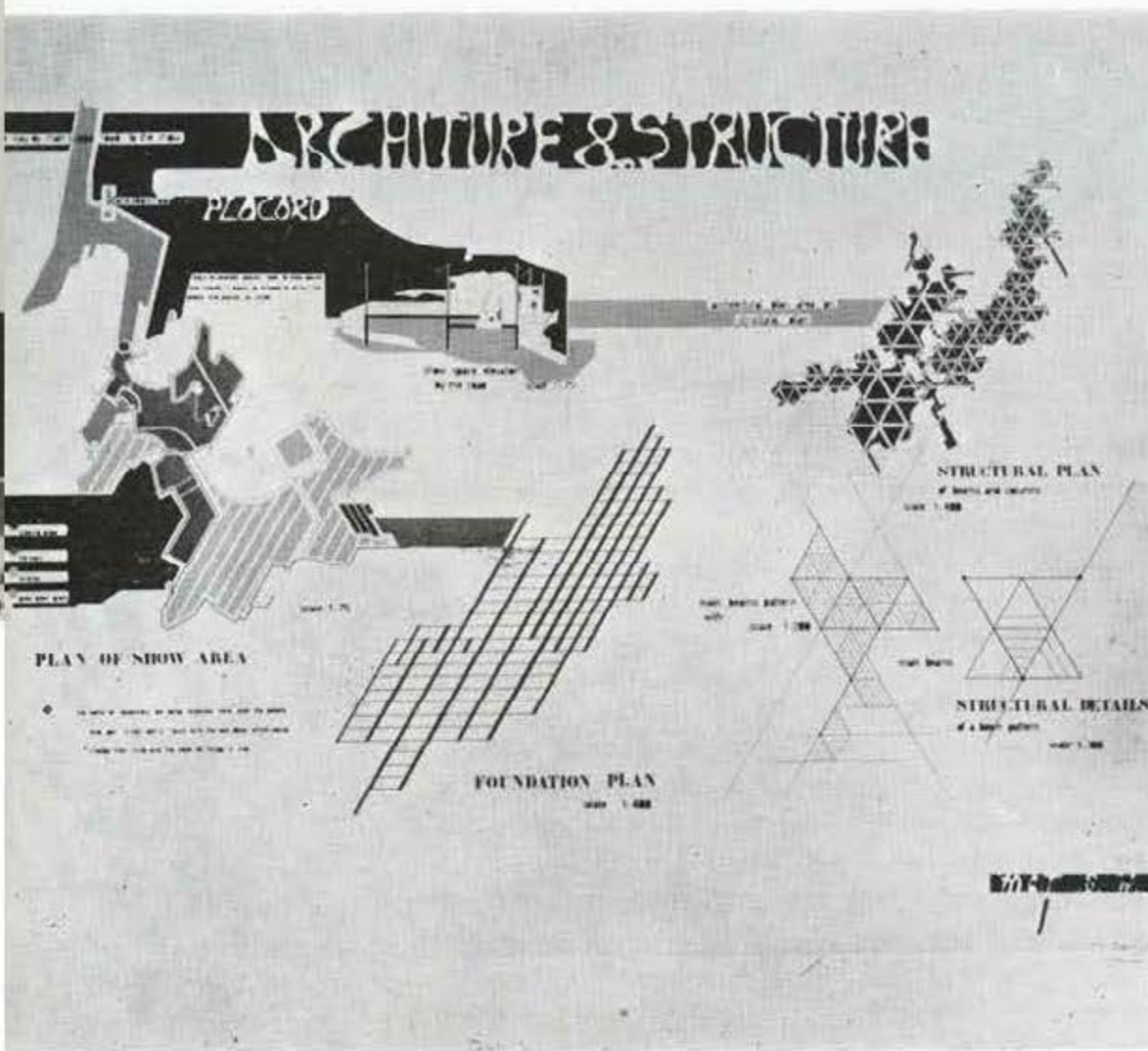
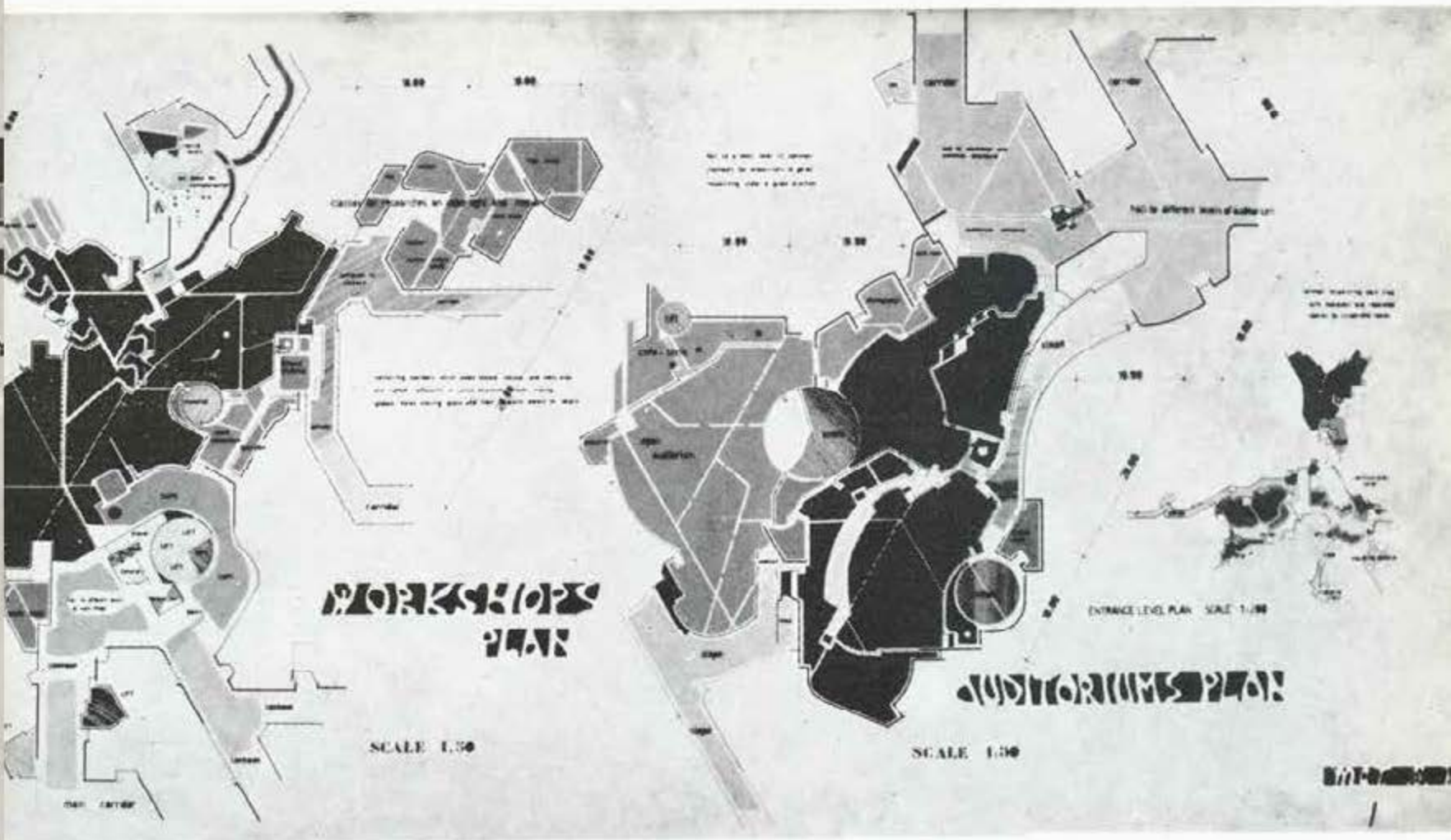
جستجو با انتخاب یک فورم
بدون منطق خاصی آغاز میشود و
با انتخاب متوالی فورمهای دیگر
بالاخره منتهی به یک فورم منطقی
میکردد.

هر زبانی که مورد قبول قرار
میگیرد چیزی جز یک سلسله
صورت‌های ذهنی نیست که براساس
تجربه بوجود آمده‌اند مفاهیمی که
آنها را انتزاعی مینامیم عبارت از
آن مفاهیمی هستند که تماس کافی
باواقعیت نیافته‌اند اگر این مفاهیم
مستقما با تجربه قرین‌نگردند همان
طور یکسره انتزاعی باقی خواهند
ماند و رکودی در پیشرفت کار ما
ایجاد خواهند کرد.

هر ابداع تازه و هر نوع
ایده‌ای هر اندازه از عالم بدور
باشد رابطه دقیقی باواقعیت و
تجربه دارد و باین ترتیب ریشه

منطقی یا عبارت بهتر اصل قضاوت
غیر مشروط را بعنوان مناسبترین
طریقه اختیار کرده‌ام. منظور از
قضاوت غیر مشروط اینست که
در طی تحقیق و کاوشی آزادانه آن
فورمی را پیدا کنیم که بیشتر
جوابگوی نیازهای ما باشد. این
روش عبارت از یک تجربه بصری
است که در آن تمام ترکیبات ممکن
میان فورم و فونکسیون و آزمایش
میشود تا آن ترکیب و وضع خاص
که متناسب تر بنظر میرسد باز
شناخته شود.

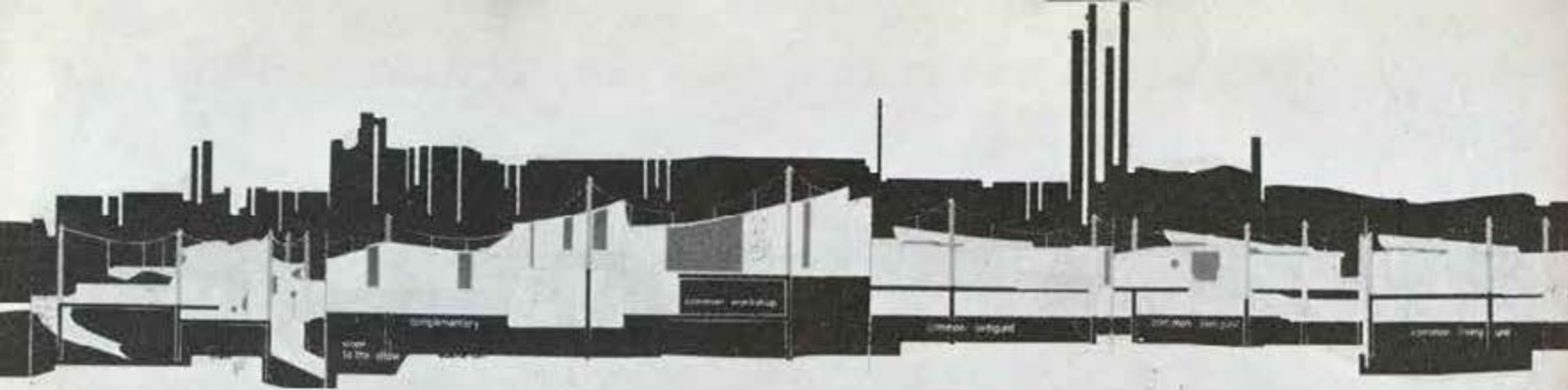
بطور کلی باید گفت این
منظور در صورتی حاصل میشود که
نخست بگذاریم قوای درونی ما
ازادانه بکار افتد و سپس آنها را
براهی که مطابق مقصود ما است
هدایت کنیم تا بالاخره به نتیجه
متناسب و مطلوب برسیم.



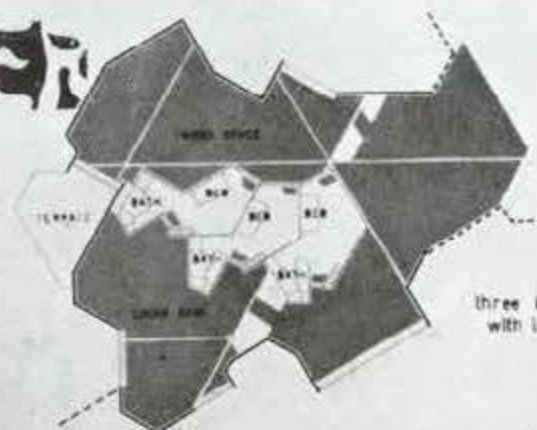
پروژ دیپلم مهندس مسعود افرمنش تهرانی

این مجموعه در کنار جنگل قرار داشته و از جنگل میگیرد و به طبیعت اضافه میکند. واحد های کوچکی که آنرا بوجود می آورند برای خود تنها هستند می توان از هر گوشه آن برید و بهر گوشه آن افزود تا آنجا که کامل شود یک چنین مجموعه ای آنقدر بی شکل است که هیچ کجا تمام نمیشود و ابتدایش در فضای محیط گم میشود.

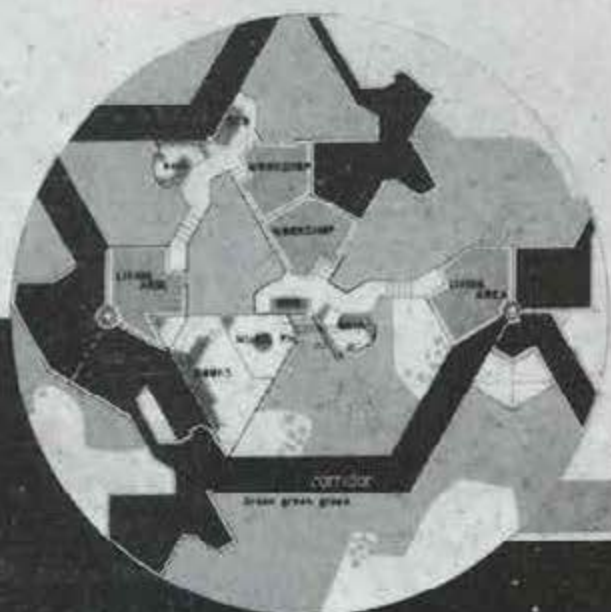
در اینجا یک تنوع معماری بوجود می آید که ارگانیک دقیق دارد. یک چنین معماری تنها روی یک اسکلت مدوله و حساب شده می تواند بطور آزاد گسترده شود. ستونهایی که این مدولها را بوجود می آورند و کابل هاییکه از آنها آویزان می شوند و از هر طرف گسترش می یابند، این معماری را در لابلای خود می پذیرند. پوتراهای افقی بین ستونها، کفها را نگاه میدارند و سقفها از کابلهای بالا آویزانست و در نتیجه دیوار های بسیار سبک قابل تعویض



مجموعه آپارتمانی



three bed area plan
with living and work space
scale 1:50



INDIVIDUAL CHAMBER PLAN

INDIVIDUAL CHAMBER - bed, bath and kitchen
THE SECTION - shows bathroom, kitchen, living area
INDIVIDUAL SECTION - master space with a hole towards outside
and lighted through an opening
WORK SPACE - separated from the others
LIVING SPACE - separated from the others



three bed section elevation
scale 1:50



section through individual chamber
and living area
scale 1:50



a unit elevation
chamber, work space and
scale 1:50

ادبی با نادر حتی باله را با افراد می‌دهد باجایی که هر فرد می‌تواند براحتی از هر یک از آنها استفاده کند - برای کارهای دستجمعی قسمت های زندگی چند نفره که به رستوران مجموعه دسترسی دارد این مجموعه جدا از شهر است ولی همواره رابطه خود را با آن حفظ میکند زیرا بخاطر ایجاد این رابطه بنحو صحیح و در جهت پیشبرد اجتماع بوجود آمده است.

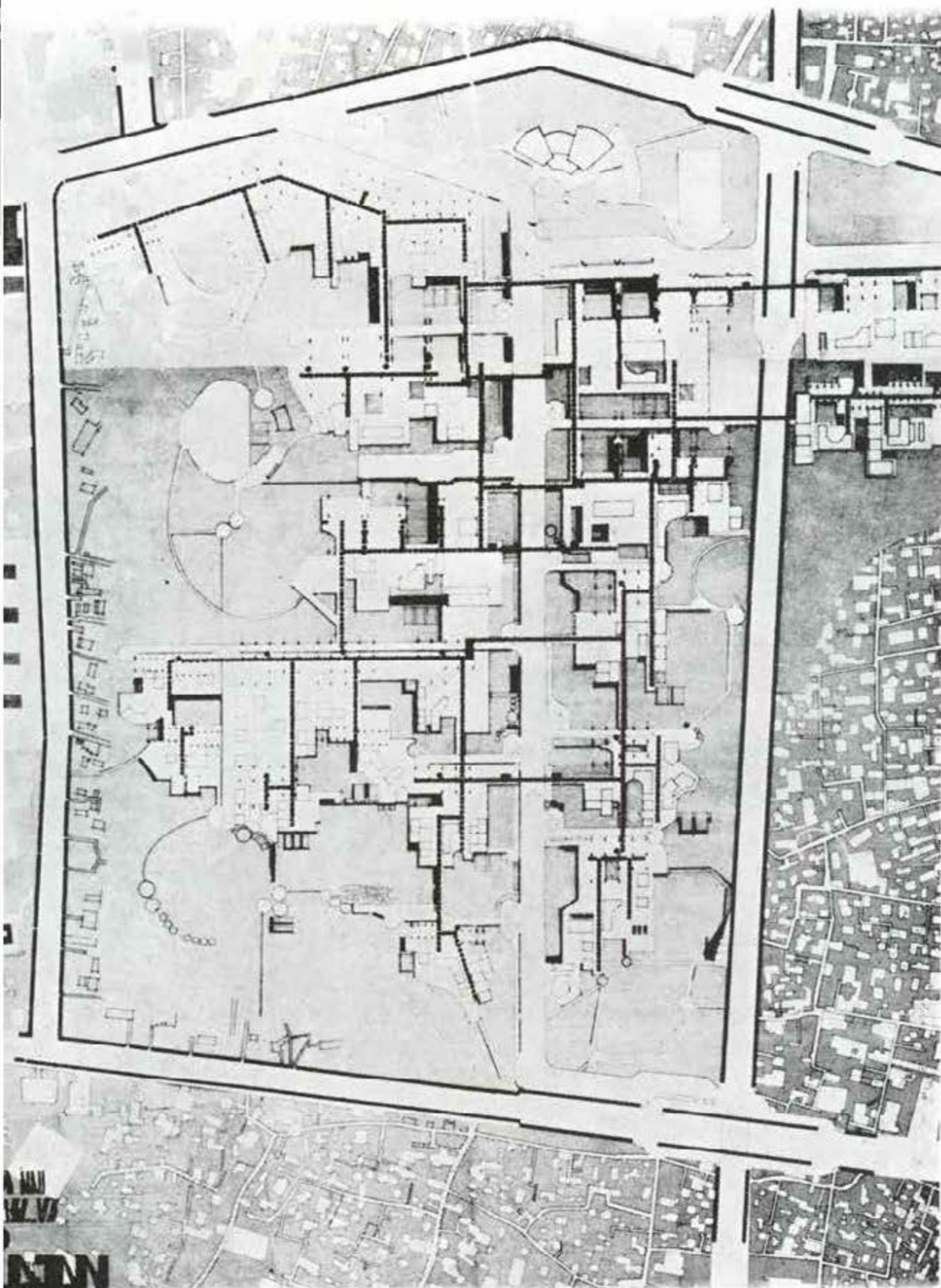
رسم با امکانات وسیع در هر رشته و مکانهایی برای جستجو در کنار آن و انجام هر آزمایش با قسمت های خصوصی تر برای کارهای مشخص شده و پیش رفته تر تا می‌رسیم بیک سالن نمایش که کار تمام شده زیر نظر افراد دیگر، مجموعه تکمیل باحتی ردمیشود در صورت قبول به نمایشگاه مجموعه میرود. آمفی تاتر های بزرگ امکان اجرا و تمرین هر موزیک با برنامه های

هیچ راه چاره شده وعادتی زندگی قرار نمیگیرد. در این مجموعه برای هر فرد یک کارگاه خصوصی در نظر گرفته شده در کنار آن جای خواب و در زیر آن مکانی برای تنها بودن، فکر و مطالعه ، و فضایی برای زندگی با امکان یکی شدن با فضای زندگی با کار دیگران. باراهایی در زیر این مجموعه می‌سکونی بکارگاههای بزرگی می-

دارند. مصالح اصلی این بنا جدا از اسکلت تماما از پلاستیک می- باشد که استاندارد هستند و بسیار سبک و قابل تغییرند. این چنین معماری خود نمونه یک زندگی است و باید باسانی بهترین جای خودش را در طبیعت پیدا کند - یک طبیعت زیبا و بزرگ مثلا جنگل کوهستانی که زندگی آدمها را بچنان طبیعی بر میگرداند که هیچگاه تحت تاثیر



به ترتیب از چپ به راست :
آقای محمد غفوریان
خانم لیلا ایروانی
آقای اصغر مشایخ
آقای ایرج ناصحی



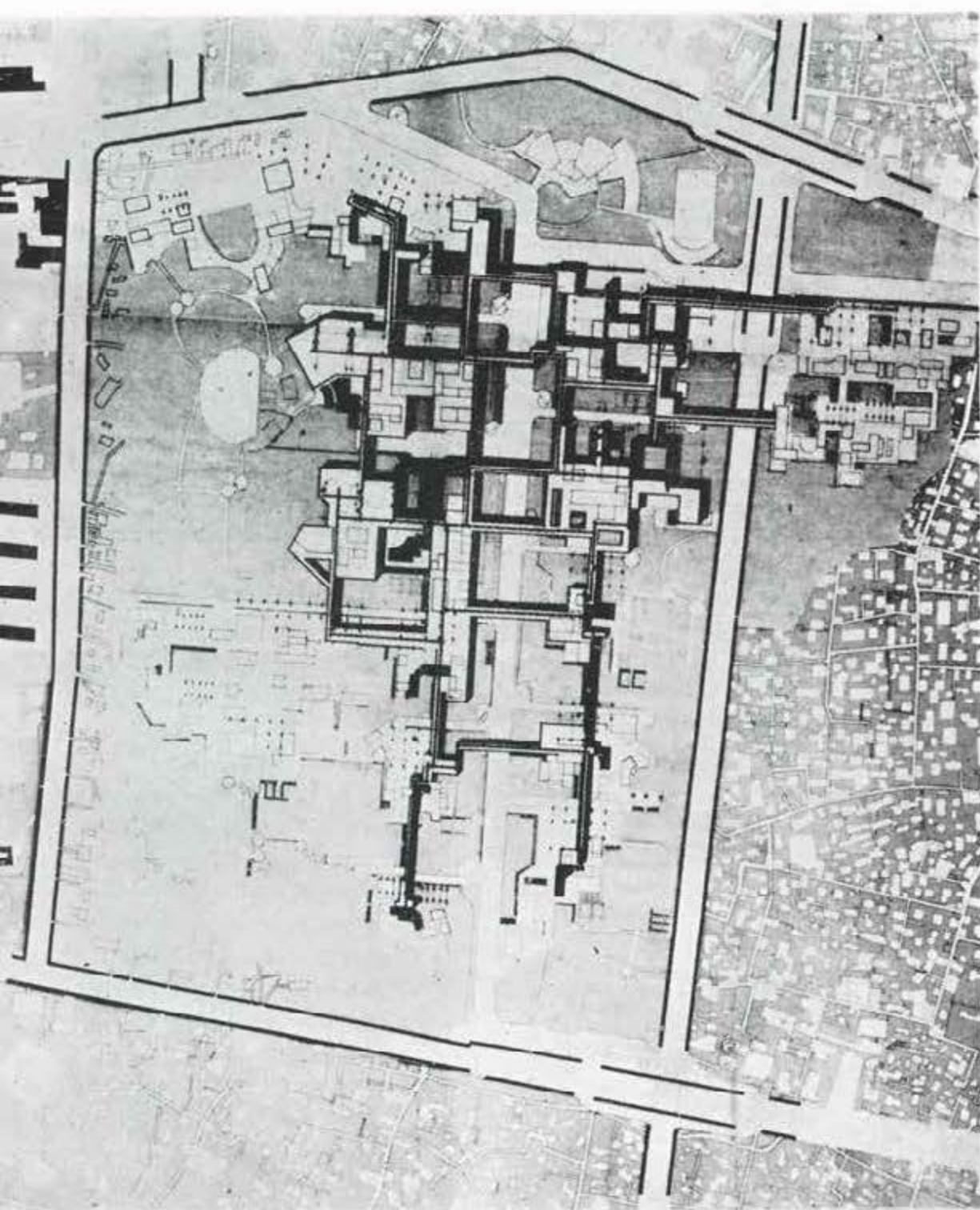
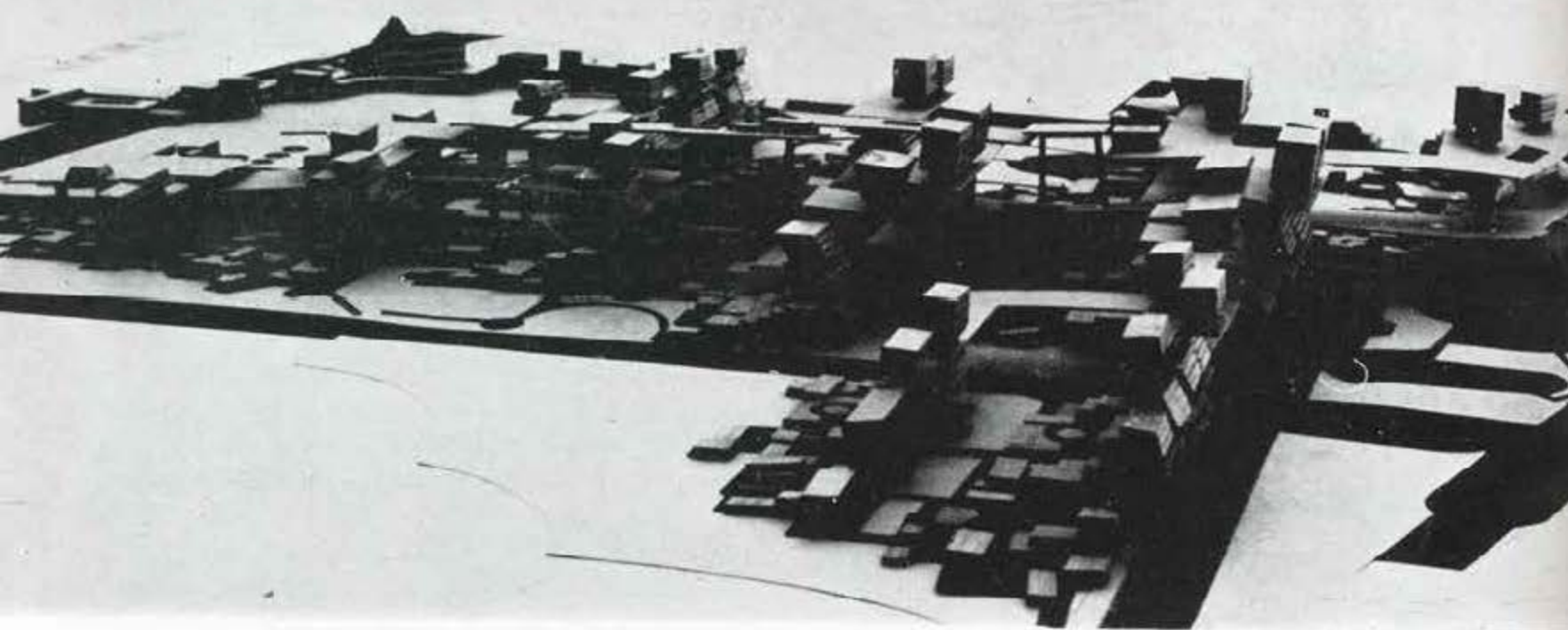
این پروژه در حضور ریاست محترم دانشگاه ملی قضاوت و مورد توجه واقع شد پس از تشویق فراوان مقرر داشتند که بورسهائی به اینچنین دانشجویان فعال تعاقب گیرد .

توضیح کوتاهی در مورد پروژه معماری عودلاجان

استاد و راهنما دکتر پرویز وزیری

مساله اساسی مورد توجه در طرح پروژه حل مشکلات امروزی شهر تهران از جهات مختلف بکام نو سازی است ، با مطالعاتی که در مورد نوسازی یا بهسازی یک منطقه یا محله بخصوص از یک شهر انجام شده چنانچه به تجربه نیز معلوم گردیده چنین برنامه هائی معمولاً در حل مشکلات یک شهر چندان موثر نیست ، ولی در صورتیکه این نو سازی بصورت پیوسته و با طرح واحدی در تمام قسمتهای قدیمی شهر که از نظر ساختمانی عمر آنها نزدیک به اتمام است و با مطالعاتی که توسط جامعه شناسان انجام درصدد انحراف و جرائم و تخلفات در این محلات بیشتر از مناطق نوساز شهر است نه تنها در بهسازی محیط قدم موثری برداشته خواهد شد بلکه بکام این چنین برنامه هائی میتوان بیشتر مشکلات امروزی شهر های بزرگ را از بین برد .

صرف نظر از مطالعاتی در مورد وضع موجود این محله توجه ما بر روی شهر تهران و اصولاً ترافیک در خیابانهای مرکزی متمرکز گردید . در بررسی علل بوجود آمدن این ترافیک مسئله مسکن و محل کار تیپ های مختلف مردم



کارمندان ، کارگران ، اصناف و
تجار و دوری آنها از همدیگر روشن
گردید.

در تعیین درصد تپ های
مختلف مردم از نظر شاغل در ۳۰
کیلومتر مربع جنوب تهران که
با مطالعه وضع ساختمانی -
بهداشتی - فرهنگی و اقتصادی
برای نوسازی معین شد. از این
مطالعات (دوری مل کار و مسکن
تپ های مختلف از نظر شاغل)
استفاده گردید. توضیح آنکه با
مطالعه در مورد وضع امروزی بازار
اصلی شهر و با تغییرات جزئی در
سیستم فونکسیون کانالهای اصلی،
سراها و وضع سرو بازار از نظر
حای مختلف داده شد و همچنین
بناات نگهداشتن و متمرکز کردن
فقط وزارتخانه ها که بیشتر ارتباط
با یکدیگر دارند تا با زندگی روزمره
در محل فعلی درصد تپ های
مختلف در مناطقی که برای نو
سازی معین شده معلوم گردیده.

صرف نظر از این مسائل
بزرگترین مساله ای که امروزه شهر
تهران با آن روبرو است و با
توسعه ای که شهر بصورت خودرو
و تحت تاثیر عوامل اقتصادی بعد
از جنگ دوم پیدا کرده است مساله
رشد جمعیت و توسعه شهر است.
تهران با ۱۲۰ کیلومتر مربع وسعت
در حدود ۲۷۰۰۰۰ نفر جمعیت
دارد بدون در نظر گرفتن مهاجرین
و بادر نظر گرفتن پیش بینی ها و نو
سازی ها و به سازی هایی که دولت

در شهرستانها و دهات می‌نماید و باعث کم شدن تعداد مهاجر خواهد شد، رشد عادی جمعیت سه درصد در سال است بدین معنی که بعد از ۲۵ سال جمعیت تهران ۲۵۰۰۰۰ نفر افزایش خواهد یافت و به ۳۰۰۰۰۰ نفر خواهد رسید. البته این حداقل جمعیت شهر تهران در ۲۵ سال آینده خواهد بود، در صورتیکه تجربه نشان داده که رشد جمعیت شهر تهران همیشه بیش از میزانی است که پیش‌بینی می‌شود. بنابراین مهمترین مسئله‌ای که امروزه در نوسازی شهر باید بدان توجه نمود مسئله مسکن و رشد شهر در سالهای آینده خواهد بود.

یا به عبارت دیگر جهت توسعه شهر است. رشد تهران از طرف جنوب و شمال بدلیل نوع زمین امکان ندارد و در صورتیکه با همین تراکم فعلی از شرق و غرب توسعه یابد ابعادی که تهران در جهت شرقی غربی پیدا خواهد کرد امکان رسیدن تسهیلات شهری باین مناطق نازده توسعه یافته را محدود میکند. نظر باینکه از نظر ترافیک و در نتیجه از نظر اقتصادی و اجتماعی این قبیل رشد امکان ندارد، بعد از مطالعات زیاد باین نتیجه رسیدیم که با متراکم کردن جمعیت در مرکز شهر در ۲۵ سال آینده مسکن برای جمعیت اضافی تهیه می‌شود.

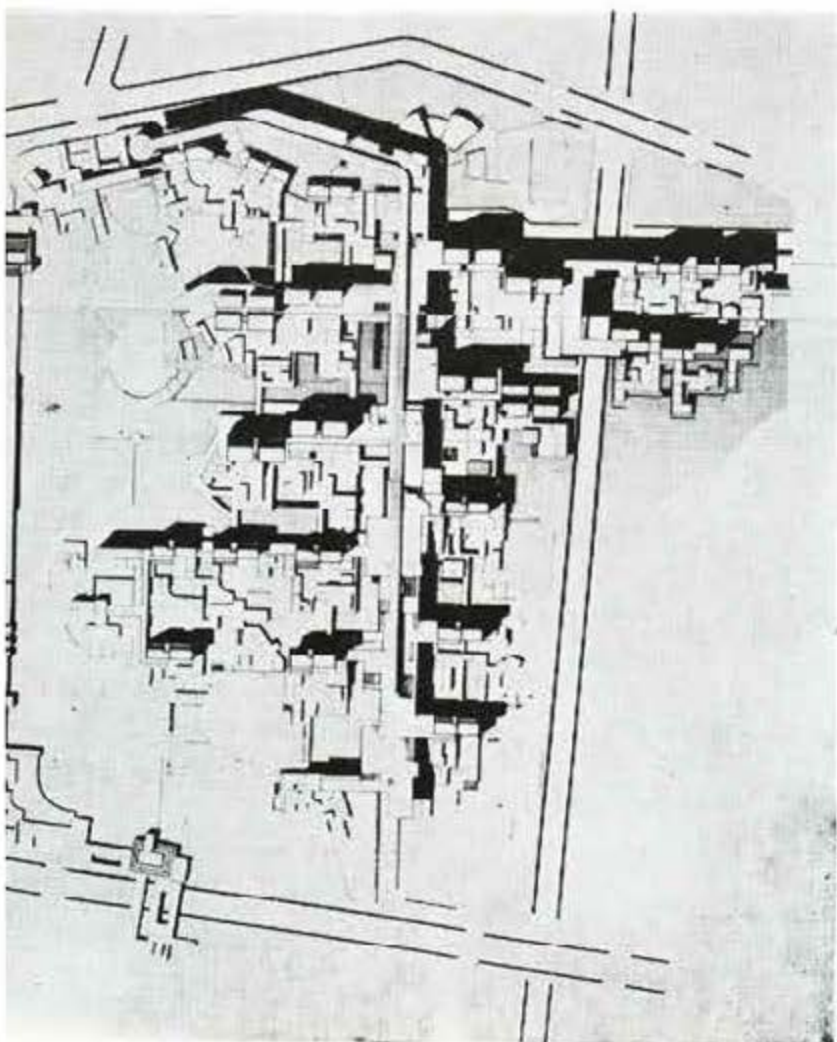
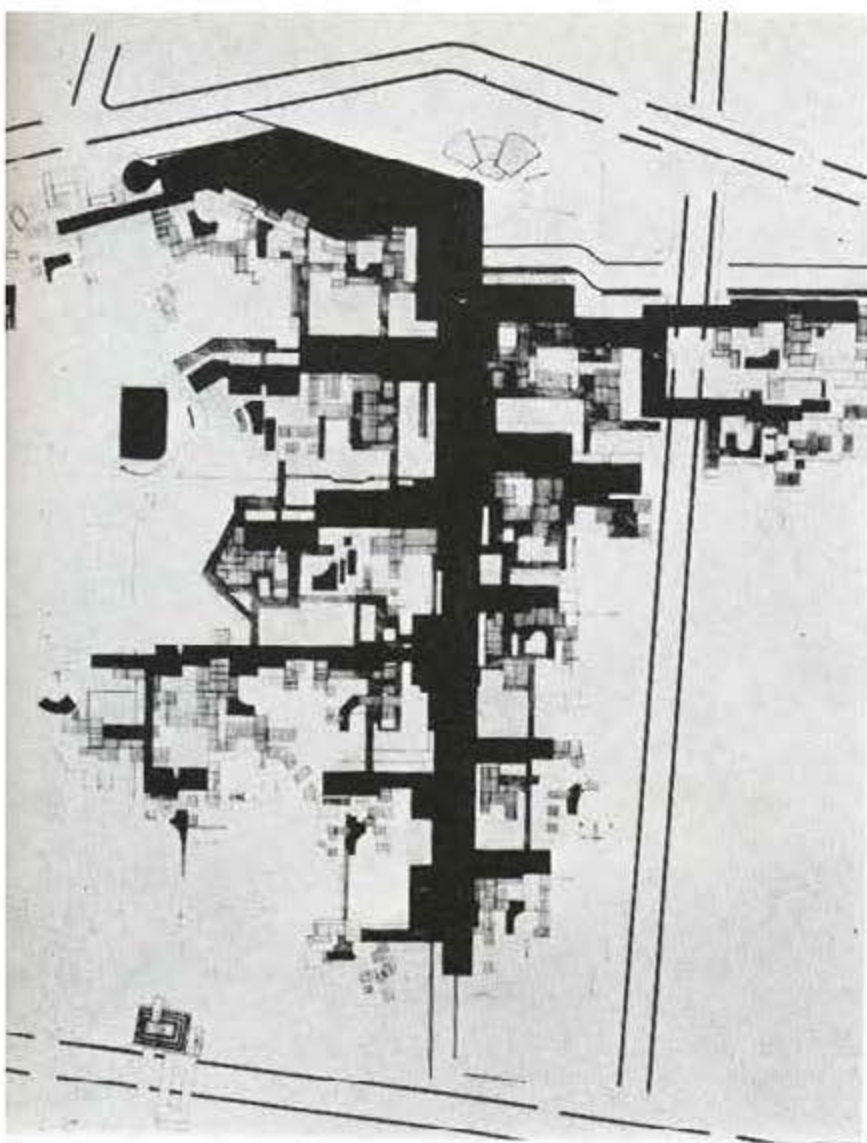
شکی نیست مسئله‌ای که در حله اول بخاطر حاد بودن موضوع مورد توجه قرار می‌گیرد کمیت - هاست (تعداد قیمت - هزینه تمام شده برای صاحب کار - هزینه نگهداری و غیره...) و مسائل کیفی در مرحله بعد مورد توجه خواهد بود که بیشتر مربوط به دگرگونی و بالا رفتن سطح فرهنگ عامه و روابط انسانی است.

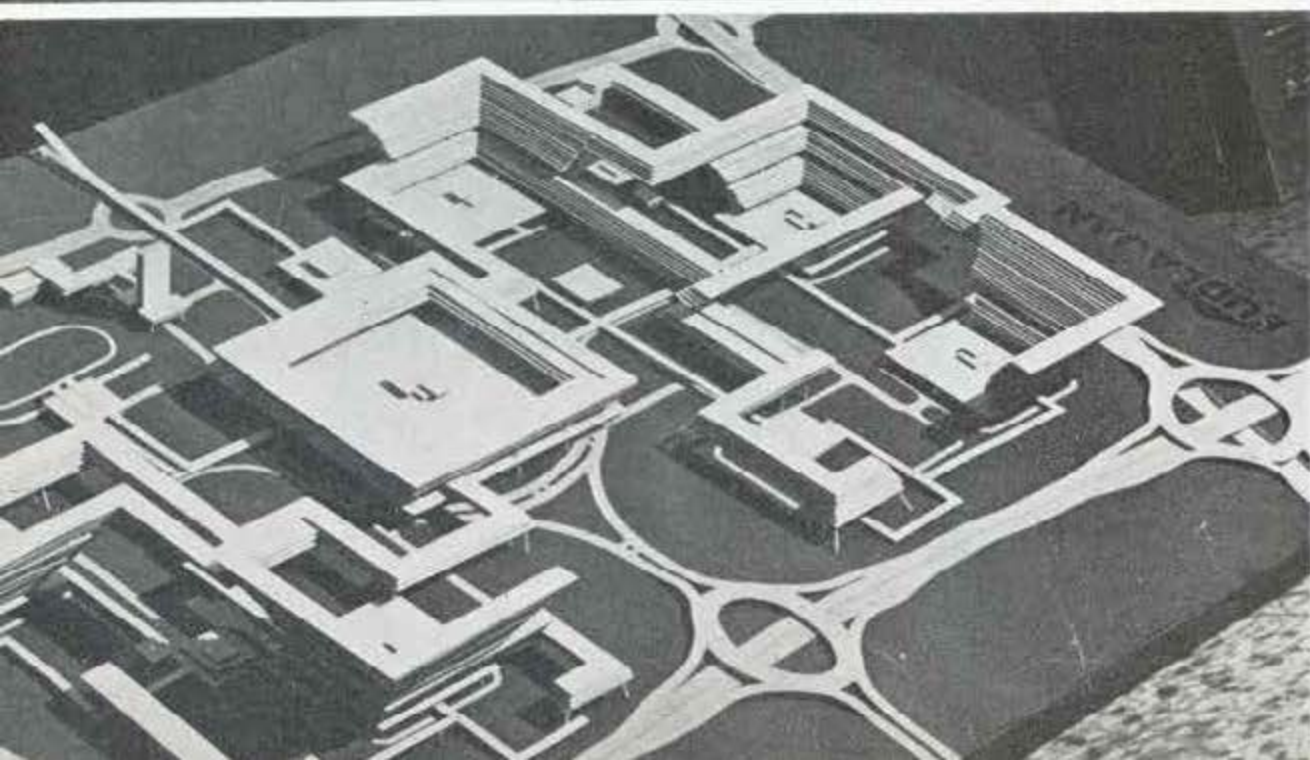
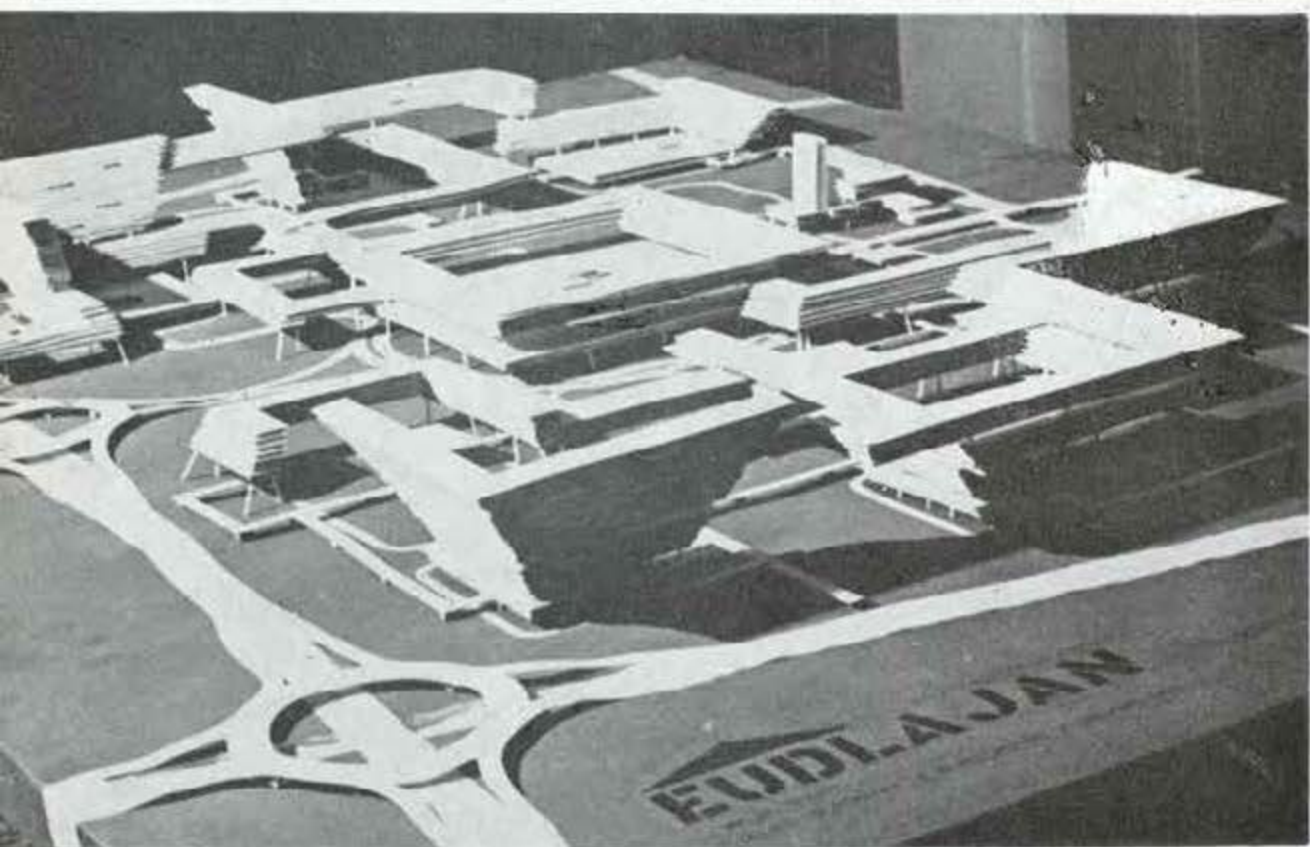
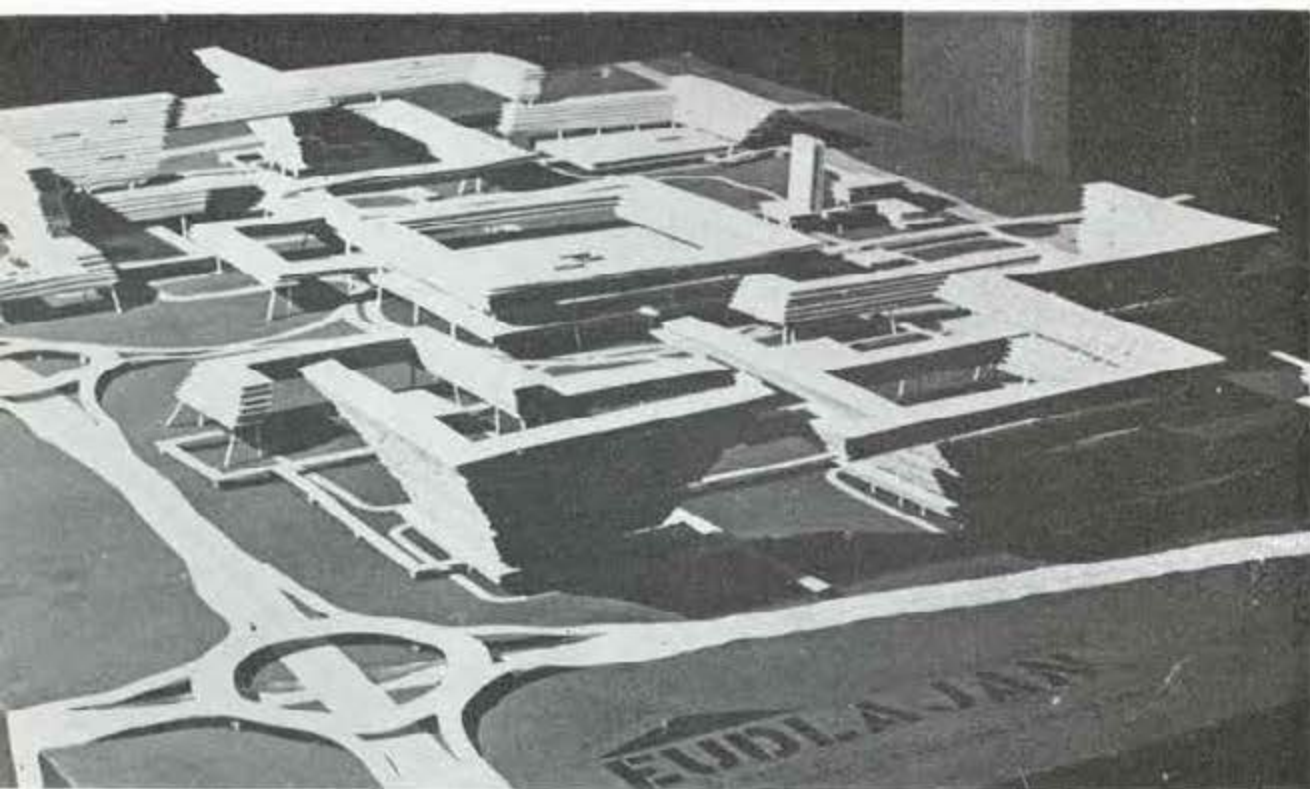
باتوجه به مطالب فوق تراکم جمعیت در هر هکتار ۱۰۰ نفر در نظر گرفته شد و برای اینکه زندگی راحت و حراست رفتار خصوصی خانواده در این مناطق بوجود آید، ایده اصلی مادر این پروژه دومرتبه تکرار سطح زمین منطقه مورد بحث می‌باشد. که بدین ترتیب مسئله سطح در اختیار خواهیم داشت. بادر نظر گرفتن تسهیلات عمومی بطور مستقل در هر سطح امکان مسکن دادن ۳۳۰ نفر در هر هکتار

از این سطح موجود خواهد بود و با نرمهائیکه برای المانهای بلندتر در نظر گرفته شده در سطح دوم و سوم سطح نورگیر باندازه کافی خواهد بود و بدین ترتیب بدون اینکه شلوغی بیش از اندازه یا بهم خوردن وضع ارتباطات و غیره بوجود آید براحتی در هر هکتار ۱۰۰ نفر ساکن خواهند بود.

با در نظر گرفتن آهنگ رشد جمعیت و وضع اقتصادی ما سه مرحله ۸ ساله برای ساختمان این منطقه پیش بینی کردیم که در مرحله اول ساختمانهای مجاور خیابانهای امیرکبیر و ناصر خسرو و بوذرجمهری بدین جهت که از نظر اقتصادی امکان تخریب و نوسازی آن در ۸ سال اول نیست و یا مستلزم هزینه تخراف می‌باشد حفظ شده است که در مرحله دوم نو سازی شده و تبدیل به مناطق تجاری می‌شود و در نتیجه مرکز تجاری شهر تهران بصورت خطی از جهت بازار تا انتهای شمالی سعدی و فردوسی خواهد بود. بارشد جمعیت و بهبود وضع اقتصادی مرحله دوم و سوم تمام منطقه قسمت جنوبی نوسازی شده، اضافه جمعیت در این منطقه امکان داده خواهد شد. تسهیلات مختلف شهری مانند خطوط مونوریل به خطوط حرکت سریع اتوبوسها - حرکت زمینهای سبز - مراکز فرهنگی و بهداشتی و غیره برای تمام این ۳۰ کیلومتر مربع پیش‌بینی گردیده و در نظر گرفته شده است.

با متراکم شدن جمعیت در منطقه مرکزی فواصل کمتر شده و ترافیک بیشتر بصورت پیاده خواهد بود. زندگی ایزوله از ترافیک های سریع صورت انسانی تری خواهد گرفت.

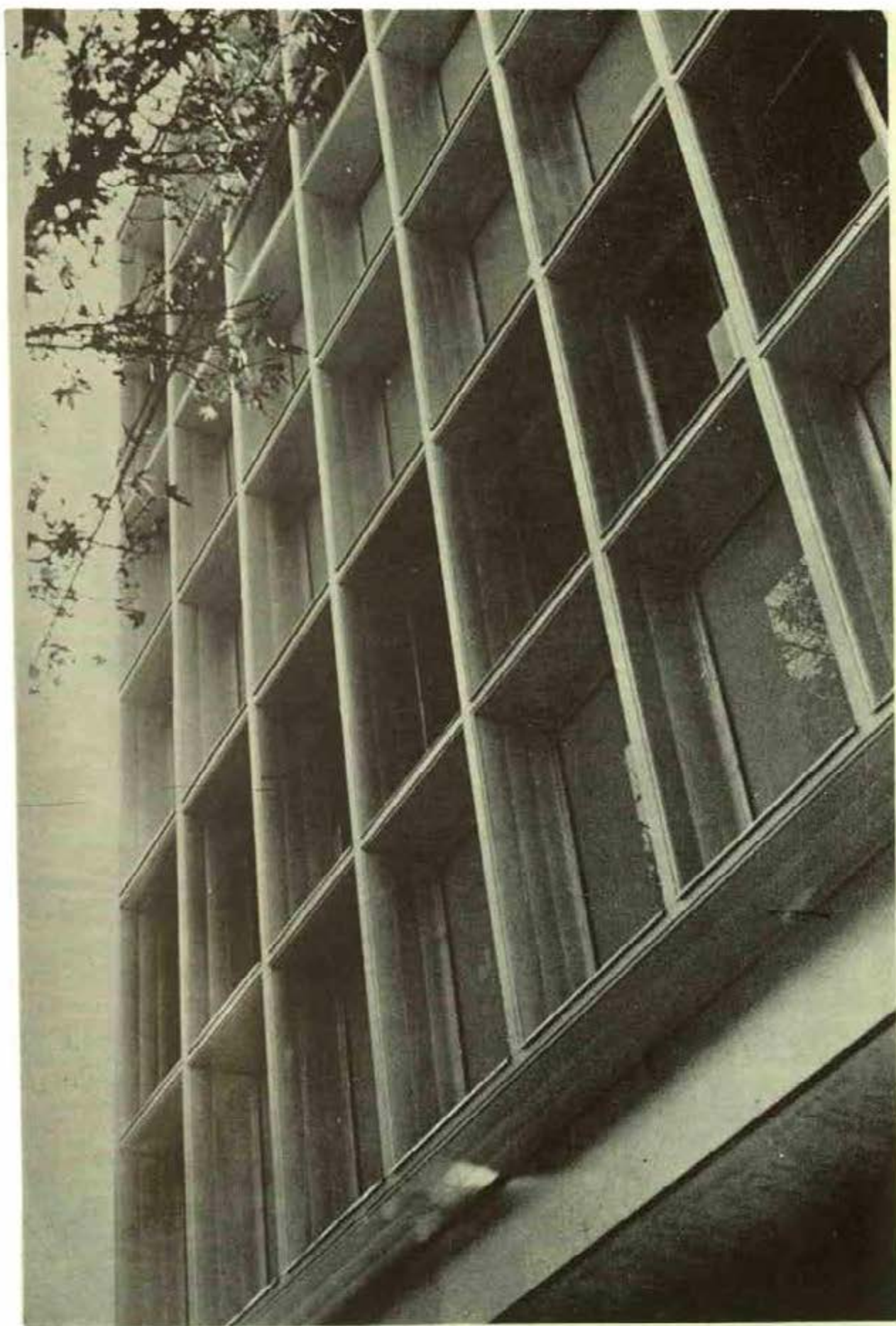




طرح نوسازی محلۀ عودلاجان

استاد راهنما دکتر پرویز وزیری
توضیح عکسها :

۱ و ۲ و ۳ : عکسهائی
از ماکت طرح آقایان :
پرویز طلائی
ناصر ممتاز طباطبائی
سهیل المطهری
کیوان شیخ رضائی
مربوطه نوسازی محلۀ عودلاجان



کارخانه عبیدی

سازنده انواع در و پنجره و نمای آلومینیوم

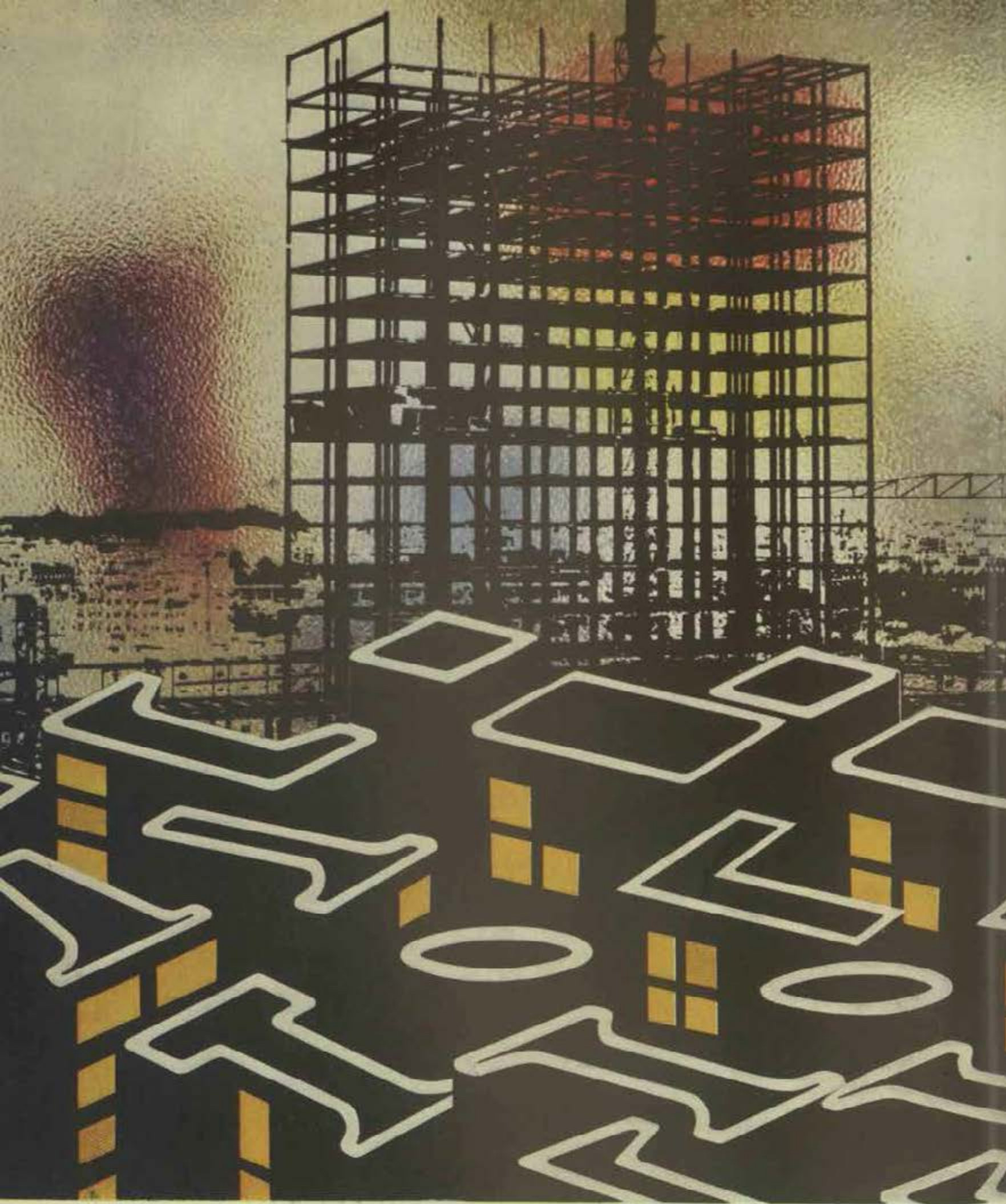
نشانی دفتر :

دفتر ۴۵۴۴۶

خیابان شاه ساختمان آلومینیوم طبقه سوم شماره ۳۴۱ - تلفن کارخانه ۹۵۵۹۰۰

روشن

سایه



پروفیل نیمه سبک

پروفیل نیمه سبک زیبایی را در معماری بسرحد کمال رسانیده است .
 نقش اساسی هر ساختمان با اسکلت فلزی آنست و پروفیل نیمه سبک این نقش را بخوبی ایفا کرده است .
 قابلیت رنگ پذیری ، سطح صاف و آماده ، صرفه جوئی ، سرعت عمل ، ارزانی قیمت ، بالاخره هر مقاومت که مورد احتیاج باشد ، از
 امتیازات منحصر بفرد پروفیل نیمه سبک است .
 آدرس - خیابان امیرآباد - روبروی پمپ بنزین - شرکت پروفیل نیمه سبک تلفن ۶۳۰۸۷۶



کارخانجات بادیش آنبیل اوند سودا فابریک - لودویگسهافن راین - آلمان غربی



Badische Anilin & Soda-Fabrik A.G.
LUDWIGSHAFEN AM RHEIN

کارخانجات ب. آ. اس. اف آلمان غربی سازنده ۵۰۰۰ محصول شیمیایی .

یکی از این محصولات **استیروپور** میباشد که تحولی در صنعت عایق کاری - بسته بندی - تزئینات پدید آورده است .

استیروپور برای ایزوله کردن ساختمانها ، سردخانه ها ، تزئینات ساختمانها (آکوستیک) بکار می رود .

استیروپور برای ساختن بتون سبک در موارد استعمال بسیار زیادی از قبیل دیوارها ، سقفهای حاضری بهتر از هر ماده

دیگری خدمت می کند . وزن استیروپور بسیار سبک و قیمت آن ارزان است .

برای کسب اطلاعات بیشتر به شرکت سهامی لوماسینی - تهران - خیابان ویلا خیابان شیرین شماره ۳ تلفن های ۱۲ - ۶۱۱۱ و ۷ - ۹۲۳۵

مراجعه نمایند .



صفحات آکوستیک از
استیروپور ←



↑ نصب صفحات استیروپور
در سقف سردخانه‌ها

↑ نصب صفحات استیروپور
جهت آماده ساختن
زیرسازی



← استفاده از استیروپور
برای ساختن بتونسبت



۱- سرامیک احیاءکننده هنر شکوهمند کاشی کاری ملی ایران

۲- سرامیک تجدیدکننده معماری کهن ایران

۳- جلوه زیبایی ، ودرخشندگی سرامیک ایران زوال ناپذیر است

۴- سرامیک وسیله تجلی ذوق و هنر آرشیکت های بزرگ

۵- سرامیک خلأئی را که از نظر رنگ در معماری مدرن وجود دارد پرمیکند

۶- سخن از نو آور که نو را حلاوتی است دیگر- معماری نو با مصالح نو

۷- اساس معماری مدرن طرح و رنگ است سرامیک در رنگهای متنوع با ابعاد مختلف ایجاد

هر گونه طرحی را در نصب امکان پذیر میسازد

۸- آشپزخانه مدرن فقط با سرامیک

نشانی : خیابان شاه ساختمان آلومینیوم - تلفن ۶۵۶۲۱ و ۶۵۶۲۳ - کارخانه ۷۷۲۳۷۵ -

انبار ۵۷۵۴۵ - تلگرافی ۵۸ تهران - صندوق پستی ۱۸۶۱

سرامیک ایران

سرامیک ایران

سرامیک ایران

سرامیک ایران

سرامیک ایران

سپنتا اولین و بزرگترین سازنده پروفیل در ایران

سپنتا تنها سازنده لوله‌های سیاه و گالوانیزه آب در ایران به اندازه‌های $\frac{1}{4}$ تا ۶ اینچ با استاندارد و سبک انگلیسی .

سپنتا تنها سازنده ورق گالوانیزه در خاورمیانه با استاندارد بین‌المللی و ضخامت‌های ۰.۳ میلی‌متر تا ۲.۵ میلی‌متر .

برای انواع محصولات سپنتا به تلفن‌های

۹۵۵۵۷۱

۹۵۱۴۱۱

۹۵۱۰۴۱

۹۵۱۰۴۳

مراجعه فرمائید

مطمئن باشید شعار **سپنتا** اینست که «حق بامشتری است»

شرکت صنایع حرارتی

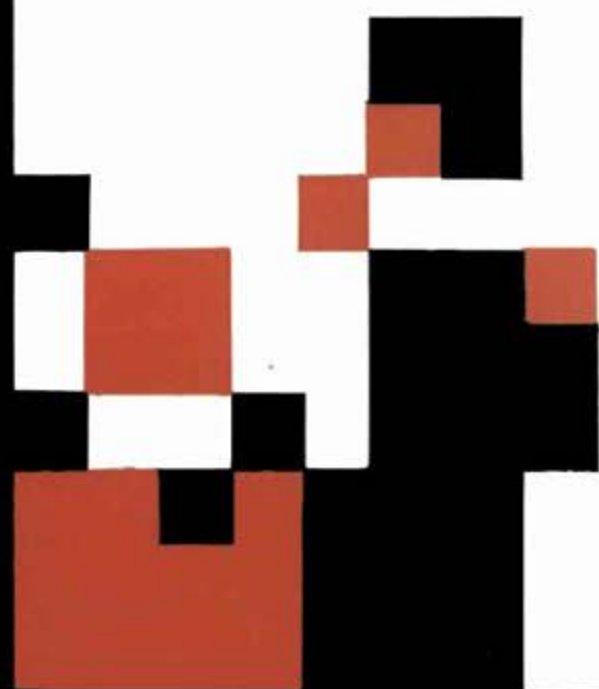
مجهزترین فروشنده

لوازم بهداشتی لوکس در ایران



آدرس - بلوار الیزابت دوم شماره ۱۶۶ تلفنهای: ۴۲۱۵۵ و ۶۱۳۳۶۵





شهروند

اولین تولیدکننده

کف پوشهای

لاستیکی و پلاستیکی درایران

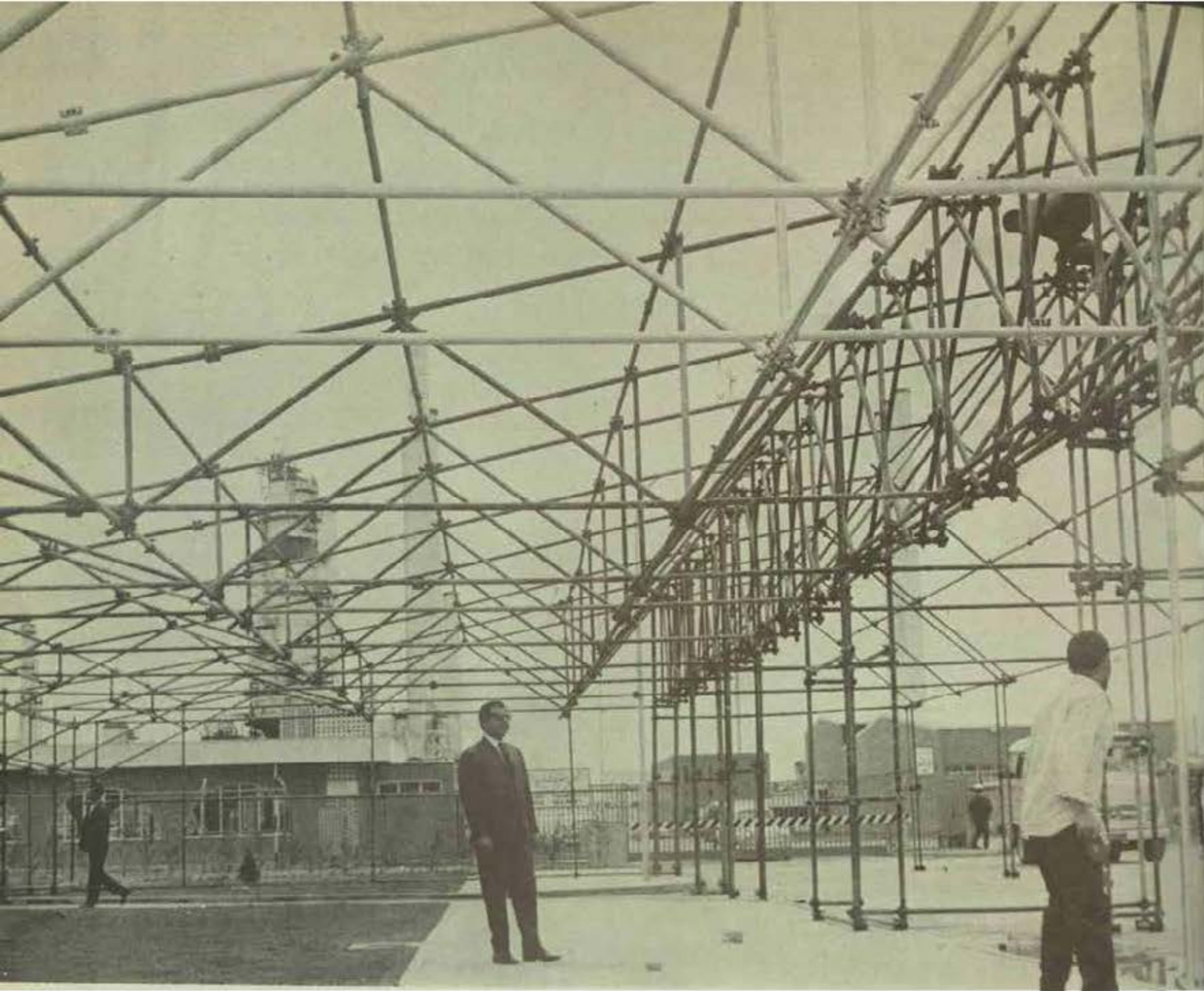
نمایشگاه و فروشگاه مرکزی: اول خیابان ویلا شماره ۱۶۱: تلفن: ۶۰۸۸۵-۶-۱۷۶

شرکت بلکا وارد کننده و فروشنده انحصاری بهترین قفل - لولا و دستگیره های تزئینی ساختمان



نشانی : خیابان قدیم شمیران شماره ۶۲۵ تلفن: ۷۶۳۷۰۰





داربست فلزی مربوط به پالایشگاه تهران

داربست و کفراژ فلزی فادری

عضو اطاق صنایع و معادن ایران
محاسبات ساختمانی و مکانیکی

نشانی: جاده قدیم شمیران - پشت وزارت بهداشتی خیابان پادگان پلاک ۵۸ - ۶۰ تلفن ۷۵۸۶۴۰ - ۷۰۲۰۲



لوازم ساختمانی لوکسا فلکس

برای تمامی خارجی ساختمانها و پوشش سقف
از محصولات بسیار جالب کارخانجات
بزرگ لوکسا فلکس است و با رنگهای
مختلف به ساختمانهای شما زیبایی
بخاقتی میکنند و از قابش مستقیم آفتاب
جلوگیری میکند. نصب این لوازم بطور
عمودی و افقی روی پانلهای ۸۴ میلیتری
و بسیار آسان انجام میشود.

برای کسب اطلاعات بیشتر

شرکت صنایع ساختمانی پر سال

تلفن ۴۱۰۴۰ - ۴۷۰۷۰ - مراجعه فرمائید



Luxaflex®



قابل توجه مهندسين وصاحبان ساختمان

شرکت بلکا

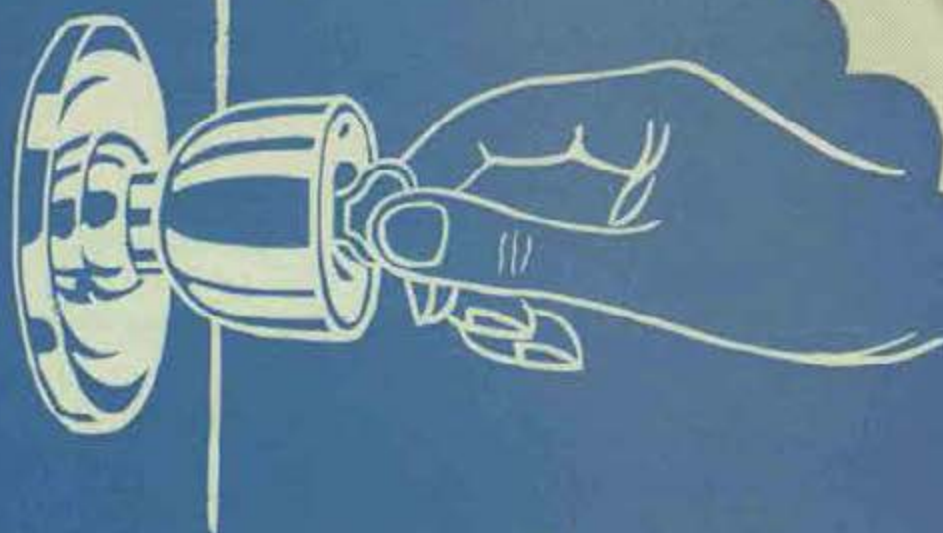
ار شما دعوت میکند از نمایگاه
جدیدترین قفل و دستگیره های دکوراتیو
و لوازم ترنشیونی ساختمان
دیدن فرمائید.

YALE



JOWIL

انواع
کاغذ دیواری
برده کرکره
دستگیره های
استیل
آنتیکو ساخت
ایتالیا و آلمان



نمایشگاه بلکا

آزمایشان

جاده قدیم شمیران جنب وزارت بهداشتی - پلاک ۲۵ تلفن ۷۶۳۲۰۰

گالری
تزئینات

ریتس

موسسه طرح و تنظیم و اجرای دکوراسیون
نمایندگی محصولات تزئینی معظمترین کارخانجات دنیا
کاغذ دیواری، پرده کرکره، موکت و انواع کف پوش تایل
آکوستیک و پارچه‌های پرده‌ای

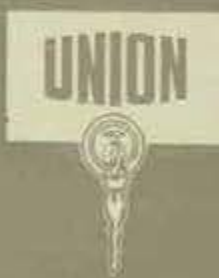
میدان فردوسی تلفن‌های ۴۸۱۴۰ - ۳۳۶۳۸

قابل توجه مهندسين وصاحبان ساختمان

شرکت بلکا

ارشاد دعوت میکند از نمایگاه
جدیدترین قفل و دستگیره های دکوراتیو
و لوازم تزئینی ساختمان
دیدن فرمائید.

YALE



JOWIL

انواع
کاغذ دیواری
برده کرکره
دستگیره های
استیل
آنتیکو ساخت
ایتالیا و آلمان



نمایشگاه بلکا

جاده قدیم شمیران جنب وزارت بهداری - پلاک ۲۵ تلفن ۷۶۲۷۰۰

آرامش

گالری
تزئینات

ریتس

موسسه طرح و تنظیم و اجرای دکوراسیون
نمایندگی محصولات تزئینی معظمترین کارخانجات دنیا
کاغذ دیواری، پرده کرکره، موکت و انواع کف پوش تایل
آکوستیک و پارچه‌های پرده‌ای

میدان فردوسی تلفن‌های ۴۸۱۴۰ - ۴۳۶۳۸



لحمیاتو

*in
the
world*

پلاک گلازال نصب شده در ساختمان بانک کار تهران

پلاک گلازال در رنگهای مختلف برای نمای اصلی ساختمان و مصرف
داخلی ساختمان - آشپزخانه - روکش میز - درب .
پلاک گلازال - در مقابل : سرما - گرما - آفتاب - باران و اسید مقاوم و رنگ
آن ثابت و نسوز بوده و در مقابل ضربه مقاوم میباشد .

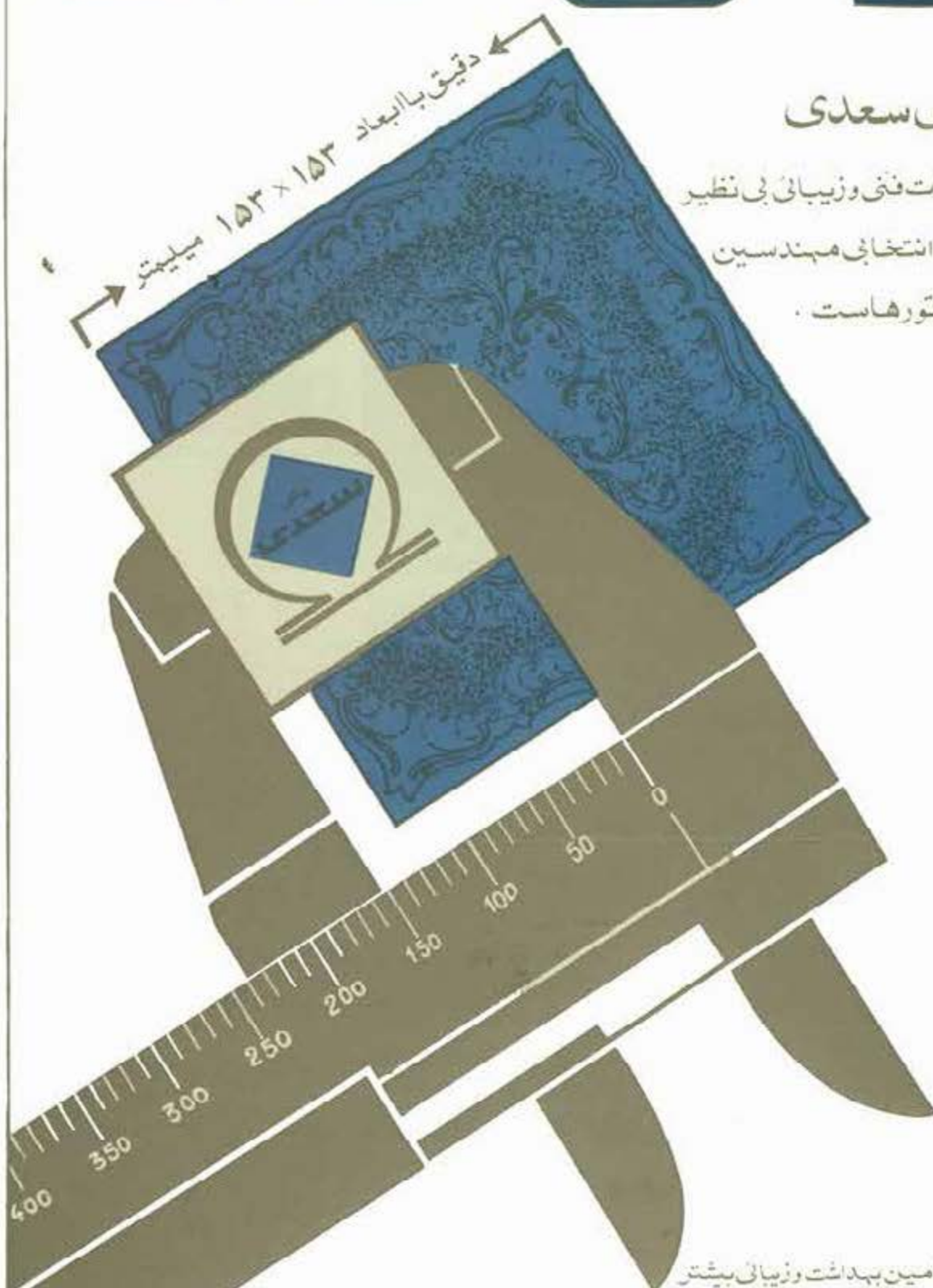
نماینده انحصاری در ایران شرکت سهامی گلازال

آدرس : خیابان قدیم شمیران شماره ۶۳۷ تلفن ۷۲۳۸۶

کاشی سعدی

کاشی سعدی

با امتیازات فنی و زیبایی بی نظیر
کاشی انتخابی مهندسين
و دکوراتورهاست .



برای تامین بهداشت و زیبایی بیشتر

دیوارهای آشپزخانه حمام - اطاق کودک و راهروهای بیمارستان
و مدرسه را تا زیر سقف با کاشی سعدی بپوشانید



قابل توجه صاحبان ساختمان و آرشیتکتها

کارخانه عظیم اوتیس موفق به ساختن آسانسورهای
استاندارد بطور سری و با اندازه معین شده است.
در ابتدای عملیات ساختمانی به مهندسین مسئول
آسانسور در این شرکت مراجعه فرمائید تا نقشه و
دستورات آماده نمودن محل آسانسور را بطور
رایگان در اختیار بگذارند.
آسانسورهای استاندارد در کمترین مدت
حمل و نصب میشود.

شرکت شعله خاور - خیابان تخت جمشید چهارراه بهار قلعن ۴۵-۷۵۶۱۴۱

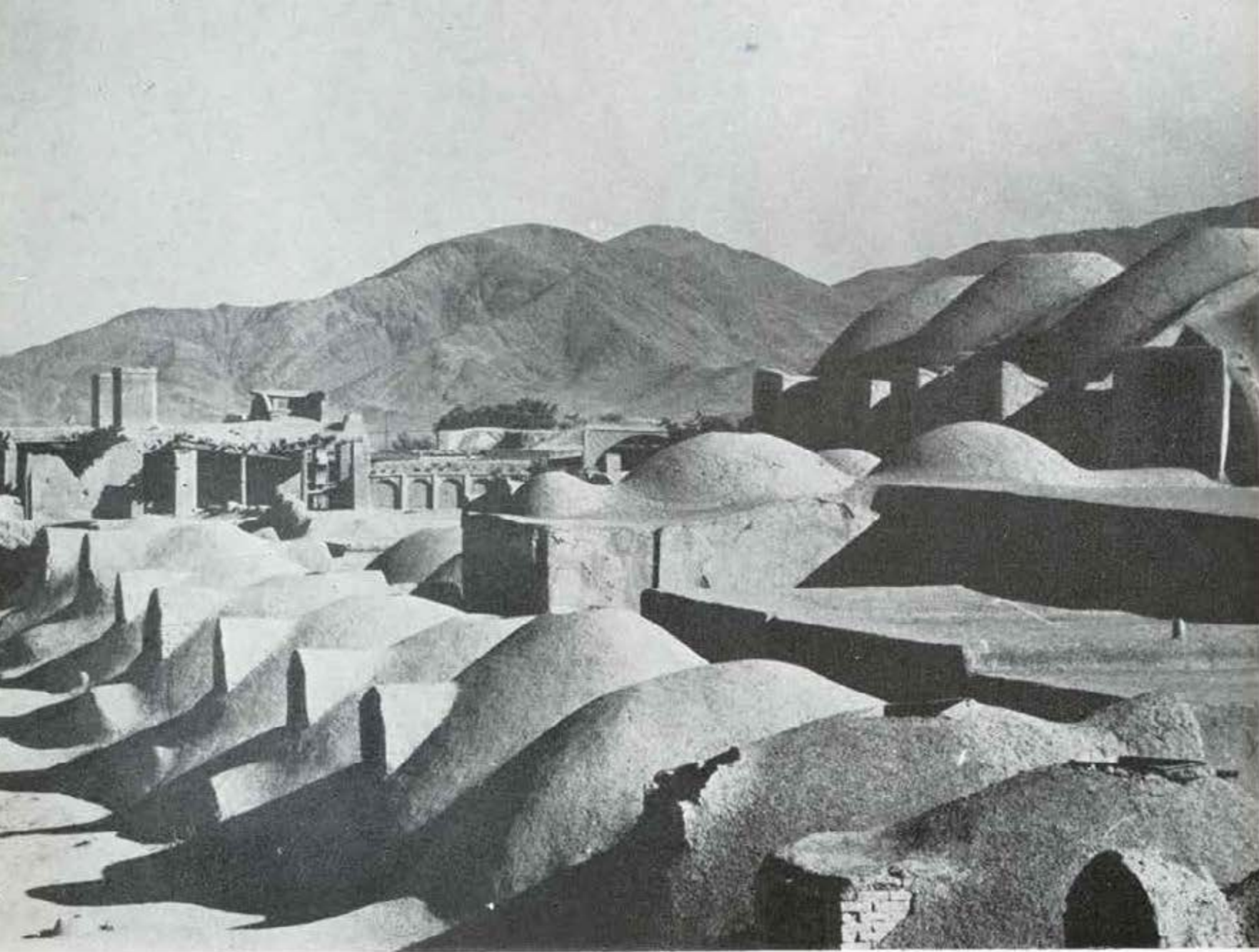




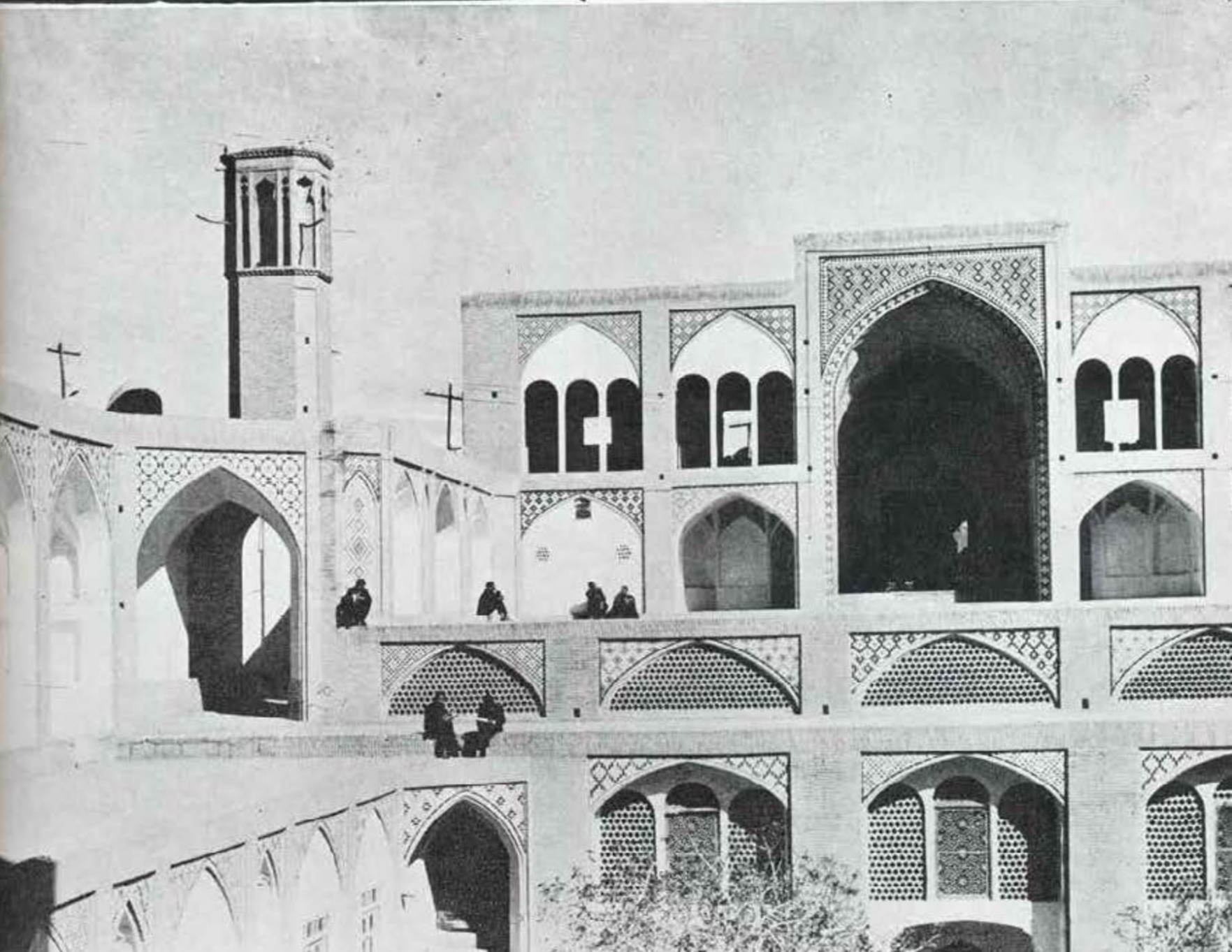
فیلیپس تنظیم کننده نور و صوت بزرگترین سالنها و استودیوهای جهان

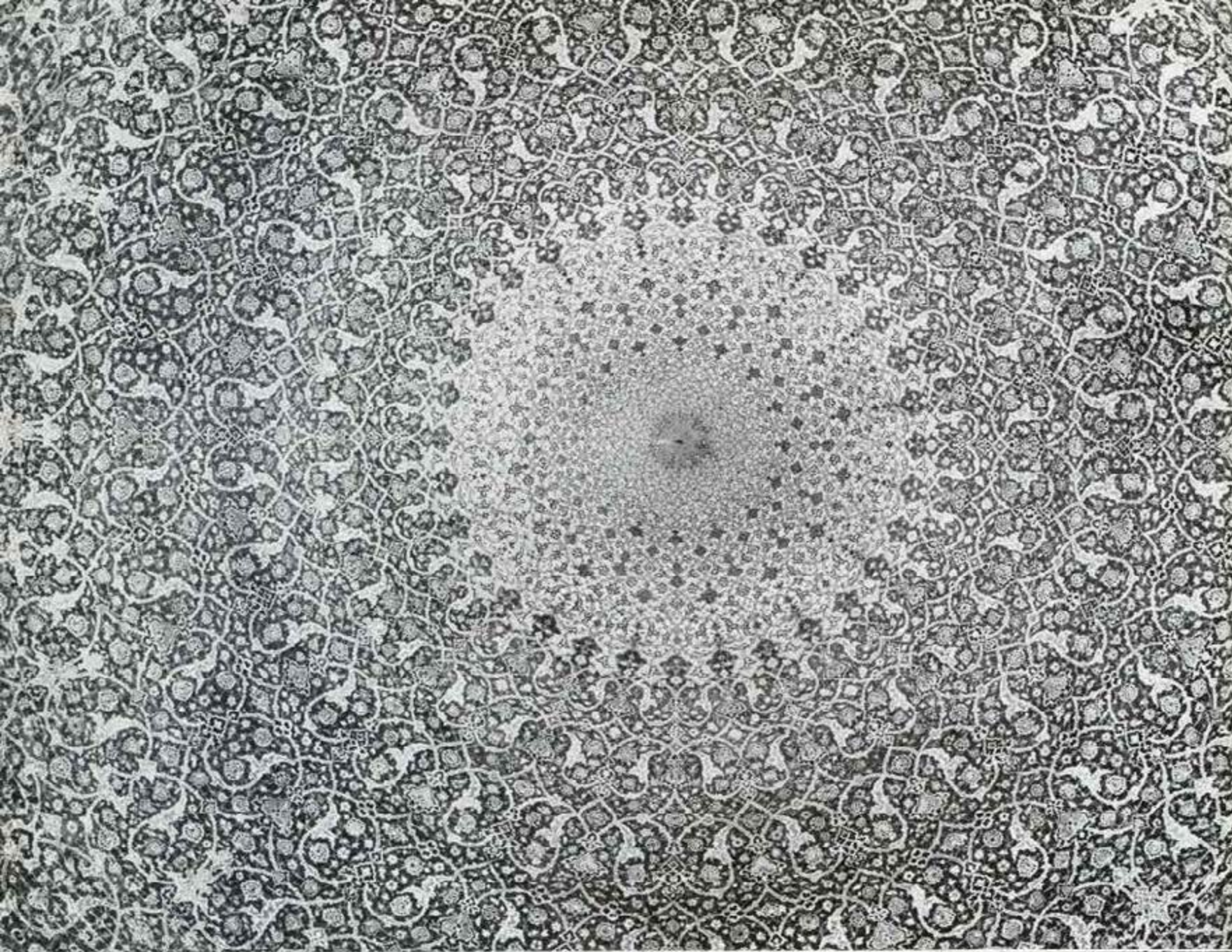
استودیوهای المپیک ۱۹۶۴ - توکیو





- 1 — Dôme de la maison Boroudjerdi a Kachan
- 2 — Habitations du village de pichvali près de Varamine
- 3 — Eclairages par l'etoit au Bazar de Kachan
- 4 — Dôme de la mosquée Shah a Ghavine
- 5 — Intérieur du dôme de la Mosquée Cheikh Lotfollah a Isfahan
- 6 — Poteries
- 7 — Cour intérieure de la mosquée Agha a Kachan
- 8 — Porte d'entrée a Kachan
- 9 — Musolée Mahsoumeh a Ghom
- 10 — Dôme de la Bazar a Arak



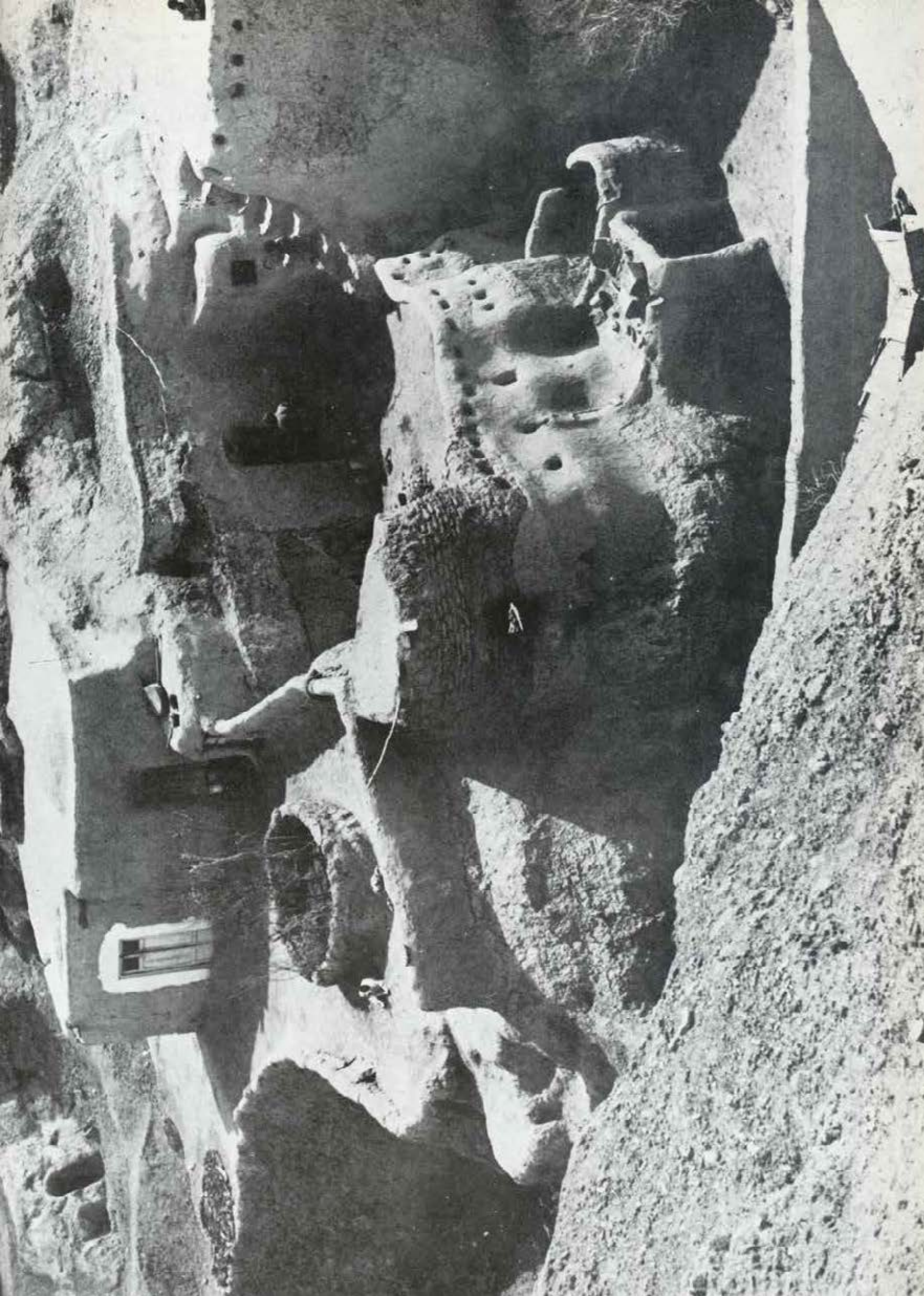


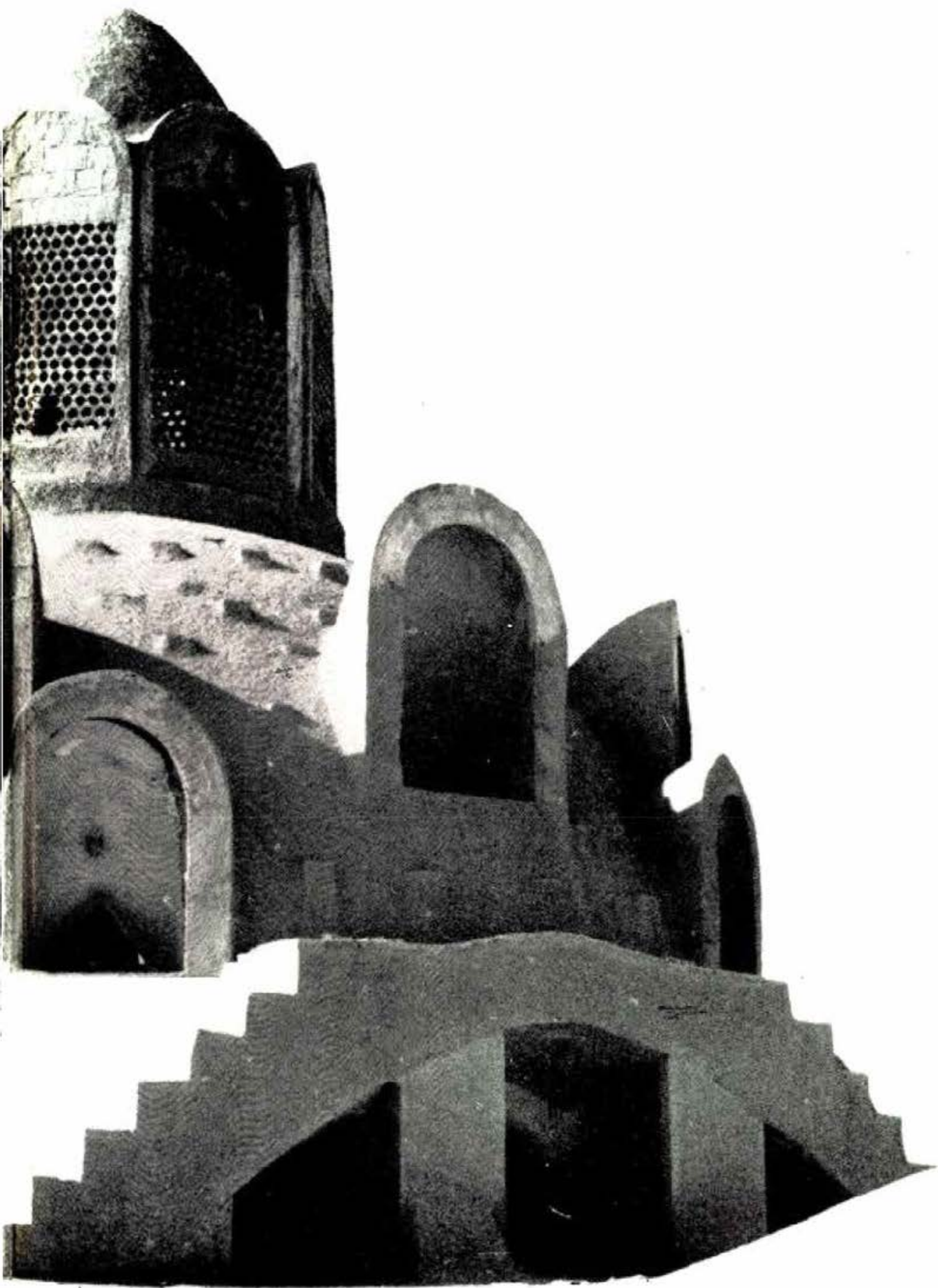


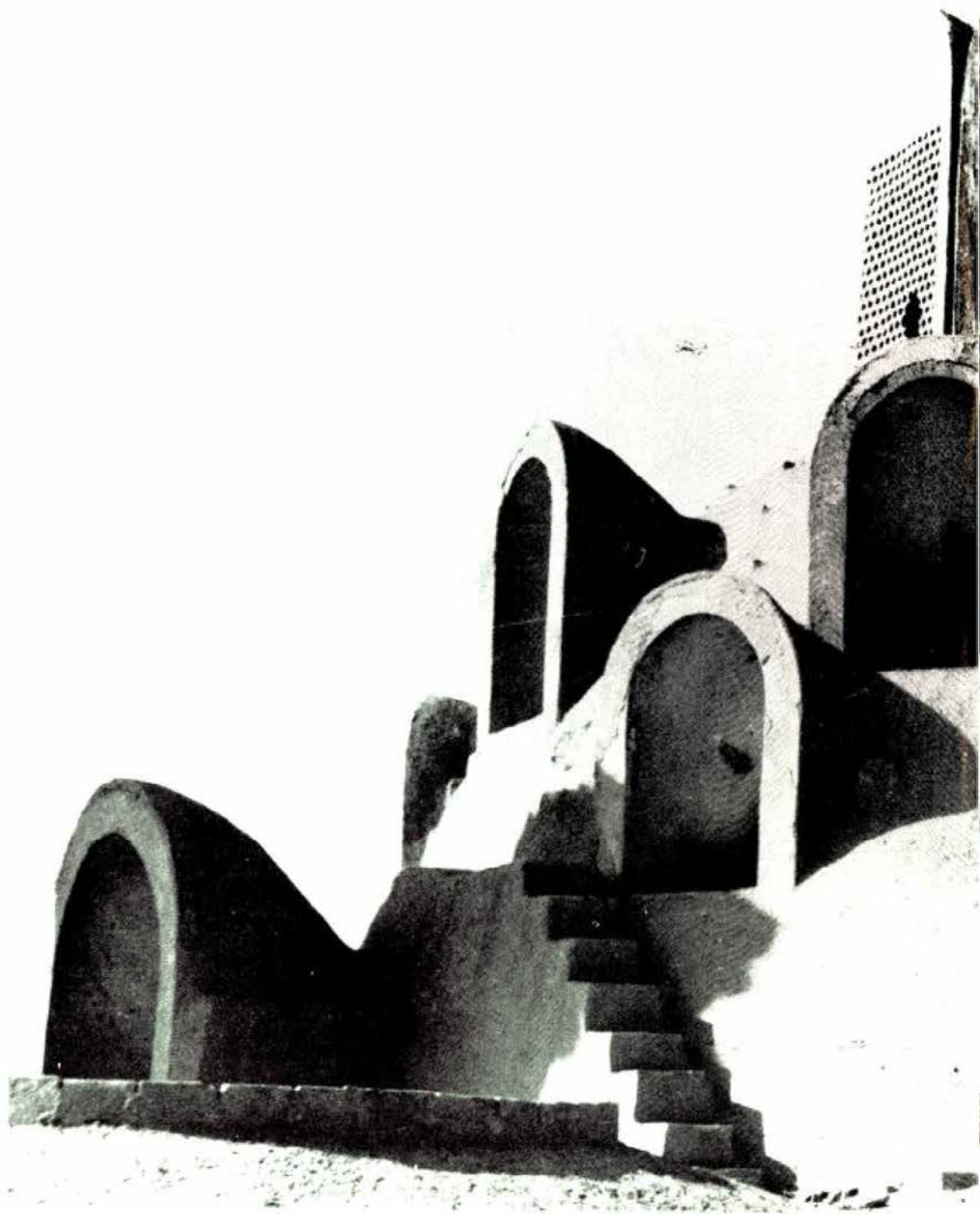
3

4









niveau de la culture architecturale et artistique.

De cette manière, la société trouvera son chemin et après quelque temps, pourra travailler avec un goût meilleur et plus raffiné.

Les Lignes Perdues de l'architecture Nationale de l'Iran

Les ingénieurs architectes ne connaissent pas souvent les conditions climatiques et géographiques du pays ni les traditions architecturales.

De plus, les exigences des propriétaires pèsent sur les projets de bâtiments et contribuent à rendre les constructions difformes.

Nous avons déjà dit que la laide architecture crée des villes laides et nous avons dit aussi que pour une amélioration de cette situation, il faut que les Municipalités en contrôlent le développement, s'efforçant d'élever la culture artistique et architecturale.

Maintenant, nous étudions la relation entre les conditions climatiques et les traditions architecturales, faisant un parallèle avec les bâtiments d'aujourd'hui et les autres problèmes de l'architecture nationale de l'Iran.

Les architectes et les municipalités ne portent en effet aucune attention actuellement à l'élaboration des projets : les architectes qui donnent un projet de construction doivent non seulement s'attacher à respecter les règlements, mais aussi examiner dans quelle partie de la ville sera située la construction et dans quel ensemble elle se place.

Il leur faut donc aller se rendre compte sur place et harmoniser leur projet avec les autres bâtiments et l'ensemble du quartier.

L'on voit parfois dans une même avenue, plusieurs bâtiments luxueusement construits au prix de dépenses considérables, mais sans aucune harmonie, l'un de trois étages, l'autre de six; le premier orné de pierres rouges, le second de briques ou de pierres vertes.

Aucune ressemblance n'est visible quant à la forme, la couleur, le volume.

Nous ne voulons pas dire que dans une avenue, tous les bâtiments doivent être uniformes, ceci n'est pas possible ni pratique, c'est oppressant. Mais nous insistons sur l'harmonie de la forme, de la couleur.

La Municipalité ne doit accepter que les projets des architectes approuvés. D'ordinaire en effet, ces projets ne reçoivent la signature que de personnages sans valeur, ou bien ce qui est plus grave, ces personnages ont préparé ces projets avec la signature des architectes approuvés. Voilà la cause réelle de notre décadence dans l'urbanisme.

Les citoyens qui contemplent plusieurs fois par jour un bâtiment affreux, s'imprègnent de son effet négatif et restent sous son influence.

La beauté d'une ville ornée de verdure et de fleurs aura une influence bienfaisante sur ses habitants, influence qui se manifestera dans tous les aspects de la vie sociale.

Les Municipalités de même que le Ministère du développement et du logement doivent donc attacher une grande attention à la création de cette heureuse situation. Les Municipalités doivent demander que les projets soient plus détaillés et portent la signature d'architectes approuvés.

On entend dire que en certaines parties de la ville, des centaines de projets sont présentés à la Municipalité avec la signature de deux ou trois architectes; ces projets, sans valeur artistique, sont préparés par certains constructeurs qui ont acheté la signature de quelques architectes.

C'est cet état de faits qui nous a conduit à la situation où nous nous trouvons aujourd'hui.

En pensant à l'échelle mondiale, nous voyons que tout développement d'une ville doit être sous la surveillance de techniciens responsables qui en dirigeront le développement selon les méthodes scientifiques actuelles.

En ce cas l'évolution de la société et les lignes de son architecture nationale appa-

raîtront rapidement.

Les Architectes diplômés et les Conditions Nationales

L'autre problème délicat et qui a un rapport étroit avec notre architecture nationale est le problème de nos architectes diplômés.

Ces architectes terminent leurs études à l'intérieur ou à l'extérieur du pays, se groupant à Téhéran et de jour en jour se heurtent à des difficultés grandissantes.

Lorsqu'il n'y a pas de juste proportion entre la quantité de travail et le nombre d'architectes, sans doute la corruption apparaît.

Il faut ici critiquer impartialement celle-ci.

Ce qui cause les plus grandes difficultés à l'architecte et à l'architecture est le fait que la majorité des architectes ne connaît pas à fond le pays tant au point de vue climatique qu'au point de vue de ses possibilités exécutives et techniques.

Si nous ne savons pas pour quoi et pour qui nous construisons, le résultat de notre effort sera inadapté au climat et à la population et nous ne pourrons pas le nommer architecture nationale.

A mon avis, nos jeunes architectes doivent bien connaître le pays, faisant des voyages d'études en province et ayant surtout des relations directes avec le peuple pour bien savoir pour qui ils construisent.

La difficulté pour nos architectes qui ont terminé leurs études à l'étranger, est qu'ils ont une vue trop occidentale des choses et qu'ils ont oublié les caractéristiques de leur pays natal.

En outre, environ 95% de nos architectes diplômés sont concentrés dans la capitale, et cette concentration est la cause d'inconvénients dans la division du travail.

La concurrence existante entre eux pour se procurer du travail profite aux constructeurs et est la cause de grands dommages pour notre architecture nationale.

Les constructeurs en effet profitant de cette concurrence

abaissent les salaires des architectes et ces derniers en conséquence portent moins d'attention à leur travail ou empoignent des subventions des constructeurs dont ils sont alors obligés de ne pas voir les défauts.

Le résultat technique de cette situation est une mentalité instable de l'architecte et un manque total de confiance pour son travail. Il doit en effet toujours filer doux devant les constructeurs et les contractants; au lieu d'être lui-même le guide en l'art de bâtir, il sera dirigé par des ignorants qui dépensent des sommes considérables pour leurs constructions.

En Iran, il est habituel que chacun se considère comme architecte et se permette de critiquer le travail d'un vrai architecte, surtout dans les domaines de la beauté et de la technique, ce que la plupart du temps, l'architecte est obligé d'accepter; tout ceci contribue à une grande confusion dans le domaine de l'art architectural.

Les devoirs des architectes et les pouvoirs des constructeurs et des contractants doivent donc être soigneusement désignés. La population doit savoir que des interventions inutiles dans l'art de l'architecture peut provoquer de graves dommages.

On voit souvent, au cours d'un travail, le propriétaire du bâtiment et son architecte tomber en désaccord, sur quoi, l'architecte abandonne son travail. Le maître du bâtiment a alors recours aux services d'un autre architecte qui complètera et continuera la construction; il pourra aussi essayer de terminer le travail avec la seule aide des travailleurs et des maçons.

Dans le premier cas, l'architecte nouveau venu peut suivre son propre goût et apporter des changements à la construction, ce qui a presque toujours un effet lamentable; dans le second cas, la situation devient plus défavorable encore car un maçon ne peut bien entendu faire le travail d'un architecte.

Voilà ce dont tout le monde doit être informé!

Notre société doit donc dispenser une instruction suffisante afin de faire connaître le charme et la beauté modernes et ce, par le canal des autorités culturelles et scientifiques, les autorités responsables de la construction des villes, les autorités municipales et les architectes.

Nos villes entrent dans la voie du développement selon des plans prévus, mais ces plans restent discutables; bien qu'au point de vue technique et scientifique, ils soient très complets, leur exécution est délicate. En effet c'est de la capitale et sans aucune espèce d'indication spéciale qu'ils sont envoyés dans les villes de province désirant se développer.

Dans ces villes, nous le savons, il n'existait pas même un architecte diplômé il y a deux ans et aujourd'hui encore, dans certaines villes, il n'y a aucun architecte diplômé responsable de l'exécution de ces plans.

Les petites municipalités des villes de province n'ont pas les moyens nécessaires pour l'accomplissement de leurs tâches et manquent notamment d'architectes et de centres techniques pour contrôler le développement de la ville.

Il est indispensable que dans chaque ville, une organisation s'occupe des différents problèmes urbains et des nouvelles constructions.

Le citoyen en général ne comprend pas les problèmes techniques de l'urbanisme, il ne s'occupe que de sa maison ou de sa boutique qu'il essaye de décorer selon ses goûts propres, ainsi s'il désire planter un arbre, il plantera son arbre préféré et chacun fait de même l'un plantant un platane, l'autre un ormeau ! et ainsi de suite, c'est ainsi que nous voyons tout au long d'une même avenue une multitude d'arbres divers qui enlaidissent la ville au lieu de l'embellir.

La question se pose de la même manière pour les bâtiments, leurs couleurs et leurs façades.

Mais qui est responsable?

Le responsable est le manque de responsabilité de l'autorité responsable !

Pour chaque ville doit exister une autorité responsable connaissant à fond les problèmes urbains et ayant le pouvoir indispensable pour l'exécution des projets techniques.

L'Action personnelle a été toujours plus marquante dans notre société que l'action sociale c'est sans doute un grand défaut pour l'avenir et pour l'exécution des travaux collectifs.

Contrôle technique des bâtiments

Comme nous l'avons dit plus haut, l'action personnelle se montre d'une manière élatante dans tous les domaines de notre vie sociale.

Ainsi, dans le monde sportif, ce sont les individus qui gagnent les médailles pour nous et non pas le groupe sportif.

Dans l'architecture et l'urbanisme ces conditions se retrouvent : Concernant la construction des villes, personne ne tient compte de l'ensemble, chacun travaille pour soi-même et son propre bâtiment et si ce bâtiment ne s'harmonise pas avec les autres, tant pis !

Le résultat est que sur une place ou dans une même avenue en contemple une infinité de bâtiments sans aucune espèce d'harmonie.

Ce qu'il nous faut ce sont des critiques culturelles et une organisation capable créée par les municipalités ou le ministère du développement et du logement afin de contrôler les constructions.

Actuellement, celui qui désire bâtir une maison, ou tout autre bâtiment, prépare un projet qu'il présente aux autorités municipales qui l'étudient uniquement aux fins de prélever des taxes. Il n'est pas question d'harmonie et de beauté de la ville dans cette affaire; d'ailleurs, une fois le projet accepté, le contrôle de la municipalité prend fin....

Si le constructeur impose des changements au projet de

construction, il n'y a aucun empêchement; cela signifie qu'une sorte d'autonomie existe dans notre architecture, ce qui en est son plus grand défaut.

Autonomie dans les constructions

Aujourd'hui le contrôle de la Municipalité dans les questions de constructions se borne à la réception des taxes et l'organisation technique de la municipalité est dans l'impossibilité de vérifier la suite du travail, c'est-à-dire qu'elle n'a un droit de regard sur l'exécution du bâtiment que du point de vue économique et non technique; Il est bien évident que cette attitude ne peut apporter de stabilité dans la construction des villes.

Ces derniers temps, la Municipalité de Téhéran a procédé à la destruction de quelques bâtiments comportant plus d'étages que prévu dans le projet initial : c'est une bonne chose, mais insuffisante. La question ne porte en effet pas seulement sur le nombre d'étages, mais sur l'ensemble de la construction dans ses détails et sa position dans la ville, qui méritent d'être étudiés minutieusement.

Par exemple, nous connaissons tous dans notre ville des avenues vraiment très particulières : sur une longue partie, l'on ne voit que des murs et des portes de maisons l'une à côté de l'autre et soudain, apparaît une série de boutiques en tout genre et puis encore, des murs et des portes...

Bien entendu, une partie de cette avenue n'a aucun arbres, mais l'autre est parsemée d'arbres d'essences diverses ...

Tout cet ensemble prouve suffisamment que la situation n'est pas sous le contrôle d'une organisation compétente.

Une telle organisation devrait étudier la situation et décider, s'il est nécessaire d'avoir des boutiques dans cette avenue, d'en bâtir et sinon, d'en interdire la construction.

La Municipalité doit contrôler le développement de la ville sur des bases techniques et scientifiques afin d'élever le



Libre opinion :

Texte iranien : Ing. Architecte H. Seihnoun

La laide architecture fait des villes laides

Les Municipalités qui ont le devoir de contrôler les constructions doivent avoir un rôle dans la culture architecturale et artistique.

On discute souvent et avec des opinions diverses, sur notre architecture nationale, pour lui trouver une juste direction, une base correcte et un style réel correspondant à la vie actuelle.

La concentration dans la capitale des nombreux architectes diplômés des Universités d'Iran ou de l'étranger et qui cherchent à y travailler est, d'autre part, un sujet de discussion, car les besoins réels du pays en architectes pour l'exécution des programmes en cours, n'ont pas été encore exactement étudiés.

La question la plus intéressante qui se pose aujourd'hui est celle de la révolution culturelle dans le milieu universitaire et entre autres dans l'instruction de l'architecture.

Cette question qui intéresse l'architecture nationale et les difficultés rencontrées par les jeunes architectes, de même que la réforme dans l'instruction de l'architecture, est un tout qui ne peut être séparé.

Nous essayons ici d'étudier en avant dans tous les domaines et l'on constate partout la volonté de progrès; mais pour la réalisation de cette volonté, il faut que chacun montre son efficacité.

Notre pays fait des bonds sur ces diverses questions et nous tâchons de montrer le chemin vers une solution, estimant comme une réussite si nous parvenons à trouver, ne serait-ce qu'une faible éclaircie.

Laideur de l'Urbanisme

En passant en revue et en discutant les divers problèmes se rattachant à l'Urbanisme,

il est probable qu'il m'arrivera d'être obligé de critiquer quelques organisations; je m'en excuse par avance et insiste sur le fait que ces critiques sont sans intention particulière.

Ce qui est certain, c'est qu'actuellement il existe une sorte d'architecture nationale et même une sorte d'urbanisme national aux caractères bien particuliers, et qui est unique au monde.

Malheureusement, cette architecture et cet urbanisme sont laids, ne présentant aucun trait de la traditionnelle finesse iranienne.

Ils sont pourtant indiscutablement l'œuvre des membres de la société iranienne et le visage qu'elle nous montre ainsi est celui de notre culture sociale et de notre temps.

Les membres de cette société ont pensé et travaillé ensemble et ils ont même tâché de bien travailler, mais le résultat est tel que nous le voyons!

Par exemple, en province, on voit couramment, sur la grande place des villes, diverses boutiques tout à côté d'un cinéma mal construit et cette formule est répétée partout, c'est à dire que la grande place des villes, a, dans chaque province, le même style.

Nous aimerions au contraire, que la grande place des villes dans chaque province soit le reflet et le symbole de la mentalité de la population et ce, à l'aide de la magnifique architecture ancienne de l'Iran, toujours chère à tous les cœurs.

Et nous en venons à nous demander avec amertume comment ce mal est survenu et comment, pouvons nous y porter remède?

Est-ce suffisant de créer un bâtiment modèle sur la

base de données scientifiques, économiques et artistiques, pour toutes les villes? Non!

En effet, il est à peu près certain qu'on s'efforcera seulement d'imiter ce bâtiment modèle dans tous ses détails, sans tenir compte des calculs techniques, et cette imitation se répétant, ne donnera en fin de compte que des constructions laides et difformes abimant davantage encore l'aspect de la ville.

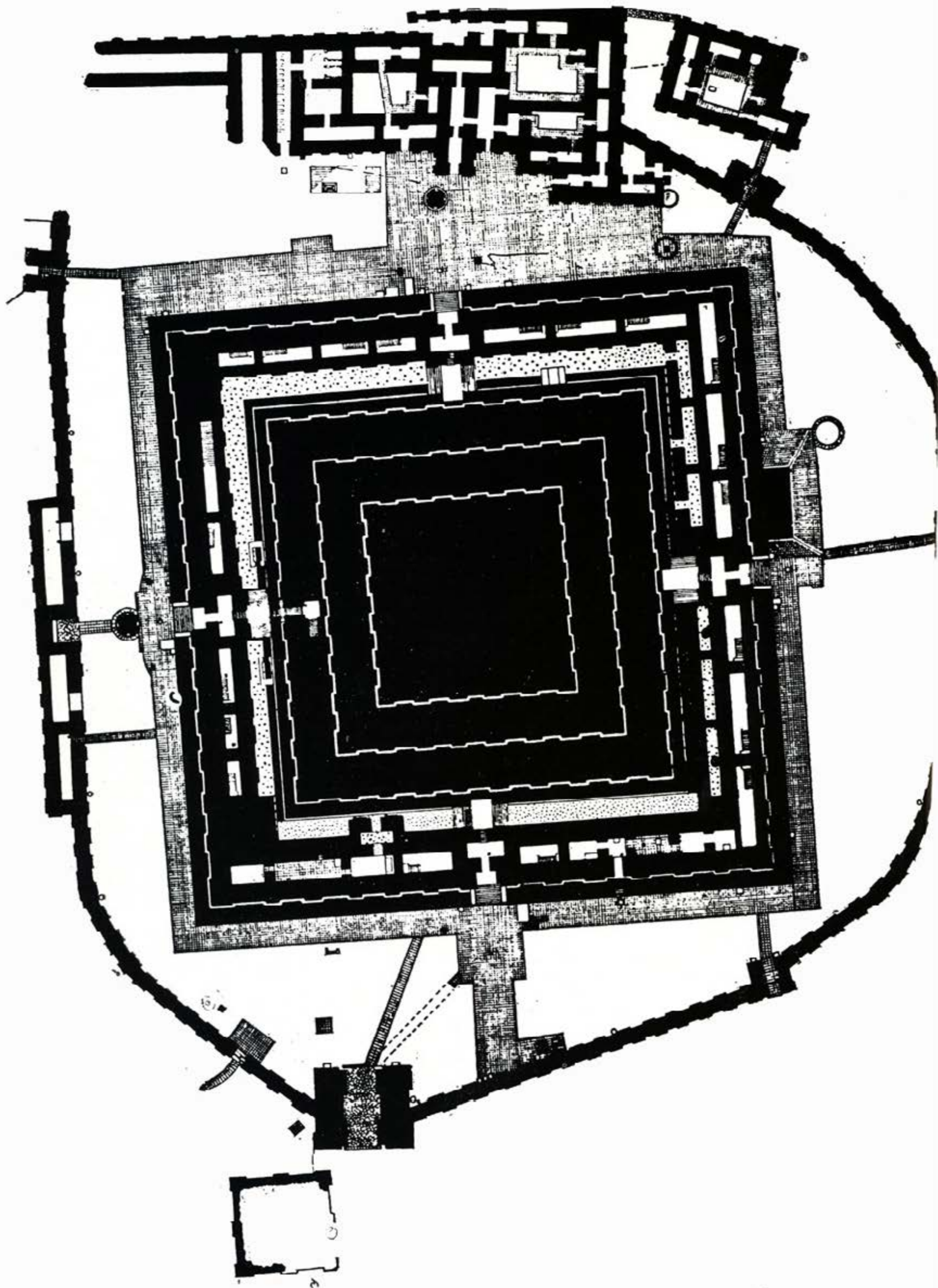
C'est afin d'éviter ces malencontreuses conséquences

qu'il ne faut pas construire de bâtiment modèle.

Malheureusement nos villes sont pleines de ces modèles à l'aspect lourd et laid.

Mais si notre société se trouve placée dans la voie d'une grande révolution de l'architecture et de la construction, elle n'a toutefois pas appris de nouvelles façons de faire tout en ayant oublié les anciennes; de plus notre société n'a guère de goût pour la beauté moderne dont elle n'a pas encore compris l'agrément.





Plan de la ziqqourat et mur d'enceinte intérieure, de Tchoga Zanbil.

La Ziggourat de Tchéga - Zambil est la seule construction en briques que nous connaissons de l'Architecture Elamite.

Cette grande construction est une tour à étages qui se dresse, telle une puissante montagne, à une trentaine de kilomètres de Suse, sur la rive droite de l'Ab-e-Dez, affluent du Karoun, au centre d'un désert plat et vide où l'on imagine que, jadis, dans des jardins, des prêtres et d'autres serviteurs du sanctuaire, séjournaient.

Dans cette région, la température peut atteindre en été 60 degrés, mais cette chaleur est sèche et supportable à l'ombre et les nuits sont même fraîches.

Les anciens habitants de cette région allaient durant l'été, chercher la fraîcheur dans les montagnes du Luristan. Aujourd'hui, ils se retirent dans des appartements souterrains pour fuir la chaleur de midi, ne sortant que le soir.

Il y a 44 ans, que des géologues signalèrent à la mission archéologique française de Suse, une butte au centre de deux enceintes qu'ils avaient repérée au cours d'une reconnaissance aérienne.

L'année suivante, la mission française entreprenait le déblaiement d'une partie de la colline qu'elle identifiait d'après les briques gravées trouvées là, comme étant une Ziggourat, c'est-à-dire une tour à étages, d'époque Elamite, construite en l'an 1230 Av. J.C.

Après des années de travaux, la tour

fut systématiquement dégagée des amas de débris et de terre sous lesquels elle était ensevelie.

La Ziggourat et les autres bâtiments découverts étaient entourés d'un mur d'enceinte (long. 1.200 x 300m.) et le quartier sacré était protégé par un second mur, (400 x 400m.) percé de sept portes ouvrant sur des parvis dallés de briques cuites; on voit encore trois étages de l'édifice seuls conservés sur les cinq qu'il comptait à l'origine.

Les divers étages apparaissent comme des terrasses carrées, concentriques, qui semblent entassées les unes sur les autres, en réalité, chaque étage repose directement sur le sol.

La Ziggourat forme un carré de 105 m. de côté. A l'origine, elle s'élevait à 30 mètres de hauteur et comptait cinq étages, l'étage supérieur étant la demeure de la Divinité.

Comme nous l'avons déjà signalé, actuellement trois étages seulement subsistent, mesurant 23 mètres.

La plupart des briques cuites que nous voyons dans ce bâtiment sont couvertes d'inscriptions en caractères cunéiformes, derrière la façade sud-est se trouve un petit temple du Dieu, nommé Inshushimak auquel était consacrée la Ziggourat.

C'est par d'étroits escaliers, aux marches hautes, en partie voûtée, en partie à ciel ouvert, afin de laisser pénétrer la lumière, que les rares privilégiés admis à accéder aux étages supérieurs, pouvaient atteindre le sommet de la Ziggourat, où, pense-t-on, se trouvait un second temple du Dieu.

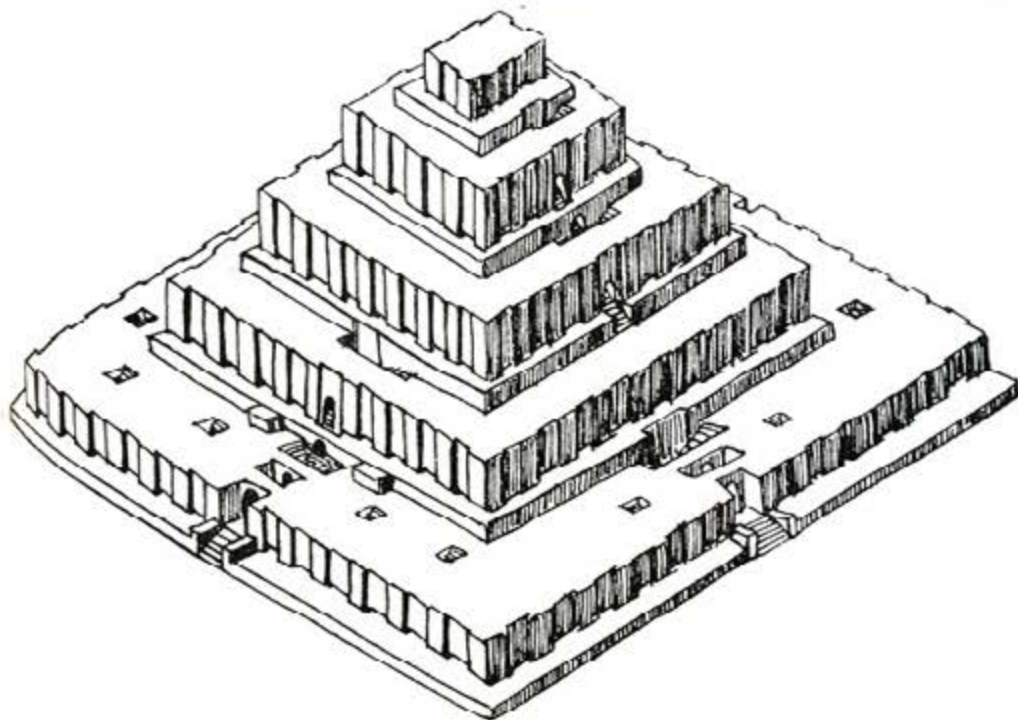
M. Le Professeur Grishman, ancien Directeur de la mission archéologique française en Iran, suppose que l'effigie de la Divinité, probablement conservée dans le Temple supérieur, devait être descendue par les prêtres et présentée au Roi, dans le Temple inférieur.

L'impression produite par la Ziggourat provenait principalement de l'horizontalité des étages et de l'alternance régulière des saillants et des rentrants, élément essentiel, depuis le quatrième millénaire, de la décoration des constructions en briques crues, particulièrement lorsqu'elles avaient un caractère sacré.

Nouvel élément architectonique d'ornementation, jamais encore rencontré à une époque aussi reculée : quelques unes des portes d'entrée conduisant vers le mur d'enceinte intérieur, ainsi que d'autres entrées, étaient ornées de carreaux de briques émaillées dont les couleurs, vert ou bleu, ou blanc et bleu, brillaient au soleil. Bon nombre de ces carreaux portaient le nom du constructeur de la Ziggourat : Untash-gal.

La mission archéologique française en dégagant la Ziggourat a découvert des chambres voûtées, des portes en arcs brisés, des chapelles et des temples. Entre les briques recouvertes d'inscriptions, ont été trouvés un grand nombre de clous de fondation en terre cuite émaillée au nom d'Untash gal, à l'aide desquels les carreaux étaient fixés sur le mur de briques crues.

L'imposante Ziggourat de Tchaga-Zambil a été détruite vers 610 av. J.C. par Assurbanipal, mais elle dresse encore fièrement ce qui reste de ses étages vers le ciel.



Reconstitution de la ziggourat de Tchaga Zambil.



LA MOSQUÉE BLEUE DE TABRIZ

La célèbre Mosquée bleue de Tabriz est un chef d'œuvre de la couleur dans le décor architectural.

Cette magnifique Mosquée fut construite en l'an 870 H (1463), sous le règne du souverain Kara-Koyūnlū Djahān Shāh, et fut détruite par un grand tremblement de terre qui d'ailleurs ruina toute la ville de Tabriz.

A la suite de cette destruction, restèrent seulement de la magnifique mosquée, quelques piliers, quelques parties du mur extérieur et la façade, dans un état lamentable.

Mais ce qui reste est très joli et a une splendeur inimaginable.

Le service archéologique de l'Iran a déjà fait d'importantes réparations pour maintenir le reste splendide de cette mosquée qui ne donne d'ailleurs pas l'impression d'un ensemble ancien.

Les magnifiques émaux restent aujourd'hui comme des tâches de couleur éparses, mais à leur place dans le monument.

Mme Dieulafoy qui a vu cette mosquée il y a 70 ans a décrit ses impressions : "Les faces intérieures du portail d'entrée sont ornées de faïences taillées au ciseau et juxtaposées avec une telle précision qu'elles paraissent former un seul et même corps. Leurs dessins d'un goût délicat représentent des enroulements, des guirlandes de fleurs et ne rappellent en rien les combinaisons géométrique des arts seldjukide et mongol.

"Enfin, une harmonie parfaite s'établit entre les tons bleu clair, vert foncé, blanc, jaune feuille morte et noir des sujets et la couleur bleue foncée des fonds dont ils rompent la monotonie sans enlever à l'ensemble l'éclat particulier qui a valu à ce monument le nom de mosquée Bleue.

"Une porte de peu d'élévation percée dans la façade intérieure du portique donne accès au temple, composé de deux vastes salles bien distinctes, autrefois recouvertes par des coupôles et entourées de galeries de communication. La première est ornée de mosaïques de couleurs variées rappelant par leur style celles de l'entrée.

"Leurs dessins acquièrent parfois, grâce à un sertissage de briques gris-rosé, une valeur et un relief qui manquent aux panneaux entièrement recouverts de faïence émaillée. La seconde, où se trouve le mehrāb, est revêtue de plaques bleues taillées en petits hexagones. Leur émail bleu foncé est réchauffé par des arabesques d'or."

Ce qui fait de la Mosquée bleue de Tabriz le chef d'œuvre de l'art du décor architectural émaillé est en effet la qualité de la composition du dessin, du travail, mais surtout celle des couleurs, nouvelles et variées. Il y a là, produisant une impression d'harmonie inégalée, des tons feuille morte, brun, jaune ocre, vert olive, encore jamais vus.

Certes, à l'époque timuride, la céramique, celle de la mosquée Gohar Shād à Meshed utilisait déjà une gamme de couleurs analogue, mais elles s'accordaient moins bien entre elles et avec l'ensemble, sans doute à cause de l'importance accordée au rouge violent de la brique naturelle utilisée comme une des couleurs du décor.

A la Mosquée bleue, les tons, plus fins et mieux répartis, où le rose de la brique n'intervient pas directement dans le décor émaillé, sont plus agréables. Le dessin est aussi beaucoup plus spirituel.

"Texte préparé d'après le livre d'André Godard : "L'art de l'Iran."



ARTICLE XVI

L'administration de la Société sera faite par le Comité Directeur selon les prescriptions de ce règlement. Le Comité est composé de six membres principaux qui seront élus par vote secret, pour la durée d'un an, par l'assemblée générale, et leur service est honoraire. (Le Comité Directeur désigne entre soi un président, un vice-président et un directeur administratif, par vote).

ARTICLE XVII

Les membres du Comité Directeur peuvent être réélus par l'assemblée générale et continuer à être membres de ce Comité.

ARTICLE XVIII

Dans toutes les élections concernant ce règlement, où il y aurait besoin d'élire une seule personne, deux personnes ou plus gagneront des voix égales, on devra procéder à élire une personne parmi eux par lot.

ARTICLE XIX

Dans le cas de décès ou de démission d'un membre du Comité Directeur, il sera procédé à réunir une séance extraordinaire de l'assemblée générale pour l'élection du suppléant du membre décédé ou démissionnaire.

ARTICLE XX

Les séances du Comité Directeur seront tenues une fois par mois; la constitution des séances ainsi que toutes autres décisions ne seront valables que par la majorité des trois quarts des membres directeurs.

ARTICLE XXI

Le Comité Directeur est le représentant légal de la Société et peut procéder à toutes sortes d'actions, spécialement ce qui suit :

- 1— Toutes formalités légales.
- 2— La représentation de la Société devant tierces personnes, les administrations gouvernementales et les institutions privées.
- Recrutement des employés des ouvriers, des spécialistes et des comptables, la désignation de leur appointement et leur déposition.
- 4— La désignation et l'arrangement du budget, le paiement des appointements, des pourboires et des dépenses diverses.
- 5— L'exécution des décisions des assemblées générales.
- 6— L'ouverture des comptes courants et fixes dans les banques, instituts, etc.

REMARQUE — Le pouvoir du comité Directeur ne se borne pas aux cas sus-mentionnés, ceux-ci étant insérés à titre d'exemples. Les prescriptions de cet article ne nuit nullement aux pouvoirs complets du comité directeur.

ARTICLE XXII

Ceux qui possèdent le droit de signature dans la Société sont : La signature des papiers courants, des lettres administratives peuvent être faites par chacun des membres Directeurs avec le sceau de la Société. La signature des papiers officiels ou les valeurs, ainsi que les papiers ayant des engagements financiers, est faite par le chef et le directeur administratif ensemble et le sceau de la Société y sera apposé.

ARTICLE XXIII

Chacun des membres Directeurs peut concéder son pouvoir à un autre membre Directeur par procès verbal ou par acte officiel de concession.

ARTICLE XXIV

Les assemblées générales : La Société aura deux sortes d'assemblées générales et extraordinaires.

ARTICLE XXV

L'assemblée générale est constituée pendant le premier trimestre de chaque année, avec la participation des membres principaux de la Société; elle est tenue à :

- 1— Ecouter le rapport annuel du Comité Directeur et exprimer son avis à ce sujet.
- 2— Contrôler le bilan et l'approuver.
- 3— Discuter au sujet des propositions reçues et désigner les modes d'actions futures de la Société.
- 4— Elire le Comité Directeur.

ARTICLE XXVI

Les assemblées générales et les assemblées ordinaires ne seront officielles que par la présence d'au moins 51% des membres; dans le cas où la majorité ne serait pas présente une autre invitation serait faite pour dix jours après. La deuxième assemblée générale sera officielle et sa décision serait valable par la voix de la majorité des membres présents.

ARTICLE XXVII

L'assemblée générale extraordinaire sera constituée pour le changement des articles du règlement et les cas n'étant pas dans la compétence des assemblées ordinaires. Sa décision est valable dans le cas où au moins les trois quarts des membres principaux soient présents. Dans le cas où cette majorité n'est pas produite, une autre invitation sera faite pour dix jours après, pour laquelle la majorité de la moitié des membres suffit; dans le cas où cette dernière n'atteint pas la majorité requise, une troisième invitation sera faite et pour cette dernière assemblée la majorité du tiers des membres suffit.

ARTICLE XXVIII

Les décisions des assemblées générales ordinaires seront valables par les voix de la majorité des membres présents et celle des assemblées générales extraordinaires seront valables par les voix des deux tiers des membres présents.

ARTICLE XXIX

L'invitation des assemblées générales sera faite par écrit ou l'insertion d'un avis dans un journal de fort tirage de Téhéran. Le délai entre l'invitation et la séance est de dix jours.

REMARQUE — Les formules d'action doivent être insérées sur les cartes d'invitation.

ARTICLE XXX

Pour les décisions des assemblées générales chacun des membres peut, outre soi, représenter officiellement un autre membre.

ARTICLE XXXI

Le présent règlement est fait en 31 articles et quatre remarques et est signé par tous les membres fondateurs de la Société.

Ing. Moshen Foroughi Ing. Houchangue Saihoun
Ing. Nasser Badie
Ing. Abdul Aziz Farmanfarmaiyan In. Owrangue
Dana Ing. Adul Hamid Echragé

AU NOM DE DIEU TOUT- PUISSANT

Règlement de La Société Des Architectes Iranien

ARTICLE I

Le nom de la Société est "Société des Architectes Iranien", nommée "La Société" dans ce règlement. C'est une société artistique et technique, à but non-lucratif, fondée, selon les lois du pays de l'Iran.

ARTICLE II

Les buts de la société sont :

1 — Rehausser les valeurs de la profession des architectes,

2— Créer la relation et la coopération entre les architectes et entretenir des conseils entre les membres de la Société afin de développer leur connaissance technique et recueillir des données et statistiques nécessaires des sources intérieures et extérieures, ainsi que procurer les moyens de publication, propagation et distribution de ces connaissances entre les membres pour leur permettre de mieux connaître les dernières méthodes scientifiques et techniques et de mieux défendre leurs intérêts matériels et moraux.

3— La création et l'entretien d'une librairie ainsi que la compilation ou la traduction des données et connaissances techniques et architecturales et leur publication.

4— Coopération réciproque et échange de connaissances avec d'autres institutions et sociétés locales et étrangères ayant les mêmes buts et idéaux. (L'échange des connaissances et acceptation d'être membre des sociétés étrangères seraient sujets à la permission des autorités compétentes locales.)

5— S'efforcer d'entretenir et de rehausser les dignités artistiques et sociales des membres de la Société.

6— Faciliter la référence et la consultation des employeurs locaux et étrangers aux ingénieurs et architectes.

7— Procéder à toute action légale pour atteindre les résultats mentionnés ci-dessus.

ARTICLE III

Le centre de la Société est situé à Téhéran, Avenue 21 Azar No 92

ARTICLE IV

La Société est non-gouvernementale et non - politique.

ARTICLE V

La Société est sans buts lucratifs et tous ses revenus seront consacrés au développement et au progrès de la Société.

ARTICLE VI

La Société ne possède par d'avoirs lors de sa fondation.

ARTICLE VII

Les participations à la Société sont comme suit : Les membres principaux, les membres adhérents et les membres honoraires.

ARTICLE VIII

Sont acceptés comme membres de la Société :

a) Les diplômés ingénieurs d'une université dans la branche de l'architecture,

b) Exempts de mauvais précédents et de condamnations les privant des activités sociales.

ARTICLE IX

Les membres adhérents sont ceux qui par leur exercice régulier dans le domaine de l'architecture ont acquis des expériences. Ils doivent être présentés par les membres principaux.

ARTICLE X

Les membres honoraires sont ceux qui par leurs actions et leur support à la cause de la Société ont acquis la reconnaissance de celle-ci. Leur admission sera faite par la voix de la majorité des membres principaux.

ARTICLE XI

Les membres adhérents et honoraires jouissent de tous les avantages des membres principaux, sauf le droit de vote de l'assemblée générale et le droit d'accès au Comité de directeurs.

ARTICLE XII

Les citoyens étrangers peuvent devenir membres de la société selon les lois du pays (Iran) et moyennant la permission des autorités compétentes locales. Cet avantage sera réservé seulement à ceux pour qui dans leurs pays respectifs les mêmes facilités existent, pour les architectes iraniens.

ARTICLE XIII

Tout candidat pour devenir membre de la Société est tenu à remplir la feuille spéciale de demande, et, après l'avoir dûment remplie et fait signer par deux membres principaux, la soumet au Comité des directeurs pour leur permettre de procéder à l'admission ou au refus du membre.

ARTICLE XIV

Chacun des membres paiera une cotisation qui devrait être au minimum 1200 Rials.

ARTICLE XV

La suspension ou la conclusion du droit de membre. Il serait suspendu ou conclu sous les conditions suivantes :

A — Les cas de suspension :

1 — Dans le cas où le Comité des Directeurs discerne que le droit de membre mérite d'être suspendu moralement.

2— Dans le cas mentionné ci-dessus (No. 1) le membre aura le droit de se présenter au Comité directeur pour se défendre. Dans le cas où le comité Directeur ne consente pas à changer d'avis, il devrait porter le litige devant l'assemblée générale et la décision de celle-ci est formelle. En tout cas le Comité Directeur est tenu à porter tous les cas de la suspension devant l'assemblée générale.

3— Dans le cas où le membre se serait abstenu de payer sa cotisation pendant un an. Dans ce cas la suppression de la suspension du membre tient à la décision du Comité exécutif et le paiement de la cotisation arriérée.

B— Les cas de la conclusion :

1— Dans le cas du décès du membre.

2— Par sa demande écrite.

3— Dans le cas de la décision de l'assemblée générale au sujet du membre suspendu.

Pour Mieux Connaitre La Société Des Architectes Iraniens :

Les Etudes Universitaires d'Architecture :

Autrefois, notre pays ne disposait pas d'universités et quelques familles seulement envoyaient leurs enfants à l'étranger pour qu'ils continuent leurs études universitaires.

Plusieurs terminèrent ainsi leurs hautes études parmi lesquels se trouvent des architectes devenus aujourd'hui des notabilités et des professeurs dans les Universités Iraniennes.

Mais, à la suite de la fondation de l'Université de Téhéran et de plusieurs autres en province, une importante évolution se manifesta : plusieurs Ingénieurs - Architectes purent terminer leurs études en Iran et décidèrent de se rassembler dans un but bien déterminé.

Notre pays possède en effet d'importants monuments anciens, contruits depuis de nombreux siècles et qui occupent une place remarquable dans l'Art de l'Architecture.

Malheureusement, ces dernières années, aucune attention n'avait été portée à cet Art qui semblait tombé dans l'oubli.

Cette situation amena les Architectes à se rassembler en vue d'élaborer des plans conformes aux nouveaux besoins sociaux.

LES PIONNIERS DE L'ARCHITECTURE :

Plusieurs architectes distingués lancèrent une invitation en vue de créer la Société des Architectes Iraniens. Ils n'ignoraient pas que les efforts individuels entrepris contre les mauvais constructeurs et leur tâche destructrice sont par avance voués à l'échec, et pour s'attaquer à la racine du mal, visible dans la reconstruction du pays, il fallait rassembler toutes les forces des architectes, qui, avec l'aide du gouvernement et leur intense activité, pourraient montrer au pays le vrai visage de l'Architecture.

La Société des Architectes Iraniens fut, donc, solennellement créée à la date du 6 Tir de l'année 1346 en présence du Premier Ministre et d'importantes personnalités.

DANS CINQ ANS :

Actuellement plus de 600 Ingénieurs-architectes travaillent dans notre pays, et environ 1.350 élèves étudient dans nos universités, d'autres, à l'étranger, sont en train de finir leurs études en ce domaine et l'on espère que dans le délai de cinq ans, nous posséderons ainsi plus de 2.300 architectes diplômés en Iran.

La Société des Architectes iraniens qui a commencé ses travaux sous les meilleurs auspices, espère les continuer avec l'aide de tous ses membres et préparer les projets révolutionnaires correspondants à la situation de développement intense du pays.

Les buts de la Société :

Ils sont désignés dans l'Article 20 du Statut de la Société. (Nous publions l'ensemble des articles dans ce Numéro).

Les projets prévus pour faire connaître l'Architecture et y faire participer le peuple :

La préparation d'un programme méthodique pour initier le peuple à l'Art de l'Architecture, les devoirs et l'action des architectes en ce domaine, comportent de grandes difficultés.

La tâche de l'architecte est en effet subtile et si elle atteint son but, de grandes améliorations en matière de constructions et d'urbanisme pourront être obtenues, influant surtout sur la vie de la population.

Les buts envisagés requièrent de grands efforts ainsi que l'apport de la participation gouvernementale et la contribution de la Presse, de la radiodiffusion et de la Télévision.

LES EFFORTS DU GOUVERNEMENT :

Nous constatons avec plaisir que le Gouvernement a mis en concours plusieurs projets entre les Ingénieurs - Architectes et que de bons résultats ont été obtenus.

Les projets acceptés dans ces concours ont déjà été présentés à Sa Majesté Impériale le Chahinshah, ce qui a été d'un grand encouragement pour les concurrents.

Sa Majesté Impériale a ordonné de toujours remettre les travaux entre des mains qualifiées et cette attention a évité de nombreux dommages tout en étant une gloire pour les jeunes architectes et élèves des universités, toujours prêts à offrir leur service pour leur pays.

Nous savons, avec fierté, que nos distingués architectes sont prêts à accomplir leur meilleur travail et nous sommes disposés également à leur en donner toutes les possibilités.

IL FAUT PROFITER DU TEMPS :

Pour éviter tout retour au passé, notre pays doit tirer un bon parti de ses jeunes Ingénieurs - Architectes et la Société des Architectes Iraniens doit continuer ses efforts pour l'accomplissement de ses buts.

Nous espérons un bon avenir pour les Architectes d'Iran et sommes persuadés que nous retrouverons nos gloires passées sous l'égide bienveillante de Sa Majesté Impériale le Chahinshah.

Rohani associés.

* La Faculté d'Architecture de l'Université Nationale de l'Iran a bien travaillé dans son domaine. Le projet du Centre de Rééducation de Téhéran qui est un projet-diplôme de cette Faculté le montre assez clairement.

La manière et la direction de l'emploi de l'énergie individuelle est un important problème dans chaque société et l'on tâche toujours d'en profiter au maximum, et surtout on s'efforce de profiter de l'énergie individuelle des travailleurs et des techniciens.

Dans les pays non développés ou sur la voie du développement, la formation de ces travailleurs et techniciens, étant donné le degré de leur éducation générale est très difficile. La perte de ces forces cause alors un grand préjudice du point de vue social.

Les centres de Rééducation qui d'ordinaire s'organisent avec l'aide des gouvernements, ont toujours une tâche très difficile et très importante.

D'ailleurs, quelle que soit la forme et la politique de ces gouvernements, ces centres sont toujours uniformes et identiques.

Mais en fonction de leur formation éducative et économique, ils prennent des aspects différents.

Par exemple, dans les milieux industriels ou en voie de développement, le besoin de ces Centres se fait sentir plus impérieusement que dans les autres milieux.

Les centres de Rééducation ont pour but de permettre aux individus de retrouver la force et la capacité perdues par suite des circonstances et des événements.

Dans notre pays, l'absence de ce genre d'établissement se fait nettement sentir, à tel point que des institutions diverses ont entrepris, à titre privé, et isolément, la réalisation de différentes parties de ce programme.

Entre autres, citons :

La fabrique de bras et de jambes artificiels qui dépend de la Société du Lion et Soleil Rouge d'Iran, le Service de Physiothérapie à l'hôpital Pahlavi et l'Ecole des Sourds Muets.

Les centres de Rééducation présentent différentes sections et celles-ci varient selon les lieux et les pays. Il est préférable de s'efforcer de grouper toutes ces sections pour en obtenir un meilleur fonctionnement.

Le but de ces Centres pour les inadaptés physiques est, par exemple, de rendre l'usage des mains, des jambes, des doigts ainsi que la rééducation des polyos, des paralysés-moteurs, la rééducation de l'ouïe, de la vue et du langage de même que la rééducation mentale. Toutefois, étant donné que la rééducation de la vue et de l'ouïe et la rééducation mentale sont essentiellement différentes, on s'efforce de les grouper dans d'autres sections.

En général, un centre de Rééducation contient les cliniques suivantes :

- 1— Polyclinique
- 2— Clinique pour les Sourds- Muets
- 3— Clinique de physiothérapie et hydrothérapie
- 4— Clinique pour les maladies mentales et les aides sociales
- 5— Section pour la fabrication des membres ar-
- 6— Section de Chirurgie.

* Pour une étude complémentaire du statut du Conseil des Architectes Iraniens, sur la demande du corps directeur, on a invité tous les membres dans une réunion générale pour avoir leur avis sur les différents articles et remarques de ce règlement.

Le nouveau règlement sera complété avec l'avis de tous les membres du Conseil.

La Municipalité de Téhéran a bien voulu attacher une attention vigilante au travail des architectes chargés de la surveillance des constructions privées.

En outre, des mesures ont été prises contre quelques architectes qui n'avaient pas correctement rempli leur mission.

Cette attention de la Municipalité a déjà produit une amélioration dans l'état des constructions privées.

* La construction de trois hôtels de cent chambres a été entreprise à proximité de l'emplacement de l'Exposition Asiatique à Téhéran.

Ces trois immeubles seront placés l'un à côté de l'autre sur un terrain de 20.000 mètres carrés, et leur édification sera dirigée par un seul maître.

La construction de ces trois hôtels à trois étages doit être terminée avant la fin du mois de Chahrivar prochain.

Une somme de 60 millions de Rials a été prévue pour l'exécution de ce projet.

* Le foyer des architectes iraniens a célébré le 27ème anniversaire de sa fondation le 23 Mehr dernier.

* Sa Majesté Impériale la Reine a reçu en audience les trois architectes qui avaient établi les trois meilleurs projets pour le théâtre d'Espahan.

MM. Les Ingénieurs architectes :

Houchang Echrag,

Fercydoun Davar-Panah,

et Djavad Hatami

ont reçu leurs prix de la main de Sa Majesté.

Les prix étaient les suivants :

1— une somme de 300.000 rials pour le premier et le meilleur projet présenté par M. Echrag,

2— 250.000 rials pour le deuxième projet présenté par M. Davar - Panah,

3— 150.000 rials pour le troisième projet présenté par M. Djavad Hatami.

* Sa Majesté Impériale la Reine a reçu le corps directeur du Conseil des Architectes iraniens dans le Palais de Niavaran, le 13 Aban, dans l'après-midi.

Au cours de cette audience, Sa Majesté a insisté pour que les architectes évitent les imitations inutiles et tendent à faire revivre les traditions architecturales iraniennes.

Sa Majesté a insisté aussi sur la nécessité de protéger les monuments anciens qui gardent la marque de ces traditions et elle a ordonné la réunion d'un Séminaire International pour l'étude des problèmes de l'architecture iranienne.

* Après le funeste tremblement de terre du Khorassan, le Conseil des Architectes Iraniens a réuni une Conférence de Table Ronde à l'Université de Téhéran en date du 1er Aban dernier.

MM. Les Ingénieurs, Manoutchehr Haguigui, Ali Akhbar Mocin et Djavad Salchi, qui ont étudié les tremblements de terre et possèdent une grande expérience sur le sujet prirent la parole au cours de cette réunion, en présentant des films documentaires et des projections.

Nouvelles concernant la Société des Architectes Iraniens:

* Les membres fondateurs de la Société des Architectes Iraniens, avec le concours d'autres collègues, ont commencé leurs travaux depuis le mois de Dey 1343.

Le règlement du conseil a été accepté par les autorités impériales iraniennes.

Le Conseil se compose de plusieurs comités, dont :

- 1— Comité des affaires internationales
- 2— Comité des publications
- 3— Comité de l'acceptation des membres
- 4— Comité de droit
- 5— Comité des recherches
- 6— Comité des revenus
- 7— Comité de la préparation des programmes et des projets
- 8— Comité des élèves universitaires.

* Le Conseil National de l'Architecture Iranienne a été créé sur l'ordre de Sa Majesté Impériale le Chahinchah Arya-Mehre pour stimuler l'étude et l'exemple des méthodes de l'ancienne architecture iranienne.

Avec l'approbation de ce Conseil, un grand prix de l'Architecture sera attribué à la plus belle et authentique construction de l'année, le 4 Aban, jour de l'anniversaire de Sa Majesté Impériale Arya-Mehre.

Trois membres du Conseil ont gagné le premier prix de l'architecture de l'année courante :

1 — M. L'Ingénieur Reza Moghtadegh pour le projet de l'hôpital des Aveugles dont la construction est déjà terminée,

2— Mmc L'Ingénieur Andref-Metrega, pour le projet de l'hôpital Pahlavi à Chiraz dont la construction est déjà terminée,

3— M. L'Ingénieur Fereydoun Davar-Panah, pour un projet théorique qui n'a pas reçu d'exécution.

* Le professeur anglais Chanceland, célèbre architecte urbaniste a fait au cours de deux journées des conférences dans les Facultés d'architecture à l'Université de Téhéran et à l'Université Nationale.

Le célèbre architecte anglais était invité par l'UNESCO sur la demande du Conseil des Architectes Iraniens.

* Le Ministre bulgare de la Construction sur l'invitation du Ministère iranien de l'Habitation et de la Construction, a rendu une visite à Téhéran au cours de laquelle il a eu des pourparlers avec les autorités compétentes concernant le projet du Grand Téhéran.

Les projets de la Grande Exposition Asiatique, les pavillons de cette Exposition, la construction d'un Stade pour 100.000 spectateurs et l'ensemble du projet olympique de la capitale ont été également abordés au cours de ces pourparlers.

Une congrès mondial sur l'architecture se tiendra au mois de septembre prochain à Isfahan a déclaré l'ingénieur Nasser Badii, sous - secrétaire d'Etat au ministère du Développement et du logement.

L'ingénieur Badii a ensuite ajouté que cette conférence durerait 10 jours et qu'elle serait probablement inaugurée par SMI le Chahinchah.

A l'heure actuelle, les autorités responsables sont en train de préparer le palais des Quarante Colonnes d'Isfahan pour recevoir une cinquantaine des meilleurs architectes de divers pays du monde.

Le sous - secrétaire d'Etat du ministère du Développement et du Logement a également expliqué les objectifs de ce congrès :

— Faire mieux connaître aux architectes étrangers l'originalité des monuments historiques de l'Iran et notre architecture ancienne.

— Coordination dans l'architecture moderne et ancienne.

* Dans le district d'Abbas-Abad, de la capitale deux grands bâtiments seront construits l'un pour la Société Iranienne du Pétrole, et l'autre pour la Municipalité de Téhéran.

Le projet de la construction municipale sera mis en concours entre les membres du Conseil des Architectes Iraniens.

* M. L'Ingénieur Seyhoun, membre et Sous-Directeur du Conseil des Architectes Iraniens, a été élu membre du Conseil municipal de Téhéran.

* M. L'Ingénieur Seyhoun, membre et Sous-Directeur du Conseil des Architectes Iraniens, a fait un voyage d'étude en Irak, en compagnie de 43 élèves de la Faculté d'Architecture.

* Le Cinquième Congrès mondial de l'Art et de l'Archéologie iranien a été inauguré à la Salle Roudaki, en présence de Sa Majesté Impériale le Chahinchah à la date du 21 Farvardine de l'année passée.

Plus de 130 savants et experts de 28 pays du monde, ont participé au congrès.

* Le Ministère de la Guerre, sur ordre de Sa Majesté Impériale Arya-Mehre, a mis en concours l'établissement d'un projet pour le Cimetière des Officiers de l'Armée Impériale, entre les membres du Conseil des Architectes Iraniens.

C'est le projet de M. L'Ingénieur Khosro Khazai qui a été désigné le premier par le jury composé des experts.

* Le projet de M. L'Ingénieur Robert Grigorian, pour le Cimetière municipal de la capitale a été désigné le meilleur parmi tous ceux qui ont été dressés par les Ingénieurs de la Municipalité de Téhéran.

Le deuxième et le troisième projet ont été présentés par MM. les Ingénieurs Khazai et Morade.

M. L'Ingénieur Seyhoun, Sous-Directeur et membre du Conseil des Architectes Iraniens accompagné de M. L'Ingénieur Khosro Khazai, qui avait présenté le meilleur projet pour le Cimetière Impérial des Officiers de l'Armée iranienne, ont été reçus en audience par sa Majesté Impériale le Chahinchah.

Au cours de cette audience, ils ont présenté des explications sur ledit projet.

* Le premier et meilleur projet pour la construction du Club des membres du Ministère de l'Intérieur a été présenté par M. L'Ingénieur Iradj Kalantari.

Le projet avait été mis en concours entre les architectes dudit Ministère.

Le deuxième projet était celui de M. L'Ingénieur Kassen Chahrashi, et le troisième était présenté par MM. Les Ingénieurs Ahmad Zirakzadeh et Ahmad

ART ET ARCHITECTURE
~~~~~  
ABDOL HAMID — ECHRAGH  
DIRECTEUR EN CHEF

Avec La  
Collaboration.  
Louis Dien.

H — Malek Nassr

— Administration :

92 Av. 21 Azar

Tél. 40721 - 40416

Teheran, Iran

Le Numero 15F

Abonnements Iran (4NS) — 50F

Juin 1969

IM. — SEKEH

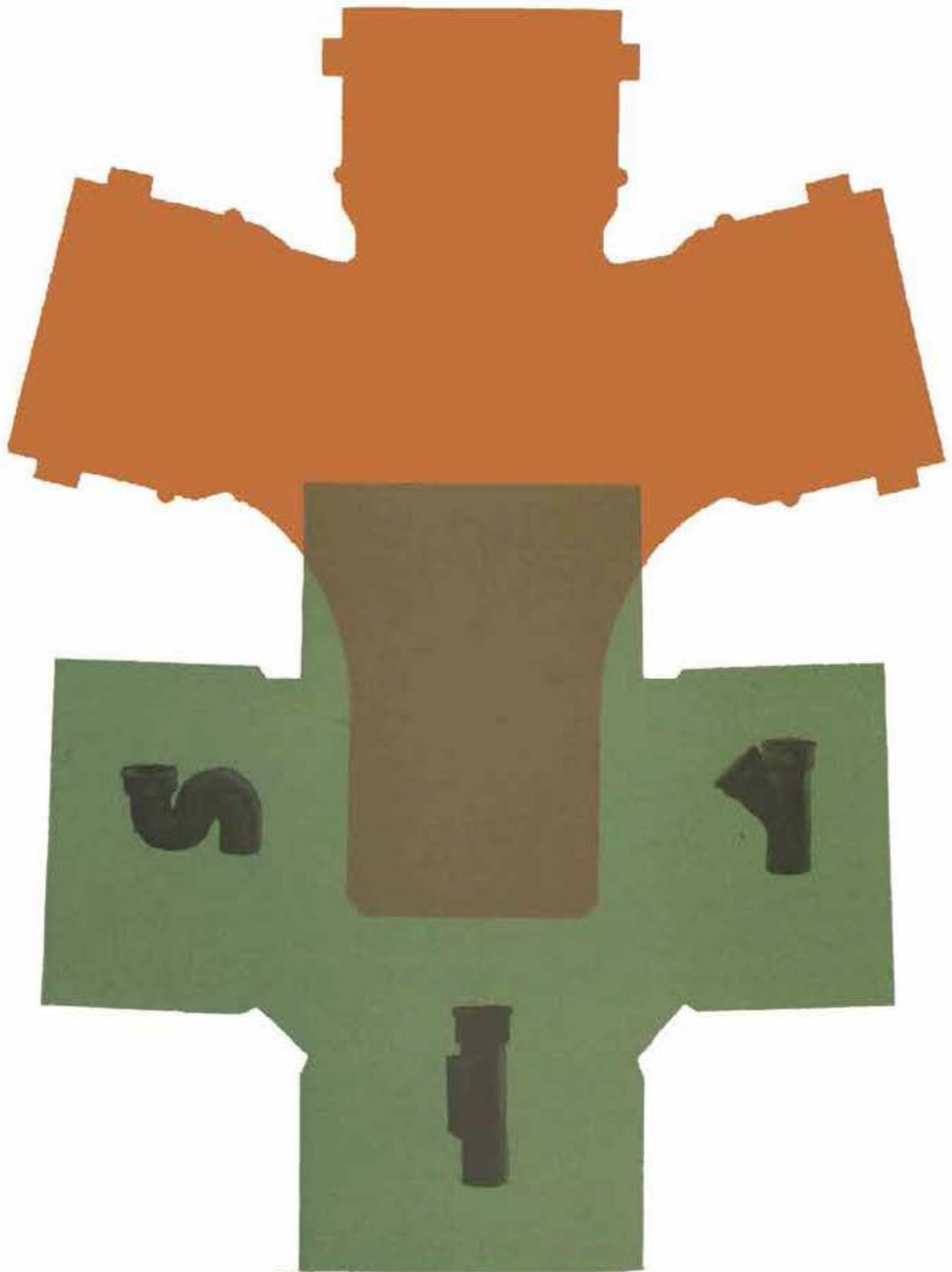
Tél 313934





# **ART ET ARCHITECTURE**





پارس متال  
بی نیاز کننده کشور از  
لوله و اتصالات چدنی  
فاضل آب خارجی

آدرس دفتر شرکت  
خیابان ویلای شمالی  
شماره ۳۳۳  
تلفن : ۶۳۷۴۳۳-۶۳۹۹۴۶



علامت اطمینان



